

## ولایت مهدوی در کلام رضوی

چکیده

در ابتدا به بحث و بررسی در رابطه با امامت و ولایت در کلام امام رضا (ع) پرداختیم .

از آنجا که امامت رسالتی الهی به شمار میرود ، به اثبات اصل ولایت پرداخته به این نتیجه رسیدیم که ولایت روح و اساس دین است و ضرورت وجود امام در هر عصر و جایگاه امام را از دیدگاه آیات و روایات بررسی نمودیم . سپس برای شناخت امام عصر (عج) به سیما و سیره مهدی (عج) اشاره نمودیم .

و در ادامه به علائم و نشانه های ظهور که شامل اسرار غیبت ، وظائف شیعیان و انتظار فرج ، فتنه های آخرالزمان در آینه کلام رضوی است، پرداختیم .

علائم ظهور و حکومت جهانی از جمله مباحثی بود که از نگاه امام رضا (ع) مورد بررسی قرار گرفت . سپس در خاتمه به هجرت تاریخی امام رضا (ع) به ایران که موجب مهاجرت تعداد زیادی از شیعیان و امامزادگان به ایران شده و نهایت نیز گسترش مذهب شیعی در ایران را در پی داشت ، پرداخته و بیان کردیم که بر اثر این عوامل، ایران به عنوان کشوری در جهت زمینه سازی ظهور در بین سایر سرزمین های اسلامی پیشگام گردیده است .

والسلام

مقدمه

بر حسب عقیده عموم مسلمین و صریح آیات قرآن کریم، و طبق مدارک قطعی و احادیث متواتر، هنگامی که دنیا گرفتار سخت ترین اضطرابات شود، ظلم و بیدادگری در همه جا شعله ور گردد، امنیت، آسایش، اخوت و برادری از میان جوامع بشری رخت بریندد، حقوق مستضعفان و محرومان پایمال شود آیا در این شرایط بشر برای دست یافتن به مقاصد جاه طلبانه و سیطره بر دیگران به هر وسیله ای دست می زند و آیا آرام می نشیند و از جنگ پرهیز می کند؟

آیا همین علل و موجبات سبب نمیشود که بشر از یک سلسله انقلابات جهانی آنگاه که از کوشش ها و تلاش هایش جز محو مدنیت و اخلاق ثمری ندیده، برای قبول حکومت عدل جهانی آغوش خود را بگشاید و

بی صبرانه منتظر مصلح جهانی باشد؟

برای عالمان و محققان دو مسأله واضح و مسلّم است:

نخست اینکه، ظهور حضرت مهدی (عج) یک مسأله اسلامی خالص است که مسلمانان، آن را از زبان پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) شنیده و به آن معتقد شدند و دیگر نیازی به اثبات ندارد.

دوم اینکه: تعیین او در فرزند منحصر به فرد «حضرت امام حسن عسکری (ع) نیز عقیده ای است که از اهل بیت رسالت، قبل از ولادت «حضرت مهدی» (عج) یعنی قبل از سال ۲۵۵ هجری و قبل از ولادت پدر بزرگوارش گرفته شده است، و «اهل بیت» (علیهم السلام) هم اخبار خود را مستند به «رسول خدا» (ص) داشته اند. علاوه بر احادیثی که از طرق اهل سنت نیز در این باب رسیده است. و احتمال اینکه اخبار جعلی باشند غیرعقلانی و مردود است، زیرا نویسندگان کتب حدیثی مذکور، به وثاقت و امانت معروف و مشهورند.

بر این اساس امام زمان (عج) طبق کلام معصومین (علیه السلام) خورشید پنهانی است که، «فَإِذَا أَخْرَجَ اشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ» آن گاه که قیام کند، زمین به نورش منور و درخشان می شود. او بقیه الله و ذخیره هستی است که بشریت در طول تاریخ به تمنای ظهورش امیدوارند، حتی انبیاء الهی و ائمه هدی، دل به عظمت او سپرده و مشتاق دیدارش هستند.

همچنان که امیرالمومنین علیه السلام با شیفتگی کامل از شوق دیدارش آه می کشد. امام باقر علیه السلام در حسرت دیدارش می سوزد. امام صادق علیه السلام بسان مادر فرزند مرده شیدا، در غم فراقش می نالد و امام رضا علیه السلام با دیدگانی اشکبار به احترام نامش به تواضع ایستاده و دعای فرج می خواند و این نیست جز گامی بلند در معرفی عظمت آن مقام والا و تنویر و روشن گری افکار بشری در مسیر پاسداری از ولایت به عنوان باب هدایت و دروازه سعادت انسانی که غیر آن، همه باطل و گمراهی است.

چه اینکه جایگاه آن ها در بلندای آفرینش آنچنان رفعت یافته، بلکه در برترین منازل قرب الهی سکنی گرفته اند که اندیشه های ژرف نگر بشری، قادر به درک عظمت و نورانیت آن نخواهد بود. و هر کلامی در این باره، تنها به جلوه ای از جمال و کمال آن ها اشارتی دارد. آنان نخستین جلوه آفرینش و سرچشمه فیوضات الهی هستند که برای هدایت بشریت، جامه انسانی بر تن نوره تا الگویی بر روی مردم باشند.

بنابراین همت معصومین علیه السلام در معرفی امامان پس از خود و نیز اصرار در بیان عظمت مقام و ویژگی های خاص امام عصر علیه السلام، پاسداری از ولایت و جلوگیری از انحراف آن است، که هر یک به گونه ای به بیان آن پرداخته اند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ به این سوال که « آیا ما قائم به حق هستید؟ » فرمودند :

« أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يُثَبَّتُ فِيهَا آخَرُونَ »

« من قائم به حق هستم و لیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک سازد و پان را عدل و داد آکنده نماید، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، او پنجمین از فرزندان من است. او غیبتی طولانی دارد. زیرا بر نفس خود می هراسد و اقوامی در آن غیبت ، مرتد شده و اقوامی دیگر در آن ثابت قدم خواهند بود.

همچنین در زمان امام رضا علیه السلام که پذیرش ولایتعهدی زمینه ساز اناندیشه در افکار مردم شده که او صاحب الامر منتظر موعودی است که به ظهورش مژده داده اند، آن حضرت در مناسبت های مختلف برای رفع این شبهه به معرفی بیشتر صاحب الامر مبادرت می فرمود . از جمله اینکه در پاسخ سوال ایان بن صلت که پرسید: « آیا شما صاحب الامر هستید ؟ فرمودند:

« أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَ لَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا

وَ كَيْفُ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَاتَرِي مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَ إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا أَخْرَجَ كَانَتْ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرَ الشَّبَابِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ...»

من صاحب الامر هستم، اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد ، همچنان که پر از جور شده باشد نیستم. و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می بینی. قائم کسی است که در سن شیوخ و منظر جوانان قیام می کند و نیرومند است ... او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در سر خویش پنهان می سازد. سپس او را ظاهر می نماید و به واسطه او زمین را از عدل و داد پر می کند همچنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلُنَا الضُّرُّوَ جِئْنَا بِبِطَاعَةٍ مُزْجَاهٍ فَأَوْفَ لَنَا الْكَيْلَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا، إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

ای پیشوای جهان اسلام ای پناهگاه مستضعفان ای امیر محرومان

ای روشنی بخش دل‌های امیدواران ای آخرین پیام رسان غیبی ای سفیر الهی ای پناه بی پناهان

آیا روزی فرا خواهد رسید که چشمان منتظر ما جمال زیبای تو را ببیند؟

آیا روزی فرا خواهد رسید این بشر غافل، به سوی کانون مهد و عطوفت الهی نایل آید؟

آیا روزی را خواهیم دید که پرچم عدل و تقوی بالا آمده باشد و ما نیز زیر آن پرچم عدالت گستر، سر به سجده شکر نهاده دردهای دنیای درونی خود را تسکن بخشیم.

وَعَدَالَهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ

مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي وَ لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

این نوشته ناقص و نارسا هر چند در شان و اعتبار شما نیست ولی دل مشغولی و زندگی با خاطرات شما را در بر دارد و چند صباح با کلمات مربوط به آن جناب انس می‌گیریم، چون عطر بوی شما را از کلمات و حروف ویژه عالم آل محمد (ع) استشمام می‌کنیم به این امید که خداوند متعال، چشمان گناه آلود ما را با جمال نورانی ان یادگار زهرای اطهر (ع) روشن فرماید

و به ما آن توفیق را عنایت فرماید که در غیبت طولانی شما، حفظ غیبت نموده و حرمت شما را پاس بداریم و از شریعت نبوی که مورد علاقه و آرمانهای تمام انبیاء شما و اولیا الهی است پشتیبانی و دفاع نماییم. به امید روزی که در کنار شما مصلح جهانی و در پیش پای آنها تجسم عدل الهی ره بسپریم و از هدایت و رهنمودهای شما نور دیده جهان هستی بهره بگیریم.

بر این اساس ولایت حضرت مهدی ارواحنفاذاه اقیانوس بی‌کرانی است که هر کس نسبت به معرفت و محبت خود می‌تواند در آن به پیش برود و غور کند تا جایی که به مقام «منا اهل بیت» برسد.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ

خدایا ما در انتظار دولت کریمه ای هستیم که اسلام و اهل آن را عزیز و سر بلند سازد. به امید آن روز و در آرزوی قبول دعاها. آمین یارب العالمین.

فهرست مطالب

فصل اوّل:

بررسی حقیقت ولایت و امامت

الف ( معنا و مفهوم امامت

ب ( معنای ولایت

ج ( انواع ولایت در قرآن

د ( کاربرد ولایت در قرآن و حدیث

هـ ( امامت و نبوت

و ( رابطه امامت و ولایت

ز ( حقیقت ولایت و امامت

ح ( آثار ولایت

فصل دوّم

فلسفه امامت و ولایت

الف ( ضرورت شناخت امام

ب ( فلسفه وجودی امام

ب ( ضرورت وجود امام در هر عصر

د ( اعتقاد به مهدویت

فصل سوّم

جایگاه امامت از دیدگاه امام رضا (ع)

الف ( مقام امامت فراتر از درک بشریت

ب ( جلوه‌های امام در تمثیل امام

ج ( بلندای مقام امام

## فصل چهارم

شناخت امام عصر (ع)

الف ( سیمای مهدی (ع)

ب ( سیره مهدی (ع)

## فصل پنجم

دوران قبل از ظهور

الف) اسرار غیبت

ب) احوال مردمان در زمان غیبت

ج) نابسامانیهای اجتماعی

د) انتظار فرج

ه) وظایف شیعیان در زمان غیبت

## فصل ششم

عصر طلایی ظهور

الف) نشانه های ظهور

ب) مفهوم لغوی و اصطلاحی رجعت

ج) حکومت جهانی

## فصل هفتم

زمینه سازی ظهور در ایران

الف) نفوذ معنوی امام رضا (ع) در ایران

ب) مهاجرت امام زادگان به ایران

ج) ایران پایگاه نشر معارف شیعی

## فصل هشتم

دعا و نیایش در کلام رضوی

الف) دعای امام رضا (ع) در قنوت نماز جمعه

ب) آغاز زیارت جامعه

ج) دعای مخصوص برای حفظ صاحب الامر (عج)

فهرست منابع

فصل اول

بررسی حقیقت ولایت و امامت

الف) معنا و مفهوم امامت

در کتب لغت، معانی مختلفی برای واژه « امام » ذکر شده، از جمله ؛ پیشوا و کسی که در کارها به او اقتدا می‌شود. اما بنابر نظر « التحقيق » ماده اصلی آن « اَمَّ » به معنای ؛ « قصد کردن توأم با توجه خاص » است. و امام به معنی مقتدا، به کسی گفته می‌شود که مردم با قصد و توجه خاص به سراغ او می‌روند، چه بر حق باشد یا باطل.

بنابراین امام، یک لفظ خاص و انحصاری نیست، بلکه شامل هر الگو و رهبری می‌باشد، چه به سوی تکامل رهنمون سازد و یا انحطاط و پستی ! و قرآن کریم نیز ضمن تأیید این معنا، با تعبیر ( وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا... ) ، به پیشوایان عادل و صالح اشاره کرده که باعث تکامل و سعادت جامعه انسانی شده و آن‌ها را به سوی امر الهی سوق می‌دهند. و در آیه‌ای دیگر، با عبارت ( وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ... ) ائمه جور و رهبران ناصالح را معرفی می‌کند که انسان‌ها را به نابودی می‌کشانند. که البته مدار بحث مادر این پژوهش، پیشوایان بر حق است.

شایان ذکر است که آنچه قرآن، تحت عنوان امامت مورد بحث قرار داده، مافوق آن رهبری است که بشریت آن را می‌شناسد و از حدود مدیریت در مسائل اجتماعی تجاوز نمی‌کند، بلکه منظور قرآن، علاوه بر رهبری اجتماعی، رهبری معنوی به سوی خدا می‌باشد.

واژه ولی، ولاء، ولایت، مولی و... همه از ماده « ولی » به معنای « قرب و نزدیکی » اشتقاق یافته که با بیش از دویست کاربرد، از پر استعمال‌ترین واژه‌های قرآنی به شمار می‌رود و مسلماً کثرت کاربرد، دلیلی بر اهمیت آن خواهد بود.

واژه « ولایت » به معنی « قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است، به نحوی که فاصله‌ای میان آن‌ها نباشد ». بنابراین، ولایت با معنای اتصال و قرب، گاهی در امور معنوی به کار گرفته می‌شود و گاه در امور مادی. و لازمه این قرب، تصدّی و سرپرستی امور و یا نصرت و محبّت خواهد بود.

بر این اساس، راغب، ولایت ( به کسر « و » ) را به « نصرت » و ولایت ( به فتح « و » ) را به « سرپرستی و ولایت امر » معنا کرده است، و البته معتقد است که بعضی، حقیقت در هر دو واژه را همان سرپرستی و صاحب اختیاری می‌دانند .

ولایت به معنای نصرت و محبّت که ناشی از تقرّب دو طرف است و هر یک، از نصرت و دوستی دیگری برخوردار خواهد بود، هم در بین انسان‌ها قابل تصوّر است و هم بین خدا و بندگانش. همچنان که ولایت به معنی سرپرستی نیز در بین انسان‌ها وجود دارد .

علاوه بر آن، قرآن گاهی از ولایت خدا سخن به میان می‌آورد، گاه ولایت شیطان، و در مورد انسان نیز یا بحث از جنبه مثبت شده است و یا جنبه منفی آن.

### ج ( انواع ولایت در قرآن

با عنایت به کاربردهای قرآنی، دو نوع « ولایت » مستفاد می‌گردد :

#### ۱ - ولایت منفی

قرآن در شماری از آیات خود، لزوم اجتناب از پذیرش ولایت شیطان را گوشزد می‌کند و آن را عاملی در جهت فساد و انحطاط جامعه معرفی می‌نماید :

( وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَلْيُوحُونََ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ )

شیطان‌ها به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند.



و نیز می‌فرماید :

( فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ )

شیطان، اعمالشان را در نظرشان آراست و امروز او ولی و سرپرستشان است.

همچنین قرآن، همواره مسلمانان را نسبت به دوستی و پذیرش سرپرستی دشمنان و افراد غیر مسلمان، منع کرده و به آنها هشدار می‌دهد که در روابط خود، جانب احتیاط را نگه دارند :

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَ - وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ... )

ولایت دشمن من و خودتان را نپذیرند و با آن‌ها طرح دوستی نریزند.

چرا که آن‌ها نسبت به جامعه توحیدی بیگانه‌اند و به قرآن و دستورات الهی کفر می‌ورزند. آن‌ها دوست دارند، بلکه می‌کوشند تا شما را به سوی آیین خود فراخوانند. و نیز پذیرش ولایت باطل، به معنای به بیراهه افتادن و دور شدن از راه حق است :

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ )

پس نباید تظاهر دشمنان به دوستی با مسلمانان، سبب غفلت آن‌ها گردیده و موجبات اطمینان به کافران را بر ایشان فراهم سازد. زیرا کافران، حق ولایت نسبت به مؤمنان را ندارند :

( لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ )

و همچنین خضوع و گرایش به ستمگران و پشتگرمی به وعده‌های آن‌ها، سرنوشتی هلاکت بار برایشان رقم خواهد زد .

۲ - ولایت مثبت

نوع دیگر از ولایت، که قرآن نسبت به پذیرش آن تأکید فرموده، در دو قسم قابل بررسی است:

- ولایت عام : علاقه‌مندی و وابستگی افراد جامعه با ایمان به سرنوشت یکدیگر، یک نوع احساس مسؤولیت متقابل را در آن‌ها احیا نموده تا با رعایت امر به معروف و نهی از منکر همواره مراقب هم باشند:

( وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ )

که این، خود عاملی در جهت اصلاح جامعه به شمار می‌رود.

- ولایت خاص: در قرآن و روایات فراوانی از طریق عامّه و خاصّه، التزام به پذیرش نوعی ولایت نسبت به خاندان رسول خدا توصیه شده است. از جمله :

آیه اولی الامر :

( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... )

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و پیامبر و صاحبان امر را که از شمایند فرمان ببرید...

بر طبق آیه (... فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ... ) ولایت در خداوند انحصار دارد و ولایت پیامبر و ائمه معصومین :: تجلی ولایت حق است. در این رابطه حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود :

« مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي فَلْيُوَالِّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ فَإِنَّ وَلَايَتَهُ وَلَايَتِي وَوَلَايَتِي وَلَايَةُ اللَّهِ ».

هر کس به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده است، باید ولایت علی بن ابیطالب را بپذیرد. زیرا ولایت او، ولایت من و ولایت من ولایت خداست.

که در واقع مسیر ولایت، در این حدیث به طور صریح بیان شده است.

نکته قابل توجه این که ولایت پیامبر و ائمه معصومین، نه در عرض ولایت خداست، و نه در طول آن. زیرا هیچ کس در برابر خدا از ولایت اصیل و مستقل برخوردار نیست. و همچنین برای خداوند که نامتناهی است نمی‌توان مقطعی تصوّر کرده و بگوئیم پس از آن نوبت ولایت دیگری است. بنابراین آن‌ها در ولایت خود، مظهر ولایت خداوندی هستند.

آیه ولایت :

( إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ )

همانا دوست و سرپرست شما، خداوند و پیامبرش و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، آنان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند در حالی که در رکوعند.

روایات شیعه و اهل سنت در شأن نزول آیه، درباره امیر المؤمنین (ع) اتفاق نظر دارند. تنها اختلاف آن ها در معنای واژه ولایت است. به طوری که علمای اهل سنت از بین معانی ولایت، معنای نصرت و محبت را برای این آیه برگزیده‌اند. تفسیر « المنار » در این رابطه می‌گوید : « ما از سیاق، دانستیم که ولایت در اینجا به معنی نصرت است » .

د ) کاربرد ولایت در قرآن و حدیث

کاربرد ولایت در لسان آیات قرآن و روایات اسلامی عبارت است از ؛

۱ - محبت

اولین مرتبه از ولایت که در آیات و روایات فراوانی نسبت به آن تأکید شده، محبت و مودت نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) است :

( قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ... ) ؛

بگو برای [ رساندن پیام ] هیچ فردی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی درباره خویشاوندان نزدیکم...

امام رضا (ع) در ذیل این آیه، آنجا که تفاوت « عترت » و « امت » را بیان می‌کردند، فرمودند :

این، خصوصیتی است خاص آل پیامبر و نه دیگران. چرا که اولاً ؛ خداوند مودت اهل بیت را واجب نفرمود، مگر به این جهت که دانست آنان هیچ گاه از دین بر نمی‌گردند و به سوی گمراهی نخواهند رفت. ثانیاً اینکه چه بسا قلب انسان نمی‌تواند خالصانه دوستدار کسی باشد که نسبت به بعضی از افراد خانواده‌اش دشمنی کند. و چون خدا می‌خواهد که دل رسول الله نسبت به مؤمنان، دوستی خالصانه داشته باشد، محبت نسبت به آنها را واجب کرده است. و لذا هر کس این دستور را عمل کند، مورد محبت رسول خدا قرار می‌گیرد و هر کس آن را ترک کند، از دوستی او محروم می‌شود .

البته دلالت این آیه بر اهل بیت پیامبر :: مورد قبول همه مسلمانان است و اختلافی بین شیعه و سنی وجود ندارد، مگر ناصبی‌ها که مبغض اهل بیت هستند و محکوم به نجاست .

زمخشری در ذیل آیه، منظور از « القربی » را اقربای نزدیک پیامبر برشمرده و ضمن آن، حدیثی از پیامبر (ص) نقل می‌کند که در آن دوستی و ولایت اهل بیت، هم‌درجه با شهیدان و مایه آمرزش از گناهان و ورود به بهشت و رحمت الهی معرفی شده است .

همچنین در منابع شیعه از پیامبر (ص) نقل شده که فرمودند :

« أَثْبَتَكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي » .

ثابت قدم‌ترین شما بر صراط، کسی است که محبت وی نسبت به خاندان من شدیدتر باشد.

قرآن درباره رمز این توصیه می‌فرماید :

( قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ... ) .

بگو هر اجر و مزدی از شما خواسته‌ام برای خود شماست....

چرا که ولاء محبت به عنوان مقدمه‌ای برای سایر ولایت‌ها، عامل بسیار ارزنده‌ای در تربیت انسان است و

زمینه‌سازی برای قبول ولایت و امامت اهل بیت پیامبر : به شمار می‌رود.

امام رضا (ع) برای فردی از اهل سنت که از ایشان خواست تا با دست‌خطی از خود، او را به تبرک آن مشرف

سازند، مرقوم فرمودند :

« كُنْ مُحِبًّا لِأَلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنْ كُنْتَ فَاسِقًا وَ مُحِبًّا لِمُحِبِّيهِمْ وَ إِنْ كَانُوا فَاسِقِينَ » .

دوستدار آل محمد باش اگرچه فاسق باشی و محبت آن‌ها را هم دوست بدار اگرچه آن‌ها فاسق باشند.

زیرا امید داشتند که او از این رهگذر به هدایت برسد.

همچنین از آن حضرت روایت شده که پیامبر به امیر المؤمنین فرمودند :

« خوشا به حال آن کسی که تو را دوست بدارد و تو را تصدیق کند. و وای به حال کسی که از تو بدش بیاید و تو

را تکذیب نماید. دوستداران تو در دورترین طبقات زمین و آسمان به ورع و خوش‌رفتاری و تواضع و خشوع در

برابر خدا شناخته شده‌اند. آن‌ها حق ولایت تو را شناخته‌اند و چشمانشان از سر محبت تو و امامان از نسل تو

گریان است. آن‌ها به سنت پیامبر متدین‌اند و به فرمان اولو الامر عامل و فرمانبردار و نسبت به یکدیگر روابطی دوستانه دارند.»

پس معلوم است که ثبوت دوستی و اظهار ارادت و محبت نسبت به اهل بیت، در عمل کردن به دستورات آن‌هاست. و این نکته در کلام صریح اهل بیت : نمود یافته و افرادی با نام تشیع که اثر چشمگیری از تعلیمات اهل بیت در عمل خود ندارند، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. از امام علی بن موسی الرضا (ع) نقل شده که ؛ روزی از دوستان خود درباره آیه (... إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...) پرسیدند، یکی از حاضران عرض کرد : « بعضی معتقدند که معنی آن این است که فرزند نوح ( کنعان ) فرزند حقیقی نوح نبوده است. » امام فرمودند :

« كَلَّا لَقَدْ كَانَ ابْنُهُ و لکن لَمَّا عَصَى اللهُ نَفَاهُ عن ابیه، كذا مَنْ كَانَ مِنَّا و لم یطع اللهَ فَلَيْسَ مِنَّا »

نه چنین نیست. او براستی فرزند نوح بود. اما هنگامی که گناه کرد و از جاده اطاعت فرمان خدا قدم بیرون نهاد، خداوند فرزندی او را نفی کرد. همچنین کسانی که از ما باشند ولی اطاعت خدا نکنند، از ما نیستند.

و نیز آن امام همام در نقل دیگری از پیامبر (ص) فرمودند :

« هر کس دوست دارد به کشتی نجات سوار شود و به دستگیره محکم چنگ زند و با ریسمان قوی الهی خود را حفظ کند، باید بعد از من، علی را دوست بدارد و دشمنان علی را دشمن برگزیند. و به ائمه هدایتگر که از فرزندان اویند، تأسی نماید و آنان را امام خود بداند. زیرا آنان خلفاء و اوصیاء من و بعد از من حجت‌های خدا بر خلق بوده و سرور امت و رهبر متّقین به سوی بهشت هستند. حزب آنان حزب من و حزب من حزب خداست و حزب دشمنان ایشان حزب شیطان است.»

پس محبت و مودت شرط کافی برای پذیرش ولایت نیست، اگر چه شرط لازم آن است. و بدون عمل به دستورات آن‌ها، ولایت تحقق نمی‌یابد.

محبت به آل محمد (ع) زمینه‌ساز قبول امامت و مرجعیت دینی است که با پیروی از احکام و الگوگیری از آنها محقق می‌شود. ولی در این معنا، مبلغ و کارشناس دین و مفسر قرآن است، علاوه بر آن که ملجأ و پناهگاهی برای مردم در سختی‌ها و ناهنجاری‌ها به شمار می‌رود.

پیامبر (ص) که در مقام عصمت، الگوی جامعه انسانی معرفی شده و مردم باید در رفتار و اخلاق، به او اقتدا کنند تا مورد مهر و رضایت الهی قرار گیرند، در آخرین لحظات عمر خود، اهل بیت خویش را به پیشوایی مردم برگزید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي ( اهل بیته ) وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ » .

که در جایی دیگر چنین ادامه داده‌اند: «فَلَا تُقَدِّمُوهُمَا فَتَهْلِكُوا وَ لَا تُقَصِّرُوا عَنْهُمَا فَتَهْلِكُوا وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ » .

من در بین شما دو چیز ارزنده باقی می‌گذارم، کتاب خدا و اهل بیتم. آنها از هم جدا نمی‌گردند، تا در حوض کوثر بر من وارد آیند. بر آنها پیشی نگیرید که تباه می‌شوید. از آنها کوتاهی نکنید که از بین می‌روید. و به آنان نیاموزید که از شما داناترند.

و نیز طبق نقل امام رضا (ع) از پیامبر، ایشان فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ

مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا » .

من دو چیز گرانبها را برایتان باقی می‌گذارم که یکی از آن دو از دیگری بزرگ‌تر است. آنها عبارتند از: کتاب خدا که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و عترتم اهل بیتم. پس بنگرید که چگونه پس از من با آن دو رفتار می‌کنید.

همچنین پیامبر در کلامی دیگر مصداق اهل بیت را به طور صریح و شفاف بیان نموده تا راه ولایت بر همگان آشکار گردد. ایشان فرمودند:

«إِلَّا أَنِّي مَخْلَفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عِزُّ وَ جَلُّ وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي » .

بدانید که من در بین شما کتاب پروردگارم و نیز عترت و اهل بیتم را باقی می‌گذارم.

سپس دست حضرت علی را گرفته و بلند کردند و فرمودند :

« هذا علیٌّ مع القرآن و القرآن مع علی خلیفتان بصیران لا یفترقان حتی یردا علی الحوض فأسألهما ماذا خلّفت فیهما »

این علی است که همواره همراه قرآن است و قرآن نیز با اوست. آن‌ها دو باقیمانده روشن و آگاهی هستند که پیوند آن‌ها هرگز از هم نمی‌گسلد تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند. و من درباره آن‌ها از شما بازخواست خواهم کرد.

در این سخنان، پیامبر اکرم (ص) با قرین‌سازی و عدل قرار دادن اهل بیت : با قرآن، مقام عصمت را در آنان ستوده و افکار جامعه بشری را به این سو سوق داده که راه حق جز این نیست.

پس آن‌ها حجّت‌های خدایند که باید اسوه و مقتدای انسان‌ها باشند. و در این راستا پیشی گرفتن یا عقب ماندن از آن‌ها، جامعه را به انحطاط می‌کشاند. بلکه با پذیرش ولایت آن‌ها و تسلیم در برابر فرمانشان، سلامت دین و دنیا تضمین می‌گردد.

۳ - رهبری اجتماعی

حقّ ولایت امری مسلمین و زمامداری امور جامعه، از سوی خداوند، پس از پیامبر (ص) به کسانی تفویض شده که حجّت بر مردم و حافظ دین و دنیای آن‌ها هستند، که بر طبق آیه

( أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... ) .

اطاعت آن‌ها همچون اطاعت خدا و پیامبرش واجب است. چه آن که در مقام و منصب حکومت باشند یا نه. عدم اطاعت و پیروی از مقام ولایت، باعث انحراف و گمراهی و رشد ریشه‌های هواپرستی در جامعه خواهد شد.

همچنان که امام رضا (ع) در مورد معنی آیه

( وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ... ) ؛

و کیست گمراه‌تر از آن کسی که پیرو هواهای نفسانی خود باشد و هدایتی از طرف خدا، شامل حال او نگردد.

می‌فرماید :

« یعنی کسی که دینش را بر اساس رأی خود بدون امامی از ائمه هدی (ع) برگزیند » .

#### ۴ - ولایت معنوی

این نوع ولایت به عنوان بارزترین مرتبه آن، نوعی اقتدار و تسلط فوق‌العاده تکوینی انسانهای کاملی است که بر اثر نیل به مقام قرب الهی و بهره‌مندی از لطف و عنایات خاص او، به اوج معنویت دست یافته، با نفوذ غیبی و ولایت بر جهان طبیعت و نفوس انسان‌ها، به ضمائر عالم مسلط شده و شاهد بر اعمال مردم هستند.

به عبارت دیگر ولایت معنوی، شأن انسان‌هایی است که از هواهای نفسانی پاک باشند و انبعاث و برانگیخته شدن اراده‌شان با تحریک و اشاره‌ای غیبی صورت گیرد . یعنی علم آن‌ها از جانب خداست و درک و فهم آن به اراده‌ای الهی بستگی دارد. به طوری که حقایق پوشیده عالم بر آن‌ها مشهود می‌گردد. و بر طبق روایات، آن‌ها حجت اهل زمین و واسطه فیض الهی به اذن خدا هستند. چرا که برای بشر خاکی، درک فیض از مبدأ فیاض ممکن نیست. پس به حکم آیه ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ... ) باید به یک وسیله معنوی الهی تمسک جوید تا بهره‌مندی از فیض الهی میسر گردد.

امام رضا (ع) این وسیله الهی را بر طبق کلام پیامبر (ص) چنین تبیین می‌فرماید :

« الاثمة من ولد الحسين، من أطاعهم فقد أطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله، هم العروة الوثقى و هم الوسيلة الى الله عز و جل. » .

ائمه، از نسل امام حسین هستند. و هر کس از آن‌ها پیروی کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس از آن‌ها نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. آن‌ها دستگیره‌های محکم و وسیله‌هایی برای تقرّب به درگاه الهی هستند. ( هـ ) امامت و نبوت

نبوت، مقام راهنمایی، ابلاغ و اتمام حجت است. چنان که قرآن می‌فرماید: ( ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ... ) «پیامبر، وظیفه‌ای جز رساندن پیام [ الهی ] ندارد...». اما امامت، مقامی است برای پرورش انسان‌ها و سوق دادن آن‌ها به کمال انسانیت. ختم نبوت به معنای ختم راهنمایی الهی است نه ختم رهبری الهی. راهنمایی، تنها جنبه آموزشی و تبلیغی دارد، اما رهبری، جنبه تحریک و در راه انداختن است. امام چون خورشیدی است که با تابش وجود خود در قلب‌های آماده، سبب هدایت معنوی انسان‌ها گردیده، از تاریکی‌ها به نور رهنمون می‌سازد.



علاوه بر آن ارشاد و سامان‌دهی نیروها، تحریک اندیشه‌ها و تولید شوق و رغبت در آن‌ها و نیز بیدارسازی خفتگان و ایجاد انگیزه برای ناشکفته‌ها به سوی سازندگی، در مفهوم رهبری داخل است .

به دیگر بیان، مقام نبوت، ارائه طریق می‌کند و راه را نشان می‌دهد، در حالی که منصب ولایت و رهبری، هدایت به معنای ایصال الی المطلوب است. یعنی دست افراد را می‌گیرد و به هدف می‌رساند. چه اینکه نبی، بیم دهنده و امام، هادی است :

(... إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِ كُلِّ قَوْمٍ هَادٍ )

... تو فقط بیم دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای هست.

در ذیل این آیه، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که دست مبارک را به سینه خود نهاده و فرمودند : «

أنا المُنذر » و سپس به شانه علی (ع) اشاره نموده و فرمودند :

« و أنت الهادی. یا علی ! بک یهتدی المَهتدون مِن بعدی » .

تو هدایت‌کننده بعد از من هستی و هدایت‌شوندگان به وسیله تو هدایت می‌شوند.

بنابراین امامت، استمرار نبوت است و همچون آن، لطفی از سوی خدا. و هر آنچه در ولایت عامّه پیامبر نسبت به

مردم وجود دارد در امام نیز هست. از جمله ؛ تدبیر در شؤون و مصالح آن‌ها، اقامه عدالت و ظلم‌ستیزی در جامعه

و...

گذشته از آن، مقام امامت منصبی والاتر از نبوت است و عظمت آن مقام در آیه

( وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي

الظَّالِمِينَ )

معلوم است. آنجا که حضرت ابراهیم (ع) بعد از آن همه امتحانات سخت، شایستگی دریافت آن مقام والا را از

سوی خداوند پیدا کرد.

( و ) رابطه امامت و ولایت

امامت، مقام تحقق برنامه‌های الهی در همه ابعاد آن و هدایت و دستگیری نفوس انسانی و به عبارتی « ایصال

الی المطلوب » است. و این معنا، از سیاق آیات قرآن مستفاد می‌گردد. آنجا که می‌فرماید :

( وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ) ؛

و از آنان امامانی قرار دادیم که ( مردم را ) به فرمان ما هدایت می‌کنند. چون شکیبایی نموده و به آیات ما یقین داشتند.

که در واقع هدایت، تفسیری از امامت و امامت مقام هدایت به امر خداست. و این مقام در شأن ائمه هدی : استقرار یافته و از همین جهت است که نام مقدّس امام زمان (ع) را « صاحب الامر » گفته‌اند. این معنا نشانگر آن است که تمام مظاهر اوامر الهی در ظهور و قیام آن بزرگوار آشکار خواهد گردید. و آن، هنگامی است که فرمان خدا برای ظهور امر او صادر شود: ( لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ) ؛ و او که مجری کامل اوامر الهی است، برنامه‌های دین خدا را بر جهانیان ظاهر می‌سازد .

نکته قابل توجه این که با عنایت به آیه فوق که مقام امامت را نتیجه صبر و رسیدن به یقین دانسته و اینکه قرآن گاهی امر خدا را به « ملکوت » یعنی جنبه باطنی عالم، تعبیر نموده که مشاهده ملکوت از مقام یقین جدایی ندارد ، می‌توان به این نتیجه دست یافت که امام به عنوان هدایتگر، موجودات را از جنبه ملکوتی آنها رهبری می‌کند و مقام امامت به عنوان نوعی ولایت بر اعمال مردم با هدایت قرین گشته است. و مسلماً این هدایت به معنای « ایصال الی المطلوب » و رساندن به مقصد است نه فقط نشان داده راه یا موعظه و تذکار! بلکه به واسطه مقام قرب و نزدیکی امام به کانون هستی، باطن و حقیقت اعمال و دل‌های مردم برای او مکشوف بوده و ضمن حضور اعمال نیک و بد آنها در نزد وی، هدایت تکوینی و تأثیر باطنی و نفوذ روحانی او همچون تابش شعاع خورشید، قلب‌های آماده و مستعدّ انسانی را به سوی نور کمال سوق داده و سبب هدایت معنوی آنها می‌گردد.

بنابراین ولایت، عالی‌ترین مرتبه سیر تکاملی انسان، به معنی رهبری همه جانبه مادی و معنوی، ظاهری و باطنی، جسمی و روحی مردم است. و این، همان مقام امامت خواهد بود که شیعیان، آن را جزء اصول دین پذیرفته و در زیارت‌های خود به آن اعتراف دارند ضمن آن که بین زنده و مرده آنها تفاوتی قائل نیستند :

« وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ ... يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي ... » .

و می‌دانم که پیامبر تو و جانشینانت... به مقام و جایگاه من اشراف داشته و آن را می‌بینند و سختم را می‌شنوند و بر سلامم پاسخ می‌دهند...

امام رضا (ع) درباره معرفی این مقام می‌فرماید :

« فَتَحْنُ أَمْنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، عِنْدَنَا عِلْمُ الْمَنَائَا وَالْبَلَايَا... وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ حَقِيقَةِ النَّفَاقِ ». .

ما امنای خدا در زمین هستیم و نسبت به بلاها و مرگ‌ها آگاهی داریم... ما هر کس را که ببینیم می‌فهمیم که آیا واقعاً مؤمن است یا منافق !

پس ولایت، واقعیتی است به عنوان باطن ظواهر دینی و امام، حامل این ولایت است. و به تعبیر علامه طباطبایی ؛ امام یعنی کسی که از جانب حق برای پیشروی صراط ولایت اختیار شده و زمام هدایت معنوی را در دست گرفته است .

بنابراین رابطه امامت و ولایت به بیان استاد مطهری، اعتباری است. به این معنا که این مقام به یک اعتبار « امامت » نامیده می‌شود و به اعتباری دیگر « ولایت ». کلمه امامت که در بسیاری از تعبیرات اسلامی در مورد ولایت معنوی به کار رفته، مفهوم وسیعی به معنای پیشوایی دارد که مرجعیت دینی و رهبری سیاسی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود. همچنان که ولایت معنوی هم از زیر مجموعه‌های آن به حساب می‌آید .

امام رضا (ع) در نشان دادن سیمای امامت و نقش پویای آن با تعبیری زیبا می‌فرمایند :

« إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَ فَرْعُهُ السَّمَاءُ » .

امامت، ریشه بالنده اسلام و شاخه سربلند آن است.

در این روایت، امامت به عنوان ریشه و هم شاخه اسلام مطرح شده است. چنان که در قرآن نیز همین تعبیر آمده است :

( أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ) ؛

آیا ندیدی که خداوند چگونه گفتار و اعتقاد پاکیزه ای را به درختی تشبیه فرموده که ریشه اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است ؟...

بر طبق روایتی از امام باقر و امام صادق (ع) مقصود از ریشه استوار، پیامبر و امامان پس از او هستند و مراد از شاخه، ولایت است. یعنی اهل بیت، اصل درخت هستند و فرع آن ولایت و اعتقاد به امامت کسی است که داخل در اصل شجره است. و هر که به فرع آن چنگ زند، به اصل آن می‌رسد و به جانب آسمان بلند می‌شود. و لذا امامت به معنای رهبری امت و هدایت انسان‌ها و ریشه شجره طیبه توحید و اسلام ناب محمدی است و ولایت که نتیجه دنباله‌روی از رهبری امامان بر حق می‌باشد، معنای دیگر آن محسوب می‌شود.

ز) حقیقت ولایت و امامت

با غور و تأمل در روایات اسلامی درکی از حقیقت ولایت و امامت حاصل می‌شود که به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

۱ - رسالت الهی

بنابر روایات، یکی از اصول اولیه در ادیان آسمانی و از جمله اهداف بعثت پیامبران الهی، اعلام نبوت پیامبر اکرم (ص) و ولایت اهل بیت: بوده است. همچنان که از پیامبر چنین نقل شده که فرمودند:

قَدْ أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! سَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا عَلِيٌّ مَا بُعِثُوا؟

ملکی نزد من آمد و گفت: «درباره علت بعثت پیامبران قبل از خودت سؤال کن.»

قلتُ: «معاشر الرسول والنَّبِيِّينَ عَلِيٌّ مَا بُعِثْتُمْ اللَّهُ قَبْلِي؟»

من گفتم: «ای پیامبران علت بعثت شما قبل از من چیست؟»

قال: «عَلِيٌّ وَوَلَايَتُكَ وَوَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.» «برای ابلاغ ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب!»

و نیز در حدیثی از امام موسی بن جعفر (ع) است که فرمودند:

«وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِنَبْوَةِ مُحَمَّدٍ وَ وَلَايَةِ عَلِيٍّ.»

در تمامی کتب انبیاء ولایت علی (ع) نوشته شده و هیچ پیامبری به مقام نبوت نرسیده، مگر آن که به نبوت

رسول اکرم (ص) و ولایت حضرت علی (ع) اقرار نموده است.

خود پیامبر (ص) نیز نسبت به تأکید بر این مسأله مأموریت داشت. که از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «رسول خدا را یک صد و بیست بار به آسمان‌ها عروج دادند و در هر بار خدای متعال او را بیش از هر فریضه‌ای به ولایت علی (ع) و ائمه طاهرین: وصیت فرمود.»

و این چیزی است که در عالم ألت از پیامبران پیمان گرفته شده تا بر پیمان الهی استوار باشند:

(وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ) .

این عهد سنگین و پیمان مؤکدی که خدا از همه پیامبران و بالاخص از پیامبران اولوالعزم گرفته است، چیزی نیست جز مسؤولیت تبلیغ توحید و رسالت و رهبری و هدایت مردم و نیز دعوت به پذیرش پیامبر آخر الزمان که بر طبق روایتی از امیر المؤمنین (ع)، خداوند از آدم و همه پیامبران درباره رسول اکرم (ص) پیمان گرفت تا به او ایمان آورده و یاریش نماید. و همچنین مفسران، جمله «لتنصرنه» را درباره حضرت علی (ع) تفسیر نموده و مسأله ولایت را مشمول آن میثاق دانسته‌اند. که امیر المؤمنین در این رابطه فرمودند: «خداوند از انبیاء ایمان آوردن و یاری کردن ما را عهد گرفت، تا به محمد (ص) ایمان بیاورند و وصی او را یاری دهند. و آن‌ها در آینده مرا یاری خواهند داد.»

نکته دیگر این که در زیارت جامعه، سخن از پیمانی است که برعهده ائمه معصومین: بوده و آن‌ها حق آن را به جا آورده‌اند: «و وگدتم میثاقه و أحکمتم عقد طاعته». شما عهد و میثاقش را برقرار داشته و پیمان طاعتش را محکم نمودید.

این چه میثاقی است که ما استواری آن را می‌ستائیم؟ بعید نیست که این پیمان، مربوط به تکالیف شخصی هر یک از امامان باشد که به آن عمل کرده‌اند. همچون خانه‌نشینی حضرت امیر المؤمنین (ع) و مدارا نمودن و جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین. و نیز صلح امام حسن (ع)، قیام و انقلاب حسینی (ع)، کناره‌گیری امام سجاد (ع)، نهضت علمی باقرین (ع)، ولایتعهدی امام رضا (ع) و هکذا غیبت امام زمان (ع) و یا تکلیف دیگری که خود نسبت به آن آگاه بودند.

علاوه بر آن در عالم اُست از شیعیان نیز در پایداری در امر ولایت میثاق گرفته شده، چندان که امام باقر (ع) می‌فرماید: « خداوند در عالم ذر از شیعیان ما، پس از میثاق به اقرار بر ربوبیت الهی و نبوت پیامبر (ص)، نسبت به ولایت ما پیمان گرفت ». .

همچنین از امام رضا (ع) درباره این میثاق نقل شده که فرمودند:

« أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَيْهِمِ الْمِيثَاقَ يَرْتُونَ مَوْرِدِنَا وَيَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا » .

خدا از ما و شیعیانمان پیمان گرفته که پا در جای پای ما گذارند و از محلی که ما وارد می‌شویم وارد شوند.

بر طبق این کلام، خداوند علاوه بر پیمان از شیعیان نسبت به ولایت‌پذیری و پیروی اهل‌بیت: از مقام ولایت هم‌میثاقی گرفته است تا آن‌ها را به راه حق هدایت نمایند.

## ۲ - عهد الهی

قرآن، هدایت و رهبری امت را توسط انسان کاملی که از هر نوع ظلمی مبراست، به عنوان عهد و پیمان الهی نامیده است:

( وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ) .

امام رضا (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: « امامت امری است که خداوند بعد از نبوت و خلت (مقام خلیل الهی) در مقام سوّم، ابراهیم را بدان مشرف ساخته و نام او را بلند آوازه کرد. و طی آن، امامت هر ظالمی را تا روز قیامت ابطال نمود ». .

در روایتی از پیامبر (ص) است که فرمودند:

« خداوند به ابراهیم فرمود: لا أعطيك عهداً للظالم من ذريتك.

قال: يا ربّ و من الظالم من وُلدى الذى لا ينال عهدك؟ قال: من سجد لصنم من دُونى لا أجعله اماماً أبداً و لا يصلح أن يكون اماماً ». .

پیمان خود ( امامت ) را به آن دسته از فرزندان تو که ظالمند، عطا نمی‌کنم. ابراهیم گفت : « خدایا ! فرزندان من که پیمان امامت تو به آنها نمی‌رسد، کیانند ؟ » فرمود : « کسی که برای بتی سجده کرده باشد، هرگز به مقام امامت نمی‌رسد. چرا که شایستگی این مقام را ندارد. »

سپس آن حضرت فرمودند :

« سرانجام نتیجه دعای ابراهیم به من و برادرم علی رسید و هیچ یک از ما هرگز برای بتی سجده نکردیم. پس خدا مرا به عنوان نبی و علی را به عنوان وصی برگزید . »

در ادامه فرمایشات امام رضا (ع) آمده است : « سپس خداوند با قرار دادن امامت در خواص پاکان از نسل ابراهیم، وی را گرامی داشت . و به این ترتیب امامت در نسل او باقی بود و یکی بعد از دیگری نسل به نسل، آن را به ارث می‌بردند، تا اینکه پیامبر اکرم (ص) وارث آن گردید. و به امر خدا به عهده حضرت علی (ع) و پس از آن، نسل برگزیده او قرار داد. و این امامت تا روز قیامت در اولاد حضرت علی (ع) وجود دارد. زیرا پیامبری بعد از محمد (ص) نخواهد آمد .

### ۳ - شرط توحید

امام علی بن موسی الرضا (ع) در شهر نیشابور در مسیر حرکت به طوس، در حضور انبوه جمعیت در حالی که صاحبان قلم برای ثبت سخن امام آماده بودند، با بیان حدیث تاریخی سلسله الذهب، بر پیوند استوار و راستین توحید و ولایت تأکید کردند، تا با ترسیم خط سیر سعادت اجتماعی، جامعه را از تهاجمات انحرافی مصون دارند. آن حضرت در نقلی از پدرانش، از رسول خدا (ص) چنین بیان داشت که ایشان فرمود : از خداوند عز و جل شنیدم که می‌فرمود :

« لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. »

کلمه « لا اله الا الله » حصار و قلعه من است. پس هر که به این قلعه داخل گردد از عذاب من ایمن خواهد بود.

سپس امام فرمودند : بشروطها و أنا من شروطها : و این، شروطی دارد و من خود، از جمله شروط آن هستم .

امام رضا (ع)، این حصن الهی را در کلامی دیگر و از زاویه ای دیگر، معرفی می‌کند، آنجا که از پدرانش، از امیر المؤمنین و او از پیامبر و او از جبرئیل، از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم نقل می‌کند که گفت : خدا می‌فرماید :

« ولایةُ علی بن ابیطالب حِصْنِی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِی أَمِنَ نَارِی » .

ولایت حضرت علی (ع)، دژ محکم و استوار من است. پس هر کس در این دژ وارد شود از آتش من در امان است. تأمل در این دو حدیث، واضح می‌سازد که ولایت و توحید، دو رکن این حصن الهی هستند که هر یک بدون دیگری، سست و بی‌اساس است. و راه عبادت و پرستش واقعی الهی، تنها از مسیر ولایت اصالت دارد. و در واقع توجّه و اطاعت از ائمه و حجّت‌های خداوندی، چراغ معرفت الهی را در وجود انسان روشن می‌نماید. که در این رابطه امام باقر (ع) می‌فرمایند :

« بِنَا عُبْدَ اللَّهِ وَ لَوْلَا مَا عُرِفَ اللَّهُ » .

با راهنمایی ما، خداوند عبادت می‌شود و اگر ما نبودیم، عرفان و شناخت الهی حاصل نمی‌گردید . بنابراین بین توحید و ولایت رابطه مستقیمی وجود دارد که شناخت هر یک سبب معرفت دیگری می‌شود. از امام صادق (ع) شده که

فرمودند : « لَوْلَا اللَّهُ مَا عُرِفْنَا، وَ لَوْلَا نَحْنُ مَا عُرِفَ اللَّهُ » .

یعنی اگر ائمه : نبودند حقیقت معرفت الهی شناخته نمی‌شد و اگر خدا نبود این حجّت‌های الهی شناخته نمی‌شدند.

۴ - روح و اساس دین

امامت و ولایت، روح اسلام و مبدأ حرکت به سوی تعالی و در یک کلام جان و مغز قوانین تکاملی بشر است. و شناخت و معرفت نسبت به ولایت، نوعی پذیرش مسؤولیت برای جامه عمل پوشاندن به دستورات آنها و ساماندهی و اصلاح جوامع به شمار می‌آید.

با اعتقاد به این اصل، هر گونه سازش و ظلم‌پذیری ستمگران منتفی گردیده و عدالت در همه ابعاد زندگی تحقق می‌یابد. و پذیرش ولایت، تنها با عمل به دستورات الهی مصداق پیدا می‌کند که امام صادق (ع) بر تحقق آن با تلاش و پیروی تأکید می‌کنند :

« اَعْلَمُوا أَنَّ وِلَايَتَنَا لَا تَنَالُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الْإِجْتِهَادِ، مَنْ إِتَمَّ مِنْكُمْ بِقَوْمٍ فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِهِمْ » .



بدانید که اعتقاد به ولایت ما جز با پرهیزگاری و تلاش محقق نمی‌شود و کسی که ادعای پیروی قومی را دارد، باید همچون آن‌ها عمل کند.

و این راه، طریق وصول به رضوان الهی است. چنان که در «دعای ندبه» می‌خوانیم:

«فكانوا هُمُ السَّبِيلَ اليكَ وَ الْمَسْلَكَ الي رضوانِكَ» .

راه آن‌ها همان راه به سوی توست و مسلکی است که به رضوان تو منتهی می‌گردد.

ولایت، مایه حیات عقاید و اعمال انسانی است که بدون آن سایر اعمال بی‌اعتبار است. که امام باقر (ع) ضمن برشماری پایه‌های اسلام بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت می‌فرماید:

«الولاية افضلُ لَأنَّها مفتاحُهنَّ وَ الوالى هو الدليلُ عليهنَّ» .

ولایت از همه آن‌ها باارزش‌تر است. زیرا کلید همه آن‌هاست و امام و والی، راهنمای امت بر آن‌ها می‌باشد.

بنابراین حدیث، ولایت بنیادی‌ترین اصول اجتماعی اسلام است که هیچ اصلی مانند آن نقش اساسی و تعیین کننده ندارد. یعنی اعمال و عقاید منهای ولایت، تهی و بی‌اعتبار است و عدم تمسک به این اصل، انسان را در حیرت و سرگردانی، اسیر مرگ جاهلی می‌سازد. و این معنا در کلام معصومین مورد تأکید قرار گرفته است، آنجا که امام رضا (ع) می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ ائِمَّتَهُ مَاتَ مِيتَةً جاهليَةً» .

همچنین روایاتی که ولایت را شرط قبولی اعمال برشمرده، این مسأله را تأیید می‌کنند که این اصل، روح و اساس دین است و بدون آن هیچ عملی پذیرفته نمی‌شود. از امام رضا (ع) نقل شده که از پدرانش، از رسول خدا روایت می‌کند که فرمود:

«اعمال و عبادات هیچ یک از بندگانم را بدون اقرار و اعتقاد به ولایت علی (ع) و نبوت رسول اکرم (ص) نخواهم پذیرفت» .

۵ - کمال دین

بنابر نقل روایات متواتر در منابع شیعی و سنی، در جریان غدیر خم که به امر الهی ولایت امیر المؤمنین (ع) در حضور انبوه مردم اعلام شد، این آیه نازل گردید:

( الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... )

امروز، دین و آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نموده و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.  
پس آنگاه پیامبر (ص) فرمودند :

« اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَ اِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ بِالْوِلَايَةِ لِعَلِي (ع) بَعْدِي. » ثم قال : « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ »

مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ . » .

الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی (ع) بعد از من.  
سپس فرمودند : خداوندا ! آن کس که او را دوست دارد، دوست بدار و آن که او را دشمن دارد، دشمن دار. هر کس او را یاری کند، یاری کن و از هر کس که از یاریش دست بردارد، دست بردار.

امام رضا (ع) در تفسیر آیه فوق می‌فرماید : « مسأله امامت، تمام کننده و کامل کننده دین است. زیرا پیامبر (ص) قبل از وفات خود، دین را بر مردم تبیین فرموده و آنان را در مسیر حق قرار داد و سپس حضرت علی (ع) را به عنوان امام و هدایتگر بر ایشان تعیین نمود . » .

و نیز از آن حضرت است که در کلامی دیگر، تویی و تبری را کمال دین معرفی کرده‌اند :

« كَمَالُ الدِّينِ وَ لَإِيْتِنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا . » .

نکته‌ای که توجه به آن خالی از لطف نیست این است که در آیه مورد بحث، سخن از اکمال دین و اعلام رضایت خداوند از دینی است که با ولایت امیر المؤمنین (ع) به درجه کمال رسیده است. و در آیه :

( وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ

لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... )

لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... )

بحث از استقرار دینی پسندیده و آیینی نهایی است که مایه برقراری امنیت و گسترش عدالت اجتماعی در پهنه

گیتی خواهد شد.

با عنایت به سیاق این آیات به این نتیجه می‌رسیم که وعده استقرار و استحکام اسلام در جهان، در صورتی تحقق می‌یابد که توأم با ولایت اهل بیت باشد. و این ولایت‌پذیری و اقتدای به اسوه‌های حقیقی انسانیت که از غدیر آغاز شده و تا هنگامه ظهور امام عصر (عج) استمرار دارد، موجبات یأس و نومیدی کافران را فراهم می‌سازد :

( الْيَوْمَ يَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ... )

چه اینکه امید فروپاشی اسلام ناب در دل کافران رنگ می‌بازد و با تکیه بر ولایت است که اسلام در اوج قله کمال جای می‌گیرد.

## ۶ - نعمت حقیقی

قرآن ضمن بی‌شمار خواندن نعمت‌های الهی ، به نعمت پراهمیت‌تر و والاتر با لفظ « مَنّت » یاد می‌کند که بعثت انبیاء : و نصب امامان معصوم : از بزرگ‌ترین منّت‌ها به شمار می‌آورد؛

( لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا ) ؛

( وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ )

که این منّت ماندگار الهی همان امامان معصومی هستند که مردم در هر عصری از وجودشان بهره‌مند می‌باشند

امام رضا (ع) در روایتی فرمودند : نعمت حقیقی در دنیا وجود ندارد. عده‌ای پرسیدند : « آیا مقصود از «نعیم» در

آیه ( ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ) که در قیامت از آن‌ها سؤال می‌شود، آب سرد و گوارا نیست ؟ » امام (ع) در

حال غضب با صدای بلند فرمودند : « این تفسیر شما از این آیه شریفه است که برای نعیم مصادیقی چون ؛ آب

گوارا، خوراک لذیذ، خواب راحت و... ذکر می‌کنید، در حالی که پدرم موسی بن جعفر (ع) از امام صادق (ع)

روایت کرده که روزی این تفسیرها نزد آن حضرت مطرح شد، از شنیدن آن خشمگین شده و فرمودند : خداوند

چیزی را که تفضل فرموده مورد سؤال قرار نمی‌دهد و نسبت به آن منّت نمی‌نهد. زیرا منّت گذاشتن از مردم

عادی ناپسند است، پس چگونه است که نسبت دادنش به خدا روا باشد ؟ بلکه نعیم، عبارت است از محبت و

ولایت ما اهل بیت. و این همان نعمتی است که پس از توحید و نبوت مورد سؤال قرار می‌گیرد. و اگر بندگان

نسبت به نعمت ولایت وفادار باشند، خدا آن‌ها را با نعمت‌های با دوام بهشتی متنعم می‌سازد .

علاوه بر آن بر طبق روایات اسلامی، وجود مبارک پیامبر (ص) و اهل بیت : که وسیله هدایت و واسطه اعطای نعمت‌ها و افاضه احسان و نیکی بر بندگان هستند، خود از مراتب عالی نعمت‌های الهی به شمار می‌روند. همچنان که امیر المؤمنین می‌فرمایند : « نعیمی که مورد سؤال قرار می‌گیرد، وجود پیامبر و افرادی از اصفیاء الله است که در جایگاه او قرار گرفته‌اند. چون خداوند به برکت وجود آنان به پیروانشان نعمت عنایت کرده است » .

و نیز امام صادق (ع) ضمن بیان مراد از « نعیم » به اهل بیت : فرمودند :

« خدا به وسیله ما نعمتش را بر بندگان خود ارزانی داشته و در میان آنان پس از اختلاف و دشمنی، الفت و محبت برقرار فرمود و پس از آن که دشمن هم بودند با هم برادر ساخت و آن‌ها را به دین مقدس اسلام هدایت نمود. این است نعمت بی‌پایان پروردگار که حدّ و حدودی برای آن متصور نیست. و خداوند درباره این نعمت، یعنی وجود پیامبر و عترت پاکش، از بندگان سؤال خواهد کرد » .

#### ۷- اجر رسالت

قرآن کریم در آیه شریفه

(... قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى )

ولایت و مودت اهل بیت : را مزد و اجر رسالت رسول خدا (ص) برشمرده است. در حالی که خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نفرمود، جز آن که به او وحی نمود تا از مردم مزد و پاداشی طلب نکند . چرا که پاداش انبیاء : به تمام و کمال بر عهده خداوند است .

البته قرآن، این مسأله را درباره پیامبر اکرم (ص) با تعبیر مختلفی مطرح ساخته است. از جمله آن که گاهی به طور کلی اجر و مزد مادی را نفی کرده و می‌فرماید : « من هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم » . و گاه با بیان پاداش و مزدی برای رسالت، همچون ؛ « هدایت و راه سپردن به سوی حق » و « پذیرش ولایت اهل بیت : » آن را به نفع مردم قلمداد می‌کند .

توجه خاص به این تعبیر، حقیقتی را استشعار می‌دارد که ولایت اهل بیت که به عنوان مزد رسالت برشمرده شده از یک سو به نفع مؤمنان است نه پیامبر، و از سویی دیگر وسیله‌ای برای راه‌یابی به سوی خداست.

بنابراین ولایت، تداوم رسالت و رهبری پیامبر (ص) است و محبت به اهل بیت : به عنوان عامل مؤثری در راه پیروی از آنان، در قرآن توصیه شده است. و در منابع حدیثی شیعه و سنی، روایات فراوانی از رسول خدا نقل شده که منظور از « قربی » در اهل بیت پیامبر اختصاص یافته است .

ح ( آثار ولایت

پایبندی و ثبات قدم در مسیر ولایت، آثاری مادی و معنوی در زندگی دنیا و آخرت انسان بر جای می‌گذارد که به چند مورد اشاره می‌شود :

۱ - پذیرش اعمال

از آنجا که دوستی و محبت پیامبر و اهل بیت او زیربنای محکم اسلام به شمار می‌رود ، معلوم است که تکیه بر دوستی و ولایت آن‌ها، سعادت جاوید را برای انسان به ارمغان می‌آورد. که پیامبر (ص) در این باره چنین تصریح فرموده‌اند :

« مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفِ أَهْلِ بَيْتِي وَوَلَايَتِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ » .

کسی که خداوند بر او منت نهاده و معرفت و ولایت اهل بیت را به او عنایت کند، تمام خوبی‌ها را برای او جمع کرده است.

زیرا ولایت به عنوان روح برنامه‌های اعتقادی و احکام اسلام، نقش مؤثری در رشد و تعالی فردی و اجتماعی جامعه انسانی دارد. و اعمال انسان وقتی با آثار ارزشمندی همراه است که با قبول ولایت، شروع شده و پایان یابد. همچنان که امام صادق (ع) در جواب سؤالی که پرسیده شد : « چه عملی بعد از معرفت، از همه اعمال افضل است ؟ » فرمودند :

« هیچ عملی بعد از معرفت، هم پایه نماز نیست و بعد از معرفت و نماز، هیچ عملی به پایه زکات نمی‌رسد و بعد از این‌ها هیچ کاری مانند روزه گرفتن نیست و بعد از این‌ها ارزش حجّ بیش از سایر اعمال است. و ابتدا و انتهای همه این اعمال، معرفت ما می‌باشد » .

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: « لا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا ».

خداوند عملی را از بندگان خود نمی‌پذیرد مگر آن که با معرفت ما همراه باشد .

توضیح این که، نسبت معرفت که از مسائل اعتقادی به شمار می‌رود، به اعمال عبادی که فرع آن است، به منزله روح به جسم می‌باشد. به این جهت اگر اعتقادات انسان صحیح باشد، اعمال عبادی او نیز درست است و گرنه هیچ ارزشی نخواهد داشت. و همان گونه که توحید شرط صحت اعمال است، اقرار به رسالت پیامبر و ولایت ائمه نیز شرط صحیح بودن اعمال است .

بر این اساس امام رضا (ع) از پدرانیش، از رسول خدا نقل کرده که خداوند می‌فرماید :

« لَا أَقْبَلُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْهُمْ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ بَوْلَايَتِهِ مَعَ نَبْوَةِ أَحْمَدَ رَسُولِي »

اعمال هیچ کدام از بندگانم را بدون اقرار به ولایت ائمه : و نبوت رسولم نخواهم پذیرفت.

از امام صادق (ع) روایت شده که ؛ روزی امیر المؤمنین (ع) همراه قنبر وارد مسجد کوفه شده و مردی را در حال نماز خواندن مشاهده کردند. قنبر گفت : «تا به حال کسی را ندیده‌ام که بهتر از این مرد نماز بخواند!» حضرت فرمودند : به خدا قسم یقین به ولایت ما اهل بیت، برای انسان از عبادت هزار سال بهتر است. عبادت، جز با شناخت و ولایت ما مورد قبول خداوند قرار نمی‌گیرد. اگر کسی هزار سال عبادت کرده و با اعمال هفتاد و دو پیغمبر به پیشگاه خدا بیاید، خدا این همه عمل را از او جز با ولایت ما نمی‌پذیرد. و منکرین ولایت ما را به رو در آتش می‌افکند .

همچنین در حدیثی، پیامبر (ص)، به حضرت علی (ع) فرمود :

« اگر کسی هزار بار با پای پیاده به حج برود و در میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود، ولی تو را دوست نداشته باشد، بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد .

بنابراین شرط پذیرش اعمال، شناخت و معرفت ولایت اهل بیت : است همچنان که در فرازی از زیارت جامعه می‌خوانیم : « بِمَوَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمَفْتَرَضَةُ » .

که این مسأله همواره توصیه پیامبر بوده است :

« إِزْمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يُوَدُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ مَعَنَا وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ (ص) بِيَدِهِ. لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا » .

پیوسته دوستی ما اهل بیت را پیشه سازید. به یقین کسی که از خدا بپرهیزد و ما را دوست بدارد، داخل بهشت می‌شود. و به آن کس که جان محمد در دست اوست، کردار و عمل بنده‌ای سودی به وی نرساند، مگر به سبب شناسایی حق ما.

## ۲ - بهره‌مندی از حیات انسانی

اعتقاد به امامت و پذیرش ولایت، آثار شگرفی در تمام زوایای زندگی انسانی دارد. حتی در کیفیت اندیشه و فرهنگ‌سازی اجتماعی و... نقش اساسی را ایفا می‌کند. آن‌سان که جایگاه بلندی در حیات او ایجاد نموده و با استقامت در این راه از سرچشمه آب حیات معارف الهی سیراب می‌شود. چنان که قرآن می‌فرماید:

(وَ اَلُوْا اسْتَقَامُوْا عَلٰی الطَّرِيْقَةِ لَاسْقَيْنٰهُمْ مَّاءً غَدَقًا )

اگر در این مسیر، استقامت داشته باشید، شما را از آبی گوارا سیراب می‌کنیم.

امام باقر (ع) « طریقه » را در این آیه، به ولایت معصومین : تفسیر کرده‌اند . و امام صادق (ع) نیز فرمودند : « یعنی به آنان علم فراوانی می‌چشانیم که از امامان فرامی‌گیرند .

و نیز در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده که فرمودند :

« مَنْ ارَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَحِبِّ اَهْلَ بَيْتِي »

. یعنی ؛ محبت اهل بیت، گذرگاه حکمت و معرفت است که نوری را در دل آنها روشن می‌سازد که از پرتو این

علم و حکمت، به مقامات بلند معنوی دست یافته و قلبشان به نور ولایت روشنایی می‌گیرد.

امام باقر (ع) در تفسیر آیه

( فَآمِنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ التَّوْرِ الَّذِيْ- اُنزَلْنَا... )

می‌فرمایند :

« به خدا قسم نور امام در دل مؤمنان - که تحت نفوذ و سیطره معنوی او هستند - درخشان‌تر از نور خورشید در

روز است . در حالی که عدم درک معرفت ولایت، موجب گرفتاری در تاریکی جهل و سرگردانی خواهد بود .

همچنان که امام رضا (ع) در نوشته خود درباره شرایع دین به مأمون فرمودند :

« مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ أُمَّتَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً » .

هر کس بمیرد در حالی که امامان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است.

و این بدان معناست که انکار ولایت در گستره زندگی، شالوده حیات انسان را سست نموده و آثار مخربی بر جای می‌گذارد. بلکه ولایتمداری و باور داشتن امامت اهل بیت : نشان افتخاری است که در روز قیامت معرف جایگاه بلند او می‌باشد. آنچنان که امام رضا (ع) با اشاره به این حقیقت تصریح فرموده‌اند :

« يُدْعَى كُلُّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ كِتَابِ رَبِّهِمْ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِمْ » .

همه انسان‌ها به همراه امامشان و کتاب پروردگار و سنت پیامبرشان فراخوانده می‌شوند.

بنابراین شناخت ولایت، نهایت درجه معرفت است که انسان را از لطف و کرامت الهی بهره‌مند ساخته و باعث برخورداری از حیات انسانی و رسیدن به مقامات عالی معنوی می‌شود. آن‌سان که اصحاب ارزشمند ائمه : همچون پروانه‌ای گرداگرد شمع ولایت سوخته و آرزو داشتند ای کاش هزاران جان داشتند تا به یکباره در راه ولایت حجت خداوندی نثار کنند.

### ۳ - مصونیت از انحراف

پذیرش ولایت اهل بیت :، راهی است برای مصونیت از هر نوع انحراف و گمراهی. امام حسین (ع) می‌فرماید : من از جدّم رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود :

« هر کس دوست دارد زیستن و مرگش همچون من باشد و وارد بهشتی که وعده پروردگار است بشود، باید علی بن ابی‌طالب و فرزندان پاک او ائمه هدی : را که پس از او چراغ هدایت هستند دوست داشته باشد و ولایت آن‌ها را بپذیرد، که آن‌ها هرگز شما را از راه هدایت قدمی منحرف نمی‌سازند » .

و نیز بنابر فرمایش پیامبر (ص) که فرمودند:

« إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ »

تولی و تبری رمزی است که انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد. و این حقیقتی است که امام رضا (ع) به

نقل از پیامبر (ص) این چنین تبیین فرموده‌اند:



« مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاهِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي  
وَلْيُعَادْ عَدُوَّهُ وَلْيَأْتُمْ بِالْهُدَاهِ مِنْ

وَلَدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلَفَايَ وَ أَوْصِيَائِيَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَ سَادَةُ أُمَّتِي وَ قَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ » .

هر کس دوست دارد که بر کشتی نجات سوار شود و به دستاویزی محکم تمسک جوید و به ریسمان استوار الهی  
چنگ زند، پس از من ولایت علی را بپذیرد و به دشمنانش پشت کند و به ائمه از نسل او اقتدا نماید. که آن‌ها  
جانشینان و برگزیدگان من و حجّت‌های خدا بر مردم پس از من و سروران امت من هستند که پرهیزگاران را به  
بهشت سعادت رهنمون می‌سازند.

پس ولایت‌پذیری و تسلیم محض در برابر آن‌ها ، راهی است که انسان را در شادان و لغزش‌ها، در معرض  
دستگیری و هدایت الی المطلوب قرار داده، از هر گونه کجروی و گمراهی مصون می‌دارد، همچنان که از پیامبر  
(ص) روایت شده که فرمودند :

« إِنَّ النُّجُومَ فِي السَّمَاءِ أَمَانٌ مِنَ الْغَرَقِ وَ أَهْلُ بَيْتِي

أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الضَّلَالَةِ فِي أَدْيَانِهِمْ. لَا يَهْلِكُونَ مَا دَامَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُونَ هُدَاهُ وَ سُنَّتَهُ » .

ستارگان در آسمان امان از غرق هستند و اهل بیت من برای امتم مایه امنیّت از گمراهی در دینشان. مادامی که  
از هدایت و روش یکی از آن‌ها پیروی کنند، هلاک نخواهند شد.

و نیز آن حضرت با تمسک به آیه :

(... وَ قُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ...)

فرمودند : « مثل اهل بیت من چون باب حطّه است. هر کس به آن وارد شود نجات یافته و هر کس به داخل آن  
نشود، هلاک می‌گردد » .

همچنین امام رضا (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید : « ما باب حطّه شمائم » . که وسیله‌ای برای عفو و نوید  
آمرزش گناهان و زمینه‌ساز محو آثار آن‌ها می‌باشد.

بنابراین ولایت تنها راهی است که مصونیت جامعه را در برابر ناهنجاری‌ها و انحرافات بیمه ساخته، مایه سعادت مادی و معنوی آن می‌گردد. امام رضا (ع) از پدرانشان، از رسول خدا چنین نقل فرمودند:

« انّ اللهَ تَكْفَلُ لِي فِي أَهْلِ بَيْتِي لِمَنْ لَقِيَهُ مِنْهُمْ لَا يَشْرِكُ بِهِ شَيْئاً » .

خداوند به لطف و کرمش کفیل خانواده من است و هر کس خدا را از طریق یکی از آنها بشناسد، ذره ای برای او شریک نخواهد گرفت.

#### ۴ - نزول برکات

خداوند اراده فرموده که اهل بیت پیامبر (ص) را منزلگاه خیرات و برکات مادی و معنوی برای بندگانش قرار دهد. و این معنا در کلام امام رضا (ع) ظهور یافته که با استناد به قول امام سجاد (ع) می‌فرمایند :

«... بِنَا فَتَحَ اللهُ وَ بِنَا يَخْتِمُهُ وَ بِنَا أَطْعَمَكُمُ اللهُ عُشْبَ الْأَرْضِ وَ بِنَا أَنْزَلَ اللهُ عَلَيْكُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ وَ بِنَا أَمَنَكُمُ اللهُ مِنَ الْغَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ وَ مِنَ

الْخَسْفِ فِي بَرِّكُمْ وَ بِنَا نَفَعَكُمُ اللهُ فِي حَيَاتِكُمْ وَ فِي قُبُورِكُمْ وَ فِي مَحْشَرِكُمْ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ دُخُولِكُمُ الْجَنَانِ... » .

به وسیله ما دین شروع و به ما ختم می‌شود و شما را از رویدنی‌های زمین بهره‌مند می‌کند. به واسطه ما، باران از آسمان می‌بارد و خدا شما را از غرق شدن در دریا و فرورفتن در زمین ننگه می‌دارد. و به واسطه ما خدا شما را در قبرها، محشر، هنگام صراط و میزان و موقع داخل شدن در بهشت سود می‌بخشد.

و نیز آن حضرت در کلامی دیگر از پیامبر نقل کرده‌اند که فرمودند :

« يا علي ! بكم يفتحُ هذا الأمر، و بكم يختم. عليكم بالصبر فإنَّ العاقبةَ للمتقينَ أنتم حزبُ اللهِ و أعداؤكم حزبُ الشيطان. طوبى لمن أطاعكم، و ويل لمن عصاكم.

أنتم حُجَّةُ اللهِ على خلقِهِ وَ العُرْوَةُ الْوُثْقَى، مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهتدى وَ مَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ » .

یا علی ! به وسیله شما این امر افتتاح و ختم می‌یابد. شما حزب خدایید و دشمنانتان حزب شیطان. خوشا به حال کسی که مطیع شماست و وای بر کسی که با شما مخالفت ورزد. شما حجّت خدا بر خلقید و دستاویزی محکم. هر کس به آن تمسک جوید، هدایت می‌یابد و کسی که شما را ترک کند، گمراه می‌گردد.

همچنان که در زیارت جامعه کبیره در شأن ولایت آمده است :

« خداوند افتتاح و ختم کتاب آفرینش را به شما ایجاد نمود و به واسطه شما بر ما باران رحمتش را نازل فرمود. به واسطه شما آسمان را به پا داشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید. و به واسطه شما غم و اندوه و رنجها را از دلها برطرف می‌گرداند... به واسطه شما خدا ما را از ذلت ( کفر و عصیان ) نجات داد و غم و اندوه شدید ما را برطرف ساخت و از وادی مهالک عالم و آتش دوزخ رهانید... به خاطر ولایت شما خداوند معالم و حقایق دین را به ما آموخت و هر آنچه از امور دنیای ما فاسد و پریشان بود، اصلاح فرمود و کلمه توحید به حدّ کمال رسید و نعمت بزرگ دین، به خلق عطا گردید و پراکندگی امت به الفت و اتحاد مبدّل گشت » .

امام رضا (ع) در نقل روایتی از پیامبر فرمود : جبرئیل از قول خداوند به من خبر داد که به سبب وجود ایشان بلاها و گرفتاری‌ها را از بندگانم دفع می‌نمایم و به خاطر وجود آنها، رحمتم را بر مردم نازل می‌سازم .

#### ۵ - روابط اجتماعی سالم

دوستی و ولایت اهل بیت : گنجینه‌ای است که انسان را به کمال می‌رساند، نوری است که پرتو آن جامعه را صفا بخشیده، الفت و مهربانی را در خانه دلها ایجاد می‌کند و باعث برقراری روابط سالم اجتماعی و استحکام دوستی‌ها شده، کینه‌ها را از دل می‌زداید. چنان چه رسول خدا می‌فرمایند :

« بِنَا يُولَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ الْعَدَاوَةِ وَ الْبَغْضَاءِ » .

با پذیرش ولایت ما، خداوند بین قلب‌هایتان الفت و مهربانی برقرار می‌سازد بعد از آن که از دشمنی و کینه پر شده بود !

#### ۶ - نجات از عذاب

امام باقر (ع) از رسول خدا (ص) روایت می‌کنند که فرمودند :

« حُبِّي وَ حُبُّ اَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ، اَهْوَاؤُهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاءِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النَّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ

وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ

الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ... » .

محبت من و خاندانم در هفت موقعیت خطرناک که هول و هراس عظیمی دارد، سودمند است، هنگام مرگ و برخاستن از قبر، هنگام دادن نامه عمل و حسابرسی و میزان و دقت عبور از صراط.

## فصل دوم

### فلسفه امامت و ولایت

پس از درک حقیقت ولایت، جای آن دارد که ضمن بیان ضرورت معرفت و شناخت امام، دریابیم که فلسفه وجودی امام در هر عصری چیست و امام مسؤولیت چه اموری را برعهده دارد؟ و در واقع تأثیر معنوی وجود امام بر جهان چگونه تفسیر می‌شود؟ و نیز میزان وسعت قلمرو ولایت امام در چه حد است. آیا می‌توان تصور کرد که روزی جهان بدون حجت پا برجا باشد؟ همچنین دوره غیبت چگونه راز استمرار ولایت و امامت معصومین را از پیامبر تا امام عصر (عج) توجیه می‌کند؟

### الف ( ضرورت شناخت امام

حقیقت معرفت امام و انسان کامل که تنها راه هدایت و کلید همه معارف الهی است و به گونه‌ای تعیین کننده و ترسیم‌گر حیات دنیوی و سرنوشت آینده بشر می‌باشد و نقش بسزایی در تربیت افراد و دستیابی به سجایای انسانی و صیانت از آنها دارد، با یادگیری نام و القاب و تاریخ ولادت و... حاصل نمی‌شود. بلکه باید در جایگاه امامت و کلمات و فرموده‌های راه‌گشا و حکمت‌آمیز آنها تأمل و درنگ نمود که این اندیشه و فهم، مقدمه‌ای برای اطاعت و پیروی خالصانه از سرفصل‌های التزام‌آور تعالیم الهی آنها و در نهایت رسیدن به کمال مقصود می‌باشد.

امیر المؤمنین (ع) در حدیثی، راه شناخت امام را این چنین تبیین می‌فرمایند :

« إعرفوا اللهَ باللهِ و الرسولَ بالرسالةِ و أولى الأمرِ بالمعروفِ و العدلِ و الإحسانِ » .

خدا را به وسیله خود خدا و رسول را با رسالت و اولی الامر را با عمل به معروف و حفظ و اجرای عدالت و عمل بر اساس احسان و نیکی بشناسید.

بنابراین آنچه حقیقت معرفت امام را تأمین می‌کند، فقط شناخت حَسَب و نَسَب او نیست، بلکه معرفت امام به امامت و ویژگی‌های آن و طیّ مسیر ولایت است تا با ژرف‌اندیشی، تبلور کمالات علمی و عملی معروف و عدل و احسان را در این انسان‌های کامل مشاهده نموده و با تأمل در سنت و سیره و سریره آنها دریابیم که جمال و

جلال الهی به صورت علم کامل سهوناپذیر و عمل صالح لغزش‌ناپذیر در وجود این بندگان مخلص ظهور یافته و در مظهر جامع آن بزرگواران متجلی شده است .

همچنان که امام رضا (ع) نیز ارزش شناخت امام را در فرمانبرداری و تسلیم در برابر او معرفی می‌کند :  
« شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا، الْأَخِذُونَ بِقَوْلِنَا » .

پیروان ما کسانی هستند که به امر ما گردن می‌نهند و به گفتار ما عمل می‌کنند.

و این جاست که آن امام همام، ولایت‌پذیری را در شمار رفاقت و همدمی با انبیاء و اولیاء : برمی‌شمرد :  
« حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلِيًّا لِلنَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا » .

بر خداوند است که دوستان ما را که به حق به مقام ولایت و معرفت ما نایل شده‌اند، همدم و رفیق پیامبران، راستگویان، شهیدان و شایستگان قرار دهد و آنان نیکو رفیقانی هستند.

علاوه بر آن امام رضا (ع) از قول پیامبر (ص) عدم شناخت امام را همپای مرگ در جاهلیت دانسته اند و می‌فرمایند:

« مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وَوَلَدِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَيُؤْخَذُ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ » .

هر کس در حالی بمیرد که امامی از فرزندان من نداشته باشد، به مرگ زمان جاهلیت مرده و از او درباره کرداری که در جاهلیت و اسلام انجام داده بازخواست می‌شود.

بر طبق این روایت و روایت‌های دیگری که شیعه و غیر شیعه با اندکی تفاوت از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند ، مرگ جاهلی، نشانه زندگی جاهلانه است. چرا که بنابر فرهنگ قرآنی، مرگ عصاره حیات انسانی در قدحی است که انسان آن را می‌چشد ؛ ( كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ... ) و در خود فرو می‌برد. به بیان دیگر هر کس در این دنیا نهال زندگی‌اش را بارور ساخته، عصاره شیرین آن را در هنگام مرگ می‌چشد. در حالی که اگر نهال دنیای خویش را با بی‌عدالتی بیوراند، حاصلی جز تلخی نداشته، مرگ برایش ناگوار خواهد بود.

براین اساس آن که امام زمان خود را نشناخته و با او پیوند ولایی برقرار نسازد، مرگ او چون مرگ جاهلی است که نشان از زندگی با سنت‌های جاهلی دارد. پس عدم شناخت امام یعنی نفی حیات عقلانی. به این معنا که از اساس، حیاتی جاهلانه داشته و هرگز بهره‌ای از زندگی معقول نبرده است .

این چنین افرادی از دیدگاه قرآن، زنده نیستند. زیرا که در آیه شریفه ( لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ) زنده را در مقابل کافر قرار داده است، نه مؤمن را. به عبارت دیگر، فرهنگ وحی، کافر را مرده تلقی می‌کند و تنها برای اهل ایمان، حیات حقیقی قائل است.

ب ( فلسفه وجودی امام

مسأله رهبری، امری ضروری و بدیهی برای همه جوامع به شمار می‌رود که همواره به صورت فطری به دنبال رهبری می‌گردند تا در پرتو مدیریت و تدبیر او، امور خود را تمشیت کنند. آن‌سان که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: « لا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ ». برای مردم ناچار امیری لازم است، خواه نیکوکار یا بدکار باشد. اما ملاک نیاز جامعه بشری به پیامبر و امام معصوم، فراتر از تمشیت در امور دنیایی است. چه اینکه انسان در مسیر ابدیت، به رهبری نیازمند است که او را در پیمودن طریق سعادت، هدایت نماید.

نقش امام در جامعه، چون عقل است که با مدیریتی مطمئن، هر عضوی را بر سیر منطقی و مناسب، به انجام کارهایی مأموریت می‌دهد، در عین اینکه بین اعضاء، یک نوع همکاری و هماهنگی برقرار می‌سازد. همان طور که هشام از شاگردان امام صادق (ع) طیّ مناظره خود با عمرو بن عبید، امام را در جامعه به عقل و قلب تشبیه کرده که هدایت و کنترل اعضا را برعهده می‌گیرد. و مرکز ثقل این برهان، ابدیت بشر و نیازمندی او به معلّم و مصحّح عقاید، اخلاق و اعمال است که مایه رستگاری ابدی وی می‌گردد و ضرورت وجود انبیاء و ائمه معصومین : را اثبات می‌کند .

اهمیت این امر تا آنجاست که امام صادق (ع) فرمودند : « اگر تمام مردم منحصر در دو نفر باشند، یکی از آن دو نفر امام خواهد بود و آخر کسی که از دنیا می‌رود، امام است ». چون بنابر فرمایش امام رضا (ع) عالم، یک لحظه هم بدون وجود امام قوام ندارد .

بنابراین امامت یگانه نظامی است که تحت رعایت و عنایت خاصّ الهی و مدد های غیبی او برآورنده نیازها و خواسته‌های حقیقی انسان است و سیر الی الله را تضمین می‌نماید.

( وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا... )

که بسیاری از امور مستحسن همچون ؛ امنیت، عدالت، نظم و... متوقف بر وجود زعیم و امام است. و همچنین که در کلام معصومین : مشهور است، نیاز مردم به هادی و امام، مخصوص زمانی دون زمانی دیگر نیست، بلکه بشر در تمام قرون و اعصار محتاج حجت الهی است.

بیان فلسفه امامت و اقامه براهینی برای نیاز بشر به وجود امام که نشانگر حکمت الهی مبنی بر هدایت به سوی کمال و سعادت انسانی و دوری از حیرت و سرگردانی می‌باشد، بسیار است. که ما در اینجا به مواردی چند از آن اشاره می‌کنیم :

## ۱ - پاسخی به نیاز فطری بشر

نیاز انسان به پیشوا و امام، ریشه در فطرت انسانی او دارد که اسلام برای پاسخ دهی به آن، امام را به عنوان راهنما معرفی فرموده تا امر الهی را برای مردم احیا نماید.

با توجه به نقش مهم رهبری و امامت در تأمین سعادت بشر، اسلام مردم را پس از پیامبر (ص) در حیرت و سرگردانی رها نکرده تا به گمراهی افتند و یا با سوء استفاده ائمه جور از این نیاز فطری او، آن‌ها را به سوی خود خوانند. بلکه با تعیین جانشین برای آن حضرت، زمینه تکامل و هدایت او را فراهم ساخته است. امام رضا (ع) در این باره می‌فرمایند :

هیچ ملتی در طول تاریخ یافت نمی‌شود که به حیات اجتماعی خود ادامه داده باشند مگر اینکه برای اموری که ناچار از برپایی آن هستند، چه در امور دنیا و یا آخرت، سرپرست و امامی داشته باشند. پس در حکمت باری تعالی که حکیم و درستکار است، جایز نمی‌باشد که خلق را بدون سرپرستی کاردان رها کند، با این که می‌داند چاره‌ای از تعیین آن نیست و بقاء و دوام خلق، بدون پیشوا میسر نخواهد بود. چرا که رهبری، با ظلم‌ستیزی و ایجاد اعتدال اقتصادی و برپایی عدالت در گستره جامعه و اقامه حدود الهی مایه پایداری جامعه خواهد بود .

## ۲ - شناخت راه حق

ولایت، کلید هدایت و راهی برای شناخت حق است : همانطور که در آیه

( قُلْ مَا اسئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اجْرٍ اَلَا مَنْ شَاءَ اَنْ يَّتَّخِذَ اِلَى رَبِّهِ سَبِيْلًا )

تنها راه رشد و پرورش انسان و یگانه راه تکامل و حرکت به سوی کمال مطلق و بالاخره پیاده شدن اسلام در جامعه بشری را به عنوان فلسفه ولایت و مودت اهل بیت پیامبر معرفی می‌کند.

بنابراین ولایت، یگانه راه شناخت حق است که بدون آن معرفت الهی حاصل نمی‌گردد. و امام صادق (ع) در این دعا به آن اشاره کرده اند :

« اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ

عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي » .

خدایا، خودت را به من بشناسان که در صورت عدم شناخت تو، از شناخت پیامبرت نیز محروم خواهم بود. خدایا پیامبرت را به من معرفی کن، که در غیر این صورت، حجّتت را نیز نخواهم شناخت. و اگر نسبت به ولیّ تو معرفت پیدا نکنم، در دین خود دچار گمراهی و ضلالت خواهم شد.

امام رضا (ع) در جواب سؤال « أبصلت » که درباره « وجه الله » پرسید، فرمودند : « وجه خدا، انبیاء و حجّت‌های خدا هستند، آن کسانی که به وسیله آنها، به جانب خدا و دین و معرفت او توجّه می‌یابید » .

پس وجود امام، عاملی است که مردم را در جهت شناخت حق، یاری می‌دهد. که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : « اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی‌شد، همچنان که اگر خدا نبود، ما شناخته نمی‌شدیم » .

۳ - پاسداری از دین

امام رضا (ع) با استناد به آیه ( الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا... ) ، ضمن بیان مسأله امامت به عنوان کامل کننده دین می‌فرماید :

« لَمْ يَمْضِ (ع) حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَأَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدِ الْحَقِّ وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا (ع) عِلْمًا وَاماماً وَمَا تَرَكَ شَيْئاً يَحْتَاجُ



إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ .

پیامبر قبل از رحلت خود، دین را برای مردم تبیین نموده و راه آن را برایشان آشکار ساخت و آنان را در مسیر حق قرار داد. و علی (ع) را به عنوان امام و پرچمدار دین برای آن‌ها تعیین فرموده و هر چه را که مردم به آن نیازمند بودند، به او آموخت.

و نیز در توضیح آیه ۶۷ آل عمران می‌فرماید :

امامت، خاص رسول خدا (ص) بود که به امر خدا به عهده علی (ع) و سپس به اصفیاء و برگزیدگان از نسل آن حضرت سپرد .

پس معلوم است که مسؤولیت امام، پاسداری از دین خدا و حمایت همه جانبه از مکتب الهی می‌باشد که با حکمت و موعظه نیکو و دلیل قاطع، مردم را به راه پروردگارش فرامی‌خواند و ساحت آن را از هر گونه انحراف و کجروی مصون می‌دارد.

آن حضرت همچنین در کلامی دیگر به پاره‌ای از وظائف امام در این جهت اشاره فرموده‌اند :

«الإمام يحلُّ حلالَ الله ويحرِّم حرامَ الله ويُقيمُ حدودَ الله وَيَذُبُّ عَنْ دِينِ اللهِ .»

امام، حلال خدا را حلال و حرام او را حرام نموده، حدود او را جاری ساخته و از دین خدا پاسداری و دفاع می‌کند. ایشان همچنین در لسان دعا، آن بزرگواران را ارکان توحید و معرفت و ستون‌ها و استوانه‌های دین و صاحب اختیاران امر شرع معرفی نموده و این چنین به آن‌ها درود می‌فرستد:

«السلامُ عَلَى مُظْهَرِي أَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ، السَّلامُ عَلَى الدَّعَاةِ إِلَى اللهِ .» ؛

سلام بر آشکارکنندگان امر و نهی الهی و مطیعان فرمان خدا، سلام بر مبلغان دین و داعیان به سوی خدا. بنابراین وجود امام پس از پیامبر، به عنوان کارشناس دین، امری ضروری و حتمی است. و این همان است که ما معتقدیم، دین، موضوع امامت را نادیده نگرفته و بر رهبری امت پس از پیامبر تأکید دارد.

#### ۴ - پایگاه آموزش معالم دین

یکی دیگر از ضرورت‌های وجودی امام، مرجعیت دینی و پایگاه مراجعه امت برای آموزش معالم دین است. همچنان که قرآن مردم را به آن ترغیب می‌کند :

( فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ) .

که مصداق ائمه و اکمل اهل ذکر، کسانی‌اند که علم خالی از خطا و اشتباه آن‌ها از خدا و پیامبر (ص) سرچشمه گرفته شده است. امام علی بن موسی الرضا (ع) در تفسیر این آیه، اهل بیت : را به عنوان اهل ذکر برشمرده‌اند : « فَانْحَنُ أَهْلَ الذِّكْرِ فَاسْئَلُونَا إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » ؛ ما اهل ذکر هستیم، پس هر چه نمی‌دانید از ما بپرسید.

و نیز در زیارت جامعه کبیره با عبارت « بِمَوَالِيكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا »

راه آموختن معالم دین، ولایت اهل بیت بیان شده است. همچنان که پیامبر اسلام (ص) پس از بیان معالم دین، راه مصداق‌سازی و عرضه آن را برای مردم، به امیرالمؤمنین و فرزندان او : سپرد. که امام رضا (ع) در این رابطه می‌فرماید :

«... بَيْنَ لَامَتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِ وَأَوْضَحَ لَهُمْ سُبُلَهُمْ وَتَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدِ الْحَقِّ وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عِلْمًا وَ إِمَامًا » .

پیامبر معالم و مسائل اصلی دین را برای مردم بیان کرد و راه‌های آن را واضح ساخت و انتخاب حق را به ایشان وانهاد و علی (ع) را به عنوان شاخص و امام آن‌ها را برگزید.

## ۵ - رشد فکری و عقلی امت

عقل بشر که راهنما و پیامبر وجود انسان است، تا راه صحیح را به وی بنمایاند، در اسارت دل و در بیگاری اوست و این امر باعث شده که جنبه‌های انسانی بشر در خدمت جنبه حیوانی او درآمده و راه به سوی انحراف گزینند. در این راستا، لطف الهی، نیک مردانی پاک را برای راهنمایی این نماینده انسانیت انسان به سوی گسیل داشته تا او را از انحراف در غضب و شهوت و... برهاند.

امام رضا (ع) یکی از علل وجودی امام را در جامعه، استضعاف فکری و بینش کوتاه مردم برشمرده‌اند که اگر امام نبود، با دخل و تصرف ملحدان و بدعت‌گزاران، امر را بر آن‌ها مشتبه می‌ساخته و باعث تباهی آیین رسول خدا می‌شد. علاوه بر آن که اختلاف فهم و هواها و تشتت‌آرائی که در بین آن‌ها وجود داشت، بر این تباهی و تغییر سنت‌های الهی سرعت می‌بخشید .

بنابراین ضرورت وجود امام برای تقویت شناخت عقلی و درک سیمای حقیقت از بین رأی تراشی‌ها و فرقه بازی‌های اجتماعی و تبیین راه حق اثبات می‌شود تا امام، میزانی برای تشخیص حق از باطل گردد و چهره صراط مستقیم با محو پندارهای غلط و بی‌اساس آشکار شده و اندیشه بشری در جهت صحیح تربیت گردد.

علاوه بر آن جبهه‌گیری‌های تند ائمه معصومین : نسبت به غلات که درباره اهل بیت غلو نموده و ادعاهای باطلی می‌کنند، باعث تنویر افکار بشری شده و آن‌ها را آگاه می‌نماید. از جمله آن که امام رضا (ع) درباره این سخن آن‌ها که قائل به عدم کشته شدن ائمه بوده و معتقدند که آن‌ها زنده‌اند و چون حضرت عیسی (ع)، امر بر مردم

مشتبه شده است، ضمن تکذیب گفته‌ها و نفرین بر آن‌ها، شهادت ائمه : را امری واقعی دانسته و می‌فرمایند :

همه یازده نفر پس از پیامبر با شمشیر یا سم به شهادت رسیده‌اند . //

## ۶ - تفسیر قرآن

قرآن با تمام گویایی و قاطعیّت خود در طرح معارف الهی، چه بسا ممکن است مستمسک فرقه‌های مختلفی قرار گیرد که با استناد به ظواهر قرآنی، معتقدات خود را استدلال نمایند. همچنان که خوارج با تکیه بر آیه ( *إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ...* ) مسأله حاکمیّت انسان را انکار نموده و اشاعره و معتزله، نظرات خود را با آن توجیه می‌کردند. قرآن حجّتی صامت است که در این پیش داوری‌ها و تفاسیر قادر نیست از خود دفاع کرده و راه حق را پررنگ‌تر سازد. بلکه این کار برعهده امام حیّ و ناطقی است که در پرتو علم وسیع و عصمت الهی خود، به رسوایی تأویل‌های ناروا پرداخته و منظور حقیقی آیه را ارائه می‌دهد. همچنان که در داستان پرسش‌های مرد شامی با شاگردان امام صادق (ع) در محضر آن حضرت مشاهده می‌شود .

اضافه بر این که قرآن، رموز و اسراری دارد که برای آشکار ساختن آن و نیز در حدّ فهم و ادراک بشریت درآوردن آن، به مفسّرانی نیاز است که ضمن آشنایی به زبان قرآن، آن را به زبان مردم ترجمه کنند . همچنان که در فرازی از « زیارت جامعه کبیره » آن‌ها را به « *تراجمة لَوْحِیهِ* » معرفی کرده است.

در کلام امام رضا (ع) نیز به این حقیقت اشاره شده که فرمودند :

ما به آیات محکم و متشابه، خاص و عام، وعد و وعید، بشارت و زنهار، ناسخ و منسوخ و قصص و اخبارش ایمان داریم و هیچ کسی نمی‌تواند مانند قرآن بیاورد. دلیل کاروان بشریت و راهنمای پس از پیامبر (ص) بر مؤمنان، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) امام مؤمنان و بیان کننده قرآن و عالم به احکام آن است... و پس از او حسن و حسین (ع) سروران جوانان اهل بهشت، سپس علی بن الحسین زین العابدین و پس از او محمد بن علی شکافنده معضلات علوم انبیاء، سپس جعفر بن محمد الصادق وارث علم اوصیاء، آنگاه موسی بن جعفر الکاظم، پس از او علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجّت قائم منتظر :... هر چه ایشان بگویند اساس قرآن و تفسیر و تعبیر آن است .

و نیز با استناد بر حدیث ثقلین، تمسک به قرآن از طریق اهل بیت : که کارشناسان علوم آن به حساب می آیند، موجب سعادت می باشد و دست آویختن به هر یک دون دیگری، خود مایه ضلالت و گمراهی خواهد بود. چرا که آن ها آگاه به عمق این بحر مؤاجند و بنابر فرمایش امام رضا (ع) اهل ذکر هستند که باید برای فهم قرآن به سراغ آن ها رفت. و این روند تا زمان ظهور مصلح کل، همچنان ادامه دارد.

#### ۷ - حفظ سنت پیامبر

پس از پیامبر، جاعلان حدیث و تاریخ، با انگیزه های مختلف وارد میدان شده و با کینه هایی که از اسلام به دل داشتند، بر ضد او شوریدند. در این رهگذر سیل اسرائیلیات و مسیحیات را به سوی احادیث نبوی سرازیر نموده و با تحریک خلفای سوجدو که برای رسیدن به مقام و ثروت، پا روی حق نهاده، با جعل حدیث، سعی در دگرگون سازی چهره اسلام داشتند.

و لذا وجود امام معصوم، مانعی در جهت اجرای مقاصد آن ها به شمار می رود. چرا که با بیان حقایق و مبارزه با احادیث باطل، نقشه دروغ پردازان نقش بر آب شده و افکار باطل مردم سامان می گیرد. که سیره امام رضا (ع) در صحنه های مختلف علمی و گفتمان هایی با علماء و دانشمندان چنین بود . از جمله اینکه در جواب جمعی از علماء عراق و خراسان که با استناد به حدیثی از پیامبر، آل محمد را همان امت او تلقی کردند، با استفاده از دوازده آیه قرآن، ضمن بطلان این نظر، فرمودند : « مراد از آن، عترت طاهره پیامبر است نه همه امت ایشان » .

#### ۸ - الگوی مؤمنان

قرآن، پیامبر (ص) را الگو و اسوه بشریت معرفی نموده است :

( لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ) ؛

به تحقیق برای شما در وجود مبارک پیامبر، اسوه و الگویی شایسته وجود دارد.

« اسوه » در لغت به معنای حالتی در انسان است که به هنگام تبعیت و پیروی از دیگران به خود می‌گیرد، چه خوب باشد یا بد . که این حالت در مقام تأسی و اصلاح عمل و سلوک است، که بنابر آیه فوق هر کس راه سعادت و سیر الی الله را آرزو می‌کند باید از این روش شایسته به اصلاح خود بپردازد .

تأکید بر ولایت و امامت ائمه هدی : در لسان روایات نیز بر همین معنا است. که امام صادق (ع) فرمودند: «لَأَنَّ لَنَا فِي ابْنِ آدَمَ أُسْوَةً» ؛ ما اسوه و الگوی بنی آدم هستیم.

## ۹ - وحدت اجتماعی

برای برقراری اتحاد و وحدت اجتماعی که ضرورت آن - علی الخصوص در عصر کنونی - بر هیچ کس مستور نیست، به یک مرکز مورد اعتماد نیاز است. علیرغم اینکه مسلمانان عوامل وحدت زیادی، از جمله ؛ خدای یگانه، پیامبر، قبله، کتاب آسمانی و اعمال عبادی واحدی هم‌چون نماز جماعت و جمعه و مراسم حج دارند، که هر یک می‌تواند عامل وحدت و هماهنگی بین آن‌ها باشد، اما امامت در این رابطه از جایگاهی عمیق و اساسی برخوردار است تا جایی که روایات ما نیز بر این امر تأکید نموده‌اند.

حضرت رضا (ع) در بیان فلسفه امامت می‌فرمایند :

« إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ » .

امامت، مهار دین و نظام امت مسلمان است.

این معنا در کلام امیرالمؤمنین (ع) نیز با تعبیر « الْإِمَامَةُ نِظَامُ الْأُمَّةِ » آمده است. و امام باقر (ع)، ولایت و محبت اهل بیت : را نظام دین معرفی کرده اند:

« حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ » .

بر این اساس امامت در این روایات با تعبیرهای « نظام امت »، « نظام مسلمین » و « نظام الدین » یاد شده که شایسته است درباره واژه « نظام » دقیق تر شویم.

عنایت به سخنی از امیرالمؤمنین (ع)، حقیقت این مطلب را آشکار می سازد :

« مَكَانُ الْقِيَمِ مِنَ الْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِفِرِهِ أَبَدًا » .

جایگاه زمامدار و حاکم، همچون رشته‌ای است که مهره‌های پراکنده را گرد آورده و تحت یک نظم ویژه‌ای به هم پیوند داده است. که اگر آن رشته بگسلد، مهره‌ها متفرق و پراکنده شده و هرگز جمع نمی گردند.

در این کلام نورانی، امام به « نظام » یعنی رشته‌ای که باعث انضمام مهره‌ها می شود، تشبیه شده و جامعه و امت به « خرز » و مهره. بنابراین روایات وارده، بر وحدت و انسجام اجتماعی و سامان یافتن جامعه به عنوان فلسفه ولایت و امامت اشاره دارند به این معنا که پذیرش ولایت ائمه هدی : جامعه را در مسیر رسیدن به هدف متعالی پیوند داده و به این پیوند استحکام می بخشد. در حالی که عدم قبول آن، باعث تفرقه و از هم گسیختگی مسلمین شده و امت اسلام را به زوال و نیستی می کشاند.

۱۰ - رهبری باطنی

همچنان که دانستیم، مسؤولیت امام، تنها ارائه طریق نیست، بلکه دستگیری و رساندن امت به مقصود از راه تأثیر و نفوذ معنوی و تابش شعاع هدایت در قلب انسان‌های آماده و مستعد، از اصلی ترین شؤون امام به شمار می رود.

به عبارت دیگر او چون چشم تیزبینی است که بر قلوب و اعمال امت نظارت دارد تا مخاطرات و گناهان، آن‌ها را تهدید نکند.

در این رابطه به کلامی گهربار از امیرالمؤمنین (ع) استناد می‌کنیم که فرمودند :

« أَنَا عَلَّمُ اللَّهَ وَ أَنَا قَلْبُ اللَّهِ الْوَاعِي وَ لِسَانُ اللَّهِ الْنَاطِقُ وَ عَيْنُ اللَّهِ الْنَاطِرَةُ » .

من علم و پرچم خدا و آن قلبی هستم که خدا آن را گنجینه علم خود قرار داده و من زبان گویای خدا و چشم بینای نظارت‌گر الهی هستم.

مرحوم مجلسی ؛ وجه اطلاق « عین الله » را به ائمه اطهار ؛، نگهبانی و نظارت بر بندگان دانسته است. همچنان که منقول است : مردی در حین طواف، مشغول تماشای زنان مسلمان بود. در این هنگام با سیلی امیرالمؤمنین (ع) به خود آمده و نزد عمر شکایت برد. عمر گفت: « یکی از عیون خدا تو را مشاهده کرده است » .

همچنین ارائه اعمال خدمت آن بزرگواران، مقتضای مقام امامت آن‌ها بوده که با رهبری باطنی به هدایت جامعه پرداخته و با نفوذ معنوی خود، در جهت اصلاح و سازندگی و ایجاد روح تقوا در بین مردم توفیق می‌یابند.

امام که مظهر علم خداوندی است، همچون احاطه جان بر بدن، بر تمام شؤون بشر احاطه و وقوف دارد و اعمال بندگان نزد او حاضر است. این عرضه اعمال، گاه به صورت عمومی است که بر طبق روایات، روزهای دوشنبه و

پنجشنبه ، اعمال بندگان به او عرضه می‌شود. و گاه اشراف همیشگی و عرضه مداوم است که با عبارت « کل یوم ولیله » و « کل صباح » به آن اشاره شده، و ناظر بر دوام وقوف امام بر اعمال امت می‌باشد. همان طور که

جان ما از جسم ما باخبر است، امام هم از جان ما آگاه است. و با عنایت به آیه ( النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ) ، در واقع او جانِ جانان است. چه اینکه نسبت پیامبر را به خاطر برتری وجودی بر ارواح مردم، مثل

جان برای بدن می‌داند. و این مقام در قرآن برای پیامبر (ص) ثابت شده و به تبع ایشان برای امام معصوم (ع) نیز



ثابت می‌گردد . علاوه بر آن که امام رضا (ع) نیز، بر این تفوق تصریح فرموده است : « یكونُ أولى بالناس منهُم بأنفسهم » ؛ اختیار او نسبت به مردم از اختیار آنان نسبت به خودشان بیشتر است .  
ابان زیات مشهور به « عبدالرضا » گفت : از امام رضا (ع) خواهش کردم که برای من و خانواده‌ام دعا بفرماید. آن حضرت فرمودند :

« أو لستَ أفعلُ ؟ واللهِ إنَّ أعمالکم لتُعَرَّض علیّ فی کلِّ یومٍ ولیلۃٍ » .

مگر شما را دعا نمی‌کنم ؟ به خدا قسم که هر شب و روز اعمال شما به ما نشان داده می‌شود.  
مسئلاً در این زمان نیز امام زمان (ع) بر همه اعمال ما آگاه است. همچنان که آن حضرت، خود این مسأله را در تویعی به شیخ مفید بیان فرموده‌اند :

« نحنُ وإن کُنَّا ثاوینَ بمکاننا النَّائی عنْ مَساکینِ الظَّالِمینَ... فَإِنَّا نُحِیْطُ عَلَماً بِأَبَائِکُمْ وَلَا یَعْرِبُ عَنَّا شَیْءٌ مِنْ أَخْبَارِکُمْ وَمَعْرِفَتِنَا بِالْإِذْلالِ الَّذِی

أَصَابَکُمْ مُذْجَنَحَ کَثِیرٍ مِنْکُمْ إلی ما کانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعاً وَنَبَذُوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ کَأَنَّهُمْ لَا یَعْلَمُونَ إِنَّا غَیْرُ مُهْمَلِینَ

لِمُرَاعَاتِکُمْ وَلَا نَاسِینَ لِذِکْرِکُمْ » .

ما اگرچه هم اکنون در مکانی دور از جایگاه ستمگران سکنی گزیده‌ایم، ولی در عین حال بر اخبار و احوال شما آگاهیم و چیزی از ما مستور و پوشیده نمی‌ماند. ما از لغزش‌هایی که از برخی شیعیان سر می‌زند از وقتی که بسیاری از آنان میل به بعضی از کارهای ناشایسته‌ای نموده‌اند که نیکان گذشته از آنان احتراز می‌نمودند و پیمانی که از آنان برای توجّه به خداوند و دوری از زشتی‌ها گرفته شده، و آن را پشت سر انداخته‌اند اطلاع داریم. گویا آنان نمی‌دانند که ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم.

## ۱۱ - اقامه حکوت عدل

تشکیل حکومت الهی که انسان را به اهداف خلقت نزدیک می‌سازد، جز از طریق معصومین : امکان‌پذیر نیست. زیرا حکومت‌های انسانی بنا به شهادت تاریخ، همیشه در مسیر منافع مادی افراد یا گروه‌هایی خاص در حرکت بوده و عناوینی چون دموکراسی و حقوق بشر، همواره پوششی بر اجرای مقاصد آنهاست .

بلکه اجرای عدالت پایدار و بیدارسازی وجدان اجتماعی، تنها با حاکمیت برگزیدگان الهی محقق خواهد شد. و در این راستا، زمینه‌سازی عدالت جهانی از جمله مواردی است که فلسفه وجودی امام را اثبات می‌کند.

امام رضا (ع)، کارایی امامت را در بُعد حکومت چنین بیان می‌دارند :

- نظم اجتماعی : « إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ » ؛ امامت، زمام دین و باعث نظام مسلمین می‌باشد.

- رشد و اعتدال اقتصادی : « بِالْإِمَامِ... تَوْفِيرُ الْفَيْءِ وَالصَّدَقَاتِ » ؛ غنائم به دست آمده و صدقات وفور و کنترل می‌گردد.

- داوری و قضاوت عادلانه: «بالإمام... إِمضاءُ الحُدودِ والأحكامِ...» ؛ امام حدود و احکام را جاری می‌سازد.

«الإمامُ يَجِلُّ حلالَ اللهِ وَيُحَرِّمُ حرامَ اللهِ وَيُقِيمُ حدودَ اللهِ» ؛ احکام خدا را آن طور که شایسته است اقامه می‌کند.

- حفظ مرزها: «بالإمام... مَنعُ الثُّغُورِ والأطرافِ» ؛ به برکت وجود امام مرزهای کشور، حفظ و حراست می‌شود.

- مبارزه با دشمنان: «الإمام... غيظُ المنافقين وبوارُ الكافرين» ؛ باعث خشم منافقین و هلاکت کافران است.

- مدیریت اجتماعی: «هُوَ... مُضْطَلِعٌ بِالْإِمَامَةِ، عالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ» ؛ امام بر امر امامت و رهبری، توانا و قدرتمند است و بر اداره امور جامعه، آگاه و توانمند.

- عزت و اعتلای جامعه: «إِنَّ الإِمَامَةَ... صلاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ» ، «الامامُ نظامُ الدِّينِ وَعِزُّ الْمُسْلِمِينَ» ؛ امامت، باعث اصلاح امور زندگی دنیا و عزتمندی و سربلندی مؤمنین است.

- مبارزه با فساد: «... فَجَعَلَ عَلَيْهِمْ قِيَمًا يَمْنَعُهُمُ مِنَ الْفَسَادِ» ؛ خدا آن را قیّم جامعه قرار داد تا از فساد ممانعت ورزد.

ب ( ضرورت وجود امام در هر عصر

نیاز به هادی و راهنما مخصوص زمانی دون زمانی دیگر نیست، بلکه بشر در همه اعصار نیازمند امام و حجّت الهی است. و این نیاز از زمان آدم تا خاتم و تا روز قیامت تأمین شده است. به طوری که نام انبیاء و اوصیاء آنها تا زمان پیامبر و پس از آن در کتب روایی ملحوظ است . البتّه این نیاز پس از رحلت پیامبر (ص) که ارتباط وحی الهی با بشر قطع شد، محسوس تر است.

امام رضا (ع) از امام صادق (ع) روایت کرده اند که فرمودند :

« إِنَّ الْحِجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ » .

حجّت خدا بر مردم تمام نمی شود مگر به وسیله امام زنده‌ای که شناخته شود.

در این باب، دلایلی چند بر اثبات این ضرورت ارائه شده است :

۱ - امامت، لطف همیشگی الهی

با عنایت به آیه ( وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ )

. از آنجا که فعل مضارع، نشانگر تدریج و استمرار است، درمی یابیم که، امامت منت و لطف همیشگی و پایدار

الهی است و مفهوم آیه بر تداوم امامت در همه عصرها دلالت می کند.

۲ - امام واسطه فیض الهی

بر حسب روایات، وابستگی جهان و ارتباط سایر ممکنات و بقای زمین، بلکه عالم، نزول باران و برکات، افاضه فیوضات و نعمت‌ها به وجود امام، ثابت و مسلم است. همچنان که حضرت رضا (ع) می‌فرماید :

ما حجّت‌های خدا در میان خلایق و امین بر اسرار آفرینش هستیم، ما کلمه تقوی و عروه الوثقی و گواهان خداوند و نشانه‌های او در میان آفریدگانش می‌باشیم. خدا آسمان و زمین را به واسطه ما نگاه می‌دارد و به واسطه ما باران می‌بارد و رحمت الهی منتشر می‌شود. زمین از قائمی از ما - آشکار یا نهان - خالی نیست. و اگر روزی زمین از حجّت خالی باشد، ساکنانش مضطرب شده، همچنان که دریا و اهلس مضطرب می‌گردند» .

بدیهی است که این فیض الهی در هر عصر، از کانال وجودی حجّت الهی که واسطه فیض بین خدا و بنده در آن دوره است، به موجودات می‌رسد. بلکه حضور و غیبت او در ترتب این آثار، تفاوتی ندارد. و بنابر روایات، امام در هر زمان، در شب قدر، مقدرات یک ساله امت خود را به اذن خدا تنفیذ می‌کند . و پیامبر اکرم (ص)، دوام نزول روح و ملائکه را در شب قدر بر امام حیّ تا قیامت تأکید فرموده‌اند .

۳ - امام، گواه امت

از آیات قرآن چنین مستفاد می‌گردد که خداوند در بین هر امتی، فردی معصوم را قرار داده تا بر اعمال امت، گواه باشد، تا در قیامت بر آنها احتجاج نماید. اینان حجّت خداوندی در امر هدایت بشر و محیط بر اعمال امت خویش در دنیا هستند. که مسلماً این گواهی و احاطه، دلیلی بر حضور امام در بین مردم آن عصر می‌باشد. امام رضا (ع) در دعایی که یونس بن عبدالرحمن از ایشان روایت کرده، امام زمان (ع) را چشم نظاره‌گر و شاهد بر بندگان معرفی می‌فرماید :

« وَعَيْنِكَ النَّاطِرَهُ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ » .

۴ - امام ملجأ مردم

حضرت صادق (ع) فرمودند :

یک روز زمین خالی از امامی که از خانواده ما است، نخواهد بود، که امت در گرفتاری‌های خود به او پناه ببرند .  
و امام رضا (ع) از امام زمان (ع) به عنوان پناهگاهی یاد می‌کند که از دیدگان پنهان است .  
بدیهی است به کسی می‌توان پناهنده شد و در گرفتاری به او تمسک جست که حضور و پناهِش محسوس باشد.  
آنچنان که در زمان غیبت هم با آن که دیدگان، از درک محضرش محرومند، اما با تمام وجود، این حضور و پناه  
را حس کرده، با امید به فرج در انتظار طلوع خورشید، آرام می‌گیرند.

## ۵ - اصلاح فکری جامعه

ضرورت وجود جانشینان و اوصیاء پیامبر (ص) در هر عصر، در حفظ میراث معنوی و اصلاح ساختار فکری جامعه  
ظهور یافته است. قیام امام حسین (ع) علیه بی‌عدالتی و ظلم حاکم، نهضت علمی امام باقر و امام صادق (ع) که با  
ایجاد تحوّل علمی و تربیت شاگردانی کارآمد، سیاست‌گزاران باطل را رسوا نمود، کلام قاطع و نافذ امیرالمؤمنین  
(ع) در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، دعا‌های دلنشین و نورانی امام سجّاد (ع)، احتجاجات ائمه مخصوصاً حضرت  
رضا (ع)، از جمله گام‌های مؤثری در راه حفظ این حقیقت است.  
در عصر امام رضا (ع) عوامل انحراف فکری و نفوذ تفکرات الحادی فلسفه بیگانه به اوج خود رسیده و گروه‌های  
باطل با رواج اندیشه‌های ناصواب، به اثبات موقعیت خود پرداخته و باعث ایجاد نوعی آشفتگی فکری در جامعه  
شده بودند.

امام (ع) برای پاکسازی جوّ فکری جامعه و پاسداری از حرمت دین، به مقابله و برخورد با این عقاید پرداخته و با  
برقراری جلسات مناظره و گفتمان‌های آزاد با بزرگان فلسفه و کلام و نیز علمای اهل کتاب، به تعبیر خود  
حضرت، « با شیوه‌ای الهی، همراه با حکمت و موعظه نیکو و دلیل قاطع، مردم را به راه پروردگارش فرامی‌خواند»  
، و از این طریق، بی‌پایگی سخنان آنان را برملا ساخته و به اصالت فرهنگ اسلامی تأکید نمودند .  
از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند :

خداوند زمین را خالی از عالمی که به زیادی و نقصان آگاه باشد نمی‌گذارد. اگر مؤمنین چیزی به دین بیفزایند،  
آن‌ها را متوجّه نماید و اگر چیزی کم کنند، برایشان تکمیل نماید .

و نیز آن حضرت از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمودند :

در هر نسلی از امت من عادل‌ی از اهل‌بیت من وجود دارد که از این دین، تحریف غلوکنندگان و نسبت ناروای باطلان و تأویل نادانان را نفی می‌نماید .

۶ - امام، هادی امت

اقتضای ربوبیت الهی آن است که در هر عصری، حجّتی را برای مردم قرار دهد، تا آن‌ها را در مسیر هدایت یاری رساند :

(إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ )

که امام باقر (ع) ذیل این آیه می‌فرمایند : « در هر زمانی، یک هادی و راهنما از ما خانواده هست تا مردم را به سوی دستورات پیامبر هدایت نماید. آن‌ها عبارتند از علی بن ابی‌طالب (ع)، سپس جانشینان او یکی پس از دیگری » .

و امام صادق (ع) فرمودند : « هر امامی هادی و راهنمای قرن خویش است، برای مردمی که در آن قرن زندگی می‌کنند » .

در زمان امام عصر (ع)، این هدایت از پس پرده غیبت صورت می‌گیرد. آنسان که آن حضرت، خود بر آن تأکید فرموده‌اند : « ما در مراعات حال شما سهل انگار نیستیم و هرگز شما را فراموش نمی‌کنیم » .

۷ - امام، عامل بقاء هستی

در روایات بی‌شماری از طریق شیعه و سنی، امام عامل قوام و بقاء هستی معرفی شده است. آنچنان که « انس بن مالک » از رسول خدا چنین نقل می‌کند :

« لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ فَإِذَا مَضَوْا لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا » ؛

همواره این دین پابرجا خواهد بود تا دوازده نفر. وقتی آن‌ها درگذشتند، زمین اهلش را فروخواهد برد.

همچنین در توصیف امیرالمؤمنین (ع)، روایتی به این مضمون از « سلمان » نقل شده است :

« إِنَّهُ لَزُرُّ الْأَرْضِ الَّذِي تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَيَسْكُنُ إِلَيْهَا وَلَوْ فَقَدَ لِأَنْكَرْتُمْ الْأَرْضَ وَأَنْكَرْتُمُ النَّاسَ » .

علی (ع) قوام زمین است که زمین به سوی او آرام می‌گیرد و حصول آرامش برای زمین از طرف اوست. اگر از

دست برود، هر آینه زمین و مردم را دگرگون و به وضع ناشناخته‌ای خواهید یافت.

امیرالمؤمنین (ع) نیز در نهج‌البلاغه در تصریح این معنا می‌فرماید :

« وَ إِنَّمَا الْأُيُمَّةُ قَوْمٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَعَرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ » .

امامان از سوی خدا و به امر او قائم بر خلق هستند و برپادارندگان آن‌ها ( و مدیر و مدبر امور، نگهبان مصالح ) و

سرپرست بندگان خدا می‌باشند.



توضیح این که بنابر روایات معتبر، وجود پیامبر و ائمه هدی : مقصد اصلی خلقت می‌باشند و دیگران، به لطف وجود آن‌ها هستی می‌یابند. آنسان که امام رضا (ع) نقل می‌کنند که پیامبر (ص) به امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند:

« يا عَلِيُّ لَوْ لَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَلَا حَوَاءَ وَلَا الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ » ؛

ای علی اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی‌آفرید.

البته این معنا در روایات اهل سنت نیز آمده که خداوند به پیامبر (ص) فرمودند :

« هولاء ( یعنی ؛ محمداً و علیاً و فاطمه و الحسن و الحسين ) خمسةٌ مِنْ وُدِّكَ. لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ... وَلَوْلَاهُمْ مَا

خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا

الْعَرْشَ وَلَا الْكُرْسِيَّ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ وَلَا الْمَلَائِكَةَ وَلَا الْإِنْسَ وَلَا الْجِنَّ » .

اینان پنج تن از فرزندان تو هستند. اگر ایشان نبودند تو را خلق نمی‌کردم... اگر ایشان نبودند، بهشت و آتش و

عرش و کرسی و آسمان و زمین و فرشتگان و انس و جن را نمی‌آفریدم.

بنابراین مقام امامت و حجت الهی به عنوان اشرف ممکنات و کامل‌ترین آن‌ها، مقصد اصلی و علت‌غایی خلقت به

شمار می‌رود. به این معنا که خدا همه چیز را برای بشر و او را برای انسان کامل و ولیّ امر هر عصر آفریده است.

و این حقیقت در حدیث قدسی بیان شده است :

« خَلَقْتُكَ لِأَجْلِ الْأَشْيَاءِ لِأَجْلِكَ » .

تو را به خاطر خودم و همه هستی را به خاطر تو آفریدم.

پس همه موجودات عالم امکان، باید در سیر تکاملی خود، به آن وجود کامل بپیوندند و خود را در معرض تربیت آن‌ها قرار دهند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید :

« فَإِنَّا صَنَاعُ رَبِّنَا وَالنَّاسُ صَنَائِعُ لَنَا » .

ما تربیت یافتگان پروردگارمان هستیم و مردم پس از آن تربیت یافته ما هستند.

البته بهره‌مندی از تربیت امام (ع) در زمان غیبت، بسان انتفاع از برکات و فیوضات خورشید پشت ابر است، اگرچه ما را از نور مستقیم آن محروم ساخته است.

همچنان که امام زمان (ع) خود نیز بر این بهره‌وری از آفتاب پنهان وجود خویش تأکید فرموده اند :

« وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ لِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ » .

و اما وجه انتفاع از من در زمان غیبت، همچون بهره‌مندی از خورشید است آن هنگامی که به واسطه ابر از دیدگان پنهان می‌باشد.

بنابراین در طول تاریخ زندگی بشر، این کلاس تربیت برپاست، تا انسان‌ها با راهیابی به سوی آن از مخاطرات و انحرافات مصون باشند. همچنان که در روایات معصومین : بر ضرورت وجود امام و خالی نبودن زمین از حجت

الهی از آغاز آفرینش تا پایان آن اصرار شده و عدم وجود او مایه فساد و تباهی جامعه، بلکه جهان معرفی گردیده است.

حضرت رضا (ع) می‌فرمایند :

« نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخُلَفَائِهِ فِي عِبَادِهِ... لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا... »

وَلَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بَغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَجَّتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ . »

ما حجّت‌های الهی روی زمین و جانشینان خدا در بین بندگانش هستیم... زمین از قائمی از ما خالی نمی‌ماند... و اگر زمین روزی خالی از امام باشد، اهل خود را فروخواهد برد و همچون دریایی که با موج به اضطراب می‌افتد، اهلش را بی‌قرار می‌سازد.

و نیز آن حضرت در کلامی دیگر می‌فرمایند :

« لو خَلَّتْ الْأَرْضُ طَرْفَةً عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا . »

اگر به اندازه چشم برهم زدنی زمین از حجّت خالی گردد، در دم بر اهلش فرومی‌ریزد.

پس می‌توان گفت که آثار تکوینی امام با نفس وجود آن حضرت، رابطه مستقیمی دارد. به این معنا که : تا حجّت هست، جهان برقرار و پا برجاست و تا جهان باقی است، حجّت الهی وجود دارد .

با بیان حقیقت ضرورت وجود امام در هر زمان، می‌توان به بطلان این سخن که : « حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ » واقف گردید. زیرا قرآن علاوه بر آن که بیانگر همه چیز و بیانی برای مردم است که هیچ چیزی را فروگذار نکرده ، نیازمند روشن‌گری و راه‌یابی خواهد بود :

(... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ... ) .

و ما این قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است، برای آن‌ها روشن‌سازی... و تا این تبیین و تفسیر در کنار آن نباشد، نمی‌تواند بشریت را به کمال برساند. بلکه چه بسا هر کس با تفسیری متفاوت، راهی را برگزیند که در خیال خویش، شایسته و صواب است !

اضافه بر آن، عنایت به حدیث « مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً » که بهره‌مندی از حیات انسانی را منوط به شناخت امام در هر عصری می‌کند، این حقیقت را روشن می‌سازد که در هر عصر، امام معصومی وجود دارد که معرفت عمیق و ثمربخش مردم به او، جامعه را سعادت‌مند می‌کند. بر این اساس بر طبق کلام امام صادق (ع)، « خداوند از زمان حضرت آدم (ع) تاکنون زمین را بدون امام معصومی که به سوی خدا رهبری کند فرونگذاشته است » ، همچنین « این مقام در یک زمان برای دو امام متصور نیست، مگر اینکه یکی از آن‌ها ساکت بوده و اعمال ولایت ننماید » . که حضرت رضا (ع) علّت آن را در « ایجاد اختلاف رأی در بین آن دو، عدم اولویت طاعت یکی نسبت به دیگری، پیدایش کشمکش در بین امت، حصول اطاعت یکی و نافرمانی دیگری، عدم سزاواری یکی نسبت به دیگری در امر حکومت و ولایت و... » می‌داند . و لذا پیامبر (ص)، آن‌ها را چون ستارگانی معرفی می‌کند، که با افول یکی، دیگری ظهور می‌یابد. و این امر تا قیامت استمرار دارد .

عقیده به ظهور مصلح جهانی، اختصاص به گروه خاصی ندارد، بلکه همه نفوس انسانی و ادیان و ملل، به نوعی در این باور داشت، وحدت فکری و اتفاق نظر دارند. آن‌ها در انتظار تحقق بشارت ظهور منجی بزرگ، به آینده‌ای روشن چشم دوخته‌اند تا جهان را از فساد و بی‌عدالتی برهاند و با نیروی فوق‌العاده غیبی، اوضاع آشفته عالم را سامان بخشد.

## ۱ - اعتقاد به مهدویت در فطرت انسانی

اعتقاد به حاکمیت عدالت در پهنه گیتی و گسستن مرزهای بردگی و تبعیضات فردی و نژادی برای همه انسان‌ها مطلوب و مقبول است. وجدان بشری، ضمن محکوم ساختن سلطه ستم و نفوذ طاغوت‌ها، به دنبال مصلح بزرگی است که جامعه جهانی را به سعادت، امنیت و عدالت سوق دهد. و همواره از ندایی که بساط ظلم را ویران نماید، استقبال کرده و به زمامداری رأی می‌دهد که از حقوق مستضعفان و رنجدیدگان از ستم، حمایت می‌کند.

این علاقه بشریت به پایان سعادت‌مندانه جهان، یک اصل فطری است که با سنت خلل‌ناپذیر الهی، یعنی : « حاکمیت حق و نابودی باطل » منطبق است :

( وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ) ؛

و بگو : « حق آمد و باطل نابود شد. یقیناً باطل نابودشدنی است ! ».

## ۲ - اعتقاد به مهدویت در ادیان و ملل

تمام کتب آسمانی، به صلح جهانی و عصر درخشان ظهور، بشارت داده‌اند و همه ملل و مذاهب در انتظار موعودی هستند که عالم را از بحران‌ها نجات دهد. البته هر ملتی او را با لقبی خاص می‌شناسد و به نوعی او را از خود

می‌داند. مثلاً زرتشتیان، او را با نام « سوشیانس »، یعنی ؛ « نجات دهنده جهان » و یهودیان با نام « سرور میکائیلی »، مسیحیان، با نام « مسیح موعود » و مسلمانان با نام « مهدوی موعود » (ع) می‌شناسند.

همچنین زرتشتیان او را ایرانی، یهودیان، او را از بنی‌اسرائیل، پیروان حضرت عیسی او را از کیش خود و مسلمانان، وی را از نسل بنی‌هاشم و فرزند پیامبر اکرم (ص) می‌دانند. که البته همه این مشخصات در مهدی موعود اسلام که فرزند امام عسکری (ع) است، منطبق می‌باشد. چه اینکه از طرفی می‌توان او را از نژاد ایرانی برشمرد، زیرا مادر امام سجاد (ع) که جد آن حضرت است، شاهزاده‌ای ایرانی به نام : « شهربانو » دختر یزدگرد پادشاه ساسانی بود. و همچنین از آنجا که بنی‌هاشم از نسل اسماعیل و بنی‌اسرائیل از نسل اسحاق و هر دو از فرزندان حضرت ابراهیم (ع) هستند، می‌توان او را از وابستگان بنی‌اسرائیل به حساب آورد. نسبت او با عیسویان نیز از آن جهت است که مادر ایشان، شاهزاده‌ای رومی به نام : « نرجس » می‌باشد.

آنچه اهمیت دارد این است که نباید آن حضرت را به ملت معینی اختصاص داد، بلکه او موعود جهانیان و نجات‌بخش بشریت است. پیروزی او، پیروزی انبیاء الهی و تمام ادیان خواهد بود و همه ملّت‌ها با هر آئینی به قیام و عدالت‌گستری آن مصلح کل امید دارند. بنابراین اعتقاد به مهدویت یک عقیده مشترک دینی به موعود ادیان است که از وحی الهی سرچشمه گرفته است .

نوید خوش ظهور مصلح و منجی جهانی در تمام کتب آسمانی باقی مانده، مانند ؛ جاماسب نامه از کتاب‌های مقدّس زرتشتیان، تورات و ملحقات آن، که از کتاب‌های مقدّس یهود به حساب می‌آید و انجیل عیسویان یافت می‌شود، علاوه بر آن در کتاب‌های مقدّس براهمه و بودائیان نیز کم و بیش وجود دارد . که مضمون این بشارت‌ها به گونه‌ای اصالت عقیده مهدویت را تأیید نموده و به بعضی از صفات و علائمی که در احادیث اسلامی برای ظهور امام زمان (ع) بیان شده، اشاره یا تصریح دارند . که در اینجا به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم :

( وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ )

در « زبور » بعد از ذکر ( تورات ) نوشتیم : « بندگان شایسته‌ام وارث ( حکومت ) زمین خواهند شد ».

بر طبق این آیه شریفه، بشارت حاکمیت شایستگان و صالحان در سراسر زمین، در کتاب زبور و تورات بیان شده است .

البته شایان توجه است که کتب عهد عتیق که از آن چه بعضی حفظ داشتند، تجدید استنساخ شد و در آنچه باقی ماند، مخصوصاً در قسمت‌های مربوط به بشارت از پیامبر اسلام (ص)، تحریفات و تأویلات غیرموجهی صورت گرفته و یا در ترجمه‌ها غرض‌ورزی شده است، معذک تورات و انجیل فعلی هم که در دست یهود و نصاری موجود است، حاوی بشارت‌های متعددی به ظهور پیامبر اسلام و ائمه هدی : است . و استناد ما به همین کتب خواهد بود.

- تورات : در پاراش لخلخا ( فصل ۱۷ از آیه ۲۰ از سفر تکوین ) از قول خداوند به ابراهیم (ع) آمده است :

خداوند جلیل پس از اینکه هفده بشارت به حضرت خلیل (ع) داد، ابراهیم پس از استماع بشارت مذکور ساجداً لله به رو درافتاد و تمنا کرد کاش اسماعیل زنده می‌ماند. زیرا زندگانی او در نزد من بهتر از هفده بشارت است.

سپس خداوند عالم فرمود : دعای تو را در حق اسماعیل به اجابت رسانیدم، او را برکت داده و کثیرالاولاد قرار خواهم داد و قبیله بزرگ که عبارت باشد از قبیله عرب، از صلب او خواهد بود. و او را بزرگ خواهم گردانید، به

سبب اینکه محمد (ص) و دوازده امام را که اوصیای حضرت محمداند از صلب او پدید خواهیم آورد

- زبور : در ترجمه فارسی زبور ۳۷ - از مزامیر داود، که چهل آیه است - چنین آمده است :

زیرا که شیران منقطع می‌شوند اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد... و از کثرت سلامتی متلذذ می‌گردند... شیران شمشیر را کشیدند تا آن که مظلوم و مسکین را بیندازند و راست روان را بکشند. شمشیر

ایشان بر دلشان فروخواهد رفت و کمان‌های آنان شکسته خواهد شد. کمی صدیق از فراوانی شیران بسیار بهتر است. چون که بازوهای شیران شکسته می‌شود و خداوند، صدیقان را تکیه‌گاه است. خداوند روزهای صالحان را

می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد. زیرا متبرکان خداوند وارث زمین شده و ملعونان وی منقطع خواهند شد. خداوند، عدالت را دوست می‌دارد و مقدّسان خود را وانمی‌گذارد و آن‌ها را تا ابد محفوظ می‌دارد. صدیقان،

وارث زمین شده و تا ابد در آن ساکن خواهند بود... .

۳ - مهدویت در قرآن

قرآن در پاسخ امید بشریت به فرجام خوش تاریخ، ظهور نجات‌بخش جهانی را در جای‌جای آیات خود ترسیم نموده است :

- پیروزی حق بر باطل :

( وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ) .

بگو حق آمد و باطل را نابود ساخت که بی‌تردید باطل نابودشدنی است.

- صاحبان وارثان زمین :

( وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ )

در زبور بعد از ذکر ( تورات ) نوشتیم : « بندگان شایسته‌ام وارث ( حکومت ) زمین خواهند شد ».

( وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ) .



ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

- استخلاف مؤمنان

( وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... ) .

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید...

- استقرار دین الهی در پرتو امنیت جهانی

( ... وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... ) .

... و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند...

- پرتوافکنی نور الهی در گیتی

( يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ) .

آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می کند. هر چند کافران، خوش نداشته باشند.

در برخی از این آیات و آیات بسیار دیگر، گاه با دلالت روشن و گاه با بیان تفسیر ائمه هدی : بر قیام مهدی موعود (ع) قابل انطباق و تأویل است که در کتب تفسیری و روایی شیعه و اهل سنت ظهور دارد. تعداد زیادی از این موارد در کتاب های اهل سنت مثل « شواهد التنزیل » حاکم حسکانی با ۲۱۰ آیه و بیش از ۱۱۶۰ روایت در شأن اهل بیت : آمده است. و نیز از جمله محدثین نامدار شیعه، سید هاشم بحرانی است که بیش از ۱۰۰ آیه مربوط به حضرت مهدی (ع) را با احادیث تفسیری آن در کتاب « المحجّه فی القائم الحجّه » گردآوری کرده است . و نیز آیه الله صافی گلپایگانی آن ها را در منتخب الاثر بیان نموده است .

#### ۴ - مهدویت از دیدگاه اهل سنت

در بین اهل سنت، اعتقاد به مهدویت، اصلی پذیرفته شده است و آن ها همچون شیعه معتقدند که مهدی موعود (ع) از نسل پیامبر (ع) و از فرزندان زهرا ی اطهر (ع) است که زمین را پر از عدل و داد می کند . و پس از ظهور، حضرت عیسی (ع) پشت سر آن حضرت نماز می خواند .

همچنین آن ها بدون هیچ تردیدی قائل به این هستند که آن حضرت، از نسل امام علی (ع) بوده و هم نام و هم کنیه با پیامبر است . به پیامبر اکرم (ص) شباهت تمامی دارد . و نیز در خصوصیات جسمی و ظاهری ،

ویژگی‌ها و شرایط ظهور ، نزول فرشتگان برای آن حضرت ، تحولات اجتماعی و بروز فتنه‌ها در آستانه ظهور ، با شیعه هم‌عقیده‌اند.

بنابراین موضوع مهدویت نزد آن‌ها، امری قطعی و مسلم است. به طوری که حتی واژه‌شناسان اهل سنت نیز ذیل کلمه « مهدی » به معرفی آن حضرت پرداخته‌اند. همچنان که « ابن منظور » می‌گوید :

« مهدی کسی است که خداوند راه حق را به او نشان داده است. این کلمه وصف است که به صورت اسم به کار رفته، تا جایی که به صورت علم بالغلبه شده است و آن، نام کسی است که پیامبر (ص) به ظهور او در آخرالزمان مژده داده است » .

همچنین در ضمن بعضی کتاب‌های اهل سنت - که تعداد آن‌ها کم نیست - احادیث فراوانی درباره موضوع مهدویت بیان شده ، علاوه بر آن که در توصیف احوال آن حضرت، نگاشته‌های مستقلی نیز تدوین گردیده است . و وسعت دامنه تألیفات اهل سنت در این موضوع، نشانگر قطعیت مسأله مهدویت در نزد آن‌ها می‌باشد.

احادیث نبوی درباره حضرت مهدی (ع) در کتاب‌های اهل سنت آنچنان فراوان است که درباره کمتر موضوعی به این حد حدیث نقل شده است. و لذا دانشمندان علم حدیث به تواتر آن‌ها در بین اهل سنت، تصریح نموده‌اند. از جمله « حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی » در کتاب « البیان » می‌گوید :

« احادیث پیامبر درباره حضرت مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حدّ تواتر رسیده است » .

پس اعتقاد به مهدویت، اختصاصی به شیعه ندارد، بلکه مذاهب دیگر نیز به آن توجه دارند. زیرا طرح مهدویت در اسلام، از طرف خود پیامبر (ص) در کنار بیان عقاید، اصول، اخلاق و احکام اسلامی بوده است. و بر مسلمانان لازم است به همان اندازه، به این موضوع هم معتقد باشند. با این همه، در بعضی موارد با شیعیان اختلاف عقیده دارند، از جمله :

- ولادت امام زمان (ع)

آن‌ها در باب ولادت، معتقدند که آن حضرت، در آخرالزمان متولد خواهد شد.

استاد دانشگاه مدینه می‌گوید :

« احادیث فراوان درباره مهدی، بدون شک بر یک حقیقت ثابت دلالت دارند و آن این که مضمون این احادیث در آخرالزمان تحقق می‌یابد. و این فکر، هیچ ارتباطی با عقیده شیعه درباره مهدی منتظر که او را محمد بن الحسن (ع) می‌نامند، ندارد » .

او در جای دیگر به این مطلب اشاره دارد که مهدی (ع) در آخرالزمان به دنیا می‌آید و حاکمیت اسلامی را به دست خواهد گرفت .

در مقابل، بسیاری از دانشمندان و نویسندگان اهل سنت، ولادت امام مهدی (ع) را پذیرفته‌اند که این افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند :

« دسته اول کسانی هستند که هم ولادت آن حضرت را پذیرفته‌اند و هم مهدی بودن او را باور دارند. از جمله آن‌ها محی‌الدین عربی است. او به صراحت محمد بن الحسن العسکری (ع) را همان مهدی موعود می‌داند که پیامبر (ص) به ظهور وی وعده داده است. و یا گنجی شافعی که با دلایل گوناگون به دفاع از زنده بودن امام مهدی برخاسته است .

دسته دوم افرادی‌اند که ولادت امام را قبول دارند ولی مهدی موعود بودنشان را نپذیرفته و آن را با صراحت انکار می‌نمایند. از جمله، « ابن خلکان » که ضمن باور داشت ولادت آن حضرت، مهدی بودن ایشان را یک باور شیعی دانسته و با لحن خاصی، آن را مورد تأمل می‌داند » .

- جانشینان دوازده گانه

احادیث رسول خدا در معرفی جانشینان خود، به دو صورت بیان شده است :

یا اینکه بدون ذکر نام ائمه هدی ؛، تنها به تعداد آن‌ها اشاره فرموده‌اند. این گونه احادیث، در کتب شیعه و اهل سنت در حدّ تواتر موجود است . که گاه به قریشی بودن آن‌ها تصریح شده و گاه تنها تعداد آن‌ها را بدون ذکر توصیفی، بیان کرده‌اند.

دسته دیگر احادیثی است که طیّ آن به نوعی، به معرفی این دوازده نفر پرداخته و بر امامتشان تنصیب فرموده‌اند. این دسته، تنها در بین شیعیان پذیرفته است و اهل سنت به تفسیر و توجیه آن پرداخته‌اند .

برای بیان اعتقاد شیعه به مهدویت، نیازی به اقامه برهان نیست. و اگرچه عقیده به مهدویت، اختصاصی به شیعه ندارد، ولی شیعه با اعتقاد به فاطمی بودن مهدی (ع) و اینکه پسر امام عسکری (ع) و دوازدهمین خلیفه پیامبر (ص) است، خود را به آن حضرت مربوط می‌داند. و آن را یکی از اصول اعتقادی خویش به شمار آورده و به آن مهدی موعودی معتقد است که نام و نشان او در کلام پیامبر و ائمه هدی : بیان شده است.

این نشان‌ها در کتب روایی شیعه وجود دارد. کتاب‌هایی که تدوین آن‌ها عمدتاً از زمان امام عسکری (ع) شروع شد و کثرت آنها بیانگر اهتمام شیعه به موضوع مهدویت است. از جمله این کتاب‌ها عبارتند از : اصول کافی ( کلینی ) اکمال الدین و تمام النعمه ( صدوق )، غیبت ( طوسی )، غیبت ( نعمانی )، بحار الانوار جلد‌های ۵۱ - ۵۳ ( مجلسی )، منتخب الاثر ( صافی ) و ده‌ها کتاب دیگر.

احادیث و کلمات معصومین (ع) ضمن ذکر حسب و نسب و خصوصیات جسمی و معنوی امام زمان (ع) به وجود آن حضرت بشارت داده‌اند تا مردم در فتنه‌های کور از راه حق دور نمانند و امام خود را بشناسند. جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود :

« مهدی از اولاد من است، نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من می‌باشد. صورت و سیرتش از همه کس به من شبیه‌تر است. غیبتی می‌کند که مردم دچار حیرت گردند و بسیاری از فرقه‌ها گمراه شوند. آنگاه مانند ستاره تابانی از پرده غیبت ظاهر شده و زمین را پر از عدل و داد کند، آنچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد» .

همچنین در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که امیرالمؤمنین (ع) به امام حسین (ع) فرمودند :

« فرزند نهم تو قیام به حق می‌کند و دین را پایدار می‌سازد و عدل را گسترش می‌دهد. امام حسین گفت : آیا آنچه فرمودی، تحقق خواهد یافت ؟ امام فرمود : آری به خداوندی که محمد (ص) را به مقام پیامبری برانگیخت و او را بر همه مخلوقات برتری داد. لکن پس از غیبت او وضعی پیش می‌آید که جز دوستان مخلص ما و مؤمنان پاک‌سرشت که نور ایمان و محبت ما در لوح دلشان نقش بسته، کسی در عقیده دینی خود ثابت نمی‌ماند » .

علاوه بر آن مهدویت در شعر شاعران نیز جایگاهی دارد و همواره شاعرانی چون « کُمیت » ( ۱۲۶ ه . ) شاعر مبارز و نستوه شیعی مذهب در زمان امام باقر (ع)، « اسماعیل حمیری » ( ۱۷۳ ه . ) در زمان امام صادق (ع) و نیز « دعبل خزاعی » ( ۲۴۷ ه . ) شاعر توانای زمان امام رضا (ع)، در اشعار و قصیده‌های خود از حضرت مهدی (ع) یاد می‌کردند .

#### - اعتقادات شیعه

شیعه در اعتقادات خود به وجود امام حیّ تصریح دارد و این معنا در کلام معصومین : نیز تأکید شده است. از جمله اینکه امام رضا (ع) در نقلی از امام صادق (ع) می‌فرمایند :

« إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ » .

حجّت خدا بر مردم تمام نمی‌شود مگر به وسیله امام زنده‌ای که شناخته شود.

سرّ اعتقاد به موجود بودن موعود منتظر اینست که برای ادامه حیات بشریت، وجود حجّت الهی ضروری است و اصولاً زمین هیچ گاه از حجّت خالی نخواهد بود.

محمد بن فضیل در روایت خود نقل می‌کند که از امام رضا (ع) پرسیدم : « آیا زمین بدون وجود امام و حجّت خدا در روی آن باقی می‌ماند ؟ » فرمود : « نه ! ». گفتم : « از امام صادق (ع) برای ما روایت شده که زمین بدون

امام باقی نمی‌ماند، مگر اینکه پروردگار متعال به اهل زمین، غضب کرده باشد ». آن حضرت فرمودند :

« لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ » .

زمین بدون امام باقی نمی‌ماند و در یک لحظه از هم پاشیده و در ورطه انهدام قرار می‌گیرد.

و لذا نظام امامت از دیدگاه شیعه، امری مستمر و بدون وقفه است و تا دنیا باقی است، حجت الهی وجود دارد. البته لازم نیست که امام حتماً ظاهر و در مرآی و منظر عامه مردم و صاحب قدرت و حکومت باشد، بلکه اصل وجود او، مایه قوام زمین، حفظ بینات الهی و عاملی در جهت درک فیض از مبدأ فیاض می باشد.

همچنین تفسیر شیعه از روایاتی که طی آن پیامبر اکرم (ص) از وجود دوازده جانشین بعد از خود خبر می دهد، با تکیه بر دیگر احادیثی که در آن، به نام آن بزرگواران تصریح فرموده اند، تفسیری واحد و هم آهنگ است و می توان به ولایت ائمه اطهار : استدلال نمود.

روایات در این باب، از حدّ شمارش فراتر است که به نمونه هایی از آن استناد می شود :

امام رضا (ع) از پدرانش از پیامبر (ص) نقل می کند که فرمودند :

« أنا و علیّ أبوا هذه الأمة من عرفنا فقد عرف الله ومن أنكرنا فقد أنكر الله

و من علیّ سببنا أمّتی و سیّدنا شباب اهل الجنّة الحسن و الحسین (ع) و من وُلد الحسین (ع)

تسعة طاعتهم طاعتی و معصیتهم معصیتی تاسعهم قائمهم و مهدیهم » .

من و علی (ع) پدران این امت هستیم. کسی که ما را بشناسد، خدا را شناخته و کسی که ما را نشناسد، خدا را نشناخته است. از علی (ع) دو سبط امتم و دو سیّد و آقای جوانان بهشت، حسن و حسین (ع) به وجود آمده اند. از نسل حسین (ع)، نه نفر به وجود خواهند آمد که اطاعت از آن ها، اطاعت از من است و عصیان و نافرمانی آن ها، عصیان و نافرمانی من است. نهمین آن ها قائم و مهدی آنان است.

و نیز از حضرت رضا (ع) روایت شده که پیامبر به امیرالمؤمنین فرمودند :

« یا علی ! أَنْتَ وَالْإِئِمَّةُ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامِهِ فِي بَرِيَّتِهِ.

فَمَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَمَنْ عَصَا وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ عَصَانِي

وَمَنْ جَفَا وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَفَانِي وَمَنْ وَصَلَكُمْ فَقَدْ وَصَلَنِي

وَمَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَانِي وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَانِي.

لَا تَكُفُّمِ مِنِّي، خَلَقْتُمْ مِن طِينَتِي وَأَنَا مِنْكُمْ » .

ای علی، تو و ائمه از فرزندان، حجّت‌های خدا در میان مردم و شخصیت‌های برجسته بین آنها هستید. هر کس یکی از شما را انکار کند، مرا انکار کرده و هر کس با یک نفر از شما مخالفت ورزد، با من مخالفت نموده است. هر که به یکی از شما ستم روا دارد، به من ستم کرده و کسی که به شما احترام گذارد، به من احترام کرده است. هر کس از شما اطاعت کند، اطاعت مرا نموده، و کسی که شما را دوست بدارد، مرا دوست داشته و دشمن شما دشمن من است. زیرا شما از من هستید و از سرشت من آفریده شده‌اید و من از شمایم.

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده که ایشان کسی را که ولایت بعضی از ائمه را بپذیرد و بقیه را انکار کند، به مانند کسی می‌دانند که به نبوت یکی از پیامبران الهی اعتراف نموده و بقیه را قبول نکند. که باید از گناه

چنین فردی به خدا پناه برد !



و نیز در روایتی دیگر، فردی را که ولایت امام آخرین را پذیرفته است در حالی که امام اوّل را انکار می‌کند، مورد لعن و بیزاری قرار داده و می‌فرماید: « مگر معرفت نسبت به امام آخر، بدون شناخت امام حاصل می‌شود؟! » .

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرمودند :

« نَحْنُ وَإِبْنَائِ شُبْرًا وَشُبَيْرًا وَأُمَّهُمَا الزَّهْرَاءُ وَالْأَيْمَةُ فِيهَا وَاحِدًا وَاحِدًا إِلَى الْقَائِمِ مِنْ عَيْنِ شَرِبْنَا وَإِلَيْهَا وَرَدْنَا.

إِسْأَلُونِي وَاسْأَلُوا الْأَيْمَةَ بَعْدِي. فَلَمْ يَخْلُ مِنْهُمْ عَصْرٌ مِنَ الْأَعْصَارِ حَتَّى قِيَامِ الْقَائِمِ » .

من، حسن و حسین فرزندانم و مادرشان حضرت زهرا و امامان بعدی یکی پس از دیگری تا مهدی، همه از یک سرچشمه آب خورده‌ایم و علوم همه ما به یک نقطه برمی‌گردد. چه از من بپرسید یا امامان بعد از من، فرقی ندارد. هیچ عصری تا قیام قائم، هرگز از وجود ما خالی نیست.

عنایت به چنین روایاتی، ما را به استمرار مسیر ولایت معصومین : رهنمون می‌سازد که پس از پیامبر (ص)، از امیرالمؤمنین (ع) شروع و با وجود مبارک خاتم الاوصیاء، ولی عصر (ع) ادامه می‌یابد. در واقع حضرت مهدی (ع)، ختم کننده ولایت محمدی است، آنچنان که خود، بیان داشته‌اند. به طوری که امام حسین (ع) فرموده‌اند :

« مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَأَخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ » .

در بین ما دوازده مهدی وجود دارد که امیرالمؤمنین (ع) اولین آنها و نهمین فرزندم، قائم بر حق، آخرین آنان می باشد.

ائمه : هر یک زمینه ظهور امام بعد از خود را فراهم و امامان گذشته را تصدیق می کردند. ولی بشارت تمام امامان به ظهور امام قائم (ع) ویژگی انحصاری دارد. و این تصدیق و تبشیر، نشانه هماهنگی سلسله ولایت است .  
وقتی دعبل خزاعی در حضور امام رضا (ع) قصیده اش را به این بیان خواند :

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ      وَمَنْزِلٌ وَحْيٍ مَقْفَرِ الْعَرَاصِ

و سپس اشعار خود را این چنین ادامه داد :

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ      يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ      وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

در این هنگام، امام به شدت گریستند. سپس رو به او کرده و فرمودند :

« ای خزاعی ! روح القدس با زبان تو این دو بیت را خواند. می دانی این امام کیست و کی قیام می کند ؟ »

او گفت : « نه، این اندازه شنیده‌ام که امامی از شما قیام می‌کند و زمین را از فساد پاکسازی می‌گرداند و آن را پر از عدل خواهد کرد، چنانکه پر از ظلم شده باشد ». سپس فرمود :

« ای دعبل ! امام بعد از من، پسر محمد است و بعد از او علی پسر وی. و بعد از او پسرش حسن و بعد از حسن، پسرش حجت قائم امام است. که مؤمنان در زمان غیبت او، انتظارش را می‌کشند و بعد از ظهور، از وی فرمانبرداری می‌کنند. اگر عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌گرداند تا او بیاید و جهان را پر از عدل کند، چنانکه پر از ظلم شده باشد. اما برای ظهور، نمی‌توان وقتی تعیین نمود ». .

## فصل سوّم

جایگاه امامت از دیدگاه امام رضا (ع)

الف ( مقام امامت فراتر از درک بشریت

شناخت امام، بار گرانی است که از دسترس عقول انسان‌ها و گمان اندیشه‌های سرگردان بشری به دور است و بنابر فرمایش امام علی بن موسی الرضا (ع)، هیچ کس نمی‌تواند فضیلتی را که خداوند به محمد و آل محمد (ع) عنایت فرموده توصیف کند، مگر آن که خود، آن را درک نموده باشد .

پس برای شناخت این جایگاه بلند و نورانی، می‌بایست به سرچشمه‌ای عمیق متوسّل شد و از منظر امامی به آن نگریست که خود در اوج کمال و تعالی است. و لذا ما در این مقال، در برابر گلستان رضوی زانو زده و از عطر کلام امام رضا (ع) شمیم جان را نوازش می‌دهیم.

امام رضا (ع) در بیان قدر و منزلت امامت می‌فرمایند :

إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَاعْلَامَكَانًا وَآمَنُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ عَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ

أُوَيْنَالُوا بِأَرَائِهِمْ أُوَيَقِيمُوا أَمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ « .

امامت، جلیل القدرتر، عظیم الشانتر، والاتر، منیعتر و عمیقتر از آن است که مردم با عقول خود آن را درک کنند یا با آراء و عقاید خویش آن را بفهمند یا بتوانند خود، امامی برگزینند.

همچنین امام (ع) درباره عجز و ناتوانی اندیشه انسانها در شناخت کنه وجود امام که تجلی نور الهی است میفرماید :

« هیهات هیهات ! خردها به بیراهه رفتهاند و خاطرها سرگردان و اندیشهها حیران هستند و سخنرانان زبان در کام و شاعران درمانده و الکن و ادیبان ناتوان و علماء از توصیف مقام و فضیلتی از منزلت و فضائل او درماندهاند و همگی به عجز خویش اقرار دارند. پس چگونه می‌توانند صفت‌هایش را توصیف نمایند ؟ و چه کسی یافت می‌شود که ارزش جایگزینی او را داشته باشد که در عین بی‌نیازی، نیاز نیازمندان را برآورده سازد ؟ و حال آن که او در جایگاه ستاره‌ای درخشان است که از دسترس افکار و توصیف دیگران به دور است « .

ب) جلوه‌های امام در تمثیل امام

امام رضا (ع) در فرازی از کلام خود در توصیف مقام امام ، با تعبیرات نغز و تشبیهات پر معنا، جلوه‌ای از حقیقت بیکران او را برای عقول بشری از معقول به محسوس درآورده تا قابل فهم گردد و سپس در پرتو انس با او، آرامش یافته و در راه کمال به هدایت برسد.

ائمّه هدی (ع) نور الهی هستند که تمام عالم را به نور علم و هدایت خود روشن کرده و قلوب اهل ایمان را به نور معرفت منور ساخته‌اند. مردم در پرتو نورشان، از تاریکی و ضلالت جهل و نادانی رهایی یافته و در مسیر دین و کمال به سوی معرفت الهی گام برمی‌دارند. در این میان تمثیلات امام رضا (ع) جلوه‌ای خاص به این انوار مقدس بخشیده که عبارتست از :

- خورشید فروزان

«الإمامُ كالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ نُورُهَا لِلْعَالَمِ وَهِيَ بِالْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارُ» .

امام همچون خورشیدی فروزان است که پرتو نور آن سراسر گیتی را در برمی‌گیرد.

امام در این بیان، به خورشیدی تشبیه شده که پرتو عالم تاب خود را از هیچ کس دریغ نداشته و به جهان، نورانیت و روشنایی می‌بخشد. همچنان که از گرمای وجود خود، به همه انسان‌ها و موجودات حرارت می‌دهد تا از سرمای حیرت و سرگردانی در امان باشند. علاوه بر آن که نور او بلا واسطه از ذات الهی است و همه انوار عالم از پرتو او، حیات و روشنی می‌گیرند. در حالی که جایگاه بلند او از دسترس اندیشه بشری به دور است و شدت و حدت فروغ او، مانع از آن است که دیدگاه مادی توان نگریستن به آن را داشته باشد یا دست ناهلان به مقام والایش برسد.

و نیز در فرازی دیگر با عنوان «الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ» به نورانیت همیشگی و جاودانش اشاره می‌فرماید که هرگز به خاموشی و سردی نمی‌گردید. و پیامبر اکرم (ص) امام زمان (ع) را به خورشید جهان افروزی تشبیه کرده‌اند که مردم ظلمت زده آن زمان، از پشت ابر تیره غیبت، از نور ولایتش بهره‌مند می‌شوند .

- ماه تابان

«الإمامةُ البدرُ المُنيرُ» .

امام، ماه درخشنده شب چهارده است.

امام، در اوج نورافشانی و درخشش، همچون ماه کامل، پرفروغ و نورانی می‌تابد و در حدّ اعلاّی زیبایی است. و بر طبق روایاتی، وجود مقدّس پیامبر (ص) به خورشید و امیر المؤمنین (ع) به ماه تشبیه شده‌اند . امام رضا (ع) در کلامی دیگر جایگاه امام را همچون ماه تابان در آسمان می‌داند که احاطه کامل علمی او تا هر کجا وسعت یافته است :

« إِنَّمَا مَنْزِلَةُ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ بِمَنْزِلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَ فِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلَعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا » .

- ستاره راهنما

« النّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَاهِبِ الدُّجَى وَالْبَيْئَةِ الْقِفَارِ وَلَجَجِ الْبَحَارِ... » .

او ستاره راهنما در دل تاریکی‌ها و صحراهای خشک و بی‌آب و علف و موج‌های وحشتناک دریاهاست.

ستارگان، بهترین راهنمایان در پیچ و خم‌های صحراها و دریاها هستند تا رهپویان ازراه، دور نمانده و به گمراهی نیفتند. همچنان که بشر از دیر باز برای راه‌یابی و تشخیص راه صحیح از ستارگان آسمان بهره می‌جسته است. و این زیباترین تشبیه در مقام امامت است که انسان را در کوره راه‌های زندگی مادّی پر از غفلت و فریب، از سرگردانی و گمراهی نجات می‌دهد و به راه حقیقت دعوت می‌کند. آن چنان که در روایات ذیل آیه شریفه

( وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ... ) ؛

او خدایی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی‌های خشکی و دریا به وسیله آن‌ها هدایت شوید، منظور از نجوم را امامان، که هادیان راه سعادتند معرفی نموده که مردم در پرتو انوار هدایت آن‌ها از گمراهی نجات می‌یابند. از جمله از پیامبر (ص) در این باره روایت شده که فرمود :

« مثل آن‌ها مانند ستارگان آسمان است. هر وقت ستاره‌ای غروب می‌کند، ستاره‌ای دیگر می‌درخشد، آنان راهنمایان راهند که نیرنگ نیرنگ‌بازان ضرری به آن‌ها نمی‌رساند » .

و از امام رضا (ع) نقل شده که امام راهنمای هدایت و منجی از هلاکت است که در این راهنمایی هیچ کژی و انحرافی وجود ندارد. « الدَّالُّ عَلَى الْهُدَى وَالْمُنْجِي مِنَ الرَّوْيِ » .

- چراغ پرتو افکن

« الإِمَامَةُ... السِّرَّاجُ الزَّاهِدُ وَ النَّوْرُ السَّاطِعُ... » .

امام چراغ درخشان و روشنایی تابنده است.

بر طبق این کلام پر معنا، مقام امام، به سان چراغی درخشان است که با نورافشانی خود، ظلمات گمراهی را از میان برده، ضمن آن که با فروغ جاویدش، دلیلی بر حَقَانِيَّتِ خویش اقامه فرموده است تا با فراخوانی مردم به سوی نور الهی، حیات را به آن‌ها افاضه نماید. و نیز آن امام والا، ضمن دعای عصر جمعه، با تعبیر « مَصَابِيحُ الدُّجَى » یعنی چراغ‌هایی در تاریکی، از آن مقام بلند یاد می‌کند.

امیر المؤمنین (ع) نیز در باب بیان مقام ولایت خویش می‌فرمایند :

« إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي الظُّلْمَةِ يَسْتَنْصِيءُ بِهِ مَنْ وَلَجَهَا » .

مثل من در میان شما چون چراغی در تاریکی است. هر کس به ظلمت در افتاده، از آن نور، روشنایی می گیرد.  
و بدین سان امام (ع)، برای دوران غیبت امام عصر (ع) راهی را به ما ظلمت‌زدگان آموخت تا در وادی حیرت، سرگردان نمانده و خود را به حقیقت پیوند زنیم.

- فانوسی در راه

« الإِمَامَةُ النَّارُ عَلَى الْيَفَاعِ، الْحَارُّ لِمَنْ اصْطَلَى بِهِ وَالذَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ، مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ » .

امام همچون آتشی است در بلندی‌های بیابان‌ها. کسی که از سرما به آن آتش پناه ببرد، او را گرم می کند و در مهلکه‌ها راهنمایی می نماید. و هر کس از او دست بکشد، هلاک خواهد شد.

رمز تشبیه امام به نور و آتش در این است که نور او در دور و نزدیک ایجاد روشنایی و گرما می کند. روشنایی او از دور، نشانه‌ای از امید و علامتی بر درستی راه است. و نور او در نزدیک، گرمابخش سرمازدگان و روشنی‌بخش دل‌های غفلت‌زده و راهنمایی است برای گم‌شدگان. پس هر کس خود را در پرتو او قرار دهد، با حرارت وجودش گرم شده و دوری از او، انسان را در سرمای غفلت هلاک می‌سازد.

بر این اساس امام نور پرفروغی است که عالم را روشن می‌سازد. و این معنای گسترده در فقرات مختلف « زیارت جامعه » تکرار شده است . همچون ؛



- و انتَجَبَكُم لِنُورِهِ : شما را برای تجلّی نور خود برگزید.

- وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ : نور و برهان خدا نزد شماست.

- وَ أَنْ أَرْوَا حَكْمَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةً : ارواح عالیّه شما و نورانیّت و طینت پاک شما ائمه هدی یک حقیقت واحد است.

- خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً : خداوند شما را به صورت یک حقیقت نور آفرید.

- وَ تَمَامَ نُورِكُمْ : تمام نورتان.

- وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ : شما یید نور قلب خوبان عالم.

- وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ : و زمین به نور شما روشن شد.

- كَلَامُكُمْ نُورٌ : حقیقت سخن شما نوربخش دل هاست.

هر یک از این عبارات، با آیاتی از قرآن، ارتباط مستقیم دارد که در اینجا بعضی موارد آن بررسی می‌شود :

امام رضا (ع) در بیان فرمایشی از امام سجّاد (ع) با استناد به آیه

( اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مُصْبِحٌ

الْمُصْبِحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ... )

امامت را چراغ پرفروغی معرفی می‌کنند که همواره می‌درخشد و راه را برای پیروان ولایت روشن می‌سازد .  
و به تعبیر امام باقر (ع)، امام، نور خدا در آسمان و زمین است. و این نور، در دل مؤمنان از خورشید در هنگام روز، درخشان‌تر است که با اطاعت و تسلیم در برابر ولایت، جلا می‌گیرد .

همچنین در ذیل آیه ( يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ... ) ؛

در روزی که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش‌رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می‌کند... از امام باقر (ع) روایت شده که آن نور امام است که در قیامت از هر طرف می‌تابد. مؤمنان به نور آل محمد : چنگ می‌زنند و آل محمد : به نور حسن و حسین (ع) و آن دو به نور علی بن ابی طالب (ع) و ایشان به نور پیامبر (ص) تا با او وارد جنّات عدن شوند .

بنابراین امام، نوری است که پیوسته راه را از چاه و شایسته را از ناشایست و حق را از باطل جدا می‌سازد، تا در پرتو آن، امور جامعه سامان گیرد و زمینه سعادت بشریت فراهم شود. امام رضا (ع) در تفسیر آیه ( یُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ) ؛

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند، هرچند کافران کراهت داشته باشند. می‌فرماید : « علی‌رغم تمایل کافران که می‌خواهند ولایت را با تبلیغات خود از بین ببرند، خدا نور امامت را با ظهور قائم (ع) تکمیل می‌کند ». تا دین حق استوار و پابرجا بماند. و امام صادق (ع) نیز زمان تحقق تأویل این آیه را هنگامه قیام قائم آل محمد (ع) می‌داند .

همچنین امام باقر (ع) درباره آیه ( هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا... ) ؛

او کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد. می‌فرماید : « خداوند پیامبر (ص) را به آفتاب، و وصی او علی مرتضی (ع) را به ماه مثل زده است. زیرا وصی، از پیامبر علوم و حقایق را کسب می‌کند، همان طور که ماه از نور خورشید کسب نور می‌نماید ». .

خلاصه آن که خداوند برای هر کس نور، یعنی امامی از آل محمد : قرار نداده باشد، در قیامت امامی ندارد تا با او به بهشت برسد. ( وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ ) و هر کس توفیق متابعت از امام زمان خود را یافت، می‌تواند امید شرافت رسیدن به مقام هدایت را آرزو کند .

## ۲ - چشمه سار رحمت

امام رضا (ع) در این فراز از تعبیرات زیبای خود، امام را به آب گوارای وجود، ابر پربرکت و چشمه جوشانی تشبیه فرموده که منشأ حیات و گسترده‌گی زمین خواهد شد.

- آب گوارا

«الإمامُ الماءُ العذبُ عَلَى الظَّماءِ» ؛

امام همچون آب گوارایی برای تشنگان است.

همچنان که نیاز به آب برای انسان بیش از هر نیاز دیگری محسوس بوده و مایه بقاء و طهارت مادی و معنوی او می‌گردد، امام به آب گوارایی تشبیه شده تا عطش تشنگان حقیقت را سیراب سازد.

والاثرین عطش در وجود انسان، عطش حکمت و معرفت است. و چنانچه حیات، بدون آب امکان‌پذیر نیست و باید در جستجوی آب تلاش کرد، انسانیت نیز بدون معارف الهی زنده نیست و باید با کسب فیض از محضر ولی خدا سیراب گردد. چون او چشمه جوشان فیض و چشمه سار رحمت الهی است. و لازمه بهره‌وری از این آب گوارا، استقامت در مسیر ولایت و باورداشت قلبی آن است .

چندان که امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۱۶ سوره جن، استقامت در مسیر ولایت امیر المؤمنین و جانشینان او و اطاعت از آنها را مایه سیراب شدن از آب گوارای وجودشان می‌داند .

پس در این رهگذر شایسته است که ابتدا درد تشنگی ولایت را در خود بیدار نموده تا قدر آب را شناخته و رهسپاری به سوی آن، غنیمت گردد. و این در حالی است که آب به عنوان ضروری‌ترین ماده حیات، به همگان تعلق دارد، پس هر کس خود را از این منبع هستی‌بخش دور دارد و نسبت به آن غفلت ورزد، در واقع خود را از حق مسلم خویش محروم ساخته است.

- آسمان بی‌کران

«الإمام... السَّماءُ الظَّلِيلَةُ» .

امام چون آسمانی سایه افکن است.

عنایت به آیه ( وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ) جلوه کلام امام را روشن تر می سازد : آسمان سقف محفوظی است تا در عین این که مانع تابش نور خورشید نیست، سنگ های آسمانی را قبل از برخورد با زمین نابود می کند. علاوه بر آن که باعث تصفیه اشعه آفتاب شده و از نفوذ اشعه های نامناسب، جلوگیری می نماید . و لذا آن جا که حضرت رضا (ع) امام را به آسمان سایه افکن گسترده ای تشبیه می فرماید، از رحمت واسعه او خبر می دهد که بشریت از آن بهره مند خواهد شد.

- زمین گسترده

«الإمام... و الأرض البسيطة» .

امام، زمین گسترده است.

این تشبیه نیز از متن قرآن اتخاذ شده که می فرماید : ( وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ) : خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد تا در آن آرامش گیرید. نه داغ و سوزان و نه سرد و بی روح، نه چندان نرم و هموار و نه سخت و ناهموار است. علاوه بر آن که گستره آن دارای امکاناتی برای رفع نیاز شماست.

همچنان که سفره برکت و رحمت وجود امام نیز فراگیر است. امام عصر (ع) در هنگام ظهور می فرماید :

«إِنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ» .

من همان رحمت پروردگارتان هستم که همه چیز را فراگرفته است.

آری امام، محکم‌ترین پناهگاه در هجوم بلاها و سختی‌ها و آغوش پرمهری در ناملایمات است. که امام زمان (ع) در این رابطه می‌فرماید :

« إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ » .

ما نسبت به شما کوتاهی نکرده و شما را از یاد نمی‌بریم که اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر شما فرود می‌آید». و امام صادق (ع) خود را نسبت به شیعیان، مهربان‌تر از خودشان می‌شمارد و امام علی (ع) امام را ملجأ هر ضعیف و مأمن هر خائفی معرفی می‌نماید .

- ابر پر باران و باران پر برکت

« الإِمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَالْغَيْثُ الْهَاطِلُ... وَالْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ وَالْغَدِيرُ وَالرَّوْضَةُ. »

امام، ابر پر باران و باران پر برکت است.. او چشمه‌سار جوشان و باغ و برکه است.

ابر پر بار که با بارش خود، باعث احیای زمین گردیده تا با رویش گیاهان، موجبات نشاط و سلامتی و سعادت انسان‌ها را فراهم آورد، ضمن پاکیزه‌سازی محیط از آلودگی‌ها، چهره آفتاب را پر فروغ‌تر و خوان پر برکت زمین را گسترده‌تر می‌سازد. جریان یافتن برکه‌ها و جوشش چشمه‌ها، طراوت بخش است. و امام نیز مایه برکت مادی و معنوی جامعه می‌باشد.

۳ - اسطوره مهر و عطوفت

حضرت رضا (ع)، با تعبیری عمیق، رأفت و محبت بی‌مثال امام را در قالبی محسوس همچون مهر و عطوفت مادری و شفقت پدری و رفاقت دوست معرفی می‌کند تا حقیقتی فراتر را یادآور شود. چه اینکه همه این لطف و

عطوفت‌ها از چشمه رأفت او جوشیده است و این تمثیل‌ها، اندکی از چشمه جوشان مهر و مودت او را ترسیم می‌نماید.

- رفیق صمیمی

«الإمام الأمين الرفیق.»

امام، دوست صمیمی و صاحب‌انسی است که رفاقتش بی‌ریا و مالمال از محبت می‌باشد. از درد و رنج دوستان خود غمگین می‌شود و در شادمانی‌شان فرحناک. گویا درد آن‌ها را درد خود می‌داند و با آنان اظهار همدردی دارد. آنسان که در کلام امام رضا (ع) آمده است :

« هیچ یک از شیعیان ما بیمار نمی‌شوند، مگر این که ما نیز به سبب بیماری او بیمار می‌شویم. و غمناک نمی‌شود، مگر این که ما از غم او غمناک می‌گردیم. و خوشحالی‌اش باعث خوشحالی ما می‌شود. »

و مثل همین عبارت در کلام دیگر ائمه : نیز وارد شده، چرا که نسبت به شیعیان و دوستان خود به گونه‌ای احساس وابستگی و یگانگی داشته و دغدغه مسؤولیت آن‌ها را برعهده دارند و برایشان دعا می‌کنند. و این حقیقت در مناجات و ناله‌های سحرگاهی امام عصر (ع) مشهود است :

« پروردگارا، شیعیان ما از پرتو انوار ما خلق شده‌اند و گناهان زیادی را با اتکاء به محبت و ولایت ما مرتکب شده‌اند. پس اگر گناهانشان در ارتباط با تو است، از آن‌ها درگذر. و ما نسبت به حق خود، اظهار رضایت کرده‌ایم. و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط خودشان و مردم است، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خُمسی که حق ماست، به آن‌ها بده تا راضی شوند. و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و با دشمنان ما در سطح خود جمع نفرما. »

- پدر دلسوز

«الإمام... الوالد الشفیق.»

امام، پدری دلسوز و مهربان است.

از جمله جلوه‌های مشفقانه پدر دلسوز، احساس مسؤولیت در قبال اعمال و رفتار فرزند خود و دغدغه هدایت و ارشاد آنهاست. پیامبر و ائمه هدی: نیز به عنوان پدران این امت، همواره مراقب فرزندان خود بوده و ضمن دعا برای آنها، اعمالشان را از دیده می‌گذرانند. امام رضا (ع) در جواب درخواست عبدالله بن ابان درباره دعا کردن برای او و خانواده‌اش فرمودند:

« مگر دعا نمی‌کنم؟! به خداوند سوگند که هر روز و شب کارهایتان را به دیده من می‌رسانند. »

امام چون پدری مهربان و عذرپذیر، همواره نگران حال امت بوده و از گناهان آنها آزرده خاطر شده و درصدد است با استغفار برای آنها، آنان را از خطاهایشان بازدارد. همچنان که قرآن درباره رأفت و شفقت پیامبر (ص) این چنین سخن می‌گوید:

( لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ ).

رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و نسبت به هدایت شما اصرار می‌ورزد و در حق مؤمنان رؤوف و مهربان است.

و نیز امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید:

« هر صبح و شام کارهای پیروان ما، بر ما عرضه می‌گردد. اگر در کارهایشان کاستی باشد، ما از خداوند برای صاحب آن، درخواست عفو و گذشت می‌کنیم و برای هر کس که بزرگواری کرده باشد، از خداوند تمنای پاداش می‌نماییم. »



سایه مهر و عطوفت امام بر مردم تا آنجاست که همچون پدر، آرزوی رفع گرفتاری و حل مشکلات آنها را دارند؛ همچنان که در پیام امام زمان (ع) به شیخ مفید آمده است:

« ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطره نبرده‌ایم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌نمودند. »

و نیز از حضرت رضا (ع) نقل شده که فرمود:

«... هیچ یک از شیعیان ما از نظرمان غایب نمی‌ماند، هر کجای شرق و غرب زمین هم که باشند و هر که از شیعیانمان، قرض‌دار بمیرد، پرداخت آن برعهده ماست... »

- مادری مهربان

«الإمام.. الأمُّ البرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.»

امام مادری است که به کودک خردسالش، سخت مهر می‌ورزد.

محبت امام نسبت به امت، چون مهر مادری است که خود، از بارزترین نمونه و بالاترین مظاهر عشق و محبت به شمار می‌رود. که در دنیا دلبستگی به شیعیان، جوشش رأفتی است که از چشمه‌سار مهر او لبریز می‌شود و عطوفت بی‌کرانش را نثار فرزندان خردسالش می‌نموده، وبا رأفت و مهر بی‌مثالش از خطاهای آنها در می‌گذرد. در حالی که در روز قیامت که همه از هم گریزانند، چشمه‌سار رحمتش بیشتر می‌جوشد و امت را بهره می‌دهد.

- برادری همراه

« الإمام... الأخ الشقيق. »

امام، برادری همراه است.

لطف امام، چون برادری است که همراه انسان و توأم با او به دنیا آمده، آن گونه که یکی بوده‌اند و سپس دو نیم شده‌اند. گویی انسان را جزئی از خود می‌داند و این‌سان مهر می‌ورزد. محبتانش را از خود جدا نمی‌بیند و رعیتش را از اجزای خود می‌انگارد. همچنان که امام عصر (ع) می‌فرماید :

« إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا. »

شیعیان ما از پرتو انوار ما خلق شده‌اند و از زیادی گل ما سرشته گردیده‌اند.

- پناه بی‌پناهان

« الإمام... مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ. »

امام پناه بندگان بی‌پناهی است که در سختی‌ها و رنج‌ها و مصیبت‌ها، راه به جایی ندارد.

امام، پناه مردم است تا در شدايد و بلاها به او پناه ببرند. امام صادق (ع) در بیان جلوه رأفت رضوی، ایشان را با عنوان « غوثَ هذه الأُمَّةِ وَغِيَاثُهَا » معرفی کرده‌اند. و پیامبر (ص) از امام حسین (ع) به عنوان « پناهگاه پناه جویان » یاد می‌کند. و امیرالمؤمنین (ع) بنابر قول امام باقر (ع)، در ستایش امام مهدی (ع) می‌فرماید :

« أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا... وَ أَوْسَعُكُمْ رَحْمًا. »

ج ( بلندای مقام امام

امام رضا (ع) در بیان رفعت مقام امام می‌فرماید :

« كَيْفَ يوصفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنعتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقامَهُ وَ يُغْنِي غِناءَهُ، لا كَيْفَ وَأَنْتَ وَهُوَ بِحَيْثُ النّجْمُ مِنْ أَيْدِي الْمُتَنالِينَ وَوَصَفِ الواصِفِينَ. »

چگونه می‌توان او را به واقع ستود و کُنه مقام او را بیان نمود و یا فلسفه کار او را فهمید و یا این که برایش نظیری یافت تا جایگزین او گردد؟ در حالی که او ستاره‌ای درخشان در دورترین طبقات آسمان وجود است که هیچ کس را توانِ رصدِ او نیست. عقول بشری هرگز به اوج آسمان امامت راه نیافته و فکرش به بلندای آن مقام رفیع نمی‌رسد.

حقیقت این است که فضائل و کمالات مقام امامت عظیم‌تر از آن است که در آینه فکر و دل خاکیان و افلاکیان جا می‌گیرد. و توصیف ما از آن مقام والا، بسان ترسیم تمثالی از سیمای ملکوتی آن بزرگواران است که با همه همت و توان هنرمندان بر صفحه بوم نقش می‌بندد. چرا که دانشمندان و اندیشمندان نیز در بالاترین مرتبه همت و تلاش خود، در این اندیشه‌اند که عالی‌ترین فضائل و بلندترین کمالات قابل تصوّر خود را از آنان، بر صفحه کاغذ رقم زنند. در حالی که این توصیف‌ها کجا و آن حقیقت والا کجا؟!

بر این اساس شناخت و آگاهی به بلندای مقام امام، تنها از لابه‌لای کلام نورانی امام، که خود مهبط وحی و خازن علم الهی است میسر خواهد شد. که در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌شود :

## ۱ - گزینش الهی

از آنجا که امامت در زمره اهمّ مسائل مربوط به کمال بشری و یک مقام و عهد الهی است، پس نصب و تعیین امام حقّ خداوند است، و انتخاب مردم در این زمینه نقشی ندارد. و البته در این راستا بیعت مردم با امام همچون جریان غدیر، به معنای پذیرش ولایت و اعلام وفاداری به اوست نه اعطای مقام امامت!

بلکه مطابق عدل و حکمت الهی بر خداوند لازم است که بندگان را به اموری هدایت کند که موجب نزدیکی و تقرب به او گردد. و این امر بنا بر قاعده لطف، با فرستادن پیامبران، انزال کتب آسمانی و نیز، نصب و گزینش امامان معصوم صورت گرفته است.

همچنین اقتضای هدایت الهی که باید به صورت مستمر پس از نبوت بر بندگان جریان یابد وجود امامی است که الگوی کامل بشری و جلوه اسم « هادی » خداوندی می باشد. در حالی که عصمت از امور نهانی است که غیر از خدا و عالمان به غیب، کسی نسبت به آن گاه نیست. پس نصب امام باید از جانب خداوند باشد.

همچنان که برهان مهدوی نیز در تعیین امام این چنین است، که وقتی سعد بن عبدالله قمی از حضرت بقیه الله (ع) پرسید که چرا مردم نمی توانند امامشان را - که صالح و اصلاح گراست - برگزینند، فرمود: « زیرا کسی نمی داند در خاطر دیگری از اندیشه صلاح و فساد چه می گذرد. »

علاوه بر آن که نصب امام تنها برای سامان دادن به جهات عملی فردی یا اجتماعی مردم نیست، بلکه تبیین معارف الهی، تشریح احکام فقهی و حقوقی اسلام، قضاوت و داوری، اجرای حدود، تعزیرات و دفاع از کیان دین، گشایش دشواری های علمی و عملی انسان ها نیز از وظایف امام است. بنابراین از جمله شرایط اصلی امام، عصمت و مصونیت از خطا و لغزش می باشد که تشخیص آن تنها برای خداوند میسر خواهد بود.

آیاتی از قرآن که جعل و انتصاب مقام امامت را به خدا نسبت داده است، شاهد صریحی بر این معناست از جمله :

(... اَنْی جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَهٗ... ) و نیز (... اَنْی جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا... ).

مفسران با استناد به آیه ( وَ قَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلٰی رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیْمِ \*

اَهُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَیْنَهُمْ مَعِیْشَتَهُمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا... )

معتقدند که رزق دنیوی به تقدیر خدا بستگی دارد، پس چگونه می‌توان تصوّر کرد که مقام معنوی امام در اختیار مردم باشد؟! در حالی که اندیشه مردم در تقسیم امتیازات مادی قاصر باشد، قطعاً از تعیین چنین مقامی عاجز است. علاوه بر آن که اساساً مردم شایستگی چنین کاری را ندارند. و بنابر فرمایش حضرت رضا (ع) اصولاً عقل بشر ناقص‌تر از آن است که بتواند به انتخاب امام مبادرت ورزد:

« هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَمَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ؟ »

إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا

وَ أْبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يُبْلَغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوا بِأَرَائِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ. «

مگر مردم ارزش منزلت امام را در بین امت می‌دانند تا روا باشد که اختیار و انتخاب او به ایشان واگذار شود؟ امامت قدرش والاتر، شأنش بزرگ‌تر، منزلتش عالی‌تر، مکانش منیع‌تر و عمقش دورتر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آراء خویش آن را دریابند و به انتخابشان امامی را منصوب دارند. بنابراین برای تعیین امام راهی جز انتصاب الهی وجود ندارد. که آن از طریق پیامبر (ص) و یا امام معصوم پیشین به مردم ابلاغ می‌گردد. و بنابر فرمایش حضرت رضا (ع) هر امامی به دستور خدا امام پس از خود را تعیین می‌کند و این عهدی است از پیامبر که نفر به نفر آن‌ها را با نام بیان فرموده‌اند.

با عنایت به آیه (... قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ) معلوم است که امامت، مستلزم مقام عصمت می‌باشد. و از دیدگاه قرآن کسی می‌تواند امام باشد که هیچ نوع ظلم و آلودگی در او راه نداشته باشد، حتی در حدّ یک‌بار سجده بر بت‌ها! و نیز قرآن، ساحت مقدّس اهل‌بیت : را از هر رجس و پلیدی مصون می‌داند:

(... أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً )

که البته عنایت به سیاق این دو آیه معلوم می‌کند که مقام عصمت، تنها در اهل‌بیت پیامبر : نمود دارد و آن‌ها هستند که شایسته این مقامند.

امام رضا (ع) در مقام بیان اوصاف امام می‌فرماید :

«الإمامُ مُطَهَّرٌ مِنَ الذُّنُوبِ الْمُبَرَّءِ مِنَ الْعُيُوبِ ... وَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَّلِ وَالْعِثَارِ.»

امام از گناهان، پاک و از عیوب، مبرّاست.. او معصوم است. خداوند او را تأیید نموده و به او توفیق می‌دهد و در راستی و درستی پا برجا نگه می‌دارد. او از خطا و لغزش در امان می‌باشد.

بنابراین کسی که ذاتاً سعادت‌مند باشد، می‌تواند دارای مقام شریف و باعظمت امامت گردد. و اگر این سعادت، ذاتی او نبوده و در پاره‌ای از اوقات، ظلم و شقاوتی هرچند کوچک از او سر بزند، خود محتاج هدایت دیگری خواهد بود. و این معنا با مقام هدایت منافات دارد :

( أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى... ) :

آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر آن که او را هدایت کنند؟

پس امامت مقامی اختصاصی برای پاکان از نسل پیامبر (ص) تا قیامت است که از خواصّ نسل صالح ابراهیم به پیامبر و امیرالمؤمنین (ع) رسیده است.

### ۳ - تجلی علم الهی

از آنجا که دایره ولایت و امامت امام از نظر زمان و مکان بسیار گسترده‌تر است و مسؤولیت امام، ابدی و جهانی است و حتی در برگیرنده ظاهر و باطن جامعه و درون و برون انسان‌ها می‌باشد، باید از امور مادی و معنوی معاش و معاد مردم و نیز تمام اوضاع و احوال گذشته و حوادث آینده آن‌ها آگاه باشد. که مسلماً این علم، علمی الهی و غیبی است که از سوی خداوند به او تفویض شده و نه اکتسابی!

امام صادق (ع) به یکی از راویان خود می‌فرماید: « آیا تو فکر می‌کنی ممکن است خداوند سرپرستی را بر بندگان خود بگمارد و ولیّ و امامی را بر آن‌ها قرار دهد در حالی که چیزی از امور و اسرار آنان بر وی مکتوم ماند؟! این جز تهمت و افترای بی‌بیش نیست.

بر این اساس ائمه هدی: معدن علوم الهی هستند که به طور حضوری و

شهودی به همه رموز و اسرار شگفت‌انگیز جهان، علم دارند. آن‌ها راسخان در علم و عالمان به تأویل آیات متشابه‌اند. و نسبت به آنچه در آسمان و زمین تا قیامت رخ خواهد داد، آگاهند و می‌توانند با تمام زبان‌ها و لغات تکلم نمایند.

آن‌ها تمامی انسان‌ها را با حالات ایمان و کفر و نفاقشان می‌شناسند. و همچنین به همه احتیاجات و احوال مردم، حتی نسبت به آنچه در دل پنهان کرده‌اند، آگاهی دارند. و نهایت این که ارواح ائمه: در هر شب جمعه به آسمان عروج یافته، در آنجا به علمشان افزوده گردیده و به هر چه مورد نیاز است، آگاهی می‌یابند. و در یک کلام بنابر فرمایش امیرالمؤمنین (ع)، امام موضع اسرار خداوندی و ملجأ فرمان و ظرف علمی الهی‌اند که هیچ خطایی در آن راه ندارد.

امام رضا (ع) می‌فرماید :

« هرگاه خداوند بنده‌ای را برای اداره امور بندگانش برگزید، به او شرح صدر عنایت فرموده و در قلبش چشمه‌های جوشان حکمت قرار می‌دهد و علم کاملی به او الهام می‌نماید که از هیچ پاسخی در نمی‌ماند و از رفتار و گفتار صحیح دور نمی‌شود. »

همچنین در حدیث دیگری از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود :

« خداوند ما را با روح قدسی خویش تأیید نموده، در حالی که آن روح ملک نیست و با هیچ یک از پیامبران گذشته نبوده است جز پیامبر اکرم (ص). و آن روح با ائمه است و موجب تقویت و توفیق ایشان می‌گردد. و بین او و خدا ستونی از نور وجود دارد که امام اعمال مردم را در آن می‌بیند که در صورت نیاز به آگاهی بیشتر، آن علم گسترده‌تر می‌شود و آنچه را که باید بداند می‌داند. »

بر این اساس علم ائمه : از تمامی علوم اهل زمان برتر و بالاتر است و هیچ دانشمندی هم‌تراز آن‌ها یافت نمی‌شود. او به زبان همه اقوام بلکه زبان دیگر موجودات نیز آشناست. کمال علم اولین و آخرین و به تعبیری علم کتاب و بیان آن نزد اهل بیت : است. که خارج از مدار آن‌ها علمی وجود ندارد. همچنان که امیرالمؤمنین (ع) به کمیل فرمودند :

« ما مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ يَخْتِمُهُ. »

ای کمیل، هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را آغاز کرده‌ام و هیچ سری وجود ندارد جز این که حضرت قائم (ع) آن را به پایان می‌رساند.

۴ - مقام خلیفه الهی

امام رضا (ع) فرمودند :



« إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلاَفَةُ اللَّهِ وَخِلاَفَةُ الرَّسُولِ وَ مَقَامُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. »

امامت، جانشینی خدا و رسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث امام حسن و امام حسین (ع) است. خلافت در لغت به معنای « نیابت از دیگری » است.

و در آیه ( وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... )

اشاره به خلقت آدم و جعل او به عنوان خلیفه مطلق الهی است که در همه امور و شؤونات جاری می‌باشد. بلکه مقصود از خلیفه در این آیه شریفه، تنها حضرت آدم (ع) نیست. زیرا با استفاده از سیاق، می‌توان دریافت که منظور از افراد فسادگر در زمین، نسل و ذریه حضرت آدم است که در هر عصری ظاهر می‌شوند. و برای هدایت آن‌ها به رهبر و هدایتگری نیاز است. و در هر عصر، پیامبران و اوصیاء آن‌ها خلیفه‌الله هستند تا واسطه‌ای بر جریان فیض الهی بر مردم باشند.

بنابراین در اصطلاح اسلامی، خلیفه الله کسی است که خداوند او را برگزیده و حاکم بر مردم قرار داده است. تا میان مردم قضاوت و داوری نماید. و نیز او را امام و پیشوای آن‌ها قرار داده تا با کتاب خدا، هدایتشان کند و به تبلیغ دین بپردازد. پس از دیدگاه شیعه، خلافت، لزوماً با حکومت مترادف نیست، بلکه خلافت به معنای امامت و ولایتی است که « حکومت » از جمله شؤون آن به شمار می‌رود.

از طرفی خلیفه به عنوان جانشین پیامبر (ص) باید شخصیتی پیامبر گونه داشته باشد. به عبارت دیگر، اطلاق خلافت و جانشینی پیامبر، اقتضا می‌کند که خلیفه آن حضرت، از همه کمالات و شؤونات کمی و کیفی او برخوردار باشد، تا بتواند به وظایف خلیفه‌اللهی خود که همان هدایت تکوینی و تشریحی است، عمل نماید.

امام صادق (ع) درباره شأن امام می‌فرمایند :

«الائمة بِمَنْزِلَةِ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَنَّهُمْ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ...»

امامان معصوم:، دارای مقام و منزلت رسول خداوند، تنها این که آن‌ها نبی نیستند.  
همچنان که حضرت رضا (ع) نیز امامت را در رتبه نبوت به شمار می‌آورد و می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ وَالْإِمَامُ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ»

مقام امامت، هم پایه نبوت است و هم‌چنان که نبی از سوی خدا تعیین می‌شود، مقام امامت نیز چنین است.  
علاوه بر آن که امامت، ارث انبیا بوده که به اوصیاء آن‌ها می‌رسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نحن ورثةُ النَّبِيِّينَ»  
و امام زمان (ع) در هنگامه ظهور، خود را آخرین خلیفه الهی و وارث همه کمالات انبیاء و اوصیاء الهی معرفی می‌کند.

همچنین امام رضا (ع) در فرازی از دعائی که برای زیارت ائمه طاهرین: انشا فرموده‌اند: از آن‌ها به اولیای خدا و برگزیدگان او و امناء اسرار وحی الهی، دوستان خاص خدا، یاوران دین او و جانشینان و خلفای الهی تعبیر کرده‌اند.

بنابراین منصب خلیفه الهی منصبی منیع و مقامی شامخ است و امام پیشوایی والا و خلیفه خدا در زمین می‌باشد که ملک داودی و سلیمانی در برابر ملک و سلطنت او ناچیز است.

۵ - مقام پاکان

امامت مقامی اختصاصی برای برگزیدگان و پاکان است. چندان که امام رضا (ع)، ذیل آیه (... إِنَّنِي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) به ابطال امامت ظالمان تا روز قیامت اشاره نموده که

خداوند آن را برای خواص و پاکان از نسل حضرت ابراهیم (ع) که همگی از صالحان به شمار می‌روند، در نظر گرفته است تا نسل به نسل به آن‌ها سپرده شود و در نهایت، پیامبر اسلام (ص) وارث آن گردیده و پس از آن حضرت، به علی (ع) رسیده و بعد از او تا قیامت برای اولاد آن حضرت معین شده است.

همچنین بنابر نقل یونس بن عبدالرحمن امام رضا (ع) در دعایی که برای صاحب الزمان (ع) امر فرموده، به مقام ائمه : این چنین اشاره کرده‌اند :

« فَإِنَّهُمْ... خَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَوْلِيَاءُكَ وَسَلَسِلُ أَوْلِيَائِكَ وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ ».

آن‌ها از بندگان خاص و خالص تو و برگزیده از خلق و دوستان خاص تو و فرزندان محبان برگزیده اولاد پیامبر هستند.

بنابراین شرافت ذاتی و نسبی و کمالات و فضائل ائمه معصومین : به حدی است که هر صاحب شرافتی را به تعظیم وامی‌دارد. چه اینکه شرافت آن‌ها تجلی نور الهی را در مرتبه کمال نمایان می‌سازد. و بنابر فرمایش حضرت رضا (ع) امام، معدن قداست و پاکی است. به این معنا که هر کجا پاکی و طهارت وجود دارد، از این خاندان نشأت گرفته و منبع همه کمالات نزد ائمه : است. همچنان که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

« إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَقَرَعَهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ. »

اگر از خیر و نیکویی ذکری شود شما اول و اصل و فرع و معدن و محل و مبدأ و منتهای آن خیر هستید. علاوه بر آن، امام از نسل پاک فاطمه زهرا (س) است، که رفعت این نسب، راه را بر هرگونه طعن و عیب بسته و کمال شرافت و پاکی را آشکار می‌سازد. به بیان امام رضا (ع) در این باره توجه فرمایید :

« هو نسلُ الْمُطَهَّرَةِ البتولِ لا مَعْمَزَ فيه في نسبِ ولا يُدَانِيهِ ذُو حَسَبٍ فَالنَّسَبُ مِنْ قَرِيشٍ

وَالذَّرْوَةُ مِنْ هَاشِمٍ وَالْعَتْرَةُ مِنْ آلِ الرَّسُولِ (ص) وَالرِّضَا مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ شَرَفُ الْأَشْرَافِ وَالْفَرْعُ مِنْ عَبْدِ مَنْافٍ. »

او از نسل صدیقه کبری است که هیچ عیبی در نسب او نیست و هیچ شریفی همطراز او یافت نمی‌شود. نسب او از قریش و در بین قریش از بنی‌هاشم است که شرافتش در حد کمال می‌باشد. و در آن میان، از عترت و نزدیکان رسول خدا است. او از نظر خدا مرضی و پسندیده است. وی شریف‌ترین اشراف و از نسل عبد مناف است. البته پرواضح است که طهارت نسل پیش درآمدی بر کسب فضائل و کرامات انسانی می‌باشد و لذا این مسأله همواره در کلام معصومین : مایه مباهات و افتخار بوده است . همه پدران و مادران ائمه : تا حضرت آدم (ع) ، افرادی مؤمن و دارای اصالت نسبی و شرافت اجتماعی بوده‌اند .

## ۶ - یگانه دوران

امام دردانه روزگار، حقیقت تمام نمای دین و انسان کاملی است که شهپر اندیشه دیگران، به سپهر مقامات و فضائل او راه ندارد. که امام رضا (ع) در توصیف این مقام عالی می‌فرمایند :

« يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتَقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشْجَعَ النَّاسِ وَأَسْخَى النَّاسِ وَأَعْبَدَ النَّاسِ. »

امام، عالی‌ترین مردم، واردترین آن‌ها به مسائل قضائی، پرهیزکارترین و حلیم‌ترین و شجاع‌ترین و سخاوتمندترین و عابدترین انسان‌ها است.

همچنین آن امام همام، امام را شخصیتی بی نظیر که در ارزش گذاری های علمی، هموردی برای او یافت نخواهد شد و همواره پیشتاز همه فضائل است معرفی می کند و می فرمایند :

«الإمامُ واحدٌ دَهْرِهِ، لا يُدَانِيهِ أَحَدٌ ولا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ ولا يُوجَدُ لَهُ بَدَلٌ ولا له مِثْلٌ ولا نَظِيرٌ.»

امام، یگانه دوران خویش است و کسی را یارای رسیدن به مقام او نیست. جایگزینی برای او یافت نشود و هیچ دانشمندی همپراز او نخواهد بود.

حدّ مقام امام فراتر از آن میزانی است که با دیگران مقایسه شود، بلکه عقول بشر در اندیشه جلال و مرتبت او متحیر مانده است. و امام صادق (ع) ضمن آن که مقام او را نسبت به دیگران، بر شرافت و فضیلت شب قدر در مقایسه با ایام دیگر سال مثال زده، می فرماید : « نمی توان کسی را یافت که یارای قیاس با ما را داشته باشد. » و نیز در این رابطه از امیرالمؤمنین (ع) چنین روایت شده که فرمودند :

« لا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ ولا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ ابداً. »

در میان این امت، کسی لایق بر مقایسه با آل محمد نیست. چرا که همه ریزه خوار خوان پر نعمت آل محمد هستند و با آنها برابری نخواهند کرد.

همچنین بنابر فرمایش امام رضا (ع)، همه فضائل، تنها در امام اختصاص دارد و آن نیست مگر عنایتی که از سوی خداوند به آنها مرحمت شده است :

« مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كَلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اِكْتِسَابٍ، بَلْ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضَلِ الْوَهَابِ. »

همه فضائل به او اختصاص یافته است، بدون آن که آن را کسب کرده باشد، بلکه امتیازی است که از سوی خداوند به او عطا گردیده است.

در پایان این بحث شایسته است که به اشعار منسوب به امام صادق (ع) درباره رفعت مقام امام اشاره کنیم :

فِي الْأَصْلِ كُنَّا نُجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا      وَلِلْبَرِّيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمَ بُرْهَانٌ

نَحْنُ الْبُحُورُ الَّتِي فِيهَا لِغَائِصِكُمْ      دُرٌّ ثَمِينٌ وَيَاقُوتٌ وَمَرْجَانٌ

در اصل هستی ستارگان پرتوافکنی بودیم و امروز میان خلق، حجت و برهان هستیم.  
ماییم دریاهایی که برای غواصان و فروروندگان شما دُرّ گرانمایه و یاقوت و مرجان پربها داریم.

فصل چهارم

شناخت امام عصر (ع)

حضرت مهدی (ع) امید بشریت و بنیان‌گزار عدالت پایدار جهانی است، همو که وجودش سراسر نور و عظمت است. نیاکانش از پاک‌ترین مردم و دارای مقام و منزلتی والا نزد خدا هستند. عصمت و فضیلت و تقوا در این خاندان انحصار یافته و ستمکاران را در مقام ولایت، راهی نیست، بلکه از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود. امام رضا (ع) می‌فرماید :

« لا یكونُ القائمُ الا امامَ بنِ امامٍ ووصیّ بنِ وصیِّ » .

قائم جز این نیست که امامی است پسر امام و جانشینی فرزند جانشین ( رسول خدا (ص) ).

در این فصل برای شناخت مهدی (ع) ، با بیان جلوه‌هایی از ویژگی‌های سیما و سیره آن حضرت از روایات معصومین ، نقاب از رخ مه‌فام او برمی‌گیریم تا نور الهی را در آن درخشش خورشید نظاره‌گر باشیم.

الف ( سیمای مهدی (ع)

۱ - ولادت

روایات مربوط به ولادت حضرت مهدی (ع) به عنوان دوازدهمین پیشوای شیعیان، با نشانه‌هایی چون ؛ نهمین فرزند امام حسین (ع) و چهارمین فرزند امام رضا (ع) و...، آنچنان در بین مسلمانان و حتی حاکمان وقت شهرت یافته بود که همه می‌دانستند مهدی موعود (ع) که روزی بنیاد ظلم را برانداخته و حکومت عدل برپا می‌سازد، از نسل امامان شیعه و فرزند امام عسکری (ع) است.

لذا خلفای عباسی که سخت‌گیری‌ها و مراقبت‌های شدید خود را از سال‌ها قبل با تحمیل ولایتعهدی بر امام رضا (ع) و تزویج دختر مأمون به امام جواد (ع) و محصور ساختن امام هادی و امام عسکری (ع) در محله « عسکر » در سامرا ساماندهی کرده بودند، درصدد آن برآمدند تا ضمن محدود ساختن هدایت‌ها و رهبری‌های آن بزرگواران، از ولادت آن نور خدا ممانعت ورزند.

بنابراین در زمان امام عسکری (ع) حلقه محاصره تنگ‌تر شده و فشارهای دستگاه حاکمه به اوج خود رسید. آزار و شکنجه و زندان‌های مکرر آن حضرت، گویای این حقیقت است که آن‌ها می‌خواستند با از میان برداشتن امام

عسکری (ع) ، از تولّد امام زمان (ع) و تداوم امامت جلوگیری کنند. بر این اساس با گماردن جاسوسانی در بیت امام، مترصد فرصتی بودند تا به هنگام تولّد پسری در این خاندان، او را به قتل برسانند.

اما برخلاف این تلاش‌ها، تقدیر الهی بر تدبیر شیطانی غالب آمده و در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ . آن مولود مسعود قدم به عرصه وجود نهاد و امامت مستضعفان و حاکمیت صالحان را به جهانیان نوید داد .

امام رضا (ع) به نحوه ولادت امام به عنوان نشانه و علامت امامت، این چنین اشاره فرمودند :

« و إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمَّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتَيْهِ رَافِعاً صَوْتَهُ بِالشَّهَادَتَيْنِ » .

وقتی امام متولّد می‌شود، به روی دو کف دست به زمین می‌افتد و با صدای بلند شهادتین را می‌گوید.

« نسیم » خادم امام عسکری (ع) نیز در نقل جریان ولادت امام زمان (ع) همین مضامین را بیان کرده و می‌گوید :  
وقتی صاحب الزّمان (ع) به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاده و دو انگشت سبّابه را به جانب آسمان بالا برد. آنگاه عطسه کرده و فرمودند :

« الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَبْدٌ ذَاكِرٌ لِلَّهِ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ .

زَعَمَتِ الظُّلْمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ وَلَوْ أذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ » .



حمد و ستایش مخصوص خداوند است و بر پیامبر و آل او درود فرست. او بنده ذاکر خداست که از پرستش حق استنکاف ننموده و کبر نمی‌ورزد. ستمکاران پنداشته‌اند که حجّت خدا از بین رفته است. اگر به ما اجازه سخن گفتن داده شود، هر گونه شک و تردید زایل می‌گردد.

و نیز از حکیمه خاتون عمه امام عسکری (ع) روایت شده که موقع ولادت، نوری نرجس را فراگرفته بود که توان دیدن او را نداشتیم. سپس آن کودک را دیدم که روی خود به سجده نهاده اند و دو زانو بر زمین زده اند و در حالی که دو انگشت سبّابه خود را بلند نموده، می‌فرمودند :

« به یگانگی خدایی که شریک ندارد، شهادت می‌دهم و اینکه جدّم پیامبر (ص)، رسول خدا و پدرم علی (ع)، امیرالمؤمنین است.»

سپس یکایک امامان را شمردند تا به خودشان رسید. و پس از آن به درگاه الهی دعا کردند :

« بارالها ! آنچه به من وعده فرمودی به جای آر و کار مرا به انجام رسان و گامم را استوار دار و زمین را به واسطه من از عدل و داد پر گردان.»

در این هنگام امام عسکری (ع) فرمودند :

« زَعَمَتِ الظُّلْمَةُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونَنِي - لِيَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ فَكَيْفَ رَأَوْا قُدْرَةَ اللَّهِ.»

ستمگران بر این پندار بودند که با کشتن من، نسل امامت را منقطع سازند. پس از قدرت خدا غافل بودند ! امام زمان (ع) پس از ولادت بیش از پیش در معرض خطر قرار داشتند و لذا بایستی این حجّت و ذخیره خداوندی از دید مردم مخفی باشد. امام کاظم (ع) می‌فرمایند :

« يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلادَتُهُ وَلَا يَجِلُّ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ». .

ولادتش بر مردم پوشیده می ماند و بردن نامش تا روزی که خداوند فرمان ظهورش دهد، روا نمی باشد.

همچنین امام رضا (ع) در معرفی آن مقام والا می فرمایند :

« يَبْعَثُ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ رَجُلًا خَفِيًّا الْمَوْلِدِ وَالْمَنْشَأِ غَيْرَ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ وَنَفْسِهِ ». .

تا اینکه خداوند مردی را برای این امر مبعوث فرماید که تولد و رشدش بر مردمان پوشیده است ولی نسب و شخصیت او بر کسی مخفی نیست.

با این وجود، امام عسکری (ع) بارها خواص از اصحاب خود را از وجود آن حضرت آگاه فرمودند تا با اطلاع رسانی به شیعیان خاص، از گمراهی نجات یابند. از جمله :

احمد بن اسحاق که از شخصیت های معروف قم و وکیل امام عسکری (ع) است می گوید :

به محضر امام عسکری (ع) رفتم تا درباره جانشین آن حضرت پرسش کنم. اما آن حضرت، قبل از سؤال من فرمود : « ای احمد بن اسحاق ! خداوند از روز خلقت آدم تا قیامت، زمین را از حجت خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت. بلکه همواره به واسطه حجت الهی است که بلاها از ساکنان زمین دفع می گردد و برکات بر آن نازل می شود.».

گفتم : پس امام پس از شما کیست ؟ در این هنگام امام به داخل خانه رفته و در حالی که کودکی در بغل داشتند بیرون آمدند، که صورت آن کودک که سه ساله بود، همچون ماه شب چهارده می درخشید. سپس به من فرمودند : « اگر مقام و منزلت تو در نزد خدا و حجت های خداوند نبود، فرزندم را به تو نشان نمی دادم ». پرسیدم

: برای اطمینان بیشتر و آرامش قلبم، علامتی به من ارائه دهید. ناگهان آن حجت خدا با زبانی فصیح و آشکار فرمود: « من تنها بازمانده خدا در روی زمین هستم. و از دشمنان خدا انتقام می‌گیرم. و تو پس از این دیدار، دیگر نشانه‌ای نخواه.»

سپس امام عسکری (ع) فرمودند: « ای احمد بن اسحاق، این امری از امرهای خداوندی و سرّی از اسرار اوست. آنچه به تو ارزانی داشتیم فراگیر و آن را پوشیده‌دار و از سپاسگزاران باش تا در قیامت در مقامات علیین با ما باشی.»

آنگاه با شادی و خوشحالی فراوان از پیشگاه امام (ع) بیرون آمدم .

## ۲ - نَسَب

وجود مبارک امام زمان (ع) از شجره طیّبه آل محمّد : است که پیامبر (ص) به او مباحث کرده و وی را از مفاخر اهل بیت : برشمرده است. آنجا که می‌فرمایند :

« وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ » .

و نیز فرمودند : « الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ » .

در روایات، از آن حضرت به عنوان نهمین فرزند امام حسین (ع) یاد شده است. و امام رضا (ع) در روایتی از پدرانشان از امیرالمؤمنین (ع) نقل فرموده اند که آن حضرت به امام حسین (ع) فرمودند :

« التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْمُظَهَّرُ لِلدِّينِ وَالْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ » .

نهمین فرزند تو، قائم به حق است که دین را آشکار و پابرجا می‌گرداند و عدالت را در همه زمین فراگیر می‌سازد.  
همچنین امام رضا (ع) از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند که فرمودند :

« وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أَيْمَةٍ تَسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي » .

و نه امام از نسل امام حسین (ع) هستند که نهمین آن‌ها فرزندان قائم (ع) است.  
و نیز امام رضا (ع) در جواب این سؤال که :

« مَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ؟ » از بین شما اهل بیت، قائم کیست ؟

آن وجود مبارک را نسل چهارم خود معرفی می‌کنند :

« الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، هُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ... » .

او چهارمین فرزند من و پسر بهترین کنیزهاست که خداوند به وسیله او زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می‌گرداند. او کسی است که مردم در ولادتش شک و تردید می‌کنند.

همچنین حضرت رضا (ع)، در آن هنگام که دعبل قصیده خود را ایراد نمود، به بیان سلسله نسب امام زمان (ع) پرداخته و فرمودند :

« الامامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَبَعْدُ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَبَعْدُ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدُ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ »

امام بعد از من، پسر محمد، و پس از او فرزندش علی و بعد از علی، فرزندش حسن و پس از او فرزندش حجت قائم منتظر است.

سپس در بیانی دیگر، اختصاصاً نام پدر امام زمان (ع) را یادآوری نموده تا هیچ‌گونه تردیدی باقی نماند :

« الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَهُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَهُوَ الْمَهْدِيُّ » .

آن خلف صالح، فرزند ابی محمد حسن بن علی ( العسکری )، همان صاحب الزمان و مهدی موعود (ع) است.

۳ - شمایل

ذکر اوصاف و شمایل حضرت مهدی (ع) که در روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین :، بیان شده است، مجالی برای تشکیک و سوسه‌گران و ایجاد تردید در دل مؤمنان باقی نگذاشته، تا امام خود را بشناسند و درباره او به اشتباه یا انحراف نیفتند. بلکه همه این مشخصات تنها بر شخص امام زمان (ع) قابل انطباق است. و این خود، افشاگر دروغ‌پردازی‌های مدّعیان آن است.

- شباهت به پیامبر (ص) و امام رضا (ع)

از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند :

« الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسُ بِي خُلُقاً وَخُلُقاً » .

مهدی از فرزندان من است. نام و کنیه او همچون نام و کنیه من است و از نظر سیما و سیره، شبیه‌ترین فرد به من می‌باشد.

و نیز در کلامی دیگر فرمودند :

« أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ » .

او در شمایل و گفتار و کردار، شبیه‌ترین فرد نسبت به من است. همچنین در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است که فرمودند :

« بِأَبِي وَأُمِّي سَمِيٌّ جَدِّي وَشَبِيهِي وَشَبِيهِي مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ » .

پدر و مادرم فدای آن کسی که هم‌نام جدّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

که در اینجا شایسته است به مواردی چند از وجه شباهت امام رضا (ع) و امام عصر (ع) بپردازیم :

## ( ۱ ) سیمای ظاهری

امام رضا (ع) در زیبایی جمال و جلال، در عصر خود بی نظیر بود. چهره‌ای بسیار زیبا، سیمایی نورانی با چشمانی جذاب داشت که به جدّش رسول خدا (ص) شبیه بود. وقار و عظمت او، هر کسی را فریفته خود می‌ساخت و وقتی در مجامع عمومی حضور می‌یافت، بر طبق سنت آن روزگار، بر صورت مبارکش نقاب می‌زد، به طوری که نور امامت از زیر آن می‌درخشید .

محدثان شیعه و سنی، شمایل و سیمای ظاهری امام زمان (ع) را طیّ روایات بی‌شماری از پیامبر (ص) و ائمه هدی : این چنین بیان داشته‌اند :

دارای چهره‌ای گندمگون، ابروانی هلالی و کشیده، چشمانی سیاه و درشت و جذاب است، شانه‌ای پهن و دندان‌هایی برّاق و بینی کشیده و زیبایی دارد. اندامی متناسب، هیئتی خوش منظر و قیافه‌ای سرشار از حشمت و شکوه رهبری است .

## ( ۲ ) مادر

مادر هر دو بزرگوار، کنیزی از مغرب بودند که در لسان روایات به عنوان : « خیرُ الاماء » یعنی سرور کنیزان معرفی شده‌اند. امام رضا (ع) از حضرت مهدی (ع) به عنوان نسل چهارم خود و فرزند بهترین کنیزان یاد می‌کند . همچنان که همین تعبیر درباره نجمه‌خاتون نیز به کار رفته است. آنجا که امام رضا (ع)، عموی خویش علی بن جعفر را بر این کلام پدرش موسی بن جعفر (ع) شاهد گرفت که آن حضرت از رسول خدا نقل کرده که فرمود : « پدرم فدای پسر بهترین کنیزها باد که آن امام رانده شده و دور افتاده که انتقام‌گر پدر و جدّ شهید است و صاحب غیبت می‌باشد، از فرزندان اوست » .

همچنین داستان راه‌یابی نجمه‌خاتون ( مادر امام رضا (ع) ) و نرجس خاتون ( مادر امام زمان (ع) ) به خاندان امامت و ولایت، شباهت زیادی به هم دارد :

از هشام بن احمر نقل شده که روزی امام موسی بن جعفر (ع) به من فرمود: فردی از اهل مغرب، در حالی که تعدادی برده به همراه دارد به مدینه آمده است. من در خدمت ایشان به نزد او رفتیم. آن حضرت درخواست دیدن کنیزان را نموده، و آن مرد چند کنیز را نشان داد. حضرت فرمودند: دیگری را بیاور. گفت: تنها یک کنیزک بیمار دارم. فرمود: آن را نیز نشان بده. اما آن مرد امتناع نمود. سپس حضرت بازگشته و فردای آن روز مرا به سوی او فرستاده و فرمود: هر چه تعیین کرد بپرداز.

وقتی من به نزد او رفتم، قیمت را بیان کرده و گفت: کمتر از آن نمی‌دهم و من هم قبول کردم. سپس آن مرد پرسید: مردی که دیروز همراه تو بود کیست؟ گفتم: از بزرگان بنی‌هاشم است. و او داستان این دختر را این چنین توضیح داد: «من این کنیز را از دورترین شهرهای مغرب برای خود خریدم. در این هنگام زنی از اهل کتاب که مرا دید، گفت: سزاوار نیست این کنیز نزد تو باشد، بلکه او شایسته بهترین مرد روی زمین است و به زودی پسری از او متولد می‌شود که در مشرق و مغرب عالم چون او وجود ندارند.» و من آن دختر را نزد امام کاظم (ع) بردم و دیری نگذشت که امام رضا (ع) متولد شد.

و نیز در داستان مادر امام زمان (ع) این چنین وارد شده است:

بشر بن سلیمان از سوی امام هادی (ع) مأموریت یافت که همراه با نامه‌ای که در آن با خط رومی نوشته شده، به محل کاروان حامل اسرا در نزدیکی فرات برود. آن حضرت، خصوصیات کنیزی را که در پشت حجابی به زبان رومی ناله نموده و همه مشتریان را رد می‌کند به او دادند که می‌گوید: من باید خریدارم را خود برگزینم که قلبم به وفاداری و امانت‌داری او آرام گیرد. بعد فرمودند: «تو نامه را به صاحب او بده و بگو نامه را به کنیز بدهد، اگر راضی شد، از طرف من برای خرید او وکیل هستی.»

بشر می‌گوید: آنچه مولایم فرموده بود انجام دادم. وقتی چشم کنیز به نامه افتاد، شدیداً گریسته و گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش. سپس در راه بازگشت داستان خود را این چنین تعریف کرد.

من ملیکه دختر یسوعا فرزند قیصر روم هستم و مادرم از فرزندان شمعون وصی حضرت مسیح است. شبی در خواب دیدم که حضرت مسیح به قصر ما آمده و حضرت محمد (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و جمعی از فرزندان ایشان به آنجا تشریف آوردند و مرا برای امام عسکری خواستگاری نموده و خود آن حضرت خطبه عقد را خواندند. و



سپس به دست حضرت زهرا (س) اسلام آوردم و پس از آن هر شب امام عسکری (ع) را در خواب می‌دیدم. تا اینکه پس از چندی به من فرمود: به زودی جدّ تو برای جنگ با مسلمانان، لشکری را آماده می‌کند، و تو با تغییر وضع ظاهر، خود را به شمایل کنیزان درآورده و به آنها ملحق شو. و من چنین کردم و به اسارت درآمد، در حالی که هیچ کس مرا نمی‌شناسد و نام خود را نرجس اعلام نمودم.

سپس وقتی او را به خدمت امام هادی (ع) بردم، آن حضرت بشارت ولادت امام زمان (ع) را به او دادند .

– بقیّه الله

با آن که همه ائمه: « بقیّه الله » هستند ، اما این لقب درباره حضرت رضا (ع) و نیز امام زمان (ع) تصریح شده است.

از حضرت نجمه خاتون مادر امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: وقتی نوزادم به دنیا آمد، دو دستش را بر زمین نهاده و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و چیزی گفت. پس آن‌گاه پدرش موسی بن جعفر (ع) بر من وارد شده و فرمود: ای نجمه! این کرامت الهی که به تو مرحمت شده بر تو مبارک باد. سپس در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و او را به من بازگردانده و فرمودند:

« خُذِيهِ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ » .

او را بگیر که او بقیّه الله در زمین است.

درباره امام زمان (ع) هم روایت شده که هنگام قیام، بانگ برمی‌آورد که:

« أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ » .

- اشتیاق دیدار

بر طبق نقل روایات، ائمه هدی : همواره نسبت به امام زمان (ع) ، با عباراتی چون ؛ « جانم به فدایش » و « پدر و مادرم به فدای او باد » اظهار ارادت کرده و آرزوی دیدارش را داشتند، که امیرالمؤمنین (ع) در کلامی فرمودند : « آه آه شوقاً الی رؤیتِهِ » . چقدر مشتاق دیدارش هستم ! و امام رضا (ع) فرمودند : « بآبی و آمی سمیّ جدّی و شبیهی » . پدر و مادرم فدای آن کسی که هم نام جدّم و شبیه من است.

امام صادق (ع) نیز پس از بیان فضائلی از امام رضا (ع) ، چنین اشتیاقی نسبت به دیدارش ابراز می‌فرمایند. آنسان که روزی امام کاظم (ع) در مقام تجلیل از فرزندش امام رضا (ع) ، به دیگر فرزنداناش فرمودند :

« هَذَا أَحْوَكُمْ عَلِيٌّ بِنُ مَوْسَى عَالِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، سَلُوهُ عَن أَدْيَانِكُمْ وَاحْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ.

فَأَيُّ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ غَيْرَ مَرَّةٍ يَقُولُ : « إِنَّ عَالِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَفِي صُلْبِكَ وَلَيْتَنِي أُدْرِكْتُهُ، فَإِنَّهُ سَمِيّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع) » .

این برادر شما، یعنی علی بن موسی، عالم آل محمد است. درباره ادیان خود از او سؤال کنید و هر چه می‌گوید حفظ نمایید که من از پدرم جعفر بن محمد (ع) چندین مرتبه شنیدم که فرمود : عالم آل محمد از توست و چقدر مشتاق دیدارش هستم ! و نام او همچون امیرالمؤمنین (ع) ، علی است.

- فریادرسی

امام صادق (ع) در بیانی، از امام رضا (ع) به عنوان فریادرس امت یاد می‌کند. آنجا که در معرفی فرزندش موسی بن جعفر (ع) به عنوان امام پس از خود، به مهمترین مشخصه آن حضرت اشاره می‌فرمایند :

« يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْهُ غَوْتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَغِيَاثَهَا... » .

خداوند فریادرس و غیاث این امت را از او به وجود خواهد آورد.  
همچنان که امام سجّاد (ع) درباره امام زمان می‌فرمایند :

« الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ » .

او پناهگاه استوار و فریادرس درماندگان و پناه خواهان است.

- اوضاع سخت قبل از ولادت

امام عسکری (ع) همچون امام کاظم (ع) دوران سخت و پرفشاری را تحمل کردند. و همان‌طور که موسی بن جعفر (ع) در مدت طولانی بیش از ده سال در زندان بنی‌عبّاس اسیر بودند : امام عسکری (ع) نیز در محله عسکر سامرا تحت مراقبت شدیدی قرار داشته و برای حفظ راه امامت، مأمور به تقیّه بودند.

یزید بن سلیط زبیدی از امام موسی بن جعفر خواست تا امام پس از خود را معرفی کند، همچنان که پدرش امام صادق (ع) چنین کرد. ولی آن حضرت فرمودند :

« كان أبي في زمنٍ ليس هذا مثلهُ » .

پدرم در زمانی بود که حال، مثل آن زمان نیست. ( یعنی الآن باید تقيه کرد ).

سپس ضمن معرفی « موسی بن جعفر (ع) » به عنوان امام پس از خود فرمودند : ای یزید، این مطلب را مخفی

دار و با کسی در این باره صحبت نکن. مگر آن که خدا قلبش را برای ایمان، امتحان نموده باشد .

همچنان که امام عسکری (ع) از احمد بن اسحاق خواستند تا امر ولادت فرزندشان را که به عنوان سری از اسرار

الهی است، پوشیده دارد .

- چهره‌ای نورانی

پیامبر (ع) در بیان سیمای حضرت مهدی (ع) می‌فرمایند :

« المهدیُّ طاوسُ أهلِ الجنَّةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ » .

مهدی طاوس اهل بهشت است، چهره او مانند ماه درخشنده و بر بدن مبارکش جامه‌هایی از نور است.

از حضرت رضا (ع) روایت شده که فرمودند :

« عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ » .

بر او گریبان و طوق‌های نور است که از شعاع نور قدس پرتو گرفته است.

و نیز امام صادق (ع) در این باره می فرمایند :

وقتی که قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش نورانی و روشن می شود. به گونه ای که مردم از آفتاب مستغنی و بی نیاز می گردند و تاریکی از بین می رود .

- وجودی خوش بو

امام رضا (ع) فرمودند :

« تَكُونُ رَائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَائِحَةِ الْمِشْكِ » .

عطر وجود او از هر مشکی خوش بوتر است.

- توانمندی بی نظیر

ریان بن صلت می گوید : از امام رضا (ع) پرسیدم : آیا شما صاحب الامر هستید ؟

فرمود : آری ! من صاحب این امر هستم، اما نه آن کسی که جهان را در حالی که از ستم پر شده، از عدالت

سیراب گرداند. من چگونه دارای این ویژگی باشم، در حالی که ناتوانی بدنم را مشاهده می کنی !

ولكن القائم هو الذي... قوياً في بدنه حتى لو مدَّ يده

إلى أعظم شجرة على وجه الأرض لقلعها ولو صاح بين الجبال لتدكدكت صخورها...

قائم کسی است آن چنان توانمند که اگر به سوی بزرگ‌ترین درخت روی زمین دست دراز کند، آن را از جای بر می‌کند و اگر بین کوه‌ها فریاد زند، سنگ‌های کوه فرومی‌ریزند.

همچنین امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ» زمین برای او درهم پیچیده می‌شود.

- سیمای جوانی

امام رضا (ع) در جواب سؤال ابوصلت هروی که پرسید: علامت قائم چیست؟ فرمودند:

«عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابًّا الْمَنْظَرِ حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ

لِيَحْسَبُهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَتِهِ أَنْ لَا يَهْرُمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَ أَجَلَهُ .

از نشانه‌های او سیمای جوانی در سنّ پیری است که هر بیننده‌ای او را فرد چهل ساله یا کمتر تصور می‌کند. و نیز از دیگر نشانه‌های او این است که گذشت زمان در او تأثیر ننهد و تا فرا رسیدن اجلش، آثار پیری در او نمایان نمی‌گردد.

- میراث‌داری انبیاء

بنابر روایات معصومین، امام زمان (ع) وارث همه کمالات و فضائل انبیاء الهی است و هنگام ظهور، میراث نفیس و با ارزش انبیاء و علی‌الخصوص پیامبر اکرم (ص) را همراه خود دارد.

امام صادق (ع) می‌فرمایند :

« عَلِيهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبٍ » .

کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی و حلم ایوب با اوست.

و امام رضا (ع) از ایشان به عنوان کسی که شبیه موسی بن عمران (ع) هستند، تجلیل می‌کنند :

« بَأَبِي وَأُمِّي سِمِيٌّ جَدِّي وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ » .

پدر و مادرم فدای کسی باد که هم نام جدّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران (ع) است.

و نیز امام باقر (ع) او را به چهار نبیّ شبیه می‌دانند :

« فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبَهٌ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ : شَبَهٌ مِنْ مُوسَى ، شَبَهٌ مِنْ عِيسَى ، شَبَهٌ مِنْ يُوسُفَ وَ شَبَهٌ مِنْ مُحَمَّدٍ »

« (ص) »

در زیارت امام زمان (ع) آمده است :

« السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ... »

السلام على بقيّة الله في بلاده وُحُجَّتُهُ على عِبَادِهِ الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ » .

سلام خدا بر وارث علوم و کمالات انبیاء الهی و بر خاتم اوصیاء پیامبران. سلام بر امام قائم منتظر... سلام بر حجّت باقیه الهی در سرزمین خدا و حجّت او بر بندگانش، آن کسی که میراث تمام پیامبران و علوم و اسرار آنها به او منتهی می گردد.

- خصوصیات ویژه

امام رضا (ع) فرمودند :

« لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ » .

شخص امام زمان (ع) دیده نمی شود و بردن نام او جایز نیست.

همچنین او را صاحب غیبت معرفی فرمودند :

« وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا » .

او صاحب غیبتی قبل از قیامش است. پس هنگام ظهور، زمین به نور پروردگارش روشن می شود.

و نیز فرمودند :



« ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُعَيَّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ » .

او نسل چهارم من است که خداوند تا هر وقت بخواهد او را در حجاب غیبت مخفی می‌دارد.  
و همچنین از او به عنوان امام رانده شده و دور افتاده‌ای که انتقام پدر و جدّ شهیدش را می‌گیرد یاد کرده است .

ب ( سیره مهدی (ع)

امام صادق (ع) در نقلی از پیامبر (ص) درباره سیره حضرت مهدی (ع) می‌فرمایند :

« الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي » .

قائم از فرزندان من و هم نام و هم کنیه من است که صورت و سیرتش همچون من است.

۱ - سیره دینی

امام رضا (ع) درباره خشوع حضرت مهدی (ع) در برابر جلال و عظمت خداوندی می‌فرمایند :

« يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا » .

شدت تواضع او در برابر خداوند، از همه بیشتر است.

و این تواضع و خشوع، غیرت دینی او را تهییج نموده که دغدغهای جز اصلاح دین جدش ندارد.

امام صادق (ع) در بیان کیفیت سیره آن حضرت فرمودند :

« يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً » .

همان گونه که پیامبر (ص)، آثار جاهلیت را از میان بردند، ایشان نیز اسلام را از نو احیا می کنند.

پیامبر (ص) می فرمایند :

« هُوَ رَجُلٌ مَنِّي... يَحْفَظُنِي اللَّهُ فِيهِ وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي » .

او مردی از نسل من است که خداوند به وسیله او تلاش مرا محفوظ می دارد، چرا که او به سنت و شیوه من عمل می کند.

و در کلامی دیگر سنت او را نصرت اسلام و دعوت مردم به قرآن اعلام می فرمایند :

« الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي... سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيْعَتِي

وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ عَصَانِي » .

قائم از فرزندان من است. سنت و شیوه او همچون من است. او مردم را بر دین و آیین من پایدار می‌سازد و آنها را به سوی کتاب خدا فرامی‌خواند. هر کس او را پیروی کند، مرا پیروی کرده و عصیان و نافرمانی او، عصیان من محسوب می‌شود.

امام رضا (ع) در دعایی که به یونس بن عبدالرحمن تعلیم دادند عرضه می‌دارند :

« اللَّهُمَّ... أَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَأُحْيِ بِهِ سُنْنَ الْمُرْسَلِينَ وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى

مِنْ دِينِكَ وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَاحِحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ . «

خدایا... اهل ایمان را به وجودش عزت بخش و احکام پیامبران خود را که از بین رفته است، به واسطه او زنده بدار. و آنچه از حکم دین خود که تغییر یافته، با وجودش از نو بنیاد کن تا آن که به دست او آئینی نو که هیچ کژی و بدعتی در آن نباشد، برای امت پدید آید.

۲ - سیره اخلاقی

امام مهدی (ع) از نظر اخلاقی شباهت بسیاری به پیامبر (ص) دارد، همچنان که ایشان می‌فرمایند :

« الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي... أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقاً وَخُلُقاً » .

مهدی از نسل من و شبیه‌ترین فرد در صفات ظاهری و اخلاقی به من است.

امام، منبع کمالات و اسوه کامل اخلاق است که حضرت رضا (ع) ضمن بیان علامت‌های امام به عنوان عالم‌ترین، حکیم‌ترین، باتقواترین، بردبارترین، شجاع‌ترین، باسخاوت‌ترین و عابدترین مردم می‌فرمایند :

« يَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ

أَبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ... وَيَكُونُ آخِذًا لِلنَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَأَكْفًا لِلنَّاسِ عَمَّا يَنْهَىٰ عَنْهُ... » .

او نسبت به مردم از خودشان ولایتمدارتر و شایسته‌تر است و از پدر و مادر مهربان‌تر. از همه بیشتر به آن چه مردم را به آن فرمان دهد، عمل می‌کند و از آن چه دیگران را باز می‌دارد، پرهیز می‌نماید.

همچنین امام رضا (ع) در شأن اخلاقی او می‌فرمایند :

« أَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ » .

او هدایتگر مردم و رهبر پاک سیرت باتقوای پاکیزه‌ای است که به کمالات و صفات پسندیده آراسته است.

امام رضا (ع) در دعای خود درباره عصمت امام زمان (ع) می‌فرماید :

« اللَّهُمَّ... عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّسِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً

وَلَا أَتَى حُوباً وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضَيِّعْ طَاعَةً وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً »

خدایا... همانا او را از هر گناه دور داشته و از هر عیب و نقصی در امان قرار داده‌ای. از همه پلیدی‌ها پاکش فرموده و از هر آلودگی، سالم داشته‌ای. خدایا ما شهادت می‌دهیم که او هیچ گناهی مرتکب نشده و خطایی نکرده است. هیچ طاعت و عبادتی را ضایع نساخته، حرامی انجام نداده، واجبی را دگرگون ننموده و هیچ آیین و شریعتی را تغییر نداده است.

- بصیرت

حضرت رضا (ع) می‌فرماید :

« لَنَا أَعْيُنٌ لَا تُشْبَهُ أَعْيُنَ النَّاسِ وَفِيهَا نُورٌ لَيْسَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكٌ » .

ما دارای بصیرت و کمال بینایی هستیم و در دیدگان ما که هیچ شباهتی به چشم‌های مردم ندارد، نوری هست که شیطان در آن راه نمی‌یابد.

بر این اساس او چشم بینای الهی است که بر اعمال بندگان نظارت دارد، آن‌ها را به کمال برساند، و در این رابطه امام زمان (ع) می‌فرماید :

« فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ... إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ » .

ما بر احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از دید بصیرت ما مستور نمی‌ماند. ما در رعایت حال شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم.

- دعای مستجاب

امام رضا (ع) می‌فرماید :

« يَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا حَتَّىٰ أَنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَىٰ صَخْرَةٍ لَا نَشَقَّتْ بِنِصْفَيْنِ » .

دعای او همواره به اجابت می‌رسد، تا جایی که اگر دعا کند، سنگی از وسط به دو نیم خواهد شد. و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمودند :

« وَدَلَالَتُهُ فِي خِصْلَتَيْنِ ؛ فِي الْعِلْمِ وَاسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ .

وَكُلُّ مَا أَخْبَرَ بِهِ مِنَ الْحَوَادِثِ الَّتِي تُحَدَّثُ قَبْلَ كَوْنِهَا فَذَلِكَ بَعْهَدٍ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَوَارَثَهُ عَنْ آبَائِهِ  
عَنْهُ (ع) « .

و علامت مهم او دو چیز است : علم و استجابت دعا. خبرهایی که از حوادث آینده می‌دهد، از پدرانش از رسول  
خدا به او رسیده است.

۴ - سیره اجتماعی

- ساده زیستی

امام صادق (ع) شیوه زندگی پیامبر (ص) و سیره امیرالمؤمنین (ع) را الگوی عملی برای امام زمان معرفی می‌کند  
و امام رضا (ع) درباره ساده زیستی و رعایت زهد در زندگی آن حضرت می‌فرمایند :

« وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشْبُ » .

لباس او پارچه خشن و غذای او بسیار ساده است.

- مدیریت اجتماعی

امام رضا (ع) درباره توان رهبری و سیاستمداری آن حضرت می‌فرمایند :

« مُضْطَلَعٌ بِالْإِمَامَةِ، عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ » .

او بر امر امامت و رهبری امت، توانمند است و به نحوه اداره امور جامعه آگاه.

- عدالت گستری

عدالت از جمله خصوصیات بارز در سیره امام مهدی (ع) است. چندان که در دعای «افتتاح» به عنوان «عَدْل» یعنی مجسمه تمام نمای عدالت، ملقب شده است :

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَليِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ» .

خدایا بر ولیّ امرت، قائمی که مردم آرزومند ظهورش هستند و آینه تمام نمای عدالت که همه در انتظارش به سر می‌برند، درود فرست.

در زمان ظهور، عدالت به همه زوایای جامعه نفوذ کرده و جهان آکنده از عطر آن خواهد شد. همچنان که امام صادق (ع) می‌فرماید :

«أما والله لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بَيْوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ» .

به خدا قسم عدالت درون خانه‌ها و زندگی مردم راه یافته و در همه جا گسترش می‌یابد، همان طور که سرما و گرما به آن رخنه می‌کند.



و فراگیری و گسترش عدالت تا حدّی است که هیچ کس به دیگری ظلم روا نمی‌دارد و امنیت اجتماعی استقرار کامل می‌یابد. امام رضا (ع) می‌فرمایند :

« فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا » .

وقتی آن حضرت قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشنایی می‌یابد و میزان عدالت را در بین مردم برپا نموده که هیچ فردی، دیگری را مورد ظلم و ستم قرار نمی‌دهد.

و این همان عدالتی است که در روایات فراوانی نسبت به تحقق آن بشارت داده‌اند. امام رضا (ع) در نقل روایتی از پیامبر (ص) می‌فرمایند :

« لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِّنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (ع) يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا » .

دنیا سپری نمی‌شود تا اینکه مردی از نسل امام حسین (ع) به امر امت قیام نموده و آن را همچنان که از ظلم و ستم پر شده، مملوّ از عدالت سازد.

فصل پنجم

دوران قبل از ظهور

## الف) اسرار غیبت

پس از اثبات نیاز جامعه بشری به وجود امام معصوم در هر عصر و زمان و اینکه زمین هرگز بدون حجت پایدار نخواهد ماند، بلکه تمامی عالم به نظام امامت بستگی دارد، به روایاتی بر می‌خوریم که بر امامت و صحت غیبت فرزند برومند امام حسن عسگری(ع) دلالت می‌کند و ایشان را صاحب الغیبه معرفی نموده است. علاوه بر آن که نسبت به حوادثی که در آن زمان به وقوع می‌پیوندد، هشدار می‌دهند و به وظایف شیعیان در آن دوران پر مخاطره تصریح کرده است.

### غیبت چیست؟

غیبت: به معنای غائب شدن است.

به هر نهفته‌ای که از حس و درک انسان پوشیده باشد، غائب می‌گویند.

(ما مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. نمل / ۷۵)

و هیچ امر مخفی و پوشیده در آسمان و زمین نیست جز آنکه در کتابی آشکار است.

در توضیح این کلمه، لازم است فرق بین دو کلمه ظهور و حضور را بدانیم.

ظهور: یعنی آشکاری که باید دیده شود ولی حضور، اعم از آن است.

آن حضرت را غائب نامیده‌اند، چون ظاهر نیست، نه آن که حاضر نیست از روایات چنین استفاده می‌شود که ،

وجود اقدس امام عصر (عج الله) با اینکه از دیده‌ها نهان است ولی در مجالس مومنان و مردم شرکت می‌کند و از

آنجا که امام باید از اوضاع و احوال دنیا و مردم اطلاع داشته باشد، بنابراین آن حضرت باید تا زمان ظهور در میان

مردم بطور ناشناس زندگی می‌کند و به وظایف محوله ولایی خود عمل می‌نماید، چنان چه در روایات متعدد

مشهور است، آن حضرت دارای دو غیبت به نام‌های غیبت صغری و کبری بوده‌اند

## انواع غیبت

### ۱- غیبت صغری

غیبت صغری که اولین غیبت ولی عصر (عج) است، از سال ۲۶۰ هجری قمری روز جمعه از ماه ربیع الاول، آغاز شد.

سعدبن عبدالله... از امهانی گفته است: به محضر امام باقر (ع) رسیدم و درباره آیه « فلا اقسام بالخنس الجوار الكنسل » « قسم به آن ستارگان که حرکت کرده و پنهان می‌شوند » پرسیدم؟  
حضرت باقر (ع) فرمودند:

آن امامی است که در زمان خودش و زمانی که علم و آگاهی مردم نسبت به ایشان قطع می‌شود، در سال (۲۶۰ هجری قمری) غایب می‌شود و بعداً مانند شهاب درخشان در تاریکی ظاهر می‌گردد، پس اگر آن زمان را درک کردی و دیدی، چشمت روشن!

در آن زمان فقط عده اندک از شیعیان خاص و برخی از وکلای حضرت از وجود مبارک امام مهدی آگاهی داشتند.

ایشان پس از اقامه نماز بر جنازه مطهر پدر بزرگوارش، غایب شد

امام حسن عسکری (ع) قبل از شهادت خود، عثمان بن سعید عمری را به عنوان نائب خاص مهدی (عج) تعیین کردند.

این دوران که حدود ۷۰ سال به انجامید به دوران «غیبت صغری» معروف است و چهار نفر به عنوان ثبانات خاص، واسطه ارتباط مردم با حضرت بودند.

بعد از امام رضا (ع)، امامان به ندرت در میان مردم ظاهر می‌شدند و فقط در مواردی خاص در جمع مردم حضور پیدا می‌کردند تا مردم را به غیبت امام عصر (عج) عادت دهند و سپس مشیت الهی بر این امر تعلق گرفت که غیبت صغری قبل از غیبت کبری باشد، تا زمینه ای برای آماده سازی شیعیان با روش جدید ارتباط مردم با حضرت مهدی (عج) باشد

## ۲- غیبت کبری

پس از سپری شدن غیبت صغری، با خاتمه نیابت خاصه و بسته شدن باب مکاتبات و ملاقات حضرت حجت با نواب، دوران غیبت کبری آغاز شد.

دوره دوم غیبت از ۳۲۹ هجری شروع و تا روزی که خدا بخواهد ادامه دارد به این دوران غیبت تامه و ثانیه نیز می‌گویند.

رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید:

سپس امامشان تا هر وقت که خدا بخواهد، از میان آنها غایب خواهد شد، او دو مرتبه غیبت می‌کند که یکی از آن دفعات، طولانی‌تر از دیگری خواهد بود. آگاه و هوشیار باشید زمانی که پنجمین فرزند از هفتمین نواده ام غایب شود.

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) پرسید؟ ای پیامبر خدا! آیا قائم از فرزندان غیبت خواهد نمود؟

ایشان فرمودند: ای وری: «ولیمحص الله الذین آمنوا و یمحق الکافرین»

«آری! و به خدا سوگند که خداوند مومنان را امتحان می‌کند و کافران را از بین می‌برد.»

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان للقائم غیبتین: یقال فی احدهما هلک، ولا یدری فی ای واد سلک»

« قائم (عج) دوبار غیبت می‌کند. در یکی از آنها مردم می‌گویند که او مرده است و نمی‌دانند که او در کدام سرزمین است»

روایات وارده از ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) همگی بر این مطلب که صاحب این امر (ظهور) دارای دو غیبت می‌باشد، که یکی کوتاه و دیگری دراز مدت بوده و آن گاه که طولانی می‌گردد، اکثر مردم دچار شک و تردید گشته، منکر آن می‌گردند، لذا تمامی معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) به شیعیان خویش هشدار می‌دهند و آنان را از این عقاید انحرافی و باطل مطلع می‌سازند.

امام جواد (ع) می‌فرماید:

امام بعد از من، پسر من است که دستور او، دستور من و گفتار او گفتار من و اطاعت از او، اطاعت از من است و امام بعد از پسر من، پسر من است که دستور او، دستور پدرش و گفتار او، گفتار پدرش و اطاعت از او، اطاعت از پدرش است. پرسیده شد: ای پسر پیامبر خدا! امام بعد از امام حسن عسکری (ع) کیست؟ امام جواد (ع) به شدت گریستند و سپس فرمودند: امام بعد از او، فرزندش قائم به حق و منتظر است، پرسیده شد: چرا به او قائم می‌گویند؟ فرمودند: « به خاطر این که او زمانی قیام می‌کند که در میان مردم، یادش از بین رفته و بیشتر افرادی که قائل به امامت او هستند، مرتد می‌شوند » پرسیده شد: برای چه به او منتظر می‌گویند؟ فرمودند: « به خاطر این که غیبتش طولانی می‌شود و مخلصان، در انتظار ظهور او می‌مانند و شکاکان، او را انکار می‌کنند و منکران، یاد او را مسخره می‌کنند. هر کس که وقتی را مشخص می‌کند، دروغ می‌گوید و هر کس که عجله کند، هلاک می‌شود و هر کس تسلیم خداوند باشد، نجات می‌یابد »

امام زمان (عج) به علی بن ابراهیم ازدی چنین فرمودند:

زمین از حجت خدا خالی نمی‌شود و مردم بیشتر از آن زمانی که بنی اسرائیل در سرگردانی بودند، سرگردان نمی‌شوند. پس این امانتی است بر گردنت که آن را برای برادران اهل حقت بگو.

این حدیث به زمان فترت اشاره دارد، که به واسطه غضب الهی بر مردم آنها دچار فتنه و بلا می‌شوند. زمانه ما نیز چنین است، سپس خداوند با ظهور موعودش بر مردم منت می‌نهد و نعمتش را با نابودی رژیم غاصب اسرائیل به دست حجتش بر مسلمانان جهان تمام می‌کند.

کیفیت انتفاع مردم از ( امام غائب )

امام زمان (عج) در نامه خود به سفیر دوشم محمدبن عثمان می‌فرماید:

اما کیفیت انتفاع مردم از وجود من در زمان غیبت همانند انتفاع آنها از خورشید است، هنگامیکه ابرهای تیره آن را بپوشاند و من امان هستم برای اهل زمین بطوریکه ستارگان امان هستند برای آسمان.  
حجت حق، ولی خدا، بقیه الله الاعظم در میان ماست.

او تنها موجود غایبی نیست که به او ایمان داریم، بلکه در عالم هستی موارد بسیاری هستند که هر چند ما آنها را نمی‌بینیم ولی به آنها اعتقاد داشته و ایمان آورده ایم.

به خدای بزرگ که به وسیله قدرت لایتناهی خود آسمان و زمین را نگه داشته است ایمان داریم در حالیکه چشم‌هایمان، او را نمی‌بیند و هیچ تصویری درباره او در اذهان ما نمی‌گنجد.

روح که بر بدن ما اشراق دارد و در جسم ماست و با حضور آن در بدن زنده هستیم و با گسستن آن می‌میریم.  
هوایی که در طول روز، بیش از ۴۰ هزار بار تنفس می‌کنیم، امواج الکتریسیته، صداهایی که از تارهای صوتی حنجره مان بیرون می‌آید. افکار و اوهام و خیالات، هوای نفس، سیستم عصبی بدن، که همگی هستند ولی دیده نمی‌شوند ولی ما بخاطر بعضی آثار ظاهری که از ایشان می‌بینیم به آنها ایمان داریم.

بنابراین تمام آثار مرئی و نامرئی برای ما مفید و پایه وجودی ما هستند، اگر چه آنها را نبینیم یا صداهایشان را نشنویم، اما به وجودشان عقیده داریم. چگونه چنین چیزی امکان دارد؟

خداوند تبارک و تعالی، وجود مبارک ولی عصر (عج) را از دیدگان مردم مخفی داشته است، مردمی که شهواتشان بر عقل ایشان مسلط گشته و انسان را به سوی راههای شیطانی می‌خوانند و در زمره گمراهان محسوب می‌شوند، اما باید دید این مسئله برای مومنان حقیقی و منتظران راستین نیز صدق می‌کند تو از کجا می‌دانی؟!

شاید امام زمان (عج) در همه جا همراه تو باشد، آنگاه که به قصد سفر یا رفتن به مسجد قدم از منزل بیرون می‌نهی او در کنارت، حاضر و ناظر بر اعمال تو، و گاه سفر همسفر و همراه تو باشد، در حالی که تو او را

نمی‌شناسی؟!

بنابراین، آیا می‌توان فقط به خاطر ندیدن امام (عج) منکر وجود مبارک او شد؟

غیبت حضرت ولی عصر(عج) در پرتو کلام رضوی

امام رضا (ع) می‌فرمایند:

ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي، يَغِيبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ

چهارمین نواده من، خداوند، او را در پس پرده غیبت نگاه خواهد داشت، تا زمانی که بخواهد در ادامه حضرت

می‌فرمایند: القائم لا یری جسمه و لا یسمس باسمه قائم جسمش دیده نمی‌شود و اسمش برده نمی‌شود.

عالم آل محمد (ع) درباره غیبت ولی عصر (عج) « و هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل

خروج... او کسی است که مردم درباره ولادتش در شک هستند، و در غیبت به سر می‌برد او قائم (عج) صاحب

غیبت است، قبل از اینکه او قیام نماید.

بر این اساس غیبت امام زمان (عج) یک واقعیت مسلم است که از قبل توسط پیامبر اکرم (ص) و امامان

معصوم (ع) پیش بینی شده است و به وقوع پیوسته است و موضوع جدیدی نیست، بلکه ریشه عمیق دینی دارد.

امام عصر(عج) ( نعمت باطنی)

در قرآن کریم آمده است:

وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَهُ وَ بَاطِنَهُ

(خداوندا) نعمت‌های ظاهر و باطنی خود را به سوی شما سرازیر نمود.

در تفسیر این آیه شریفه امام کاظم (ع) چنین می‌فرماید:

نعمت ظاهری، امام ظاهر است و نعمت باطنی امام غائب است درست است که از دیده‌ها پنهان است، ولی یادش

از دل مومنان پاک نمی‌شود او دوازدهمین حجت بر حق امام مهدی (عج) است.

امام رضا (ع) می‌فرماید:

ان الخضر شرب من ماء الحياه، فهو حی لا يموت حتی ینفخ فی الصور ۳

خضر از آب حیات نوشید، پس او تا روزی که در صور دمیده شود (روز قیامت)، زنده خواهد بود. او به نزد ما

می‌آید و به ما سلام می‌کند. صدایش را می‌شنویم، ولی خودش را نمی‌بینیم.

هر جایی که از خضر یاد شود، او آن جا حضور می‌یابد. پس بر او سلام کنید.

خضر (ع) هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و تمام اعمال حج را به جا می‌آورد و در عرفه می‌ایستد و به

دعای مومنان، آمین می‌گوید.

از کلام گهربار، عالم آل محمد (ع) به این نکته مهم می‌توان پی برد، که اگر چه امام ما غائب است ولی او با یار و

مونس خود حی و حاضر و زنده است و لحظه‌ای ما را به حال خود رها نمی‌کند.

اسرار غیبت

بر طبق روایات، غیبت امام زمان عج یک سیر الهی است که علت قطعی آن تا زمان ظهور حجت حق مکتوم

خواهد ماند و به طور کامل برای ما روشن نمی‌گردد.

چنان چه امام رضا (ع) می‌فرمایند: اینطور نیست که هر آنچه دانسته شد گفته شود و اینطور نیست که هر چه

گفته شود وقتش رسیده باشد و اینطور نیست که هر چه وقتش فرا رسیده باشد، اهلش گرد آمده باشد.

آل محمد (ع) در این رابطه می‌فرماید:



« اگر به ما اجازه سخن گفتن داده شود هرگونه شک و تردید از بین می‌رود اما، به هر حال در بیان معصومین (علیهم السلام) گاهی به علت‌هایی از آن اشاره شده است. که در اینجا با گوش جان سپردن به کلام امام رضا (ع)، به بیان مواردی از اسرار غیبت می‌پردازیم.

## ۱- امتحان الهی ( امتحان و آزمایش مردم )

معمر بن خلاد می‌گوید: امام رضا (ع) پس از تلاوت آیه

«أَلَمْ، أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا، آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

الف، لام، میم- آیا مردم می‌پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» سپس به من فرمود: فتنه چیست؟ گفتم فدایت شوم! نزد ما فتنه یعنی گرفتاری در دین. فرمود: همانگونه که طلا (برای خالص شدن) گرفتار بلاها می‌شود، شما نیز گرفتار بلا می‌شوید، همان گونه که طلا خالص می‌شود.

## ۲- حفظ جان

از زمان امام رضا (ع) محدودیتهایی بر ائمه (ع) تحمیل شد و در زمان امام جواد (ع) و امام هادی (ع) این سخت‌گیریها افزایش یافت، سپس در زمان امام یازدهم به اوج خود رسیده به طوریکه باعث شد فعالیت‌های ایشان به حداقل برسد.

و در زمان امام عصر (عج) خواست و مشیت الهی به غیبت ولی عصر (عج) تعلق گرفت تا با حفظ جان ایشان رهبری شیعه تحقق یابد.

امام رضا (ع) می‌فرماید: از ما اهل بیت کسی نیست که مکاتیب نزد وی می‌آورند و مسائل از او پرسند و اشاره به او نمایند، مگر اینکه کشته می‌شود، تا وقتی که خدا برانگیزاند از ما جوانی را برای این امر که محل ولادت و نشو و نما آن مخفی خواهد بود

عالم آل محمد (ع) اهل بیت را به ستاره‌های آسمان تشبیه می‌کند. مثل ما اهل بیت (علیهم السلام) مثل ستارگان آسمان است، که هرگاه یکی از ستارگان غروب کند، دیگری طلوع می‌کند و زمانی که به سمت یکی از آنها بروید و حاجت‌هایتان را از او بخواهید، فرشته مرگ او را در بر می‌گیرد و می‌برد. پس در مدت زمان بسیاری در سرگردانی خواهید بود تا این که خداوند، باعث طلوع ستاره شما می‌شود. پس، خداوند را سپاس گوید و امامتان را در بر گیرید.

امام باقر (ع) می‌فرماید: هنگامی که خداوند تبارک و تعالی از آفریدگانش خشمگین شود. ما (اهل بیت علیهم السلام) را از آنان دور می‌نماید. سپس ادامه می‌دهد اگر فرزندان فاطمه (سلام الله علیها) او را (قائم عج) می‌شناختند، حریص می‌شدند که او را قطعه قطعه کند.

البته شاید اشاره به جعفر کذاب باشد که با وجود این<sup>۱</sup> که از فرزندان فاطمه بوده است ولی درصدد قتل او بود. بنابراین اگر ترس کشته شدن ایشان و دلائل دیگری که ائمه اجازه افشای آن را نداشته‌اند، نبود، هیچگاه حجت خدا، در غیبت باقی نمی‌ماند تا شاهد رواج معصیت، ظلم و فساد در زمین باشد، بلکه با ظهور خود و با تحمل همه سختیها علیه ظلم و جور قیام کرده، عدل و داد را جایگزین آن می‌کرد.

اما ترسی که در این جا به آن اشاره شده، به معنای عامیانه ترس نیست، بلکه به خاطر تکلیف خاص الهی است که بر دوش هر امام نهاده شده و نگرانی او بدین جهت است که در جریان پیروزی حق بر باطل، خللی وارد شود که این یک دستور از جانب خداوند است او موظف به اطاعت از فرامین پروردگارش می‌باشد. بنابراین ولی عصر (عج) قبل از صدور فرمان الهی برای خشنودی دل مردم یا اجابت عده ای که به ظاهر می‌گویند «ظهور کن تا تو را یاری کنیم» نمی‌تواند که ظهور نماید.

### ۳- بیعت نکردن با ظالمان

ثامن الحجج (ع) می فرماید: گویی شیعیان را می بینم که چون سومین نواده ام امام حسن عسکری (ع) را از دست می دهند در جستجوی امام خود همه جا را می گردند، اما او را پیدا نمی کنند چرا که امام آنها هرگاه بیعتی بر گردش نبا شد، با شمشیر قیام خواهد نمود.

امام رضا (ع) حکمت غیبت امام مهدی (عج) را اینگونه بیان می کند که او غایب می شود، برای اینکه وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت احدی در گردش نباشد یا به تعبیر دیگر بالاجبار با ظالم زمان خود بیعت نکرده باشد.

### ۴- کم بودن یاران واقعی

حضرت رضا (ع) فرمود: برای آن چیزی که گردنتان را دراز کرده اید ( و منتظر آن هستید ) تا زمانی که آزمایش و غربال نشوید و عده کمی از شما باقی نماند محقق نخواهد شد، چرا که خداوند متعال فرموده است:

«أَلَمْ، أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»

آیا فکر کرده اند که چون بگویند ایمان آوردیم، رها می شوند و دیگر آزمایش نمی شوند؟

سپس به یکی از یاران خود فرمود: فتنه چیست ؟ او گفت: جانم به فدایت! آزمایشی است که درباره دین انجام می شود « آزمایشی ، همچون آزمایش طلا، خالص شدنی مانند خالص شدن طلا »

امتحان های الهی در زمان غیبت به حدی سخت است که از انسانهای مومن، افرادی خود ساخته، مخلص چون طلای ناب می سازد.

### ۵- غیبت، سنت انبیاء الهی

سرگذشت انبیاء در تاریخ گواه بر این مطلب است که گروهی از پیامبران همچون حضرت مهدی (عج) از میان مردم خویش غایب شدند.

این پیامبران عبارتند از « ابراهیم، ادريس، صالح، دانیال نبی، الیاس، شعيب یوسف، موسی، عیسی، محمد (ص) خاتم النبیین

۱- مخفی شدن پیامبر(ص) در شعب ابی طالب به مدت سه سال و پناه بردن به غار حراء

۲- غیبت بیست ساله ادريس از دست قوم گمراهش

۳- فرار حضرت موسی (ع) از شهر مصر به مدین و اقامت او در نزد شعيب

۴- حضرت یوسف (ع) در حالیکه پادشاه مصر بود و فاصله او تا پدرش هیجده روز بود

۵- طولانی بودن غیبت عیسی (ع) در دو نوبت، یکی به مدت ۱۲ سال در سرزمینهای شام و مصر و دیگری هنگامی که مردم قصد به دار آویختن او را کردند که تاکنون ، بیش از ۲۰۰۰ سال می گذرد.

امام رضا (ع) می فرماید:

خداوند - تبارک و تعالی - کار او قائم (عج) را در یک شب مهیا می کند. همان گونه که برای موسی (ع) چنین کرد. زمانی که او رفت تا برای خانواده اش آتش بیاورد، وی با مقام رسالت بازگشت.

امام سجاد (ع) فرموده است: در قائم سنت هایی از هفت پیامبر وجود دارد، سنتی از پدرمان آدم(ع) و سنتی از

نوح(ع) و سنتی از موسی(ع) و سنتی از ابراهیم (ع) و سنتی از ایوب (ع) و سنتی از پیامبر (ص) از آدم و نوح

(علیهما السلام) طول عمر از ابراهیم(ع) مخفی بودن ولادتش و گوشه گیری از مردم، از موسی (ع) ترس و

غیبت، از عیسی (ع) اختلاف مردم درباره او، از ایوب (ع) گشایش کار او پس از گرفتاری، از محمد (ص) جنگیدن،

ترس دشمن از او، کشتن دشمنان خدا و پیامبرش، و کشتن ظالمان و جباران است، و هرگز پرچم او به زمین

نمی افتد

ب) احوال مردمان در زمان غیبت

ابن فضال از حضرت رضا (ع) و ایشان از پدرانشان از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود:

اسلام در ابتدای ظهورش غریب بود، بعد از این هم به همان حال بر می‌گردد و غریب می‌شود، پس طوبی (خوشا به حال) به غربای اسلام.

شیخ صدوق در توضیح این حدیث می‌گوید:

در ابتدای ظهور اسلام به جهت قلت تعداد مسلمانان، اسلام غریب بود در آخرالزمان هم مسلمانان تعدادشان اندک است و آنها در اقلیت و غربت خواهند بود و بهشت و شجره طوبی در انتظار این مسلمانان است. زیرا همان گونه که مسلمین صدر اسلام بر آزار مشرکان صبر کردند، مسلمانان آخرالزمان هم در برابر کفر جهانی و ظلم و ستم آنان صبر کرده و دین خود را از دست نمی‌دهند.

محو دوستی‌ها و جدائی دلها

امام رضا (ع):

فتنه ای کور (خیلی مبهم و پیچده) در راه است و ناگزیر فرا می‌رسد که هر خودی و دوست نزدیکی را سرنگون می‌کند. این فتنه زمانی است که شیعیان، سومین امام از نسل فرزندانم را گم کنند

فتنه: یعنی امتحان سختی که انسان را می‌فریبد و ممکن است هر کسی در مقابل آن به لغزش درآید.

این امتحان آن چنان سخت است که دوستان و خواص را هم در معرض سقوط و انحراف قرار می‌دهد.

اندوه از بدعت‌ها

امام رضا (ع) به نقل از رسول خدا می‌فرماید:

زمانی بر می‌آید که دل مومن در درونش آب می‌شود چنان که سرب و آتش ذوب می‌گردد. و این بدان جهت است که گرفتاری‌ها و بدعت‌هایی در دینشان می‌بینند ولی قدرت دگرگونی آن را ندارند.

فتنه انگیزی در لباس دوستی

عالم آل محمد (ع) می‌فرماید:

برخی از کسانی که مودت و دوستی ما اهل بیت را دستاویز ساخته‌اند، زیان و فتنه انگیزیشان بر شیعیان، از دجال بیشتر است.

پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! چرا فتنه شان از دجال بیشتر است؟

فرمود: زیرا با دشمنان ما مهر و ودت می‌ورزند و نسبت به دوستان ما دشمنی و عداوت می‌نمایند. هرگاه چنین شد، حق و باطل به هم می‌آمیزد و حقیقت مشتبه گردیده در نتیجه انسان مومن از منافق باز شناخته نمی‌شود

منکران ولایت

امام رضا فرمود:

هرگاه پسر امام جواد (ع) از دنیا برود، بعد از او چراغی ظاهر خواهد شد سپس مخفی خواهد شد (یعنی امام عسکری) پس وای بر شک کننده بعد از او.

تا اینکه فرمود: چه حسرتی بزرگتر از این که افراد بسیاری به جهت شک و ضعف یقین و کمی ثبات از امر ولایت

بیرون روند مگر اندکی از آنان

امام صادق (ع) در ضمن سخنان خویش می‌فرمایند:

وای بر شما! امروز صبح کتاب جفر را مطالعه می‌کردم درباره مولودی تامل می‌کردم که از دیده‌ها غایب می‌شود

و غیبت او طولانی می‌شود و عمرش دراز می‌گردد و در این زمان، مومنان آزمایش می‌شوند و به خاطر طولانی

شدن غیبتش، دچار تردید می‌گردند و بسیاری از آنها مرتد می‌شوند و ریسمان اسلام را از گردن خود باز می‌کنند

که خداوند عزوجل در این باره فرمود: ما مقدرات هر انسانی را چون طوقی بر گردن او می‌نهمیم یعنی ریسمان

ولایت را از گردن باز می‌کنند. پس تأمل در اوضاع و احوال اینان باعث ناراحتی و غصه من شده است.

دل‌های بی‌قرار

امیر المومنین (ع) فرمود: اگر طالب خلافت کشته شود و صاحب عصر روی گردان شود ( غایب) و قلبها در بی قراری بماند در آن حال دل‌های پر برکت و دل‌های بی برکت هویدا می‌شوند، آرزو کنندگان هلاک می‌شوند و پراکنده شوندگان و مومنان چقدر کم هستند، باقی مانند که حدود سیصد و اندکی بیشتر می‌شوند. گروهی همراه با آنان جهاد می‌کنند که همراه با رسول خدا (ص) در روز بدر جهاد کردند، نه کشته می‌شوند و نه از دنیا می‌روند.

منظور از قلوب بی قرار، همان دل‌های شیعیان است که از این غیبت بی قرار و در حیرت هستند، بنابراین دل‌هایی که بر حق ثابت هستند، پر برکت می‌شوند و دل‌هایی که از آن سر پیچی کنند، به گمراهی و پوچی می‌گرانید که بی برکت هستند

امام رضا (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرمایند: سوگند به خداوندی که مرا به حق بر انگیخت فرزندم قائم با عهد و پیمانی که خدا با من بسته است غیبت می‌کند تا جایی که اکثر مردم می‌گویند خداوند نیازی به آل محمد ندارد و گروهی نیز در ولادت او شک می‌کنند

اندوه و حرمان

قال الرضا (ع):

« كَمْ مِنْ حَرَى مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ »

« چه بسیارند زن‌ها و مردهای مومن که در گم کردن ما معین، دل سوخته و اندوهناک و سرگردان و ناراحت هستند »

حزن و اندوه آن‌ها ، به خاطر محرومیت از آب گوارا است، آن جا که باید از این سرچشمه فیاض بهره گیرند و عطش عشق خود را فرو نشاند، آتش هست در وجود آن‌ها شعله می‌دواند، که چرا او غایب است.

آخر الزمان، دوره ای است که شیعیان، از فقدان امام خود غمگین و افسرده‌اند خوشی از میان آنها رخت بر بسته و تلخی با زندگی آنها عجین شده است.

علی بن موسی در این باره چنین می‌فرماید:

« يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كُلُّ حَرَّى وَ حَرَّانَ وَ كُلُّ حَزِينٍ لَهْفَانِ »

اهل آسمان و زمين و هر زن و مرد دلسوخته و هر غمگين و اندوهناكي بر او مي‌گريد.

ثابت قدمان در آخرالزمان

حضرت رسول(ص) می‌فرماید:

بالاترین مردم از لحاظ یقین، کسانی هستند که در آخرالزمان، پیامبری را ندیده‌اند و حجت خداوند از چشم آنها مخفی است و فقط به نوشته ای بر روی کاغذ ایمان آورده‌اند

سپس حضرت در ضمن روایتی دیگر مومنان منتظر را چنین توصیف می‌کند:

فقط کسانی بر اعتقاد به او (مهدی عج) ثابت قدم می‌مانند که خداوند، دل‌های آنها را بر ایمان آزموده است

حضرت رضا (ع) در رابطه با ایمان این افراد چنین می‌فرماید:

پس از غیبت و حیرتی که جز مخلصین کسی در آن استوار نمی‌ماند، کسانی که مباشر روح الیقین هستند و خداوند پیمان ولایت ما را از آنها گرفته و ایمان را در قلوبشان نگاشته و آنان را به واسطه روحی از جانب خود موید داشته است.

قال الرضا (ع):



إِذَا رَفَعَ عِلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ فَتَو

افرادی که در علوم آل محمد رسوخ یافته و مراد از آن را دریافته‌اند، خداوند آنان را به ثبات نعمت داده و به یقین گرامی داشته است

(ج) نابسامانیهای اجتماعی

امام رضا (ع):

هنگامی که فقر و نیازها بسیار شوند و مردم، همدیگر را انکار کنند و کسی برای حاجتی نزد برادرش برود، پس او را به غیر از ظاهری که قبلاً ملاقات کرده بود، ملاقات می‌کند و به غیر از کلامی که قبلاً از او شنیده بود، می‌شنود.

فتنه‌های بسیار سختی در نزدیکی ظهور اتفاق می‌افتد که از جمله آنها قطع رحم و بریدن خویشاوندان از یکدیگر است و باعث از بین رفتن حرمتها در بین دوستان می‌شود.

علی بن موسی الرضا (ع) می‌فرماید:

مردمان را فتنه ای کوبنده و آشوبی کمرشکن فرا می‌گیرد که پرده‌ها برداشته و دوستی‌ها و خویشاوندی‌های از بین می‌رود و این هنگامی است که سومین امام از نسل فرزندانم از دیده‌ها ناپدید شود

اجرا نکردن احکام و حدود الهی

حضرت رضا (ع) فرمود:

هنگامی که قائم (عج) قیام کند به سه چیز داوری کند که احدی پیش از اوداوری نکرده است. ۱- پیرمرد زانی را می‌کشد ۲- مانع الزکوه را می‌کشد ۳- برادر از برادر اظله ارث می‌دهد

مضمون این حدیث بیانگر این مسئله است که در آخرالزمان احکام الهی تعطیل شده و احدی جرات اجرا کردن حدود الهی را ندارد.

علی (ع) می‌فرماید: فقهاء آخرالزمان طبق آنچه دلشان خواهد فتوی می‌دهند و قضات به چیزی که نمی‌دانند حکم می‌کنند و بیشتر آنها به دروغ شهادت می‌دهند کسی که پول دارد، در نزد مردم عزیز و محترم است ولی شخصی که بی پول باشد در نزد آنها زبون و حقیر است

#### دشواری حفظ دین

در آن دوران پر مخاطره با امتحانات دشوار، مومنان حقیقی از افراد سست ایمان باز شناخته می‌شوند. به تعبیر زیبای علی بن موسی (ع) که می‌فرمایند:

يُفْتَنُونَ لَمَّا يُفْتَنُ الذَّهَبُ، يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَى الذَّهَبُ

آزمایشی، همچون آزمایش طلا. خالص شدنی مانند خالص شدن طلا

بنا به گفته حضرتش (ع)، مومنان با تحمل سختیها، چون طلا گداخته شده و مانند طلای ناب از ناخالصی‌ها پاک می‌گردند.

دشواری این امتحان به حدی است که حتی معتقدان به ولایت و امامت نیز ممکن است از لغزش مصون نباشند.

بر این اساس، امام رضا (ع) سفارش به صبر می‌نمایند.

إِنَّ اللَّهَ - جَلَّ ذِكْرُهُ - أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا بِالصَّبْرِ

خداوند متعال، از اولیای ما برای شکیبایی بر حکومت‌های باطل، پیمان گرفته است. تو نیز در برابر حکم پروردگارت شکیبایی پیشه کن

مشتبه شدن حق و باطل

امام رضا (ع):

در این دوران، برخی در لباس دوستی اهل بیت، به فتنه انگیزی پرداخته که زیان آن از فتنه انگیزی کار دجال بیشتر است، چرا که با دوستی با دشمنان ما و عداوت نسبت به دوستان ما رفتار می‌کنند. هرگاه چنین کنند، حق و باطل به هم می‌آمیزد و حقیقت مشتبه گردید و در نتیجه انسان مومن از منافق باز شناخته نمی‌شود.

تباهی علم و دانش

عالم آل محمد (ع) فرمود: هنگامی که دانش از میان شما رخت بر بندد، از زیر پای خود فرج را انتظار بکشید (این امر ناگهانی فرا خواهد رسید)

پناهگاه امن:

ثامن الحجج (ع) فرمود: گویا با چشم خود شیعیانم را می‌بینم که هنگام رحلت سومین فرزندم در طلب پناهگاهی هستند ولی آن را نمی‌یابند.

پرسیدند: علت آن امر چیست؟ فرمود: چون امامشان از دیده‌ها پنهان است

کشتار دائمی

علی بن موسی (ع) فرمود: پیش از قیام قائم کشتاری خواهد بود که لحظه‌ای قطع نمی‌شود. پرسیدند؟ کشتار قطع‌نشدنی چیست؟

حضرت فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و از حدّت و شدت آن کاسته نشود

مدعیان دروغین

امام رضا (ع):

از نشانه‌های ظهور آن حضرت ویرانی شام به هنگام برخورد سر لشگر از زیر پرچمهای سفیانی، اصحاب و ابقع است این حدیث به افرادی تکرر، کجرو و فرصت طلب اشاره دارد که از جهت نسبت به اهل بیت (ع) منسوب هستند ولی برای به دست آوردن قدرت و حکومت به ادعاهای دروغین متوسل می‌شوند تا به این وسیله افراد مذهبی و تندرو را به طرف خود جذب کنند.

(د) انتظار فرج

انتظار امید جهانی

در تمامی ادیان و مکاتب مختلف، انسانها را به آینده نیک جهان و آمدن موعودی که بشریت را از ظلم رهانیده و عدالت اجتماعی را برقرار می‌سازد نوید می‌دهند و تحقق یافتن این عدالت جهانی به مفهوم دسترسی هر پدیده به حق خویش، بزرگترین فلسفه ظهور امام عصر است.

اندیشه پیروزی حق بر باطل برخلاف اندیشه‌های مایوس کننده که از پیروان مکتب الحاد و ماده گرایی نشأت می‌گیرد، مورد تأیید همه فرق و مذاهب اسلامی است، این اندیشه مقدّس در فرهنگ شیعی یک اصل الهی محسوب شده که در آیات قرآنی و روایات با قاطعیت تمام غلبه صالحان بر ستمگران را در طول تاریخ نوید داده است و از این ایده نوید بخش به عنوان انتظار فرج یاد شده است.

و یکی از مهم ترین خصائص در اندیشه شیعی محسوب می شود که آن را از ایده های مشابه در ادیان دیگر متمایز می سازد و اعتقاد به آن سبب امید به آینده و پویائی و تلاش در میان شیعیان شده است و نوعی راهگشایی به سوی آینده، امید به سازندگی و دلبستگی به آینده ای طالع است.

### معنای لغوی انتظار

نظر، نگاه کردن، برگرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیز است، که مقصود از این عمل تامل و تحقیق درباره آن است.

راغب گوید: نظر به معنی انتظار است

می گویند اِنْتَظَرْتُهُ وَ اَنْظَرْتُهُ یعنی آنرا به تاخیر انداختم

قل فانتظروا انی معکم من المنتظرین بگو پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم (یونس ۱۰۲)

فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَ اَنْتَظِرْ اِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ (سجده ۳۰)

پس از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند.

### معنای لغوی فرج

الْفَرْجُ وَالْفَرْجَةُ: شکاف، شکافندگی میان دو شیء، مثل شکاف دیوار

فَرْجٌ: برطرف شدن غم و اندوه است گشایش

واژه فرج به صورت جمع یا مفرد بطور استعاره برای مرزهای کشور و هر جایی که بیم ناک باشد و باید از دستبرد

دشمن آن را حراست کرد بکار رفته است

الْفُرْجَانُ: در کشورهای اسلامی مرزهای مرزداران ترک و سودان گفته شده است.

در آیه: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ»

« آیا به آسمانی که از نظر مکانی و زمانی و جسمی و عددی و منزلت برتر از ایشان است، نمی نگرند که چگونه

آن را بنا کرده و با ستارگان زینت داده ایم و حدودی مسدود و بسته ندارد و در آن شکاف و فاصله ای هم نیست.

انتظار شیعی

این امتیاز خاص موعود شیعی است، بدین معنا که موعود در ادیان دیگر چندان نشانه‌های مشخصی ندارد و تنها

از یک تصور مبهم حکایت می‌کند با پژوهشی عمیق در احادیث و روایات اثبات می‌شود که این موعود موجود

بوده و از خاندان پیامبر (ص) نسب برده و از فرزندان حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌باشد.

مذهب شیع، تنها مذهبی است که رابطه میان خدا و خلق را برای همیشه نگه داشته است و اصل ولایت را

همواره زنده و پابرجا می‌دارد

زیرا مذهب یهود نبوت را که رابطه ای است، واقعی میان خدا و عالم انسانی در حضرت موسی (ع) ختم کرده، پس از آن به نبوت حضرت مسیح (ع) و حضرت محمد (ص) اذعان ننموده است و رابطه مزبور را قطع می‌کند. مذهب نصاری در حضرت مسیح (ع) متوقف شده، اهل سنت از مسلمین در حضرت محمد (ص) وقوف کرده‌اند و با ختم نبوت در ایشان دیگر رابطه ای میان خالق و خلق موجود نمی‌دانند. تنها مکتب تشیع است که نبوت را به حضرت محمد (ص) ختم شده می‌داند، ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل است بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الهی است و بعد از حضرت محمد (ص) به واسطه ولایت جانشینان وی زنده بوده و هست و خواهد بود. وجود او حقیقتی است زنده که هرگز هیچ نظر علمی نمی‌تواند او را از خرافات به شمار آورد و از فهرست حقائق حذف نماید.

## انواع انتظار

۱- انتظار سازنده: یک آرزوی شورآفرین و آرمان بی نظیر است، که در انسانها انگیزه، امید و اندیشه نوآوری ایجاد می‌نماید.

انتظار سازنده، روح بدبینی و بدگمانی را از کالبد شیعیان زدوده در عوض آنان را خوش بین و امیدوار می‌سازد. انتظار فرج، با تقوی و سازندگی قرین است نه با پلیدی و معصیت که در این صورت انتظار خود نوعی عبادت تلقی می‌شود.

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ.

منتظر فرج باشید و از رحمت الهی ناامید نگردید، پس به درستی که انتظار فرج محبوبترین اعمال نزد خداوند است، تا آنگاه که بنده مؤمن در انتظار است

امام رضا (ع) از پیامبر نقل می فرمایند: « أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ »

« افضل اعمال امت من انتظار فرج است »

اگر «انتظار» به معنای امید و انتظار ظهور است پس ضد آن «یأس» به معنای ناامیدی است.

امام رضا(ع) می فرمایند:

« مَا أَحْسَنُ الصَّبْرَ وَ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ! مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى وَ ارْتَقَبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ،

فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ وَ قَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ »

« و چه نیکوست صبر و انتظار فرج، مگر نشنیده اید گفتار خدا را که فرموده است: ( منتظر باشید که من نیز همراه شما منتظرم پس صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید که فرج بعد از یأس و ناامیدی خواهد آمد، اقوامی که پیش از شما بودند از شما شکیباتر بودند.

امام جواد (ع):

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيَعَتُنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ، مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فَرَجَ عَنْهُ بِإِنْتِظَارِهِ



برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است، هر کس این امر را بداند و آنرا بشناسد، خداوند با همین انتظار برای آنها فرج عطا می‌فرماید.

روایات فراوانی با همین مضمون از ائمه (علیهم السلام) به نقل از پدران گرامی و جدشان پیامبر(ص) نقل شده است که نشانگر اهمیت فوق العاده این مسئله است.

### انتظار ویرانگر

این نوع انتظار نوعی منفی‌نگری و مقاومت نکردن در مقابل ظلم و فساد و کجروی‌ها و بدعتها است پیروان این نظریه معتقدند شر و فساد مقدمه ظهور است، آنگاه که ظلم جهان را فرا گیرد و باطل یکه تاز میدان گردد، امر ظهور واقع می‌گردد.

بر این مبنا این گروه با هر گونه جهاد و مبارزه مخالفت کرده و آنرا عامل تاخیر در امر ظهور می‌پندارند. این نحوه نگرش منفی از توجیه نادرست روایات ظهور نشأت می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند:

«يَكُونُ لِغَيْبِهِ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا اقْوَامٌ وَيَهْتَدِي آخِرُونَ، اولئك خيار الأُمَّةِ مَعَ اِبْرَارِ الْعِتْرَةِ»

«در زمان غیبت او سرگردانی است که عده‌ای در آن گمراه و عده‌ای هم هدایت می‌شوند و آنها بهترین مردم هستند که همراه بزرگان عترت هستند.»

امت اسلامی همواره با افکار و عقاید انحرافی روبرو بوده‌اند، در عصر غیبت این افکار و انحرافات فزونی گرفته و حتی از جهاتی از دوران جاهلیت هم خطرناکتر است، بسیاری از احکام و عقاید اسلامی به فراموشی سپرده شده و تنها شمار اندکی از مردم از شر این انحرافات در امان هستند.»

امام باقر (ع) نیز در این رابطه می‌فرمایند:

«يَخْرُجُ بَعْدَهُ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ،

الذِينَ اخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»

«قائم (عج) بعد از حیرت و سرگردانی ظهور خواهد کرد و فقط کسانی بر دین ثابت قدم هستند که مخلص باشند و با روح یقین همراه باشند، کسانی که خداوند برای ولایت ما از ایشان عهد گرفته است و ایمان را در قلبهای آنها حک نموده است و آنها را با روحی از جانب خود تأیید می کند.»

آیا این قیام توسط حجت حق، پیش زمینه و آماده شدن جامعه اسلامی برای یاری حضرتش را می طلبد یا خیر؟  
ابوبصیر از حضرت صادق (ع) چنین نقل می کند:

لِيُعِدَّ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ سَهْمًا

فَإِنَّ عِلْمَ اللَّهِ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسَأَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَغْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ

لازم است بر هر کدام از شما که خویشتن را مهیا سازید اگر چه به آماده کردن یک تیر باشد. پس وقتی که خداوند این آمادگی را در شما ببیند امیدوارم به شما مهلتی مرحمت کند و ظهور آن سرور را درک نمایید.  
امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) روایت کردند که دنیا تمام نمی شود تا وقتی که مردی از اولاد حسین در امر امت من قیام نماید و او زمین را پر از عدل و داد می سازد همانطور که پر از ظلم و جور شده است.

امام خمینی (ره) در تبیین مفهوم انتظار ویرانگر چنین فرمود: «از غیبت صغری تاکنون چند هزار سال می‌گذرد و ممکن است صدها هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آنها بدتر از اعتقاد و ظهور منسوخ شدن اسلام است.»

امام رضا (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذِكْرُهُ - أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا بِالصَّبْرِ عَلَى دَوْلَةِ الْبَاطِلِ. وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ.

خداوند متعال، از اولیای ما برای شکیبایی بر حکومت‌های باطل، پیمان گرفته است. تو نیز در برابر حکم پروردگارت شکیبایی کن.

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ إِسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ،

إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادَةِ. إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةً يَنْتَهَى إِلَيْهَا، قَدْ بَلَّغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا.»

مردمی که برای ظهور او عجله کردند، هلاک شدند. خداوند به خاطر عجله بندگان عجله نمی‌کند. برای ظهور، زمانی تعیین شده که باید این زمان به انتها برسد.

امام رضا: « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ أُمَّتَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً »

« هر کس بدون شناخت نسبت به امامان خویش بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است »

هدایت و معرفت دینی، تنها از رهگذر شناخت امامان میسر می‌باشد و این معرفت، فراتر از شناخت نام والقباب و تاریخ ولادت و... آنهاست. باید در شگفتی‌ها و اسرار حیات آنها اندیشه کرده، حقایق را در لابه‌لای فرمایشات آنها بدست آورد. اهداف والای آنها را مطالعه نموده و آنها را اسوه‌های زندگی برگزید.

تدبر در شناخت آنها، تعبد آفرین است و روح انسان را با روح عبادت و بندگی خدا قرین خواهد ساخت. چرا که اطاعت از امام زمان، عین اطاعت از ائمه و اطاعت از پیامبر و خداست. پس گویا آن حضرت، خود نمونه تمام عیار دین است که در یکی از زیارت، با همین عنوان به حضرتش سلام می‌دهیم:

« السلام علی الدین الانور » ( زیارت سرداب مطهر) سلام بر دین به ما رسیده و پیروی از این دین و حرکت در مسیر ولایت آن حضرت، به شیعیان مقام همدمی و رفاقت، پیامبران و شهیدان می‌بخشد که امام رضا در این باره می‌فرمایند:

«حَقُّ عَلَيَّ اللهُ أَنْ يُجْعَلَ وَلِيًّا رَفِيقًا لِلنَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا»

« بر خداوند است که دوستان ما را که به حق به مقام ولایت و معرفت ما نایل شده‌اند، همدم و رفیق پیامبران راستگویان، شهیدان و شایستگان قرار دهد و آنان نیکو رفقای هستند »

ایمان و عمل صالح

قال الرضا (ع) درباره حقیقت ایمان می فرمایند:

«لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ.»

هیچ انسانی به حقیقت ایمان راه نمی یابد مگر در پرتو سه خصلت:

التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ

۱- شناخت و ژرف نگری در دین

وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ.

۲- برنامه ریزی صحیح در ادامه زندگی

وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا.

۳- شکیبایی بر سختیها

امام رضا (ع) فرمودند:

لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَالْإِجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ إِتْكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)

لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله وسلم) وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ إِتْكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدٌ هُمَا دُونَ  
الْآخِرِ.

عمل صالح (نیک) و تلاش و کوشش در عبادت الهی را با تکیه کردن به محبت اهل بیت (صلوات الله عليهم اجمعین) رها نکنید.

۳- یاد و محبت امام

و محبت (مودت) به ائمه (صلوات الله) و مطیع شدن در مقابل اوامر ایشان را به خاطر انجام عبادات رها نکنید که این دو اصل هر کدام بدون دیگری (در درگاه الهی) پذیرفته نمی گردد.

امام رضا درباره آیه (یونس/۵۸): قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَلِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ يَجْمَعُونَ

مقصود این است که به دوستی پیامبر و خاندان او باید شادمان باشند که آن بهتر است از دنیایی که آن‌ها جمع کنند

امام رضا (ع) به نقل از امیرالمومنین (ع):

هرکس دوست دارد خداوند را ملاقات کند در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، محبت حجت منتظر صاحب الزمان را پیشه خود قرار دهد که او و دیگر پیشوایان، چراغ‌های روشن در تاریکی‌های زندگی و امامان هدایت و نشانه‌های تقوایند، من برای هر که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا شود، از سوی خدای تعالی را بهشت ضمانت می‌کنم.

امام رضا (ع) می‌فرماید: اهل آسمان و زمین و هر زن و مرد دل سوخته و هر دل غمین و اندوهگین بر آن حضرت گریه می‌کنند.

خداوند محبت به اهل بیت را بر همگان لازم دانسته و آن را اجر و پاداش رسالت عنوان فرموده اند.

« قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (شوری ۲۳) »

واین نیست مگر آن که بهره و منفعت آن، برای خود مردم لحاظ می‌شود

( قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ (سبا / ۴۷). )

چه اینکه با محبت به آن اسوه‌های پاکی، زمینه‌های اطاعت آن‌ها فراهم شده و راه هدایت و کمال هموار می‌گردد. بر این اساس، کلام امام زمان که فرمودند:

« فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مُحِبَّتِنَا »

پس هر یک از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می‌کند، عمل نماید.

از آن جهت است که انجام اعمال شایسته ما، مقدمه ای برای افزون ساختن محبت و تقرب ما به آن مقام الهی می‌باشد، وظیفه ای خطیر برای شیعیان به شمار می‌آید.

۴- انتظار عاشقانه

انتظار فرج، با تقوی و سازندگی قرین است نه با پلیدی و معصیت که در این ورطه این انتظار خود نوعی عبادت تلقی می‌شود.

از جمله برکات انتظار، گشایش در کار است. امام رضا(ع) می‌فرمایند:

« أَلَيْسَ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؟ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ (اعراف/ ۷۱) »

« آیا انتظار فرج، خود بخشی از فرج نیست؟ خدا می‌فرماید: پس انتظار بکشید که من هم با شما در انتظارم »

امام رضا (ع) از پیامبر نقل فرمودند:

« أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ »



« افضل اعمال امت من انتظار فرج است »

۵- تَوَلَّى وَ تَبَرَّى

امام رضا (ع): « شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا الْأَخِذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالِفُونَ لِأَعْدَائِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا »

« پیروان ما کسانی اند که به امر ما گردن می‌نهند و به گفتار ما عمل می‌کنند و با دشمنان ما مخالفت می‌ورزند

پس هر که چنین نباشد از ما نیست »

امام رضا در باب محبت به آل محمد به مردی مسنی که می‌خواست برای تبرک دست خطی از امام بگیرد فرمودند:

« دوستدار آل محمد باش، اگر چه فاسق باشی و دوستدار دوستان ایشان باش، اگر چه آن‌ها فاسق باشند »

امام در باب بی‌زاری جستن و عدم معاونت دشمنان، به سلیمان بن جعفر جعفری فرمودند:

« ای سلیمان، وارد شدن به دستگاه دشمنان و کمک به آن‌ها و کوشش در تامین نیازهایشان، معادل کفر است و

توجه عمدی به ایشان، در زمره گناهان بزرگی است که آتش و دوزخ، سزای آن است »

۶- تَقِيهِ وَ صَبْرٍ

امام رضا (ع) فرمودند:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ اِنْتِظَارَ الْفَرَجِ..... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ

و چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج... پس بر شما باد به شکیبایی

« منتظر، در سنگر صبر، امکانات خود را برای روز ظهور ذخیره می‌کند و با بسیج نیروها، به دشمن حمله ور می‌شود. آنچه مسلم است اینکه غافل ماندن دشمن و مستور سازی سنگر و اختفاء رزمنده از جمله لوازم موفقیت و پیروزی در این نبرد است که بر طبق روایات باید در این عصر، بر مبنای تقيه صورت گیرد.

تقيه، دژ پایدار و بلندی است که بین مومنان و دشمنان خدا، سدی نفوذ ناپذیر می‌سازد  
امام رضا اهمیت جایگاه تقيه برای شیعیان در عصر غیبت را در حد یک وظیفه قلمداد کرده می‌فرمایند:

عَلَيْكُمْ بِالتَّقِيَةِ، فَإِنَّهُ رُوي «من لا تَقِيَهُ له لا دين له» وَ رُوي «تَارِكُ التَّقِيَةِ كَافِرٌ»

«اتقَ حيثُ لا يتَّقِي، التَّقِيَةُ دينٌ مُنذِ أَوَّلِ الدَّهْرِ الى آخِر.» «مَنْ تَرَكَ التَّقِيَةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا»

« هر کس که به کلی قبل از مقام قائم، تقيه را ترک کند از ما نیست »

اما تقيه یک شیوه حفاظتی در برابر دسیسه‌های دشمنان است که به معنای « دست از تکاپو کشیدن » و « همدستی با دشمنان » نیست، بلکه استفاده از اصل غافلگیری دشمن و استتار فعالیت‌ها می‌باشد.

بنابر کلام امام رضا (ع) تقيه امر مسلمی در دوران غیبت است که برای آماده سازی نیروها در جهت نصرت امام زمان لازم است.

ایشان در بیانی دیگر، تقيه را هم‌تراز تقوی معرفی کرده‌اند: آنجا که ذیل آیه ( حجرات/۱۳ )

« إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ »

می‌فرمایند: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَغْمَلَكُمْ بِالتَّقِيَّةِ

گرامی‌ترین شما نزد خدا، کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند.

سپس از آن حضرت سوال شد که تا کی باید تقیه کرد؟

فرمود: «تا روز ظهور قائم ما اهل بیت و هر کس قبل از قیام او تقیه را ترک کند از ما نیست»

در این حدیث اتقاکم به تقیه کننده‌ترین فرد تفسیر شده است. زیرا هر دو از یک ریشه و به معنی نگهداری است. تقوی یعنی، عملی که موجب نگهداری انسان از عذاب باشد، تقیه نیز عملی است که موجب می‌شود انسان از مکر و کینه دشمنان حفظ شود.

همچنین امام رضا (ع) از جمله راههای رهایی از فتنه آخر الزمان را کناره‌گیری از مردم و سکوت بر می‌شمردند.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ مِنْهُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَسَعَةٌ فِي إِغْزَالِ النَّاسِ وَوَاحِدٌ فِي الصُّمْتِ

زمانی بر مردم آید که طلب عافیت و سلامت جستن در ده جزء است، نه آن در کناره‌گیری از مردم و یکی در خاموشی و سکوت است.

قال امام الرضا (ع):

«إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْفِقْهِ: الْحِلْمُ وَالْعِلْمُ، وَالصُّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ. إِنَّ الصُّمْتُ يَكْسِبُ الْمُحِبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ

خَيْرٍ.»

حضرت رضا (ع) فرمود: از نشانه های زیرکی و بردباری و دانش است. و سکوت دری از درهای حکمت است. به درستی که سکوت جلب محبت می کند و قطعاً راهنمای بر هر خیری است.

توصیه های اخلاقی امام رضا (ع) به امت

امام رضا (ع) فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَالْحِرْضَ وَالْحَسَدَ فَإِنَّهُمَا أَهْلَكَ الْأُمَّمِ السَّالِفَةَ،

وَإِيَّاكُمْ وَالْبُخْلَ فَإِنَّهَا عَاهَةٌ لَا تَكُونُ فِي حُرِّ وَلَا هُؤْمِنٍ، إِنَّهَا خِلَافُ الْإِيمَانِ.

از حرص و حسد بپرهیزید، زیرا این دو خصلت موجب هلاکت امت های پیشین شده است و از بخل بپرهیزید زیرا این خصلت آفتی است که در شخص مؤمن و آزاد نباشد و به درستی که (صفت بخل) مخالف ایمان است.

فرمود: الغضب مِّنْتَأْجُ كُلِّ شَرٍّ. خشم دری است به روی همه زشتی ها.

حضرت رضا (ع) فرمودند:

عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ وَلَا يُصْلِحُ إِلَّا لِأَهْلِهِ

بر شما باد به راستی و برحذر باشید از دروغ به درستی که این خصلت شایسته نیست مگر برای اهلش.

احترام و ادب ( تجلیل از مقام او )

امام رضا، هنگام ذکر نام « قائم » از جای برخاسته و به نشان تواضع و احترام به ساحت مقدسش، دست بر سر نهاده و برای فرجش دعا می‌فرمود.

این کار علاوه بر احترام به مقام والای آن امام همام، خود اعلام آمادگی در جهت جامه عمل پوشیدن آرمان‌های مقدس و قیام جهانی او به شمار می‌رود.

دعا برای ظهور امام عصر (ع) (به حسب زمان و مکان)

ائمه علاوه بر تقیه خود به دعای برای امام زمان، پیروان خویش را نیز به آن ترغیب می‌فرمودند امام رضا همواره به دعا برای آن حضرت فرمان می‌دادند.

و خود وجود مقدس امام عصر نیز به پیروان خود دستور داده‌اند:

« وَ أَكْثَرُ وَ الدُّعَاءُ تَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ »

برای تعجیل در امر فرج بسیار دعا کنید، زیرا گشایش شما در آن است.

حاجات بزرگ را روا می‌سازد و آن روز زیادتی رحمت است. خداوند در آن روز، افرادی را از عذاب آتش رها می‌سازد. هر که حق و حرمت چنین روزی را ادا کند، خدای تعالی بر خود حتم و لازم داشته است که او را از آتش جهنم آزاد کند.

اگر چنین کسی در آن روز یا شب بمیرد، شهید مرده است، و در هنگام محشور شدن در امان است. و هر کس حرمت این روز را کوچک شمارد، و حق آن را ضایع کند بر خداوند سزاوار است که او را در جهنم قرار داده مگر آنکه توبه نماید.

در بسیاری از روایات، به تأثیر زمان خاص در استجاب دعا، اشاره شده است.

حضرت رضا (ع) از اجدادش، از پیغمبر (ص) چنین نقل می‌کند:

بدون شک روز جمعه سید ایام است. خداوند در آن روز حسنات را دو برابر می‌کند.

گناهان را می‌آمرزد. درجه‌ها را بالا می‌برد.

دعاها را مستجاب می‌کند. اندوه‌ها را برطرف می‌نماید.

طبق روایتی که در کتاب کامل الزیارت آمده است:

یکی از مکان‌های مقدسی که دعا کردن در حق حضرت حجت (عج) سفارش شده است حرم امام رضا (ع) است.

در این روایت چنین آمده است: بعد از نماز برای هریک از امام معصوم (علیهم السلام) دعای زیر خوانده شود:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَوَةً نَامِيَةً، بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِهَا...»

«خداوندا! بر حجت و ولایت و قائم در آفرینشت درود بفرست. درودی روزافزون و پایدار که با آن فرجش را زودتر

برسانی، و به آن پیروزش گردانی.»

الف) نشانه‌های ظهور

امر ناگهانی

در روایتی که حضرت رضا (ع) از پدران بزرگوارش از رسول خدا (ص) نقل می‌کند، چنین آمده است:

به پیامبر (ص) عرض شد: ای رسول خدا! آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می‌کند؟ آن حضرت (ص)

فرمود: ظهور او مانند قیامت است یعنی، با استناد به آیات قرآن، ساعت و وقت آن را فقط خداوند تبارک و تعالی

می‌داند و بس!

امام رضا (ع) می‌فرمایند:

«إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ».

«هنگامیکه علم از میان شما رخت بربندد، از زیر پای خود فرج را انتظار بکشید». (یعنی به صورت ناگهانی).

«وَيَسْبِقُ ذَلِكَ خُرُوجُ أَثْنَى عَشَرَ رَجُلًا مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ، كُلُّهُمْ يَدَّعِي الْإِمَامَةَ لِنَفْسِهِ».

«پیش از ظهور او، دوازده نفر از فرزندان حضرت ابوطالب (ع)»

بزنتی از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در باب نشانه‌های ظهور حضرت بقیة الله روحی له الفداء نقل

می‌کند که آن حضرت می‌فرمایند:

«قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَشُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ وَ...».

در مقدمه قیام فرزندان حضرت مهدی (ع) چهار علامت دیده می شود:

۱- خروج سفیانی

۲- قیام یمانی

۳- خروج مروانی

۴- شعیب بی صالح

امام (ع) در ادامه فرمودند: قبل از ظهور، نشانه‌هایی است که حادثه‌ای بین حرمین اتفاق می افتد. پرسیدند: این

حادثه چیست؟

فرمودند: غضبی برافروخته می شود و سفیانی، پانزده نفر از خاندان محمد (ع) لشکر سفیانی را در بر می گیرد

...إِنَّ السُّفْيَانِيَّ وَكَلْبًا يُقْتَلُونَ فِي بَيْتِ الْمُقَدَّسِ...

سفیانی و یک نفر از بنی کلی در بیت المقدس در زمان بیعت با امام زمان (عج) کشته می شوند که آن دو را

می گیرند و دستور داده می شود که در میدان عمومی، سر بریده شوند. سپس زنان و غنایم در دروازه دمشق به

فروش می رسند.

سر بریدن سفیانی، در کرانه دریاچه طبریه انجام می شود، ولی در این حدیث به علت کثرت نقل راویان، مکانی

دیگر ذکر شده است.

إِنَّ السُّفْيَانِيَّ يُدْبِحُ عَلَى بَلَاطَةِ بَابِ إِبْلِیَاءِ.



سفیانی بر تخته سنگی در دروازه‌ایلیا، سر از تنش جدا می‌شود ممکن است، مراد از دروازه‌ایلیا، راه ورودی فلسطین که همان راه قدس است، باشد.

امیرالمومنین(ع) در رابطه با سفیانی می‌فرمایند:

فِي ذَلِكَ الْعَهْدِ يُقْتَلُ خَلِيفَةً مَالَهُ فِي السَّمَاءِ عَاذِرٌ وَلَا فِي الْأَرْضِ نَاصِرٌ.

در آن زمان، حاکمی کشته می‌شود که در آسمان، عذری ندارد و بر روی زمین، یاری‌رسانی برای او نیست.

خروج اصهب و ابقع

امام رضا (ع) در مورد فتنه‌های یاد شده می‌فرماید:

«مِنْ عِلَامَاتِهِ أَنْ يَكُونَ خَرَابُ الشَّامِ حِينَ الْتِقَاءِ الرَّايَاتِ الثَّلَاثِ فِيهَا: الْأَبْقَعُ، وَالْأَصْهَبُ، وَ السُّفْيَانِيُّ.»

«از نشانه‌های ظهور آن حضرت ویرانی شام به هنگام برخورد سه لشکر در زیر پرچم‌های سفیانی و اصهب و ابقع است.»

کشتار بی‌امان

امام رضا (ع) میفرمایند:

«قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ قَتْلُ بَيْوَحٍ. قِيلَ: وَ مَا الْبَيْوَحُ؟ قَالَ: دَائِمٌ لَا يَفْتُرُ»

« قبل از این امر (ظهور) کشتار بسیار داغی رخ خواهد داد، از حضرت پرسیده شد: کشتار داغ چیست ؟ ایشان فرمود: کشتاری که پیوسته است، قطع نمی شود و به سردی نمی گراید »  
به تعبیری، کلام امام رضا (ع) حاکی از شدت کشت و کشتار و دیگر اینکه در آن زمان خون مردم مباح شمرده می شود.

دگرگونی زمین و آسمان

علی بن موسی الرضا (ع) میفرمایند:

«قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمٌ بَوُّوحٌ».

« پیش از آن، روز بسیار داغی هست.»

امام زمان (عج) میفرمایند:

«...وَاجْتَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَاسْتَدَارَتْ بِهِمَا الْكَوَاكِبُ وَالنُّجُومُ»

«خورشید و ماه گرد آیند و ستارگان ثابت و سیار آنها را احاطه کنند.»

شاید منظور از گرد آمدن خورشید و ماه، قرار گرفتن آنها در یک مسیر در اثر کسوف و خسوف غیرعادی باشد.

تعبیر گردآمدن خورشید و ماه در قرآن کریم نیز آمده است: «وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ»: «خورشید و ماه گرد آیند».

جالب اینکه ستاره‌شناسان نوشته‌اند که کرات منظومه شمسی امسال (سال تألیف کتاب) در برابر خورشید در یک استقامت قرار می‌گیرند که چنین وضعی بسیار نادر است و زنگ خطرهای را به صدا در می‌آورد.

امام رضا (ع): اِتَّقُوا اللَّهَ، وَ اسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ

از خدواند بترسید و تا آسمان و زمین آرام است، آرام باشید!

آرامش آسمان، به دلیل شنیده نشدن ندایی برای نام صاحبشان و آرامش زمین بخاطر واقع نشدن خشف ( نابودی) سپاه (سفیانی) است، بانگ آسمانی، واقع می‌شود و به دنبالش اتفاق بزرگی رخ می‌دهد.

ابی بصیر نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءِ

وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَكَانِي فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ

قَائِماً بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ جَبْرئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ يَمِينِهِ يُنَادِي «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ

تَطْوِي لَهُمْ طَيِّباً حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.

در شب بیست و سوم منادی به اسم قائم (ع) ندا می‌کند. و قیام آن حضرت در روز عاشواست که حضرت امام حسین (ع) و یارانش را کشتند. گویا می‌بینیم [قائم را] که در روز شنبه دهم محرم (عاشورا) بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل (ع) در طرف راست اوست و ندا میکند که «بیعت برای خدا». شیعیان امام عصر (روح له الفداء) (شیعیان خاص) از اطراف و اکناف عالم می‌آیند و زمین زیر پای آنها به سرعت در نور دیده می‌شود. آنگاه امام زمان دنیا را پر از عدل و داد می‌کند چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. در ارتباط با نشانه‌های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء ابی بصیر از امام صادق (ع) به چند علامت اشاره می‌فرمایند:

۱- ندای آسمانی در شب بیست و سوم است (ظاهراً بیست و سوم ماه مبارک رمضان).

۲- قیام در روز عاشورا است.

۳- جبرئیل در طرف راست آن حضرت می‌ایستد و فریاد می‌زند: «بیعت برای خدا»؛ یعنی بیعت با امام عصر بیعت کردن با خداست.

۴- شیعیان (افراد خاص) با طی الارض خدمتشان می‌رسند.

ندای آسمانی (بشارت ظهور)

حسن بن محبوب از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا (ع) حدیثی بیان کرده است که ایشان می فرمایند:

إِنَّهُ قَالَ لَا بَدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءٍ صَيْلِمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَهُ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي

يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كَمِ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانٍ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدِ الْمَاءِ الْمَعِينِ

كَأَنِّي بِهِمْ أَسْرَمًا يَكُونُونَ وَ قَدْ نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قَرُبَ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

وَ عَذَابًا لِلْكَافِرِينَ فَقُلْتُ وَ آيُّ نِدَاءٍ هُوَ (قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُنَادُونَ فِي رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَصْوَابٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتًا مِنْهَا أَلَا

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَالصَّوْتُ الثَّانِي أَرْفَتِ الْأَرْفَةَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالصَّوْتُ الثَّلَاثُ يَرُونَ بَدَنًا بَارِزًا

نَحْوَ عَيْنِ الشَّمْسِ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ كَرَّ فِي هَلَاكِ الظَّالِمِينَ (وَ فِي رَوَايَةِ الْحَمِيرِيِّ)

وَالصَّوْتُ بَدَنٌ يُرَى فِي قَرْنِ الشَّمْسِ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ فُلَانًا فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا وَ قَالَ جَمِيعًا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي النَّاسَ  
الْفَرَجُ

وَ تَوَدُّ النَّاسُ لَوْ كَانُوا أَحْيَاءَ وَ يَشْفِي اللَّهُ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

ناچار باید فتنه ای سخت و بزرگ و بلایی و بنیان کن دامن مردم را بگیرد که تمام سدهای دوستی و رابطه های خویشاوندی و اعتمادهای قومی و دوستی درهم کوبیده شود (پناهگاهی نباشد) و این سختی ها و بلاها در وقتی است که شیعه سومین فرزندم را از دست بدهند (یعنی امام حسن عسگری (ع) وفات کند و حضرت مهدی (ع) غایب باشد). پنهان بودن او چندان سنگین است که ساکنان آسمانها و نیز اهل زمین بر او و از فراق او گریه می کنند و چه بسیار افراد با ایمان که در این زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماءِ معین) دست نمی یابند. گویی می بینیم سرور و خوشحالی آنان را که در نتیجه شنیدن یک صدا به آنها دست می دهد. شنیدن این صدا برای آنهایی که نزدیک یا دورند یکسان است (همه می شنوند) و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران. عرض کردم: آن ندا چیست؟ فرمودند: سه صدا در ماه مبارک رجب شنیده می شود البته از آسمان:

اول. آگاه باشید که ستمگران از رحمت خدا دور و ملعون اند.

دوم. «أَزِفَتِ الْأَافِقُ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ» (نزدیک شد نزدیک شونده ای گروه مؤمنان!).

سوم. بدنی را در خورشید می بینند. گوینده آسمانی فریاد می زند: این است امیرالمؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاکت کردن ستمگران (این بدن، وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین (ع) است).

روایت حمیری می گوید: صوت سوم از آسمان گوینده ای میگوید: ای مردم! خداوند فلان بن فلان (یعنی حجة بن الحسن عسگری) را مأمور فرموده است بر شما، واجب است او را اطاعت کنید. در این موقع برای همه مردم فرج

می شود و آنهایی که از این دنیا رفته اند آرزو می کنند ای کاش زنده بودند. و خداوند دلهای مؤمنان را شفا می دهد.

بر اساس این ندای آسمانی یکی از معجزات الهی است که در آن زمان قدرت خداوند برای مردم جلوه گر می شود.

امام رضا (ع) می فرمایند:

و يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ، يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِأَلْسِنَتِهِمْ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ

منادی آسمانی، در اول صبح، به زبان هر منطقه‌ای ندا می‌دهد که « بدانید حق با علی و پیروان اوست»  
در این زمانه‌ای که در آن بسر می‌بریم، بارها دیده‌ایم که در مقر سازمان ملل، روسای کشورهای مختلف، تنها با گذاشتن، یک گوشی در گوش خود، در یک لحظه همگی، سخنران مجلس را به زبان مادری خود شنیده‌اند.  
با این وجود چگونه می‌توان واقع شدن این جریان را از طرف خدای بزرگ انکار کرد؟

آیا خدای متعال، قادر به انجام چنین کاری نیست؟!

بنابراین، انکار این اتفاقات در آستانه ظهور تنها مختص انسان‌های کوتاه فکر و بد اندیش است.

عالم آل محمد (ع) می‌فرمایند:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَى الْقَائِمِ، فَيَقُولُ:

أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ، فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ

منادی ای از آسمان ندا می‌دهد و همه اهل زمین را به سوی قائم (عج) دعوت می‌کند و به طوری که تمام زمینیان صدای او را می‌شنوند، می‌گویند: بدانید که حجت خدا در خانه خدا ظهور کرده است. پس از

او پیروی کنید که حق با او و از اوست

ندای تشکیکی (صدای زمینی)

يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ: أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ، ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ مِنَ الْأَرْضِ:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ مَعَ فُلَانٍ وَشِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطَلُونَ

در روایات از دعوت به باطل تعبیر به « صدای زمینی و از دعوت به حق به صدای آسمانی شده است»  
امام باقر (ع) می‌فرمایند:

« در ابتدای روز ، گوینده‌ای در آسمان ندا می‌دهد: آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست. پس از آن در پایان روز ، شیطان- که لعنت خدا بر او باد- از روی زمین فریاد می‌کند که حق با فلانی و پیروان اوست. پس در این هنگام ، باطل‌گرایان به اشک می‌افتند.»

هم زمان با شنیده شدن صدای آسمانی و یا کمی پس از آن ، در روی زمین نیز صدایی شنیده می‌شود. ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می‌خواند و می‌کوشد با ایجاد تردید در مردم ، آنها را از حمایت مهدی (عج) و اجابت دعوت آسمانی باز دارد.

امام باقر (ع) در فرازی از یک روایت بلندبالا چنین می‌فرمایند:

«...لَا بَدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (عج):



صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ هُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلُ، وَ صَوْتُ مِنَ الْأَرْضِ، وَ هُوَ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ.»

به ناچار این صیحه پیش از قیام قائم (عج) شنیده خواهد شد: یکی از آسمان که صدای جبرئیل امین است و دیگری از مین که صدای شیطان لعین است.

ب) مفهوم لغوی و اصطلاحی رجعت

### ۱- لغوی

راغب در مفردات خویش می‌گوید: رجوع به معنای برگشتن و برگرداندن به مکان، حالت و گفتار سابق است.

«الرَّجْعَةُ» به معنای برگشتن به دنیا پس از مرگ، استعمال می‌شود.

گفته می‌شود: فلانی ایمان به رجعت دارد؛ یعنی ایمان دارد که بعد از مرگ به دنیا برمی‌گردد. ایاب هم به معنای رجوع است. با این تفاوت که «ایاب» به برگشتن با اراده و اختیار است.

در مدارک لغوی رجعت، کلماتی چون: «رجع و اوبّ و کرّ، ردّ و ...» استعمال شده است که همه‌ی آنها با قیودی، به معنای برگشتن است. و جامع همه‌ی آنها کلمه «رَجَعَ» است که در لغت به معنای بازگشتن به مبدأ، مکان و یا فعل و حالت اصلی گفته میشود؛ یعنی یک مبدأ و آغازی می‌باشد که از جایی دوباره به آن برگردد و هیچ‌گونه قیدی در آن لحاظ نشده است.

در قرآن مجید، کلمه رجع به هر دو معنای عام لغوی، یعنی متعدی (برگرداندن) و لازم (برگشتن) استعمال شده است.

### ۲- اصطلاحی

رجعت در اصطلاح، عبارت است از این که خداوند، همزمان با ظهور حضرت مهدی (عج) عده‌ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه‌ی مؤمنان بوده‌اند و هم چنین کفار و منافقینی که، در کفر و نفاق از همه

کافران و منافقان پیشی گرفته بودند، با همان ویژگی‌های جسمانی و روحی خودشان به دنیا برمیگرداند تا، هر دو گروه پاداش و سزای اعمال دنیایی خویش را دریافت کنند.

شیخ طوسی (ره) میفرماید :

« يَرْجِعُ نَبِينَا أُمَّتُنَا الْمَعْصُومُونَ فِي زَمَانِ

المهدى « عَج » مَعَ جَمَاعَةٍ مِنَ الْأَهْمِ السَّابِقِ إِلَّا لِإِظْهَارِ دَوْلَتِهِمْ وَ حَقِّهِمْ وَ بِهِ قَطَعَتِ الْمَتَوَاتِرَاتُ مِنَ الرِّوَايَاتِ وَ  
الآيات؛»

« پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در زمان حضرت مهدی (عج) با گروهی از امت‌های گذشته و آینده بر می‌گردند، تا این که خداوند، دولت و حق آنها را ظاهر نماید. و آیات و روایات متواتر بر قطعی بودن رجعت دلالت می‌کنند. « شبیه این تعریف، از طرف مرحوم علامه مجلسی (متوفای ... ه ق ) ، مرحوم شیخ طبرسی متوفای ( ۵۶۰ ه ق )

ادله رجعت

۱- رجعت از دیدگاه عقل

عقل، هیچ گونه مانعی برای زنده شدن مردگان پس از مرگ، تصور نمی کند و امکان آن را کاملاً درک می کند؛ زیرا در غیر این صورت، باید منکر قدرت خداوند بر زندگی کردن مردگان شد و یا قابلیت بدن و روح انسان را برای زنده شدن انکار کرد.

در حالی که، بشر در تمامی لحظه های عمر خویش شاهد، قدرت خداوند تبارک و تعالی در حیات و ممات انسانها بوده و قابلیت ابدان و ارواح انسانها را از جانب خداوند عزوجل تجربه نموده است. آلوسی در این باره می فرماید:

«زنده نمودن، بعد از میراندن و برگردانیدن به دنیا از چیزهایی است که دو حیوان (قوچ) در آن نزاع نمی کند.» لذا مرحوم سید مرتضی میفرماید:

«آنچه که شیعه از رجعت معتقد است هیچ اختلافی بین مسلمین بلکه موحدین نیست.»

وقوع رجعت، یکی از مسائلی است که با آیات در روایات متعددی که در این درباره از امتهای پیشین آمده است، و از اتفاق افتادن آن در همان قرون اولیه اسلام، به ما خبر می دهد، اثبات می شود و این خود بهترین دلیل به امکان وقوع این مسئله ( رجعت ) است مرحوم حرّ عاملی بیش از صد مورد را با توجه به آیات و روایات گردآوری نموده است.

ابن ابی دنیا ( از بزرگان اهل سنت ) در کتاب مستقلی به نام « من عاش بعد الموت » بیش از ۶۴ مورد را جمع آوری کرده است که بهد از مرگ زنده شده اند.

دکتر رایموند مودی کتابی به نام بازگشت روح را در این زمینه تألیف نموده است و در آن از کسانی صحبت کرده است که طبق نظر پزشک قانونی، مرده و سپس زنده شده اند.

عقل، با یک تحلیل مختصر، ضرورت رجعت اصطلاحی برایش قابل درک است، یعنی با توجه به وضعیت زندگی بشر و تقسیم آنان به دو گروه، ظالم و مظلوم و اینکه، آنها نتیجه دنیایی اعمالشان را در حالی که امکان رسیدگی به آن وجود دارد و عدم تحقق اهداف انبیاء در طول تاریخ و نرسیدن انسانهای صالح به آن کمال لایق که تنها در پرتو حکومت الهی امکان پذیر بوده است و... بر این اساس عقل ضرورت رجعت را درک می کند.

به تعبیر دیگر رجعت، دورنمایی رستاخیز را در سراسر گیتی به صحنه نمایش درآورده و زیربنای این اصل « رجعت » تجلی عدالت و قدرت بی پایان الهی است.

آیات متعددی بر وقوع رجعت در امت های گذشته دلالت می کند. و افراد زیادی از پیامبر و غیرپیامبر، مؤمن و غیرمؤمن در امتهای پیشین زنده شده و به دنیا برگشته اند. ما در این مختصر به چند نمونه اشاره میکنیم.

رجعت مقتول بنی اسرائیل

«وَإِذ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَءُتُمْ فِيهَا... \* فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

به یاد بیاورید زمانی را که فردی را به قتل رساندید، سپس درباره قاتل آن به نزاع برخاستید... پس برای رفع نزاع- گفتیم: قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول بزنید- تا زنده شده، قاتلش را معرفی کند- این گونه خداوند مردگان را زنده میکند و علائم قدرتش را به شما نشان میدهد. باشد که درباره قدرت الهی اندیشه و فکر نمایید. خلاصه داستان: شخصی در میان بنی اسرائیل کشته شد و درباره قاتل آن به نزاع برخاستند، هر طایفه آن را به گردن طایفه دیگر می-انداختند، تا اینکه برای رفع نزاع به محضر حضرت موسی (ع) آمدند کسب تکلیف کنند. در پایان این داستان، خداوند تبارک و تعالی، احیای اموات را به عنوان یک سنت و قانون همیشگی در نظام عالم معرفی نموده، آن را به عنوان نشانه قدرتش به بندگان گوشزد می نماید تا درباره آن اندیشه کنند.

۲- جمله «كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى»

اختصاص به قیامت و برزخ ندارد، بلکه یک قانون عمومی و فراگیر در همه مکان‌ها، زمان و امت‌ها در شرایط مساوی بر اساس حکمت الهی جاری و ساری خواهد بود.

۳- این که مقتول پس از رجعت چند سال به زندگی خود ادامه داد؟

در بعضی روایات نقل شده که هنگام کشته شدن شصت سال داشت. خداوند هفتاد سال دیگر به برکت توسل به محمد و آل محمد علیهم السلام به او عمر داد.

آیاتی که از تحقق رجعت در آینده قبل از قیامت خبر میدهد

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...

خداوند سبحان، در این آیه، به مؤمنان حقیقی، وعده میدهد که ایشان را وارث در روی زمین قرار داده و کره زمین را از لوٹ وجود کفار و منافقین پاک نماید. امنیت و آرامش، بعد از ترس و امنی، و خیرات و برکات بعد از سختی‌ها و مشکلات سرتاسر گیتی را فراگیرد و مردم در سایه حکومت عدل الهی در کمال آرامش ببرند. این جامعه ایده آل در طول تاریخ از بعثت رسول خدا (ص) تاکنون، هرگز محقق نشده است. بلکه پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان (صلوات الله علیهم اجمعین) و مؤمنانی که در درجه‌های بعد از ائمه (صلوات الله علیهم اجمعین) قرار دارند، همیشه تحت سیطره ظلم ظالمان و توطئه منافقان بوده و مظلومان به فیض شهادت نائل آمدند،... بنابراین در آخرالزمان باید به دنیا بازگردند تا وعده الهی درباره آنان محقق شده، شاهد پیروزی حق بر باطل و عزت اسلام و نابودی کفر و نفاق باشند.

بر این اساس، با یک تحلیل ظاهری از آیه چنین به دست می آید که معنایی به غیر از رجعت نمی تواند داشته باشد. روایات متعددی که در رابطه تفسیر این آیه از ائمه (ص) آمده است خود مؤید این مطلب است.

«إِنَّا لَتَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»

«همانا ما فرستادگان خویش و مؤمنان را در زندگانی دنیا و آن روزی که شاهدان قیام کنند یاری خواهیم کرد.»  
سوگند به خداوند که این آیه مربوط به رجعت است، مگر نمی دانی که پیامبران زیادی در این دنیا یاری نشد و به شهادت رسیده اند و ائمه (علیهم السلام) که مصداق «الذین آمنوا» هستند، که وعده الهی شامل حال ایشان نیز نشده است. در نتیجه نصرت الهی در ایام رجعت محقق میشود.

رجعت در پرتو روایات

ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، روی اعتقاد به اصل رجعت به شدت پافشاری نموده، تا به حدی که انکار آن را مساوی با منکر شدن قدرت الهی دانسته اند.

«تِلْكَ قُدْرَةُ اللَّهِ فَلَا تُنْكِرُونَهَا»

«رجعت تجلی قدرت خداوند است پس آن را انکار نکنید.»

روایات در رابطه با رجعت به حدّ تواتر رسیده است، که بزرگان شیعه تواتر آن را ادعا نموده اند.

شیخ مرحوم، علامه مجلسی در رابطه با احادیث رجعت میفرماید. بیش از چهل محدث (ثقه) در بیش از پنجاه کتاب حدیثی آن‌ها را روایت کرده اند، اگر این روایات متواتر نباشد پس در هیچ چیزی ادعای تواتر امکان ندارد. روایاتی که در رابطه با رجعت آمده است به سه دسته تقسیم میشود:

۱- رجعت، عقیده‌ی حق و ضروری

۲- روایات تفسیری

۳- رجعت کنندگان

در پرتو روایات رضوی

حسن به جهنم میگوید: مأمون از امام رضا (ع) پرسید؟

یا أبا الحسن! نظر شما درباره رجعت چیست؟

حضرت رضا (ع) فرمودند:

أَنَّهَا حَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّمِ السَّابِقَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ.

وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّابِقَةِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ...»

حضرت فرمودند: «رجعت حق است و در امت‌های گذشته واقع شده است و قرآن از آن خبر داده و پیامبر اکرم

(ص) فرموده اند: تمام حوادث و وقایعی که در امت‌های گذشته واقع شده است در این امت هم مانند دو لنگه

کفش که با یکدیگر مطابقت و مقارنت دارد، اتفاق خواهد افتاد.»

این بخشی از یک روایت طولانی است که امام رضا (ع) در مجلس مناظره (در حضور مأمون) و مأمون پس از شنیدن استدلال محکم امام (ع) بی اختیار گفت: یا ابالحسن! به خدا قسم علم صحیح یافت نمیشود مگر پیش شما

اهل بیت (ع) و تمام علوم آباء و اجدادگرامیتان به شما منتهی میشود. خداوند به شما جزای خیر دهد.

رجعت در زمره سایر معارف اسلام

فضل بن شاذان میگوید: امام رضا (ع) فرمودند:

«من أقرّ بتوحيد الله و نى التشبيه و نزهه عما لا يليق به وأقرّ بأنّ له الحول والقوة والإرادة و

المشيئة و الخلق و الأمر و القضاء و القدر، وأنّ أفعال العباد مخلوقة خلق تقدير و لخلق تكوين،

و شهد أنّ محمّداً رسول الله و أنّ عليّاً و الأئمّة بعده حجج الله و والى أوليائهم، واجتنب الكبائر و أقرّ بالرجعة

والمعتين و آمن بالمعراج و المسألة فى القبر والحوض و الشفاعة و خلق الجنة والنار و

الصراط و الميزان و البعث و النشور و الجزاء و الحساب، فهو مؤمن حقّاً و هو من شيعتنا أهل البيت؛»

مؤمن واقعی و شیعه حقیقی اهل بیت (ع)، کسی است که اقرار کند به وحدانیت خداوند و نفی تشبیه و منزّه بودن او از آنچه که سزاوار او نیست. و هرگونه تحول و قدرت و اراده و مشیّت خلقت (مادیات) و ایجاد (مجردات)



را مخصوص ذات باری تعالی بدانند و معتقد به قضا و قدر الهی باشد و افعال بندگان را مخلوق تقدیر الهی (انسان را در مقابل افعالش مسئول) بدانند، نه مخلوق تکوینی (نه مجبور و مسلوب الاختیار) و به رسالت حضرت محمد (ص) و امامت و ولایت علی و ائمه بعد از او - ع - شهادت بدهد و دوستان آنها را دوست داشته باشد و از گناهان کبیره دوری و اجتناب کند و به رجعت و حج تمتع و ازدواج موقت اقرار داشته باشد و به معراج رسول اکرم (ع)، سؤال قبر، حوض کوثر، شفاعت، خلقت بهشت و جهنم، حقانیت صراط و میزان، حشر و نشر روز قیامت و جز او حساب ایمان داشته باشد.»

این روایت اهمیت رجعت را از دیدگاه ائمه اهل بیت (ع) به خوبی بیان می کند که رجعت را در زمره اصلی ترین و اساسی ترین معارف دین و مذهب ذکر نموده و کسی را مؤمن واقعی می داند که به مجموع این معارف اقرار و اعتقاد داشته باشد.

رجعت، پایان عمر ابلیس

ختعمی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که میفرمودند:

«إِنَّ إبْلِيسَ قَالَ: «أُنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ» فَأَبَى اللَّهُ ذَلِكَ فَقَالَ:

«فَأِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ\* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ظَهَرَ إبْلِيسَ

فی جمیع أشیاعه منذ خلق الله آدم (ع) إلى یوم الوقت المعلوم و هی آخر کره یکرها أمير المؤمنین (ع).

فقلت: و إنّها لكرّات؟ قال: نعم، إنّها لكرّات و كرّات، ما من إمام فى قرن إلّا و يكرّ معه البرّ و الفاجر فى دهره

حتى يدبّل الله تعالى المؤمن و الكافر، فإذا كان يوم الوقت المعلوم كرّ أمير المؤمنين (ع) فى أصحابه،

وجاء إبليس فى أصحابه و يكون ميقاتهم فى أرض من أراضى الفرات يقال له «الروحا» قريب من كوفتكم

فيقتلون قتالاً لا يقتل مثله منذ خلق الله عزّوجلّ العالمين.

فكأنى أنظر إلى أصحاب علىّ أمير المؤمنين (ع) و قد رجعوا إلى خلفهم القهقريّ مائة قدم،

و كأنى أنظر إليهم و قد وقعت بعض إرجلهم فى الفرات، فعند ذلك يهبط الجبار،

أى ينزل آيات عذابه «فِي ظُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ» و قضى الأمر رسول الله (ص) إمامه بيده حرباً

من نور،

فإذا نظر إليه إبليس رجع القهقريّ ناكصاً على عقبه، فيقول له أصحابه:

أين تريد، و قد ظفرت؟! فقال «إِنَّ أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ» «إِنِّي أَخَافُ لَهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» فيلحقه النبى

فيطعنه طعنة بين كتفيه فيكون هلاكه و هلاك جميع أشياعه، فعند ذلك يعبد الله عزّوجلّ

و لا يشرك به شيئاً، و يملك أمير المؤمنين (ع) أربعاً و أربعين ألف سنة...»

همانا شیطان از خداوند درخواست کرد که او را تا روز قیامت مهلت دهد، ولی خداوند از درخواست او امتناع ورزید و رد کرد، فرمود: تا روز معلوم از مهلت داده شدگان هستی. وقتی روز معلوم شود شیطان با تمام پیروانش از زمان حضرت آدم تا روز معلوم ظاهر می شوند و آن آخرین رجعت و برگشت حضرت علی (ع) می باشد.

راوی با تعجب سؤال کرد: آیا چندین برگشتن است که این آخرین رجعت حضرت علی (ع) است؟! حضرت با تأکید فرمود: بلی، همانا چندین رجعت است. هیچ امامی نیست مگر اینکه مؤمنان و فاجران زمانش با او رجعت می کنند تا این که خداوند، مؤمن را از کافر جدا نموده و بر آن ها حاکم کند. پس هنگامی که روز معلوم فرا رسد امیرالمؤمنین (ع) در میان اصحابش و شیطان در میان اعقابش رجعت می کنند، محل تلاقی این دو نیرو، در سرزمین اطراف فرات نزدیکی های کوفه به نام «الروحا» می باشد. جنگ سختی بین این دو نیرو شعله ور می شود که هرگز در گذشتگان سابقه نداشته است.

سپس حضرت «شاید برای حصول یقین و رفع شک و تردید راوی» فرمود: گویا الآن می بینم اصحاب علی (ع) که حدود صد قدم به عقب برگشته اند و قسمت هایی از پاهای آن ها در آب فرات واقع شده و فرو رفته است. در این هنگام است که عذاب الهی بر جنود ابلیس نازل شده و پیامبر اکرم (ص) کار را پایان می دهد، در دست آن حضرت یک حربه ای «وسیله جنگی» از نور است که شیطان با دیدن آن، عقب عقب برگشته و از جنگ سرباز می زند. وقتی یارانش فرار او را مشاهده می کنند، با تعجب سؤال می کنند: به کجا می خواهی بروی، در حالی که پیروز شدی؟! جواب می دهد: من چیزی را مشاهده می کنم که شما نمی بینید، من از پروردگار عالمیان می ترسم. سپس رسول خدا (ص) به او می رسد و نیزه ای را در میان دو کتفش فرو کرده و به حیات او و اصحابش پایان می دهد. پس از هلاکت شیطان و جنودش فقط خداوند عبادت می شود و هیچ چیزی شریک او قرار نمی گیرد، و امیرالمؤمنین (ع) ۴۴۰۰۰ سال حکومت میکند...»

۱- این روایت مصداق «یوم معلوم» را که آخرین مهلت ابلیس است را معین می کند. که مراد از آن روز «رجعت» است.

۲- مطلب دیگری که در این روایت به آن اشاره شده، برای حضرت علی (ع) چندین رجعت را اثبات می کند، که روایات دیگر نیز مؤید همین نکته است.

بنابراین، در رجعت ها و حکومت های قبلی ابلیس زنده هست و به شیطنت خود ادامه می دهد، لذا حضرت مهدی (عج) را به شهادت می رسانند.

۳- آخرین رجعت کنندگان شیطان و اتباعش می باشند، که بعد از جنگ سختی با امیرالمؤمنین (ع) به دست رسول خدا (ص) به هلاکت می رسند، ولی بعضی از آنها (مشرکان منافقان) در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) رجعت می کنند و آن حضرت شخصاً به جنایات و جرم های آن ها رسیدگی نموده و بر اساس شدت جرائم و شقاوت این افراد، بعضی برای غذاب شدن بیشتر در این دنیا میمانند و بعض دیگر از دنیا میروند.

۴- یکی از مهمترین اهداف رجعت، غلبه حق بر باطل و جدا شدن صفا مؤمنان از کفار است، که در روایات شیعه و سنی به آن اشاره شده است.

۵- بعد از اینکه، رجعت اتفاق می افتد، حکومتهایی که بر سر کار می آیند، مدت زمان بسیار طولانی، حکومت کرده، که در روایات به صورت تخمینی اعدادی آمده است که حاکی از طولانی بودن زمان رجعت میکند.

رجعت امام حسین (ع) و یارانش

جابر از امام باقر (ع) نقل میکند که امام حسین (ع) پیش از شهادت به اصحاب خود فرمودند:

«إن رسول الله (ص) قال لی: یا بنی! ستساق إلى العراق و هی أرض قد التقی بها النبیون و أوصیاء النبیین

و هي أرض تدعى «غموراً» و أنك تستشهد بها و يستشهد معك جماعة من أصحابك لا يجدون ألم مسّ الحديد...

و يكون الحرب برداً و سلاماً عليك و عليهم.

فوالله! لئن قتلونا، فإننا نرد على نبينا (ع)، ثم أمكث ماشاء الله فأكون أول من تنشق الأرض عنه

فأخرج خرجة يوافق ذلك خرجة أمير المؤمنين و قيام قائمنا، ثم لينزلنّ علىّ و قد من السماء من عند الله

لم ينزلوا إلى الأرض قطّ و لينزلنّ إلى جبرائيل و ميكائيل و إسرافيل و جنود من الملائكة

و لينزلنّ «ليخرجننّ» محمد و على و أنا و أخى و جميع من منّ الله عليه فى حملات من نور لم يركبها مخلوق،

ثمّ ليهزّنّ محمد (ص) لواه و ليدفعنّه إلى قائمنا مع سيفه... .

ثم إنّ أمير المؤمنين (ع) يدفع إلىّ سيف رسول الله (ص) و يبعثنى إلى المشرق و المغرب

فلا أتى على عدوّ الله إلاّ أهرقت دمه و لأدع صنماً إلاّ أحرقتّه... حتى لا يكون على وجه الأرض إلاّ الطيب و لا يبقى

رجل من شيعتنا إلاّ أنزل الله إليه ملكاً يمسح عن وجهه التراب....

و لا يبقى على وجه الأرض أعمى و لامقعد و لامبتلى إلاّ كشف الله عنه بلائه بنا أهل البيت (ع)،

و لتنزلن البركة من السماء إلى الأرض حتى إنّ الشجرة لتقصف يعني تنكسر أغصانها بما يزيد الله فيها من الثمرة...،

ثمّ إنّ الله ليهب لشيعتنا كرامة لا يخفى عليهم شيء في الأرض و ما كان فيها...»

جدم رسول خدا (ص) به من خبر داد: فرزند عزیزم! همانا به زودی به سوی عراق برده میشوی. آن سرزمینی است که در آنجا پیامبران و اوصیایشان با هم ملاقات نموده‌اند. به آن سرزمین «غمورا» گفته میشود. همانا تو با عده‌ای در آن سرزمین شهید می‌شوی که درد و رنج شمشیرها را- در اثر عشق به شهادت در راه خدا- درک نمیکنید... جنگ و شمشیرها بر شما سرد و سلامت خواهد بود.

قسم به خدا! اگر ما را کشتند پس بر پیامبر اکرم (ص) وارد می‌شویم، سپس هر مقدار که خداوند بخواهد آنجا می‌مانیم. پس من اولین کسی هستم که زمین بر او شکافته شده و از زمین خارج می‌شود که همزمان با خروج حضرت علی و قیام قائم ما- علیه السلام- است. سپس مهمانان آسمانی از نزد خدا بر من وارد میشوند که هرگز به زمین نازل نشده‌اند. همانا جبرئیل میکائیل و اسرافیل با لشکری از ملائکه نازل میشوند. پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و برادرم امام مجتبی (ع) و جمیع کسانی که خداوند بر آنها منت گذاشته، سوار بر اسبان نورانی که هیچ مخلوقی هنوز بر آنها سوار نشده خارج می‌شوند. سپس پیامبر اکرم (ص) پرچمش را به اهتزاز درآورده و شمشیرش را به قائم ما (ع) میدهد....

آن گاه امیرالمؤمنین (ع) شمشیر رسول خدا (ص) را به من داده، به سوی شرق و غرب عالم می‌فرستد. پس بر هیچ دشمن خدا برنمیخورم مگر این که خونس را میریزم و هیچ بتی را نمی‌گذارم مگر این که به آتش می

کشم. تا این که در روی زمین به جز پاکی و طهارت چیزی باقی نماند. و تمام رجس و پلیدی، کفر، بت پرستی و... از روی زمین رخت برمی بندد. احدی از شیعیان ما باقی نمی ماند مگر این که خداوند گرد و غبار غم را از چهره ی آنها می زداید. هیچ نابینا، زمین گیر و گرفتاری نمی ماند مگر این که خداوند به برکت ما اهل بیت (ع) گرفتاری هایش را برطرف می کند. همانا برکات الهی از آسمان به زمین سرازیر می شود، به طوری که شاخه های درختان میوه به نهایت بهره دهی و ثمردهی می رسد. خداوند به دوستان و شیعیان ما چنان کرامتی عنایت می کند که چیزی در زمین و آنچه که در اوست، برای آنها پوشیده نمی ماند...»

نکته ها

۱- این حدیث شریف، معارف بلندی از مقامات و فضائل اهل بیت را بیان می کند که بسیاری از این معارف در میان مسلمانان، حتی پیروان اهل بیت مهجور و ناشناخته است.

اگر پیروان ائمه معصومین (ص)، ایشان را آن گونه که شایسته و در شأن مقام اهل بیت (ص) است، به مردم معرفی می نمودند، بی شک تمام مردم جهان، آن را با جان و دل، پذیرا می شدند.

۲- در طول تاریخ، همواره دشمنان از حکومت کردن صالحان زمین (چهارده معصوم) جلوگیری نموده، در نتیجه بشریت گرفتار نابسامانی های اجتماعی، شرک و کفر و بی عدالتی می شد، بر این اساس، عدل الهی ایجاب می کند که با برگشتن آنان و حکومت کردن طبق احکام الهی، خداوند سبحان، بشریت را از شر ظالمان رهانیده و کرامت و عزت را به آنان برمی گرداند، در نتیجه او زحمات کسی را بی ثمر نمی گذارد، بلکه هر کس در راهش صادقانه گام بردارد، بدون پاداش نمی ماند، امام حسین (ع)، که تمام هستی و دارایی خودش را، در راه معبود خویش فدا نمود و در مقابل ظلم ایستادگی کرد، لذا خداوند هم در پایان این جهان، وظیفه تطهیر کره زمین را به عهده ی آن حضرت سپرد. لذا امام حسین (ع) در شب عاشورا، برای تسلی اصحاب خود به نقل از جدش رسول خدا (ص)، رجعت را مطرح و تبیین نمود و آنان را به رجعت خود و اصحاب و دشمنان بشارت داد و خود را به عنوان اولین رجعت کننده معرفی نمود.

در عصر امام حسین (ع) هم زمینه‌ی بیان این گونه معارف فراهم نبوده است. فقط در کربلا هنگام تقابل دو گروه هاشمی و اموی، امام (ع) برای تسلی و دلجویی اصحاب خود به نقل از جدش رسول خدا (ص) رجعت را مطرح و تبیین نموده و آنان را به رجعت خود و اصحاب و دشمنان بشارت داد.

«فابشروا (بالجنّة) فوالله لئن قتلونا فإنّا نرد علی نبینا ثمّ نمکث ماشاءالله تعالی،

فأکون أوّل من ینشقّ الأرض عنه، فأخرج خرجةً یوافق ذلک أميرالمؤمنین و قیام قائمنا...»

بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم اگر این ها ما را به شهادت برسانند پس همانا بر رسول خدا (ص) وارد و مهمان می شویم پس هر مقدار که خدا بخواهد توقف نموده. سپس اولین کسی که زمین بر او شکافته می شود من هستم و خروج من همزمان است با خروج امیرالمؤمنین و قیام قائم ما حضرت مهدی (عج).»

(ج) حکومت جهانی

مهدی (عج) خلیفه الهی

امام رضا (ع): فاذا خرج اشرفت الارض بنور ربها

هرگاه حضرت مهدی (عج) ظهور کند، زمین به نور پروردگارش می درخشد.

امام رضا (ع) فرموده است: « خداوند به دست او زمین را از دست کافران و منکران پاک می کند. زمین زیر پایش می پیچد، و هر کار سخت و دشواری بر او آسان می شود



امام رضا (ع) از پدر گرامیش نقل فرموده که حضرت رسول (ص) در حدیث معراج به خدا عرضه داشت:

« پروردگارا! جانشینان من چه کسانی هستند؟! »

پس ندا رسید: « ای محمد! جانشینانت در سراپرده عرش مکتوبند اول ایشان حضرت علی (ع) و آخرینشان حضرت مهدی (عج) است. سوگند به عزت و جلال خودم که زمین را به وسیله آخرینشان از ظلم و ستم پاک کنم و جهان را از خاور و باختر در تصرفشان در آورم و بادها را در حکم و تسخیرشان می گردانم، و ابرها را برای اومطیع و فرمان بر می کنم، و در اسباب به او ترقی می دهم و با لشکر خود به او یاری کنم، و با فرشتگانم او را مدد نمایم تا این که دولت حق مرا بر پا سازند، و خلق را در راه یگانه پرستی و توحید مجتمع کنند، سپس ملک و حاکمیتشان را ادامه دهم و ایامشان را تا روز رستاخیز تداوم بخشم

حاکمیت فراگیر

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ

فَقِيلَ لَهُ كَيْفَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصَّخُورَ

وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمُنْحُونَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلَّهُمْ يَتَأَوَّلُونَ

عَلَيْهِ كِتَابِ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ وَ يُقَاتِلُهُ عَلَيْهِ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ.

هنگامی که قائم ما قیام کند آنچه از مردم نادان می بیند به مراتب بیش از آن چیزی است که پیامبر اکرم (ص) از مردم دوران جاهلیت دیدند. گفته شد: چگونه است آن؟ پس فرمودند: وقتی که جدّم خاتم الانبیاء (ص) به رسالت مبعوث شد مردم انواع بت‌های سنگی و چوبی را پرشش می کردند (اینها کمتر نیاز به دلیل بر اثبات بطلان بت پرستی داشتند)؛ اما حضرت صاحب الامر آنگاه که قیام می کند همه مردم با تمسک به قرآن و تأویل کتاب خداوند (به نفع خودشان) با آن حضرت به مقابله می پردازند. قسم به خداوند که عدالت مهدی ما در تمام خانه های آنها وارد می شود چنانچه سرما و گرما داخل می شود (قدرت نفوذ معنوی ولایت را بیان می کند).

امام صادق (ع) می فرماید:

۱. عزّت واقعی اسلام را بعد از ذلّتش به آن برمی گرداند.
  ۲. احکام و قوانین مرده اسلام را (از نظر ظاهر) حیات می بخشد.
  ۳. جزیه از کفار برداشته می شود.
  ۴. با شمشیر قیام می کند و مردم را به سوی خداوند می خواند و هرکس اجابت نکرد کشته می شود و هرکس با آن حضرت نبرد کند منکوب می شود.
  ۵. در قیام جهانی حضرت صاحب الامر (ع) قیافه واقعی اسلام که بعد از رسول اکرم (ص) در زیر پرده ها پنهان مانده است، به طوری که در زمان حیات آن حضرت بود، آشکار میگردد.
  ۶. تمام مذاهب از سرتاسر جهان برچیده میشود.
  ۷. تنها دین جهانی همه مردم دین مقدس اسلام، آن هم بر اساس رهبری اهل بیت عصمت و طهارت (س)، خواهد بود.
- امام صادق (ع) در مورد چگونگی برخورد امام عصر روحی له الفداء با مردم - اعمّ از عرب و عجم و... - چنین میفرمایند:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَالْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا بِالسَّيْفِ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفُ.

قیام قائم ما بر اساس قدرت است و چون بنا بر اصلاح جهان است دیگر مدارا کردن در این دولت وجود ندارد: با عرب و فارس و غیره با شمشیر برخورد می کند، با شمشیر می گیرد و آنچه بخواهد عطا کند نیز با شمشیر است (کنایه از اینکه تمام برنامه و برخوردها بر پایه قدرت است).

حضرت امام ششم (ع) در این روایت تفاوت میان برخورد مردم زمان جاهلیت با رسول اکرم (ص) و برخورد مردم زمان ظهور را با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیان فرموده اند و شایسته است خوانندگان عزیز خوب دقت کنند تا ویژگی های حکومت حضرت مهدی (ع) را بیشتر درک کنند.

علی بن موسی الرضا میفرمایند:

« از ویژگیهای حضرت مهدی، قدرت رهبری و سیاستمداری است »

امام صادق و امام رضا (ع) می فرمایند:

همه دنیا، همانند یک حبه گرد و در برابر امام (عج) نمایان می شود و چیزی از آن برای او پوشیده نمی باشد، از هر طرف بخواهد در آن تصرف می کند، آنچنان که یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است، از هر طرف بخواهد، دست می برد و از آن بهره می گیرد

امام باقر (ع) می فرماید: بپا می خیزد درحالی که بر عرب سخت گیر است و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری واهمه ندارد

مجری عدالت

امام رضا (ع): « يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ »

« خداوند تبارک و تعالی به دست او زمین را از کافران و منکران پاک می‌کند »

« و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احد احداً »

« و ترازوی عدالت را در بین مردم به گونه‌ای برپا کند که کسی بر دیگری ستم نکند »

برده مسلمانی نمی‌داند مگر آن که او را خریده آزاد فرماید مدیونی نمی‌ماند مگر آن که قرضش را ادا نماید، مظلومه‌ای بر گردن مسلمانی نباشد مگر آن که رد نماید بنده‌ای به قتل نرسیده باشد مگر آن که بهایش را می‌پردازد کشته شده‌ای نباشد مگر آن که وام او را پرداخته و برای بازماندگانش مقرری فرماید. تا آن زمین را از عدل و داد آکنده سازد، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد

احیاگر احکام الهی

الإمامُ يُحِلُّ حلالُ اللهِ وَ يَحَرِّمُ حَرَامَ اللهِ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللهِ وَ يَدَّبُّ عَنِ دِينِ اللهِ

امام حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌داند، حدود الهی را برپا می‌دارد و از دین خدا دفاع می‌کند.

ابوحذیفه از امام صادق (ع) روایت می‌کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ.

هر زمان که قائم ما (ع) قیام کند امر تازه ای (قانون جدیدی) می آورد، چنانکه رسول اکرم (ص) در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند).

امام رضا (ع) میفرماید:

لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لِحُكْمِ بَثَلَاتٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدًا قَبْلَهُ. يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ، وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ، وَ يُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأَظْلَمَةِ.

هنگامی که قائم قیام کند به سه امر داوری کند که احدی پیش از او داوری نکرده است.

۱- پیرمرد زانی را می کشد

۲- مانع الزکوه را می کشد

۳- برادر را از برادر اظلمه ارث می دهد

دولت کریمه

عالم آل محمد (ع) می فرماید:

الْإِمَامُ يُسْأَلُ فَيُجِيبُ، وَ إِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَأَ. وَ يُخْبِرُ مَا فِي غُدِّهِ، وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ بِكُلِّ لِسَانٍ.

از امام (ع) سوال می‌شود، او پاسخ می‌دهد. اگر سوال نشود او خود آغاز می‌کند، از آنچه در آینده روی خواهد داد خبر می‌دهد، و با هر کسی با زبان خود سخن می‌گوید.

و در حدیث دیگری آمده است: امام موید به روح القدس است، و بین او و خدا ستونی از نور وجود دارد که اعمال مردم را در آن می‌بیند، و آنچه را بدان احتیاج دارد به آن آگاه می‌گردد، گاهی آن نور برای او گسترده می‌شود ( آنچه را که باید بداند می‌داند) و گاه از او گرفته می‌شود و در نتیجه ( آنچه را لازم نیست ) نمی‌داند.

حسن بن محبوب از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: « گویا او را می‌بینم که دل مردم را شاد کند. آوازی بلند می‌شود که دور و نزدیک آن را بشنوند و آن آواز برای مومنان رحمت و برای کافران عذاب است در ندای آسمان چنین بگوش می‌رسد، خداوند برای براندازی ستمگران فلانی را بر انگیخت در آن هنگام فرج مومنان فرا می‌رسد، و خداوند سینه‌های آنان را شفا بخشد و عقده‌های دلشان را بر طرف گردد.

امام رضا (ع): إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَانِمَاءً يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

وقتی خدا قائمش را مبعوث کند، هم و گرفتاری ما بر طرف می‌شود

ابی بصیر، یکی از یاران برجسته امام صادق (ع) از آن حضرت نقل می‌کند که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أُسَاسِهِ وَ

حَوْلَ الْمَقَامِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَ قَطَعَ أَيْدِي بَنِي شَيْبَةَ وَ عَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكَعْبَةِ وَ كَتَبَ عَلَيْهَا «هُؤَلَاءِ سُرَّاقُ الْكَعْبَةِ.»

یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر (ع) عبارت است از:

۱- مسجدالحرام را ویران می کنند و آن را به صورت اولیه برمی گردانند.

۲- مقام حضرت ابراهیم (ع) را نیز به جای اولش برمی گردانند (جنب خانه کعبه).

۳- دست طایفه بنی شیبه را قطع می کنند و آن را بر درب کعبه می آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته

میشود: «صاحبان این دستها که از بنی شیبه هستند به کعبه معظمه خیانت نمودند» (دزدهای کعبه هستند).

شیخ مفید در کتاب ارشاد میگوید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بُرَكَاتِهَا

وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ:

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.»

وقتی قائم آل محمد (ع) قیام می کند برنامه هایش در چند اصل خلاصه میشود:

۱- حکومت آن حضرت بر اساس عدل واقعی و همه جانبه است.

۲- ظلم و ستم از سرتاسر گیتی برداشته میشود.

۳- امنیت سرتاسر راهها و جاده ها را فرا می گیرد.

۴- زمین برکات خودش را در اختیار مردم می گذارد.

۵- حقوق همه مردم به آنها پس داده می شود (از غاصبان گرفته می شود).

۶- اسلام دین همه جهانیان می شود و همه مردم به ایمان اعتراف می کنند.

مقام مومنان در هنگامه ظهور به درجه‌ای می‌رسد که خداوند عالم، ملائکه را هم نشین ایشان می‌گرداند.

امام رضا (ع):

آن گاه که قائم قیام کند، خداوند فرشتگان را می‌فرماید که بر مومنان سلام نمایند و با آنان در مجالسشان هم

نشین گردند

عمار سبابلی می‌گوید: به امام صادق (ع) گفتم: فدایت گردم چرا ما در این زمان آرزو کنیم که از یاران امام قائم

در دوران آشکاری حق باشیم و حال آن که ما در این روزگار که در دوران امامت شما بسر می‌بریم کارهایمان

افضل از اعمال یاران دولت حق است؟

امام فرمود: سبحان الله، دوست ندارید که خدای بزرگ حق و عدالت را در آبادی‌ها آشکار سازد و حال عموم مردم

را بهبود بخشد و وحدت کلمه پدید آید و افکار نا سازگار را سازگار کند و خدای در زمین معصیت نشود.

فصل هفتم

زمینه سازی ظهور در ایران

الف) نفوذ معنوی امام رضا (ع) در ایران

از ابتدای ظهور اسلام در کشور عربستان، ایرانیان از اولین اقوامی بودند که به دین مبین اسلام گرویدند. اسناد

تاریخی و روایات معصومین (ع) نیز گواهی این مطلب می‌باشد. اما نکته قابل توجه اینجاست که احادیث نبوی در



ستایش ایرانیان، در منابع اهل سنت بسیار بیشتر از منابع شیعی است. در کتاب صحیح مسلم ۲ روایت در این رابطه وجود دارد.

مسلم از ابوهریره روایت می کند :

هنگامیکه سوره جمعه نازل شد، ما نزد رسول خدا (ص) نشسته بودیم. وقتی حضرت این آیه را خواند ( و آخرین منم لما يلحقوا بهم .... و کسانی که هنوز به ایشان نپیوسته اند) شخصی پرسید: یا رسول الله منظور آیه چه کسانی هستند؟ حضرت پاسخی نداد تا دوباره و سه باره سوال تکرار شد. سلمان فارسی هم آن جا بود، حضرت دست به شانه سلمان گذاشت و فرمود: اگر ایمان در ثریا هم باشد مردانی از اینان به آن خواهند رسید.

همچنین ابو نعیم از ابن عباس روایت می کند: نزد رسول خدا از ایرانیان سخن به میان آمد، حضرت فرمود: ایرانیان پشتوانه ما اهل بیت اند.

سرزمین ایران در بین کشورهای اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین پایگاههای شیعی بوده است. در این مجال به بررسی سیر تاریخی ورود تشیع به ایران می پردازیم.

## ایران جاده ولایت

مذهب تشیع، مذهبی که اعتقاد به امامت علی و یازده فرزندش را رکنی اصیل در ایده خود می داند، از کوفه طلوع کرد. زیرا کوفه محل حکومت امیرالمومنین و مجمع شیعیان و یاران حضرت بوده است. این مذهب تا مدتی پس از قیام شیعیان به رهبری مختار در کوفه، بر ایرانیان تاثیری نگذاشت.

هاشمیه یکی از حرکات فرقه ای که از درون این قیام بر آمد، اولین فرقه شیعی بود که پیام انقلابی خود را در ایران منتشر ساخت. پس از آن مرحله جدید توسعه شیعه با نشر معارف بلند آن از سوی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شروع شد. بیشترین پیروان این دو امام اهل کوفه بودند، اما تشیع در حیات امام صادق (ع) در قم انتشار یافت. لذا شهر قم را باید نخستین شهر شیعی دانست که به نام ایران شناخته می شود.

با رونق یافتن مذهب شیعه در قم و پس از گذشت حدود ۳ قرن یعنی قرن ۶ این مذهب به طور گسترده در جای جای ایران پراکنده شد. پس از قم، شهر طوس پایگاه بعدی شیعیان بود که آن هم از زمانی که امام هشتم (ع) در آن جا دفن شد رخ داد.

با بررسی عوامل گسترش مذهب تشیع در ایران، علت کثرت شیعیان در ایران نیز مشخص می‌شود. از مهم ترین عوامل گسترش تشیع در ایران می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد.

۱- ظلم و ستم گسترده‌ایی که خلفای اموی و عباسی بر سر شیعیان بویژه علویان روا داشتند. سبب گردید که آنان به سمت ایران هجرت کنند. چون مردم ایران به گرمی از آنان استقبال و پذیرایی می‌کردند.

۲- محبوبیت علویان به جهت مبارزه با ظلم و ستم: این محبوبیت از دلایل اصلی نفوذ تشیع در مناطق مختلف است.

۳- ولایتعهدی و مهاجرت امام رضا (ع) به خراسان

۴- مهاجرت برخی از امام زادگان به ایران همانند حضرت معصومه به شهر قم

۵- امنیت فرهنگی و اجتماعی شهر قم

۶- زهد و تقوای علمی و عملی شیعیان و در راس آنان علویان و ائمه

با وجود عوامل متعدد در گسترش تشیع در ایران ولیکن جایگاه و اهمیت مهاجرت امام رضا (ع) به ایران که برکات ارزشمندی برای ایرانیان در پی داشت که از جمله مهمترین آنها رونق و گسترش مذهب تشیع بود ابتدا به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

عوامل گسترش تشیع در ایران

الف) هجرت تاریخی امام رضا (ع) به ایران

بعد از سقوط خلافت بنی امیه در ایران و سایر سرزمین‌ها، در اثر عوامل مختلفی مانند اقدامات ظالمانه، بی عدالتی و از بین بردن آثار دینی، خلافت جدید به سرکردگی بنی عباس با شعارهای بظاهر نو در جامعه پدید آمد. خراسان در زمان حکومت امویان بدلیل دوری از مرکز خلافت به پایگاهی برای مخالفین سیاست تبدیل شده بود. بطوریکه ابومسلم خراسانی که از مخالفان سر سخت بنی امیه بود. از نارضایتی مردم، بخاطر ظلم و ستم امویان به آنها و نظریه برتری نژادی عرب بر عجم بهره گرفته و از آتش پنهانی که سالها در زیر خاکستر بود. سود جسته و قدرت را از چنگ امویان ربود و به عباسیان سپرد. از این رو سرزمین خراسان اولین طلیعه دار حکمرانی عباسیان شد.

با توجه به موقعیت ویژه خراسان و اینکه مامون، مرو را به عنوان پایتخت خلافت خود برگزید. به بررسی ابعاد مختلف خلافت مامون می پردازیم.

## خلافت مامون

مامون عباسی پس از کشتن برادرش امین در سال ۱۹۸ هجری به خلافت رسید و رهبری مسلمین را در مرو بعهده گرفت. وی از لحاظ شهامت و بزرگ منشی با توجه به علم و حکمتی که داشت ستاره درخشان بنی عباس بود.

پیروزی مامون بر برادرش امین در حقیقت غلبه ایرانیان بر ضد اعراب بود. چرا که پس از این پیروزی فضل بن سهل خراسانی به وزارت مامون انتخاب شد.

با توجه به خدمات ارزنده‌ایی که مردم خراسان به مامون کردند و موجبات رسیدن وی به خلافت را فراهم نمودند. مامون در خراسان ماند و مرو را پایگاه خلافت خود کرد. حضور مامون در خراسان و در میان ایرانیها از یکسو و تلاش خراسانیان در رساندن مامون به قدرت از سوی دیگر زنگ خطری بود برای اعراب که نکند روزی خلافت عرب به پادشاهی عجم منجر شود. مامون حتی برای خود وزیری ایرانی برگزید. از این رو خراسانیها به خاطر

اینکه مادر مامون هم ایرانی بود بوی علاقه داشتند. چنانکه خدمات خراسانیها به مامون در روی کار آمدن و همچنین مغلوب کردن برادرش امین زبازد خاص و عام بود.

مامون پس از کشتن برادر، همه مشکلات خود را حل شده می‌دید و حتی می‌پنداشت که دیگر با مشکل خاصی مواجه نخواهد شد. غافل از اینکه با کشته شدن امین بر مشکلاتش افزوده شد.

سیاست مامون اینگونه بود که حکومتش را بر اساس شرع مقدس اسلام توصیف میکرد. او خود را خدمتگزار به اسلام می‌دانست و برای مردم نیز چنین وانمود میکرد که دوستدار چیزی است که آنان دوست دارند و متنفر از چیزی است که آنان از آن بیزارند و با دادن این شعارها شوری در دل مردم بویژه اهالی خراسان ایجاد کرد. بطوریکه مردمی که در دوره پدرش از ظلم و ستم به ستوه آمده بودند. مامون را منجی خود می‌دانستند و می‌پنداشتند تسلط اعراب بر ایران خاتمه یافته است و لیکن بر خلاف انتظارشان ادامه بی عدالتی و اندیشه متعصبانه عرب بر عجم ادامه یافت و همین موضوع سبب شد که مردم خیلی زود از مامون روی بر گردان شدند و تنها راه نجات و ایجاد جامعه‌ای متعالی همراه با عدالت اجتماعی را در سایه حکومت فرزندان علی می‌دیدند و خراسان که اولین پایگاه حکومت عباسیان بود خیلی زود به کانونی برای مخالفان سیاسی و مذهبی عباسیان بدل شد.

دلایل زیر از عوامل اصلی رویگردانی خراسانیها از مامون بود.

۱- فراموش کردن وعده‌هایی که مامون داده بود.

۲- جنگهای خونین امین و مامون و رفتاری که از مامون نسبت به برادر و همچنین پیروانش دیده بودند.

۳- ظلم و ستم و جنایات مامون نسبت به مردم که اوج این ظلم و ستم نیز نهایتاً منجر به شهادت امام رضا (ع) شد.

در اثر این مشکلات مامون که فردی زیرک و مکار بود برای خاموش ساختن این قیام‌ها و نزدیک شدن دوباره به مردم و تثبیت پایه‌های لرزان حکومت خود به شخصیت امام رضا (ع) که محبوبیت زیادی در بین علویان داشت تکیه کرد و ایشان را از مدینه به مرو دعوت نمود. تا با طرح واگذاری خلافت و یا ولایتعهدی به شخصیتی مانند امام رضا (ع) از شورش علویان بکاهد. پیداست که تفویض خلافت و یا ولایتعهدی به امام فقط یک تاکتیک

حساب شده سیاسی بود وگرنه کسی که برای حکومت برادر خود را به قتل رسانده بود و در زندگی خصوصی از هیچ فسق و فجوری ابا نداشت. ناگهان چنین متدین نمی شود که از خلافت و سلطنت بگذرد. بهترین شاهد مکر و تزویر مامون نیز پذیرفتن خلافت از سوی امام است. چرا که اگر مامون در گفتار و کردار خود صادق بود. هرگز امام از بدست گرفتن زمام خلافت که جز امام هیچکس صلاحیت آن را نداشت طفره نمی رفت. در کتاب ارشاد شیخ مفید آمده است. مامون امام را نزد خود طلبید. مامون با این مطلب تلویحا امام را تهدید به مرگ کرد و امام به اجبار ولایتعهدی را پذیرفت و فرمود: ولایتعهدی را می پذیرم به شرط آنکه در امر حکومت امر ونهی نکنم. به فتوا دادن و قضاوت نپردازم. کسی را عزل و نصب نکنم و چیزی را تغییر ندهم.

انگیزه‌های مامون از ولایتعهدی امام رضا (ع)

از مهم ترین دلایل مامون برای این کار می توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- ۱- فرو نشاندن قیامهای علویان
- ۲- متهم کردن امام به ریاست طلبی و دنیا طلبی
- ۳- جلب نظر ایرانیان
- ۴- کنترل دقیق امام رضا (ع)
- ۵- مشروعیت بخشیدن به خلافت خود از طریق امام
- ۶- خلع سلاح امام رضا (ع)
- ۷- نزدیکی به امام رضا (ع)

اهمیت سفر تاریخی امام رضا (ع) به ایران

در میان انبوه تحولاتی که در تاریخ ایران و اسلام صورت گرفته است، بدون شک سفر علی ابن موسی الرضا (ع) به ایران یکی از بزرگترین حوادثی بوده است که تاریخ این سرزمین تاکنون به خود دیده است.

اصولاً حوادث روزگار امامت علی بن موسی الرضا(ع) یکی از حوادث حائز اهمیت در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع بوده و هست. این که برخی محققان، این دوره را با حماسه عاشورا و گروهی آن را با نرمش قهرمانانه امام حسن و جمعی دیگر آن را با موقعیت امام سجاد و گروهی نیز آن را با انقلاب فکری و فرهنگی صادقین مقایسه و شبیه می‌دانند، نشان دهنده همین اهمیت خاص و چند بعدی بودن وضعیت آن مقطع تاریخی و پیامدهای آن دعوت سیاسی بوده است.

سیاست‌های امام برای سفر به خراسان

سیاست امام برای سفر به خراسان تنها در افشای سیاستهای منافقانه مامون محدود نمی‌شد. بلکه در این هجرت هدفهای دیگری نیز دنبال شد.

اهداف امام رضا (ع) از سفر به ایران

- ۱- برقراری پیوند با ایرانیان متمایل به تشیع
- ۲- تبدیل خراسان به کانون تشیع و مرکز عمده تمرکز شیعه
- ۳- کاهش فشار بر علویان و دوستداران امام
- ۴- وارد شدن امام به صحنه سیاست پس از سالها دوری امامان و اهل بیت از حکومت
- ۵- تحقق نیافتن اهداف مامون در پی ولایتعهدی امام رضا (ع) و تلاش برای از بین بردن ایشان
- ۶- تلاش برای تحکیم مبنای شیعه
- ۷- اعلام عدم مشروعیت دستگاه خلافت مامون از سوی امام با اینکه حضرت در منصب ولایتعهدی قرار داشت.
- ۸- تلاشهای وسیع حضرت در جریان مناظره با ادیان مختلف در بیان داشتن توحید و معرفی آن

بنابراین چون از نگاه شیعه، گفتار و رفتار معصوم، حجت و برهان شرعی است، از این رو سفر امام رضا (ع) سفری معنوی نبود، بلکه هجرتی تکلیف مدار و هدفمند، به انگیزه آشکار سازی مکر و حيله دشمنان بود. از این رو در پذیرش ولایتعهدی امام رضا (ع) می توان به این نکته رسید که امام رضا (ع) خود را با دو واقعیت روبه رو دیدند.

۱- مرگ خاموش و کم اثر در مدینه توسط عوامل خلافت

۲- افشای تزویر پسرهارون الرشید و بر ملاکردن ادعای دروغین او مبنی بر علاقه به فرزندان پیامبر و تمایل به بازگرداندن خلافت به ایشان که این کار تنها در پرتو شهادت در مرو میسر می شد.

لذا با بررسی کلیه جوانب حضرت ولایتعهدی را با شرایطی پذیرفتند.

از جمله دلایل قبول ولایتعهدی از سوی امام این بود که بدین طریق زمینه حضور اهل بیت در صحنه سیاست که سالها از آن محروم بودند فراهم شود تا در نتیجه مردم گمان نکنند. آنها فقط عالم و فقیه اند و نمی توانند حکومت و زمامداری کنند که این موضوع یکی از اهداف مهم حضرت بود. امام در پاسخ به سوال ابن عرفه که گفت: چه چیزی شما را مجبور به پذیرش ولایتعهدی مامون کرد. پاسخ داد: همان چیزی که جدم امیرالمومنین را واداشت که در شورای شش نفری شرکت نماید.

بزرگان شیعه از قبیل سید مرتضی و شیخ طوسی نیز این قبول را همانند دانسته اند با ورود امام علی (ع) در شورای پس از خلیفه دوم. یعنی به منظور احقاق حق تا آنجا که بشود صاحب حق از هر راه سببی مشروع و غیر قبیح حق خویش را بطلبد. به ویژه اگر این حق تکلیف شرعی او باشد. زیرا در این صورت طلب حق و تحمل مشکلات در راه آن واجب می شود.

بنابراین اگر امام ولایتعهدی مامون را نمی پذیرفت امت اسلامی گمان می کرد که ائمه نمی خواهند حاکمیت در اختیار آنان باشد. به سخن دیگر مردم در آن صورت می پنداشتند که حکومت امری جدای از دین است و با هم بودن دین و سیاست مورد پذیرش اسلام نیست. امام در واقع با این کار عملاً این اندیشه را در هم شکستند.

موضع گیری امام رضا (ع) پس از پذیرش ولایتعهدی در مقابل مامون

۱- امام تا وقتی در مدینه بود از پیشنهاد مامون سر باز زد تا به همه معلوم بدارد مامون دست بردار نیست و دعوت مامون از ایشان به مرو به اجبار بود نه خواست حضرت.

۲- با اینکه مامون گفته بود حضرت هر که را می خواهد با خود به مرو بیاورد حضرت حتی فرزندش جواد را هم نیاورد.

۳- امام با اینکه ولایتعهدی را پذیرفت هیچ گاه حکومت را به رسمیت نشناخت و فرمود: من در عزل و نصب احدی دخالت نمی کنم و رسمی را تغییر نمی دهم و سنتی را نمی شکنم. نه فتوا می دهم و نه داوری می کنم.

جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا از مدینه تا مرو

مسیری که مامون برای انتقال امام رضا (ع) از مدینه به مرو انتخاب کرده بود، از دیدگاه جغرافیایی بسیار زیرکانه بود. یکی از راههایی که برای رفتن به مرو، در آن زمان معمول بود، حرکت از مدینه به سمت کوفه و مدینه السلام (بغداد) بود و سپس از آن جا به سمت ری، قم و خراسان که در نهایت به مرو منتهی می شد. این مسیر از ۳ شهر حساس کوفه، بغداد و قم می گذشت.

در آن زمان شهر کوفه مرکز تجمع شیعیان و پایگاه علویان محسوب می شد و همواره شاهد قیامها و نهضت‌های علویان بر ضد حکام بنی امیه و بنی عباس بود، بغداد هم در سیطره عباسیان بود و در درگیریهای میان مامون و امین تبدیل به کانون توطئه بر ضد مامون شده بود.



شهر قم نیز از معدود شهرهای ایران بود که دارای تمایلات شیعی بوده و محبت به خاندان علی ابن ابی طالب در آن موج میزد. به جهت حساسیت و موقعیت ویژه این ۳ شهر بود که مامون مسیری را برای حرکت امام رضا (ع) انتخاب کرد تا حضرت از این شهرها عبور نکنند.

بر طبق اسناد تاریخی مسیر حرکت امام رضا (ع) از مدینه به مرو، از سمت بصره بوده است. که پس از آن حضرت وارد اهواز شده‌اند. از جزئیات مسیر حرکت امام و مکانهایی که حضرت در آن توقف فرمودند. منابع زیادی در دسترس نیست. اما آنچه اهمیت دارد، اینکه مامون دستور داد، حضرت را از راه کوهستان و قم منتقل نکنند بلکه از مسیرهایی حرکت دهند که شیعیان کمتری در آن شهرها حضور دارند. صدوق در عیون اخبار الرضا به سند خود از رجاء ابن ابو ضحاک نقل کرده است که گفت: مامون مرا مامور آوردن علی ابن موسی الرضا از مدینه کرد و به من دستور داد که وی را از راه بصره و اهواز و فارس بیاورم نه از راه قم.

پس از اهواز، حضرت عازم فارس شد و بعد از عبور از شهر کویری یزد حرکت به سمت خراسان را ادامه دادند. کلینی نیز روایت کرده است که مامون به امام رضا (ع) نوشت راه جبل (کرمانشاه) و قم را در پیش نگیر. بلکه از راه بصره و اهواز و فارس بیا و در روایت صدوق است که مامون به امام رضا نوشت از راه کوفه و قم حرکت مکن. پس امام از راه بصره و اهواز و فارس آمد. همچنین حاکم در تاریخ نیشابور می‌نویسد: مامون امام رضا را از راه مدینه به بصره سپس به اهواز و فارس و از آنجا به نیشابور و بالاخره به مرو آورد.

#### واقعه تاریخی نیشابور

امام رضا (ع) در ادامه مسیر، در شهر نیشابور توقفی داشته‌اند، واقعه‌ایی که در نیشابور روی داد. بی شک واقعه ناخوشایندی برای دستگاه حکومتی به شمار می‌آمد. چرا که به رغم تلاش مامون در انتخاب مسیر حرکت امام، هنگامیکه حضرت به نیشابور رسیدند. با استقبال بی سابقه‌ایی مواجه شدند و شیعیان عاشقانه در اطراف ایشان گرد آمدند و خواستار شنیدن حدیثی از حضرت شدند. در کتاب فصول المهمه نوشته ابن صباغ مالکی آمده است که مولف تاریخ نیشابور در کتابش نوشته است: چون علی بن موسی الرضا در همان سفری که به فضیلت شهادت نایل آمده به نیشابور قدم نهاد. در هودجی پوشیده و بر استری سیاه و سفید نشسته بود. شور و غوغا در نیشابور

بر پا شد. پس دو پیشوای حافظ احادیث نبوی ابو زرعه رازی و محمد بن اسلم طوسی که عده بی شماری از طالبان علم و محدثان و راویان و حدیث شناسان آن دو را همراهی می کردند. نزد امام رضا(ع) آمده و عرض کردند: ای سرور بزرگ و فرزند امامان بزرگ به حق پدران پاک و گرامی ات نمی خواهی روی نیکو و مبارک خود را به ما نشان دهی و برای ما حدیثی از پدران روایت کنی؟ ما تو را سوگند می دهیم. پس امام خواستار توقف استر شد و به غلامان دستور داد پرده از هودج کنار زنند. چشمان مردم به دیدار چهره مبارک آن حضرت منور گردید. گروهی فریاد زده و دسته ای می گریستند. صدای ضجه و فریاد بالا گرفته بود. پس علما و فقها فریاد زدند: ای مردم بشنوید و به خاطر بسپارید و سکوت کنید. ابوزرعه و محمد بن اسلم طوسی در صدد املائی حدیث بودند. پس علی ابن موسی الرضا فرمود: حدیث کرد مرا پدرم موسی کاظم از پدرش جعفر صادق از پدرش محمد باقر از پدرش علی زین العابدین از پدرش حسین از پدرش علی ابن ابیطالب که گفت: عزیزم و نور چشمانم رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل حدیث کرد مرا و گفت شنیدم پروردگار می فرماید: کلمه لا اله الا الله دژ من است. هر که آن را بگوید به دژ من وارد گشته است و آن که به دژ من وارد شود از عذاب من ایمن است. پس نویسندگانی که این حدیث را نوشتند شماره کردند افزون بر بیست هزار نفر بودند. (سیره معصومان ۵ / سید محمد امین / ترجمه علی حجتی کرمانی)

بنابراین در همین محل بود که امام رضا(ع) برای اجابت تقاضای مردم و طالبان علم، حدیث قدسی بسیار مهمی که از پدرانشان به ارث برده بودند. بیان فرمودند. حضرت با بیان حدیث (سلسله الذهب) در واقع حقانیت خود و خاندان خویش را در برابر سلطه بنی عباس گوشزد کردند.

این حدیث با اختلاف ناچیزی مربوط به شرایط و اوضاع و احوال املاء شده است. در منابع کهن چون تاریخ نیشابور و توحید صدوق و عیون اخبار الرضا و امالی شیخ مفید، زبع الابرار زمخشری، فصول المهمه ابن صباغ مالکی، کشف الغمه اربلی و در منابع جدیدتر چون کنز العمال متقی هندی، بحار الانوار مجلسی این حدیث نقل شده است.

در بحارلانواری و عیون اخبار الرضا متن حدیث اینطور آمده است :

« کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی »

حضرت شرط وارد شدن در حصن خدا را امامت و ولایت خود و خاندانش بر شمرده و فرمودند که البته این مطلب شروطی دارد ( انا من شروطها) که پذیرش ولایت من از جمله شروط آن است.

امام با این حدیث مساله ولایت و رهبری را با توحید و یکتا پرستی در هم آمیخته است و نه تنها رهبری خود را از شرطهای توحید و یکتا پرستی معرفی نموده بلکه اسنادی را نیز که در آغاز متن حدیث بیان فرموده از شروط توحید معرفی کرده است و به مردم فهمانده که پذیرفتن ولایت یکایک امامان معصوم از شرطهای یکتا پرستی است و با بیان این حدیث خلافت مامون را زیر سوال برده است.

در ادامه مسیر، آخرین منزلگاه حضرت مرو بود. هنگامیکه حضرت وارد مرو شدند. مورد استقبال با شکوهی قرار گرفته و مامون در تعظیم ایشان بسیار کوشید. مهم ترین اتفاق نیز در مرو، همانا پذیرش ولایتعهدی امام بود که اشاره شد این پذیرش از طرف امام در اثر فشارهای فراوان و تهدیدهای مامون صورت گرفت.

شهادت امام رضا (ع)

در نهایت و پس از جریان ولایتعهدی حضرت و ماجراهای فراوان پس از آن وقتی مامون با این دسیسه نتوانست به اهداف پلید خود دست یابد. حضرت را در ۲۸ صفر سال ۲۰۳ هجری قمری مسموم کرده و به شهادت رساند. شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا و نیز مفید در ارشاد روایاتی نقل کرده اند مبنی بر آن که مامون امام را مسموم ساخت و به شهادت رساند.

پس از شهادت امام رضا(ع)، قبر مطهر آن حضرت کانون توجه محبین اهل بیت و شیعیان از سرتا سر جهان قرار گرفت که تا این تاریخ هر روز به تعداد مریدان و علاقمندان به این آستان رضوی افزوده می شود.

نقش شاگردان امام رضا (ع) نیز از دیگر علل گسترش مذهب تشیع پس از شهادت ایشان بوده است. شاگردان حضرت در گسترش روایات آن بزرگوار و حدیث نقش به سزایی داشته‌اند و حلقه‌های علمی آن حضرت در گسترش فعالیت‌های شیعه و انتقال به سایر نقاط بسیار موثر بوده است. بطوریکه در ایران امامت امام رضا (ع) به نوعی اوج فرهنگ علمی محسوب می‌شده است.

اسامی چند تن از اصحاب و شاگردان حضرت به شرح ذیل است:

ابراهیم بن محمد اشعری، زکریا ابن آدم، یونس بن عبد الرحمان، صفوان بن یحیی، احمد بن بزنی  
این عده در عصر خود به عنوان کارشناسان فقه و حدیث شیعه شناخته شده بودند. بطوریکه تشخیص آنان در صحت و سقم یک روایت برای راویان دیگر معتبر بوده است. آنها به اصول و قواعد استدلال آشنا بودند و زمانی که دسترسی به امام ممکن نبود به عنوان نمایندگان امام به نشر فقه و حدیث مبادرت می‌کردند و پاسخگوی سوالات شیعیان بودند.

مناظرات امام رضا (ع) نیز در جهت کشف حقایق دین بسیار راه گشا بود. چرا که هدف این مناظرات در واقع پاکسازی عقیده اسلامی از انحرافات بود.

تعداد راویان از حضرت نیز بیانگر نقش امام در راه تعالیم اسلامی بوده است.

بر اساس اطلاعات شیخ طوسی، تعداد این راویان ۳۱۷ تن بوده‌اند، که این تعداد همین طور می‌تواند نشانگر بسط دانش و فرهنگ شیعه در خطه خراسان باشد.

تعداد روایات باقی مانده از امام نیز گواهی تلاش علمی ایشان در جهت گسترش مذهب شیعه است. تعداد روایات منقول از امام رضا (ع) که در کتب شیعه استخراج شده ۲۳۱۲ روایت می‌باشد. البته این رقم شامل تمام احادیث نمی‌باشد. زیرا در کتب اربعه بیشتر احادیث فقهی جمع آوری شده است. بنابراین احادیث دیگری از ایشان در کتابهای شیخ صدوق وجود دارد که به کتب اربعه راه نیافته است.

بنابراین بعد از شهادت آن حضرت خط فکری و سیره عملی ایشان در ترویج تشیع و رفع حملات گوناگون از آن با فداکاری و کوشش دست پروردگان حضرت ادامه یافت و از این رو خراسان همچنان به عنوان محل امن شیعیان و سرزمین شیعه پرور در فضای تشیع به حیات خویش ادامه می‌دهد.

پس از بررسی واقعه تاریخی هجرت امام رضا (ع) به ایران که موجی از گرایش‌ها به مذهب تشیع و محبت به اهل بیت را در پی داشت، به بررسی عوامل دیگری که باعث کثرت شیعیان و گسترش مذهب شیعه در ایران شده می‌پردازیم.

## ب) مهاجرت امام زادگان به ایران

بنابر استناد به منابع تاریخی، مهاجرت امام زادگان به این منطقه بر اثر ۲ عامل صورت گرفته است.

۱- تشیع در تاریخ اسلام از همان ابتدا مظهر عینی حقانیت و مظلومیت بود. پیامبر اکرم (ص) و خاندان پاکش نیز وجود پر برکت خود را در این مسیر وقف نموده و نهایتاً نیز در دفاع از کیان اسلام به شهادت رسیدند. فرزندان و نوادگان ائمه اطهار نیز در زمان حیات خود در ادامه مسیر اجداد خویش مورد ظلم و جور خلفای اموی و عباسی قرار داشتند، بطوریکه در دوره عباسیان شکنجه و دستگیری سادات و علویان شدت یافت و تمام فشار حکام ستمگر، روی مناطق حجاز و عراق یعنی دو کانون اصلی مبارزه متمرکز گردید. لذا مهاجرت و اختفای آن بزرگواران به سوی مناطق امن تر آغاز شد.

بنابراین این گروه از امام زادگان به منظور مبارزه با ظلم و تبلیغ تعالیم اسلامی به مناطق مرکزی و شمالی ایران هجرت نمودند.

۲- گروه دیگری از امام زادگان پس از مهاجرت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از مدینه به خراسان و به دلیل ستم‌هایی که بر آنان می‌شد. مجبور به ترک موطن خود شدند و به ایران آمدند که عده‌ایی در این مسیر بر اثر تعقیب دشمنان اسلام به شهادت رسیده و مرقد آن بزرگواران در اقصی نقاط ایران به ویژه مناطق کوهستانی و دور دست از پراکندگی بسیار زیادتری برخوردار است.

نگاهی به تاریخ در این زمینه به روشنی نشان می‌دهد که فراگیری تشیع در شهرها و روستاهای ایران پیوندی عمیق با مهاجرت علویان در دوره‌های خلافت بنی امیه و بنی عباس داشته است که در این میان مهاجرت گسترده امام زادگان بویژه فرزندان امام موسی کاظم (ع) پس از آمدن امام رضا(ع) به ایران و پذیرش ولایتعهدی از درخشش بیشتری برخوردار است. لذا یکی از برجسته ترین مهاجرت امام زادگان به ایران همین مقطع تاریخی است. این امام زادگان چه با حضور ماندگار و چه با شهادت مظلومانه خود توانستند بذره‌های تشیع را در ایران پراکنده تر نمایند. و زمینه رشد و گسترش آن را نهادینه کنند. البته نباید از این موضوع غافل شد که هجرت امام رضا (ع) به ایران و مدت زمانی که حضرت در خراسان به عنوان ولیعهد به هدایتگری مشغول بودند. از علل اصلی نفوذ و گسترش تشیع در ایران است. بطوریکه پس از شهادت ایشان، قبر حضرت از جهات بسیاری سبب گسترش مذهب تشیع شده و آستان مقدس ایشان همواره مورد توجه مسلمانان اعم از شیعه و سنی بوده است. بنابراین امام زادگان در سطحی محدود تر چنین نقشی را ایفا کرده و زیارتگاههای آنان، نشانه‌ها و بیرقهای برافراشته تشیع به شمار می‌رفته است.

با توجه به مطالب گفته شده، سیر گسترش تشیع در ایران را بدون توجه به مهاجرت و حضور امام زادگان نمی‌توان بررسی کرد و به نتایج درستی رسید. بعلاوه اینکه وجود ۸ هزار امام زاده و ارتباط تنگاتنگ مردم با این زیارتگاهها، همواره نقشی برجسته در ارتقا و نفوذ هر چه بیشتر فرهنگ مذهبی و ترویج مراسم و مناسک دینی در جامعه ایران ایفا کرده است.

از این رو لازم است به بررسی بیشتر برخی از این امام زادگان که اثر عمیق تری در نفوذ تشیع داشته‌اند، بپردازیم. که اشاره شد فرزندان امام موسی کاظم (ع) نقش پر رنگ تری در این قضیه داشته‌اند.

فرزندان امام کاظم(ع) مشعلداران رسالت علوی در ایران

در میان امامان معصوم، بعد از امام علی(ع) امام موسی کاظم(ع) با ۳۷ فرزند بیشترین اولاد را داشته‌اند. در باب کثرت فرزندان امام کاظم (ع) می‌توان احتمال داد که پس از قتل عام و کشتارهای فراوان سادات علوی و بنی الحسن در زمان بنی امیه به وسیله حاکمان، سیاست ازدیاد نسل نوادگان پیامبر و امام زادگان، از سوی امام کاظم

(ع) دنبال شده باشد و کثرت فرزندان امام هفتم می‌تواند. قرینه‌ای براین احتمال به شمار آید. نکته جالب توجه آن است که به دنبال زندانی شدن امام کاظم که از ۴ سال تا ۱۴ سال گفته شده است. سرپرستی خانواده‌ایشان برعهده امام رضا (ع) فرزند ارشد ایشان گذاشته شد.

امام رضا (ع) نیز که با وجود تاهل تا آخرین دهه زندگی پر برکت خود فرزندی نداشت. بیشتر خانواده پدر بزرگوارشان را سرپرستی می‌کرد. با توجه به وصیت امام کاظم (ع) مبنی بر اینکه امام رضا (ع) باید سرپرست خانواده حضرت باشند، موقعیت امام رضا (ع) به عنوان بزرگتر خاندان موسوی مشخص می‌شود. این وظیفه به جز شان رهبری امت بود که هر امامی به عنوان پدر معنوی نسبت به امت دارد. از این رو چنین سفارشی را در میان سایر امامان مشاهده نمی‌کنیم که امامی سرپرستی فرزندان و خانواده به خصوص دختران و زنان خویش را به امام پس از خود واگذار کرده باشد، کثرت اولاد و سالهای زندانی و حبس، چنین موقعیت دشواری را برای امام کاظم (ع) در پی آورده و موجب شده بود تا آن حضرت اختیار کامل خاندان را به فرزند برومندش امام رضا (ع) واگذارد. این زمینه خانوادگی نیز سبب شد تا هنگامیکه امام رضا (ع) به دعوت مامون به ایران سفر کرد و مدتی در مرواقامت گزید، خواهران و برادران آن حضرت به طور گسترده‌ای به ایران مهاجرت کرده و به شوق دیدار برادر و امام و سرپرست خویش، رنج سفر از مدینه تا مرو را بر خود هموار کنند. که بی شک از بزرگترین و موثرترین این امام زادگان، وجود مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) است.

حضرت فاطمه معصومه (س)

در راس فرزندان امام کاظم (ع) کسی که برای دیدار برادر به ایران مهاجرت کرد. ولی به خاطر بیماری و یا دشمنی دشمنان، موفق به زیارت برادر بزرگوار خودنش، حضرت فاطمه معصومه (س) ملقب به کریمه اهل بیت است. این بانو، پس از آمدن امام رضا (ع) به ایران به همراه جمعی از سادات موسوی از مدینه به طرف ایران آمد و چون به ساوه رسید بنا به روایتی بیمار شد. لذا قصد قم کرد. پس از ورود حضرت به قم، هنوز ۱۷ روز از اقامت ایشان نگذشته بود که دارفانی را وداع گفتند. مرقد مطهر این بانوی کریمه در قم باعث شده که این شهر از بزرگترین و موثرترین شهرهای مذهبی تشیع در ایران قرار گیرد.

امام زاده شاهچراغ (ع)

یکی دیگر از مهاجرت‌ها در زمان حضرت امام رضا (ع) هجرت احمد بن موسی بود. امام زاده احمد بن موسی معروف به شاهچراغ پس از آمدن امام رضا (ع) به ایران تصمیم گرفت به شوق دیدن برادر در خراسان خدمت امام برسد. سادات موسوی و بنی‌هاشم که از تصمیم وی مطلع شدند، گروه زیادی با او حرکت کردند، مامون که از حرکت سادات با خبر شد، به هراس افتاد و به تمام حکام و استانداران مسیر خراسان نوشت که از آمدن سادات جلوگیری کنند. از این رو حاکم شیراز با احمد و همراهان او درگیر شد و سرانجام این نبرد با شهادت احمد و تعدادی از همراهان و پراکنده شدن جمعی دیگر از آنان به پایان رسید. هم اکنون نیز مرقد این بزرگوار در شیراز محل زیارت محبین اهل بیت (ع) می‌باشد.

قابل ذکر است که بیشترین مزار فرزندان امام کاظم (ع) در استان مرکزی و در شهرهایی چون کاشان و محلات و خمین واقع شده است.

یادگارهای امام کاظم (ع) قرن‌هاست. سرزمین ایران را با قدوم خود متبرک کرده و فریاد مظلومیت امامان شیعه و مکتب آنان را در گوش زمان و زمین سر داده‌اند. مردم ایران نیز با استقبال از آنان و ساختن بارگاه برای آنها، ارادت خود را به اهل پیامبر در طول تاریخ نشان داده‌اند و هم اکنون نیز این زیارتگاهها مراکزی فرهنگی و مذهبی هستند که اهداف آن بزرگواران را دنبال می‌کنند.

در بین این مراکز مذهبی، شهر قم با استناد به روایات اهل بیت از جایگاه حساس و ویژه‌ای نسبت به سایر شهرها برخوردار بوده که این موقعیت مهم تا الان نیز همچنان به قوت خود باقی است. اینک به بررسی این مطلب می‌پردازیم.

(ج) ایران پایگاه نشر معارف شیعی

(الف) قم اولین پایگاه تشیع در ایران



شهر قم که اولین مرکز تشیع در ایران بوده است ، پیشینه تشیع آن به ربع آخر قرن اول هجری باز میگردد . بطوریکه در مقطعی که ایران هنوز گرفتار کشمکش بین پذیرش اسلام و باقی ماندن بر دین آبا و اجدادی خود بود . اما قم مشی مذهبی خود را برگزیده بود .

این شهر در سال ۲۳ هجری قمری بدست سپاه اسلام به فرماندهی ابوموسی اشعری فتح شد ، از همین رو خاندان اشعری ، اولین و بزرگترین قبله عرب بود که در قم منزل گزید. در آغاز سال ۹۳ هجری قمری نیز دسته‌ای از اعراب شیعه مذهب از ستم خلفای اموی به قم پناهنده شدند .

از جمله اتفاقات مهم که در سده‌های اولیه اسلام در شهر قم رخ داد. مهاجرت بسیاری از سادات و فرزندان حضرت رسول (ص) به این شهر و اشاعه مذهب تشیع بود . مرکزیت مذهبی شهر قم که از زمان حضرت امام صادق (ع) تا کنون ادامه دارد سبب شد تا در قرن دوم و سوم هجری قمری بسیاری از محدثان شیعه از این شهر برخیزند یا در آن اقامت کنند . علت این امر سختگیری‌های زیادی بود که در شهرهای مختلف نسبت به طرفداران خاندان پیامبر روا می‌داشتند. در حالیکه این شهر یک محیط شیعه نشین صرف و تا حدود زیادی از دخالت مستقیم خلفا بدور بود.

در نیمه دوم هجری قمری قم و حوزه دینی آن به تدریج جایگزین حوزه دینی کوفه شد. از این رو از حوزه دینی قم باید به عنوان قدیمی ترین مرکز نشر شیعه نام برد که تا کنون باقی مانده است .

از سوی دیگر ، رحلت حضرت معصومه (س) در قم و به خاکسپاری جسد مطهر آن بانو در این شهر نیز باعث شد. بارگاه ملکوتی این کریمه اهل بیت زیارتگاه محبین اهل بیت قرار گیرد . تعداد فراوان دانشمندان شیعی نیز که در این شهر مدفون گردیدند. باعث رواج یافتن مذهب تشیع در این شهر و به تبع آن سایر نقاط ایران گردیده است.

نام تعدادی از این دانشمندان به شرح زیر است :

زکریا ابن آدم که به فرمان امام رضا (ع) مقیم شهر قم شد ، شیخ کلینی ، شیخ صدوق ، صدرالمتالهین معروف به ملاصدرا ، شیخ حر عاملی، شیخ مفید قمی ، ابراهیم ابن محمد اشعری .آیت الله حائری، شیخ عبدالکریم یزدی موسس حوزه علمیه قم که زکریا ابن آدم و ابراهیم ابن محمد اشعری از اصحاب امام رضا (ع) هم بوده‌اند.

دراوصاف وعظمت برخی از خاندان و بزرگان مقیم در شهر قم میتوان اشاره به روایتی از امام رضا (ع) کرد . امام رضا (ع) فرمود : خداوند به سبب وجود زکریا ابن آدم بلا را از اهل قم دفع کرده ، آنچنان که به سبب قبر موسی ابن جعفر (ع) بلا را از اهل بغداد دفع نموده است.

در مورد اهمیت و جایگاه قم امامان شیعه بارها از این سرزمین به نیکی یاد کرده‌اند. بطوریکه این شهر پایگاهی برای تشیع و شاهد حضور شاگردان ائمه بوده است. شیخ طوسی در کتاب الرجال مجموع راویان شیعه در اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) را که با تعبیر قمی مشخص شده‌اند. از ده تن بیشتر ذکر نکرده است. حال آن که از دوران امام رضا (ع) به بعد بسیاری از راویان شیعه را اهل قم تشکیل می‌دهند. بی شک هجرت امام رضا (ع) به ایران و گسترش مذهب شیعه در این منطقه بعد از اقامت گزیدنشان در ایران از دلایل مهم و اصلی تعداد فراوان راویان شیعه در این مقطع می‌باشد. در بین راویان قمی خاندان اشعری از مقام و موقعیت ویژه‌ای برخوردارند. این خاندان از طریق تماس با امامان شیعه نقش مهمی در گسترش فقه و حدیث بر عهده گرفتند و موفق شدند در اواخر قرن دوم حوزه مستقلی در قم تشکیل دهند. فشارهایی که در عراق از سوی عباسیان به فقها و علمای شیعه وارد می‌شد. از علل انتقال مدرسه علمیه عراق به ایران بود. از این رو قم بعد از کوفه پایگاه علمی شیعیان گردید. که تا این زمان همچنان این موقعیت ادامه دارد.

ب) نقش قم در دوران غیبت از نگاه اهل بیت

در روایاتی که از امام رضا (ع) نقل شده، ظاهر می‌شود که امامان از بدو تاسیس شهر قم، مردم این شهر را از یاران حضرت مهدی (عج) به شمار آورده‌اند و دوستی و محبت مردم این شهر نسبت به آن حضرت قبل از ولادت ایشان معروف بوده است.

از صفوان بن یحیی نقل شده که گفت :

روزی خدمت امام رضا (ع) بودم، سخن از اهل قم و علاقه آنان نسبت به حضرت مهدی (ع) به میان آمد. حضرت برای آنان طلب آموزش کردند و فرمودند : خداوند از آنان خشنود باشد. آنگاه فرمود : بهشت، دارای هشت در

است که یکی از آن‌ها مخصوص اهل قم است، آنان بهترین پیروان ما از میان شیعیان جهانند، خداوند ولایت ما را در سرشت آنان قرار داد.

صاحب بحارالانوار روایتی از امام صادق(ع) نقل کرده که نشانگر آینده شهر قم و نقش آن پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) است.

روایت: بزودی شهر کوفه از مومنان خالی گردد و همانگونه که مار در لانه خود فرو می‌رود. علم از کوفه رخت بر بندد و سپس از شهری بنام قم آشکار گردد و آن سامان معدن فضل و دانش گردد به شکلی که در زمین کسی در استضعاف فکری به سر نبرد. حتی نو عروسان در حجله گاه خویش، و این امور نزدیک ظهور قائم ما به وقوع پیوندد. خداوند، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، جانشین حضرت حجت گرداند، اگر چنین نشود زمین اهل خودش را فرو برد و در زمین حجتی باقی نماند. دانش از این شهر به شرق و غرب جهان منتشر گردد، بدین سان بر مردم اتمام حجت شود و کسی باقی نماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد، آنگاه قائم ظهور کند و با ظهور وی خشم و غضب خداوند بر بندگان جلوه گر شود: زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد مگر بعد از آنکه آنان حجت خدا را آشکار نمایند<sup>۱</sup>. از این روایت چند موضوع روشن می‌شود:

الف: نقش علمی شهر کوفه در گسترش تشیع و پیروی از اهل بیت، در آستانه ظهور حضرت مهدی مضمحل شده و از بین می‌رود، البته کوفه شامل نجف نیز می‌شود. زیرا نام اصلی آن نجف کوفه بوده است. بلکه گاهی مراد از کوفه تمام عراق است. اما نقش قم، بر طبق روایت همچنان ادامه می‌یابد و نزدیک ظهور از عظمت بیشتری برخوردار می‌گردد.

ب: نقش برجسته اعتقادی شهر مقدس قم، در آن زمان منحصر به ایران و یا شیعیان نیست بلکه نقشی است جهانی که حتی غیر مسلمانان را نیز در بر می‌گیرد « بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلش حجت بر مردم خواهند بود» این بدان معنا نیست که دانش و مذهب از این شهر به فرد فرد مردم جهان می‌رسد، بلکه بدین معناست که دستیابی به مقررات و دستورات اسلام برای همه امکان پذیر خواهد بود.

درباره ویژگیهای ممتاز شهر قم و آینده آن از اهل بیت روایات زیادی نقل شده که نشان می‌دهد این شهر در قلب ایران در سال ۷۳ هجری، براساس طرحی از سوی امام باقر(ع) پایه گذاری شده و پس از آن همواره مورد توجه خاص ائمه اطهار قرار گرفته است. آنان با دانشی که از جد بزرگوارشان داشتند، خبر داده‌اند که در آینده، این شهر از جایگاهی والا برخوردار خواهد شد و اهالی آن از یاران باوفای حضرت مهدی خواهند بود. برخی دیگر از روایات بیانگر آن است که فلسفه نامگذاری این شهر به نام قم، هماهنگ با نام حضرت مهدی است که قائم به حق است و با قیام اهل قم و منطقه جغرافیایی آن در زمینه سازی و یاری حضرت ارتباط دارد .

در این رابطه امام صادق (ع) فرموده‌اند:

خدا حرمی دارد که مکه مکرمه است و پیامبر دارای حرمی که در مدینه منوره است و امیرالمومنین دارای حرمی یعنی کوفه است، ما اهل بیت نیز دارای حرمی هستیم که شهر قم است.

معنی سخن حضرت آن است که قم تا زمان حضرت مهدی حرم امامان اهل بیت و مرکز ولایت و یاری آن بزرگوار است و اهل ری و غیر آن نیز اهل قم محسوب می‌شوند، زیرا آنان نیز پیرو خط و مشی اهل قم نسبت به اهل بیت اند . از این رو بعید نیست که مراد از اهل قم که در روایات آمده و اینکه آنان یاوران حضرت مهدی اند همه ایرانیانی باشند که در ولایت و دوستی و جنگ و جهاد پیرو امامان هستند.

عنان بصری از امام صادق (ع) روایت دیگری کرده و میگوید: امام به من فرمود: آیا می‌دانی چرا این شهر را قم می‌نامند؟ عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترند. فرمود: زیرا اهل قم اطراف قائم آل محمد (ص) گرد آمده و با او قیام نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری کنند.

در روایت دیگری از امام رضا (ع) آمده است که : سالمترین مناطق روی زمین در آن روز کوهستان است. هنگامیکه در خراسان اضطراب شد و در میان گرگان و طبرستان جنگ در گرفت، در آن روز سالمترین مناطق شهرستان قم است که یاران بهترین مردم در جهت پدر و مادر و جد و جده و عم ( یعنی حضرت مهدی عج) از آنجا بر می‌خیزند.

قابل توجه است که محبت اهل قم نسبت به حضرت مهدی (ع) همچنان پرشور و زنده تا زمان ما باقی مانده است. این حقیقت را در ایمان، عملکرد و ظاهر زندگی قمی‌ها یا حتی در نامگذاری فرزندان، مساجد و موسسات خود بنام آن حضرت، بگونه‌ای که شاید کمتر خانه‌ایی از این نام خالی باشد، می‌توان مشاهده نمود. البته باید توجه داشت که تمام این فضائل و مناقب مشروط به تداوم ایمان و اعتقاد به ارزشهای اسلامی و ادامه راه اهل بیت توسط مردم قم می‌باشد. وگرنه اگر کسی خیال کند که چون قمی است و یا این که در شهر قم زندگی می‌کند و بدون عمل مشمول این رحمت و برکات الهی خواهد شد. به خیالی باطل و پنداری بی پایه و سست دچار شده است. چرا که امام صادق (ع) فرمود: خاک قم مقدس است و ساکنان آن از ما اهل بیت هستند و ما هم از آنهائیم. هیچ حاکم و ستمگری به آنها قصد سوء نمی‌کند. مگر اینکه خداوند در عذاب او تعجیل می‌فرماید. البته به شرط آنکه (اهل قم) به برادران خود خیانت نکنند (و احوال خود را تغییر ندهند). زیرا در آن صورت خداوند متعال ستمگران را بر آنان مسلط خواهد کرد.

از هجرت امام رضا (ع) تا انتظار موعود

با توجه به جایگاه ویژه ایران به عنوان بزرگترین پایگاه مذهب تشیع در بین کشورهای اسلامی و با عنایت به اینکه هجرت امام رضا (ع) به ایران، بر موقعیت ممتاز این سرزمین از جهات گوناگون افزود و بر طبق روایات و احادیث نیز این موضوع روشن شد که ایران بعنوان بزرگترین پایگاه مذهب تشیع در بین کشورهای اسلامی شناخته شده است. از کثرت مهاجرت امام زادگان به ایران، چه قبل از هجرت امام رضا (ع) و چه بعد از هجرت ایشان نیز مطالبی بیان شد که این امام زادگان چه در دوران حیات و چه پس از شهادت خود نقش بسیار حیاتی در هدایت و جهت دهی احساسات ایرانیان ایفا کردند. تا جایی که در عصر صفویه ایران به همت علمای نام آور شیعی همچون علامه مجلسی، ملاصدرا و شیخ بهایی رسماً بعنوان پایگاه تشیع در سراسر عالم اسلام شناخته شد. و از این رو پایه استقلال ایران در سایه تشیع استوار گردید و کار بدانجا رسید که علمای سنی و پیرامون مذاهب اربعه، خراسان را ترک کرده و به طرف بغداد رفتند و اطراف عباسیان را گرفتند و ایرانیان علاقمند به علم و سیادت خاندان پیامبر و اهل بیت بیشتر چهره شیعی خود را نمایان کردند.

این سیر در کشور ایران از هر جهت ادامه یافت. بطوریکه پس از شهادت امام رضا (ع) و در زمان امامت سایر ائمه این سر بلندی مذهبی ایران بر سایر بلاد مشهود بود. پس از شهادت یازدهمین امام شیعیان و با شروع دوران امامت حضرت مهدی (عج) و آغاز غیبت صغری و سپس غیبت کبری حضرت، اعتقاد به انتظار فرج و آمدن آخرین حجت خداوند و دوازدهمین امام شیعیان، تبلوری عینی در بین شیعیان ایران پیدا کرد که انقلاب اسلامی ایران شاهدهی بر این مدعا می‌باشد..

در مورد ظهور امام زمان (عج) به عنوان آخرین ذخیره الهی تمام منابع روایی شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که ظهور حضرت پس از نهضتی بوقوع خواهد پیوست که زمینه ساز ظهور ایشان خواهد بود. بر طبق روایات در این نهضت صاحبان درفش‌های سیاه از ایران، آماده کننده مقدمات فرمانروایی ایشان هستند. وجود دو شخصیت ایرانی موعود، یعنی سید خراسانی یا هاشمی خراسانی و یاور او شعیب بن صالح نقش قابل توجهی در این موضوع دارند. همچنانکه از مجموعه احادیث نیز می‌توان وقوع یک حرکت انقلابی قبل از ظهور را پیش بینی کرد. مانند این روایت که در تفسیر آیه

" بعثنا علیکم عبا دا لنا اولی باس شدید/ گروهی از بندگان پیکار جوی خود را بر ضد شما برانگیزیم "

چنین آمده است: آنان گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم برانگیزد و به سراغ هر یک از قاتلان که بروند او را به قتل رسانند.

اما حکومت ایرانیان زمینه ساز، به دو مرحله مشخص تقسیم می‌شود:

مرحله اول : آغاز نهضت آنان بدست مردمی از قم که شاید نهضت او سر آغاز امر حضور باشد. چرا که در روایات آمده که " آغاز نهضت آن حضرت از ناحیه مشرق است."

مرحله دوم : ظهور دو شخصیت موعود در بین ایرانیان به نام سید خراسانی و فرمانده نیروهای او که شعیب بن صالح است.

از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود : خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در سال ماه و روز واحد خواهد

بود. نظم و ترتیب آنها همچون دانه‌های تسبیح پی در پی است. در آن زمان مشکلات از همه سو روی آوردند. وای بر کسی که با آنان به مخالفت برخیزد. در میان پرچمها پرچمی هدایتگر از یمانی نیست چرا که به سوی مولای شما دعوت کند.

اینک که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشوری که ولی نعمت آن آستان مقدس حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) و عالم آل محمد (ص) است. انشاءالله یکی دیگر از نشانه‌های فرج تحقق پیدا کرده، امیدواریم که انقلاب اسلامی ایران پیش درآمد حوادث مهمتری چون خروج سید خراسانی باشد که پرچم را بدست صاحب اصلی آن، حضرت مهدی (عج) قائم آل محمد (ص) خواهد سپرد. والسلام.

## فصل هشتم

### نیایش

#### دعا و نیایش در کلام رضوی

احادیث تعبیری از روح، معنی قرآن و تفاسیر مضامین آن هستند. ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بر دعا اهمیت و ضرورت آن تأکید می کنند. و این که دعا نه تنها سلاح انسان در برابر امور منفی نفس و سختیهای زندگی، بلکه سلاح و ابزاری است برای انسان که با کمک آن می تواند به اهداف بلند خود دست یابد تأکید دارند.

حدیثی از امام رضا (ع) از اجدادش از رسول اکرم (ص) نقل شده که حضرت فرمود:

الدعاء، سلاح المؤمن و عماد الدین و نور السماوات و الارض و علیکم به دعا و اخلصوا النیه

دعا سلاح مؤمن است ستون دین، و نور آسمان زمین است و بر شما باد به دعا کردن و خالص کردن نیت. بنا بر فرمایش امام رضا (ع) همه این ادعیه نور است، همه این کلمات نور است. وقتی انسان با این احادیث و ادعیه انس بگیرد، هر حدیث و کلامی برای او حکم نورافکن را دارد و آنگاه که با این کلمات انس می‌گیرد گویی وارد بوستانی معطر شده که شامه و حتی باطنش از آن لذت می‌برد و خستگی را از بدن او دفع می‌کند.

لذا حضرت رضا (ع) اصحاب خویش را به دعا کردن سفارش می‌نمودند.

علیکم بسلاح الانبیاء فقیل ما السلاح الانبیاء؟ قال: الدعاء

بر شما باد به سلاح انبیاء پس گفته شد چیست سلاح پیامبران؟ فرمود: دعا کردن

الف) دعای امام رضا (ع) در قنوت نماز جمعه

امام رضا (ع) در قنوت نماز روز جمعه این دعای شریفه را تلاوت می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ

وَ حَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيِدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ



وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَأَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا

وَلَا تَجْعَلْ لَاحِدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَلِيًّا سُلْطَانًا

وَأَذِّنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

«بارالها کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستین خود را (امان مهدی عج) را صلاح فرما، همانگونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی و از سوی خویش با روح‌القدس او را یاری و پشتیبانی فرما و دیده‌بانانی از پیش رو، پشت سر همراه وی گردان تا از هر گزندی نگاهش دارند، ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز، که او تو را می‌پرستد و هیچ چیز را همتا و مانند تو نمی‌داند. برای هیچ یک از آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت به ولی خود قرار مده، او را در جهاد با دشمنان و دشمنش اجازه فرما و مرا از یاوران او قرار ده که همانا تو بر هر کاری توانایی.»

(ب) آغاز زیارت جامعه

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه زیارت جامعه کبیره از حضرت امام رضا (ع) که آن را در زیارت هریک از ائمه میتوان قرائت نمود.

السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَمْنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْصَارِ اللَّهِ

وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ

وَنَهِيهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ

وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهُ وَمَنْ إِيْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ إِيْتَصَمَ

بِاللَّهِ

وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ

لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

سلام بر اولیاء خدا و برگزیدگان او باد سلام بر آنان که امین خدا هستند سلام بر دوستان خدا سلام بر یاری کنندگان خدا و جانشینان و خلفای الهی سلام بر دل‌های محل معرفت خدا سلام بر قلوب پاک که منزلگاه ذکر خداست سلام بر آشکار کنندگان امر و نهی وحی خدا سلام بر داعیان خلق به سوی خدا سلام بر آنان که در راه رضای خدا ثابت قدم و پایدارند سلام بر آنان که در طاعت خدا با اخلاصند سلام بر رهبران خلق به سوی خدا سلام بر آنان که هر که آنها را دوست دارد خدا را دوست داشته و هر که با آنها دشمن است با خدا دشمن است و هر که آنان را شناخت خدا را شناخته و هر که آن بزرگواران را نشناخت خدا را نشناخته است و هر کس در امان آنها رفت و به آنها چنگ زد و در حفظ و امان خدا رفته و هر کس آنها را واگذاشت خدای عزوجل را واگذاشته و خدا را گواه می‌گیرم که من صلحم با هر که شما صلح باشید و در جنگ و مخالفتم با هر که شما در جنگ و خلاف باشید و من در ظاهر و باطن به شما ایمان دارم و کارم را در همه حال به شما تفویض کرده ام خدا لعنت

کند دشمنان آل محمد (ص) را از جن و انس و من بسوی خدا از آنها بیزاری می‌جویم و درود خدا بر محمد (ص) و آلش باد.

(ج) دعای مخصوص برای حفظ صاحب الامر (عج)

دعای مخصوص برای حفظ حضرت صاحب الامر (ع)

«یونس بن عبدالرحمن» از حضرت رضا (ع) نقل میکند که آن حضرت دیگران را به دعا کردن برای حضرت صاحب الامر (عج) امر می‌فرمودند و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ

وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ بِأَذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَيَّ بِرَيْتِكَ وَشَاهِدِكَ

عَلَيَّ عِبَادِكَ الْجَحْجَاجِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ عِنْدَكَ وَأَعِذْهُ

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَ

عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفَظْتَهُ بِهِ

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَبَاءَهُ أَيْمَتِكَ وَدَعَائِمِ

دِينِكَ وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ وَفِي جَوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَفِي مَنْعِكَ

وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ وَآمْنِهِ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ

أَمْنَتُهُ بِهِ وَاجْعَلُهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَآيِدُهُ وَأَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزَ وَآيِدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ

وَ قُوَّةِ بِقُوَّتِكَ وَ أَرْدِفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ، وَ آلٍ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَ الْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ

حُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَقًّا اللَّهُمَّ وَ بَلَّغُهُ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ

وَ ارْتُقْ بِهِ الْفُتُقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيْنُ بَطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ

وَ آيِدُهُ بِالنَّصْرِ وَ أَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ وَ قُوَّةَ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ دَمْدِمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ مَنْ غَشَّهْ

وَ افْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَهُ وَ دَعَائِمَهُ، وَ أَقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ مُمَيَّتَهُ

السَّنَةَ وَ مَقْوِيَةَ الْبَاطِلِ وَ ذَلَّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أْبْرِهِ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دِيَارًا وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا،

اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ اعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حِكْمَتَهُ

النَّبِيِّينَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ

وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَحِيحًا لَاعِوَجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَةَ مَعَهُ وَ حَتَّى

تُنِيرَ بَعْدَلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تُوَضِّحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ

وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ

وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ

وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَّةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً وَ لَا أَتَى حُوباً

وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً

وَ أَنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وَالدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ

وَ أَمْنِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبِهَا وَ بَعِيدِهَا وَ عَزِيزِهَا

وَ ذَلِيلِهَا حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ [عَلَى] كُلِّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى

وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالَى وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ،

وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُشَابِعَتِهِ، وَ أَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَا

صَحَّتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ

شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُجَلِّلَنَا مَحَلَّةً وَ تَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ

وَ أَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِذِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَ لِيَّكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ

اسْتَبْدَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ وَبَلِّغْهُمْ أَمَانَتَهُمْ

وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ أَعِزَّ نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ تَبَّتْ دَعَائِمُهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً

وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَاراً، فَاتَّهِمُ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ

وَ وِلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ

وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ای پروردگار تو هر بلا را دفع کن از ولی خود و خلیفه خویش و حجت بر خلق عالمت و زبانت که از تو به سخن آید و به حکمت بالغه تو گویا باشد و چشم بینای تو که به امر تو می‌نگرد و گواه بندگان تو و بزرگترین مجاهدان در راه تو و پناه آرنده به حضرتت و بندگی حضور حضرتت کند و او را ای خدا از شر جمیع مخلوقات که انشاء و ایجاد فرمودی در پناه خود حفظ کن و از شرور پیش رو و پشت سر و طرف راست و چپ و از فوق و تحت از همه آنها او را حفظ کن که هر کس را تو حفظ کنی مصون از هر فساد و نابودی است و نیز به وجود مبارک او پیغمبر اکرمت و پدران او ائمه هدی را که ارکان دین تو هستند همه را حفظ فرما و او را قرار ده در مخزن ودایع خود که هرگز ضایع در جوار تو نخواهد شد و در آن محیط قوت و عزتت که هرگز مقهور نمی‌گردد و او را در پناهگاه محکم و استوار خود ایمن بدار که هر کس آنجا درآید درآید درآمان از هر خذلان است و او را در کنف حمایت خود بدار که هر کس در آنجاست بی آرام و ناشاد نگردد و او را به نصرت با عزت خود منصور دار و به سپاه غالب و قاهر خویش موید فرما و به قوت و نیروی ( نامتناهی ) خود قوی و نیرومند گردان و فرشتگانت را با او همراه ساز و دوستانش را دوست دار و دشمنانش را دشمن دار و جوشن حفظ خود را بر او بپوشان و گرداگرد مجود مبارکش فرشتگان را برای محافظت بدار پروردگارا تفرقه و پریشانیهای خلق را بوجود او جمع گردان و رخنه‌های خلق را

مسدود ساز و جور و ظلم را نابود و حکومت عدل و عدالت کامل را بوجود حضرتش در جهان ظاهر ساز و اهل زمین را بطول بقای او زینت و کمال بخش و بیاری خود آن حضرت را موید فرما و به رعب و ترس دشمنان از او را منصور بر دشمنان ساز یاوران او را قوی و نیرومند و آنانکه ترک یاری او کنند آنها را مخدول و مغلوب ساز و آنانکه به دشمنی او قیام کنند هلاک گردان و کسانی که با او مکر و دغل ورزند نابود ساز و ستمگران اهل کفر و سرکشان و روسای آنها را به شمشیر آن حضرت بخاک هلاک انداز و پشت روسای ظلال را بواسطه او بشکن و کسانی که وضع بدعت و محو سنت الهی کنند و باطل را قوی سازند درهم شکن و بوجود آن بزرگوار جباران ظالم را ذلیل گردان و کافران و ملحدان بی دین را از تمام روی زمین از مشرق و مغرب و بر و بحر و صحرا و کوه ریشه کن ساز که دیگر دیاری از کافران و اثری از آثار ملحدان در جهان باقی نگذاری پروردگارا دیار خود را پاک از آن پلیدان ساز و دل‌های بندگان را از هلاک آنها شاد گردان و اهل ایمان را به وجودش عزت بخش و سنن و احکام رسولان الهی و پیغمبران خدا را که مندرس شده بواسطه او زنده ابد ساز و آنچه از کاخ دین و حکم شرع تو را که ویران ساخته و تغییر و تبدیل داده‌اند به وجودش از نو بنیاد کن تا آنکه بواسطه او و به دست او شرعی جدید و آیینی کاملاً تازه که با آن هیچ ناراستی و بدعت نباشد برای امت باز آید و تا آنکه به عدل او بنیان ظلم و جور را نابود سازی و آتش کفر را به کلی خاموش گردانی و عهد و پیمان حق را آشکار و اساس عدل که مجهول گردیده مبین و معلوم سازی زیرا آن حضرت آن بنده با خلوص توست که او را کاملاً خالص برای خود گردانیده‌ای و برای غیبت خویش برگزیده‌ای و او را مقام عصمت از گناه و مبرا از هر نقص و عیب و پاک و منزّه از هر رجس و پلیدی و سالم و پاکیزگی از هر ناپاکی عطا فرمودی پروردگارا پس ما بر او گواهی می‌دهیم در روز قیامت و روز ورود حادثه بزرگ محشر که او هیچ گناهی ابداً نکرده و جرمی هرگز اتیان ننموده و مرتکب هیچ معصیتی نشده و هیچ از طاعتت را بدا ضایع نداشته و هیچ از حرمتت را هتک ننموده و ابداً فرضیه‌ای را از فرایضت مبدل نساخته و حکمی از شریعتت را تغییر نداده است و اوست البته امام‌هادی خلق رهبر پاک سیرت با تقوای پاکیزه صفات پسندیده آراسته به هر کمال پروردگارا تو به خود آن حضرت و اهل بیتش و فرزند و ذریه و امت و جمیع رعیتش عطایی مرحمت فرما که به آن عطا دیده اش روشن و روانش شاد و مسرور شده و کشور تمام مملکت داران عالم از قریب و بعید آنها و عزیز و ذلیلشان همه را به او اعطا فرما تا آنجا که حکمش بر هر حاکمی نافذ و حق او را بر

هر باطلی غالب گردان پروردگارا تو ما را بر دست مبارک او به راه هدایت بر و به طریق شرع عظیم الشان و طریقت عدل و درستی که هر تالی باید به آن طریق باز گردد رهبری فرما و ما را بر طاعت آن حضرت قوت عطا فرما و بر پیرویش ثابت قدم بدار و بر نعمت متابعتش بر ما منت گذار و ما را از سپاه آن حضرت که به فرمانش کاملاً قیام کنند و با او شکیبیا و صابرنند و در یاری و مددکاری او صرف رضا و خشنودی تو را طالبند قرار ده تا آنکه ما را در روز قیامت در صف یاران و مددکاران او و تقویت سلطنتش محشور سازی پروردگارا این ( درخواست و دعا ) را برای ما خالص از هر گونه شک و ریب و ریا و دو رنگی قرار ده تا آنکه بر او ما به غیر تو اعتماد نکنیم و جز القای تو را طالب و مشتاق نباشیم و تا آنکه ما را به مقام او وارد کنی و در بهشت رضوان با او قرار دهی و ای خدا ما از خستگی و بی میلی و کسالت و سستی در طاعت به تو پناه می‌بریم و ما را از کسانی که برای احیاء دین خود از او نصرت خواهی و موفق به اعزاز ولی و حجت گردانی مقرر فرما و ما را به غیر ما مبدل مگردان که البته این تبدیل ما به غیر بر تو آسان است اما برای ما بسیار ( گران ) است پروردگارا درود و رحمت فرست بر والیان عهد او و پیشوایان بعد او و آن بزرگواران را به آمال و آرزوهای بلندشان نایل ساز و بر عمرشان بیفزا و نصرت با عزت به آنها عطا فرما و آنچه با آن پیشوایان الهی از امر دین خود مربوط با آنان فرمودی در حقشان به حد کمال رسان و اساس و ارکان آنها را ثبات و دوام بخش و ما را از یاران آنها و از انصار دین خود قرار ده که البته آن بزرگواران معدن کلمات روحانی و گنجینه علم و ارکان توحید و معرفت و ستونهای دین تو و صاحب اختیاران امر شرع تواند و از بندگان خاص و خالص تو و برگزیده از خلق تو و دوستان خاص و فرزندان محبان خاص و برگزیده اولاد پیغمبر تواند و سلام و تحیت و رحمت خدا بر او و بر پدر بزرگوارشان باد

فهرست منابع

۱- القرآن الکریم

۲- نهج البلاغه



۴- احتجاج/طبرسی/ احمدبن علی(قرن ۶)/ ج ۲/ ترجمه بهراد جعفری/ انتشارات دارالکتب الاسلامیه/ چاپ دوم/ ۱۳۸۵ش

۵- ارشاد، شیخ مفید، چاپ تهران، ۱۳۵۸

۶- اسرار توحید شماره ۶۱۹ امالی

۷- اسرار توحید یا ترجمه کتاب توحید/ شیخ صدوق(۳۸۱ق)/ انتشارات علمیه اسلامیة/ بی چاپ/ بی تا

۸- امالی/ شیخ صدوق/ ترجمه ایة الله کمره‌ای/ انتشارات کتابخانه اسلامیة/ چاپ چهارم/ زمستان ۱۳۶۲

۹- امام رضا و ایران/ سیدحسین حر/ چاپ دوم/ پاییز ۸۶/ نشر معارف

۱۰- امام رضا و ایران، سید حسین حر

۱۱- امام شناسی/رضوانی/ علی اصغر/ ج ۱(امامت در قرآن) انتشارات مسجد جمکران/ چاپ دوم/ پائیز ۱۳۸۵

۱۲- امام مهدی موجود موعود/ جوادی آملی/ عبدالله/ مرکز نشر اسرا/ چاپ اول تابستان ۱۳۸۷

۱۳- امام، یگانه دوران/ طاهری/ مرتضی/ انتشارات دلیل ما/ چاپ دوم/ زمستان ۱۳۸۵

۱۴- امامت و رهبری/ مطهری/ مرتضی/ انتشارات صدرا/ چاپ دوم/ اردیبهشت ۱۳۶۴

۱۵- امامت و مهدویت/صافی گلپایگانی/ لطف الله/ ج ۲-۱/ موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیه/ چاپ دوم/ ۱۳۸۰

۱۶- بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت/ اکبرنژاد/مهدی/ موسسه بوستان کتاب( مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ) چاپ اول/ ۱۳۸۶ ش

۱۷- پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا/ محمد باقر شریف القریشی/ ترجمه سید محمد صالحی/ ج ۱/ ناشر دارالکتب الاسلامیه چاپ اول

۱۸- پیام قرآن/ مکارم شیرازی/ ناصر/ و جمعی از دانشمندان/ ج ۹( امامت و ولایت در قرآن) انتشارات نسل جوان/ چاپ دوم/ ۱۳۷۴ش

۱۹- تاریخ الیعقوبی/ ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران/ علمی و فرهنگی/ ش ۱۳۶۶

- ۲۰- تاریخ تشیع (۲) / دولتها، خاندانها و آثار علمی و فرهنگی شیعه / جمعی از مؤلفان زیر نظر دکتر سیداحمدرضا خضری / پژوهشگاه حوزه دانشگاه (سمت) / چاپ سوم / ۱۳۸۶
- ۲۱- تاریخ زندگی پیشوایان معصوم (ع) (چهارده نور پاک) / دکتر بخشایشی / نوبت چاپ : اول ( با ویرایش جدید) / تاریخ انتشار بهار ۸۷. ناشر : دفتر نشر نوید اسلام قم
- ۲۲- تحف العقول / الحرانی / ابن شعبه / تصحیح علی اکبر غفاری / موسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / چاپ دوم / ۱۳۶۳ ش
- ۲۳- التحقيق فی کلمات القرآن / مصطفوی / حسن / موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / چاپ اول / ۱۴۱۶ ق / ج ۱
- ۲۴- تفسیر المنار / رشید رضا / ج ۶
- ۲۵- تفسیر المیزان / طباطبایی / محمد حسین / ج ۱ / ترجمه ناصر مکارم شیرازی / بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا / چاپ سوم / تابستان ۱۳۶۶ ش
- ۲۶- تفسیر صافی / فیض کاشانی / محمد محسن / ج ۲- ۳- ۶ / ترجمه جمعی از فضلا زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی / نشر نوید اسلام / چاپ سوم / تابستان ۱۳۶۶ ش
- ۲۷- تفسیر مجمع البیان / طبرسی / فضل بن الحسن / ج ۵- ۶- ۹- ۱۰ / تصحیح هاشم رسولی محلاتی - فضل الله یزدی طباطبایی / دارالمعرفه بیروت / چاپ دوم / ۱۴۰۸ ق
- ۲۸- تفسیر نمونه / مکارم شیرازی / ناصر / و جمعی از دانشمندان / ج ۲- ۹- ۱۰- ۱۳ / دارالکتب الاسلامیه / چاپ ۱۳۷۰ / ۲۳ ش
- ۲۹- جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو / جلیل عرفان منش / انتشارات استان قدس رضوی / چاپ چهارم ۱۳۸۵
- ۳۰- جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا از مدینه تا مرو، جلیل عرفان منش
- ۳۱- خصال / شیخ صدوق / ترجمه و شرح آیه الله کمره‌ای / انتشارات کتابخانه اسلامی / چاپ چهارم / زمستان ۱۳۶۲

۳۲- خورشید مغرب / حکیمی / محمد رضا / دفتر نشر فرهنگ اسلامی / چاپ هفتم ۱۳۷۱

۳۳- رجعت از نظر شیعه / شیخ نجم الدین طبری / انتشارات دلیل ما / چاپ دوم ۱۳۸۶

۳۴- رجعت یا حیات دوباره / احمدعلی طاهری و رسی / چاپ دوم ۱۳۸۶ / انتشارات مسجد مقدس جمکران

۳۵- روز رهایی در سایه سار مهدی (عج) / لطیف راشدی، ج ۲۰۱ / انتشارات ارمغان طوبی

۳۶- روزگار رهایی / مهدی پور / علی اکبر / ج ۱ / (ترجمه یوم الخلاص / کامل سلیمان) / نشر آفاق / چاپ دوم شعبان

۱۴۰۷

۳۷- زندگانی امام علی بن موسی الرضا (ع) / عمادزاده / حسین / انتشارات گنجینه - نشر محمد / چاپ دوم / ۱۳۴۴ ش

۳۸- زندگانی چهارده معصوم علیه السلام / ترجمه کتاب اعلام الوری باعلام الهدی امین الاسلام طبرسی / متوفی

سال ۵۴۸ هـ ق / ترجمه عزیزالله عطاردی / انتشارات اسلامیة / چاپ ۱۳۷۷.

۳۹- سیره معصومان / ناهید محسن امین / ترجمه علی حجتی کرمانی / انتشارات سروش، چاپ سوم ۱۳۷۶

۴۰- سیمای آفتاب / طاهری / حبیب اله / موسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور / چاپ اول / بهار ۱۳۸۷

۴۱- شمیم ولایت / جوادی آملی / عبدالله / مرکز نشر اسرا / چاپ اول / فروردین ۱۳۸۲ ش

۴۲- شیخ الاسلامی ( فخر المحققین شیرازی) / محمدهادی / ج ۲ / تحقیق سید محمد جواد طبری حائری /

انتشارات بنیاد فرهنگی و کتابخانه ایه الله حائری / چاپ اول / بهمن ۱۳۷۰

۴۳- شیخ طائفه محمد بن حسن طوسی ( ره) / ترجمه و تحقیق: مجتبی عزیزی / کتاب متن و ترجمه کتاب

غیبت / انتشارات مسجد مقدس جمکران / نوبت چاپ اول / پائیز ۸۷

۴۴- عبدالواحد (قرن ۵) غرر الحکم و درر الکلم / الامدی التیمی / ج ۱ / انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت /

چاپ اول / ۱۴۰۷ ق

۴۵- عشق هشتم - نگاهی نو به زندگی و زمانه حضرت معصومه و امام رضا (ع) - ترجمه : حسین سیدی، مولف :

کمال سید

۴۶- علی کورانی / عصر ظهور / ترجمه مهدی حقی، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیر کبیر /

تهران ۱۳۸۶

- ۴۷- عیون الاخبار الرضا/ شیخ صدوق/ ترجمه علی اکبر غفاری - حمید مستفید/ ج ۱-۲ دارالکتب الاسلامیه/ چاپ سوم/ ۱۳۸۵ ش
- ۴۸- الغدیر/ امینی/ عبدالحسین/ ج ۴-۲/ ترجمه جلیل تجلیل/ مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت/ چاپ دوم/ ۱۳۶۹ ش
- ۴۹- الغیبه/ نعمانی/ محمد بن ابراهیم/ ترجمه عبدالرسول هاشمیان آدریانی/ انتشارات آراموس
- ۵۰- فلسفه امامت و رهبری/ محمدی ری شهری/ محمد/ مرکز انتشارات دفتر تبلیغ اسلامی/ چاپ پنجم/ ۱۳۶۸ ش
- ۵۱- قطره ای از دریای فضائل اهل بیت ترجمه کتاب القطره/ سید احمد مستنبط/ مترجم: محمد ظریف/ نشر حاذق/ چاپ هشتم/ ۱۴۲۸- جلد ۱ و ۲
- ۵۲- کافی/ کلینی/ محمد بن یعقوب (۳۲۸ق)/ ج ۲-۱/ تصحیح علی اکبر غفار/ انتشارات دارالکتب اسلامی/ چاپ سوم/ ۱۳۸۸ ق
- ۵۳- کتاب الغیبه/ طوسی/ محمد بن الحسن/ ترجمه و تحقیق مجتبی عزیزی/ انتشارات مسجد جمکران/ چاپ اول پائیز ۱۳۸۶
- ۵۴- کتابشناسی امامزادگان، سیداصغر احمدی، ناشر صبح صادق، چاپ دوم، ۱۳۸۵
- ۵۵- کتب تشیع ۲
- ۵۶- کشف الغمه فی مصرفه الائمه/ علامه آرپلی ۶۱۷ هجری ترجمه المناقب/ علی بن حسین زوارئی/ انتشارات اسلامی/ تصحیح سید ابراهیم میانجی
- ۵۷- کمال الدین و تمام النعمه/ شیخ صدوق/ ترجمه منصور پهلوان/ تصحیح علی اکبر غفاری/ ج ۲-۱/ انتشارات سازمان چاپ و نشر دارالحدیث/ چاپ دوم/ ۱۳۸۲ ش
- ۵۸- لسان العرب/ ابن منظوره مصری/ دارالفکر بیروت/ بی چاپی/ ج ۴-۵-۱۲-۱۵
- ۵۹- مجالس الشیعہ در مناقب ثامن الائمه(ع)/ نورانی یگانه قمی/ احمد/ انتشارات انصاریان قم/ چاپ اول/ ۱۳۷۹ ش

۶۰- مجلسی/ محمد باقرا/ بحارالانوار/ دارالاحیاء التراث العربی بیروت/ چاپ سوم ۱۴۰۳ ق/ ج :

۷۸-۷۵-۷۲-۶۶-۶۵-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۷-۴۵-۳۸-۳۶-۳۴-۲۶-۲۷-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۱۶-۱۱-۱۰-۳ چاپ

سوم، انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۲، ۵۳، ۵۲ و ۵۱

۶۱- مجمع البیان/ طبرسی/ امین الاسلام/ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت

۶۲- المراجعات/ عاملی/ سید شرف الدین/ ج ۱/ ترجمه میرزا ابولفضل نجم آبادی (۱۳۸۵-۱۳۱۷ ق) بازنویسی و

تحقیق موسسه‌ایه الله بروجردی/ نشر معارف اهل بیت/ چاپ اول/ ۱۳۸۶ ش

۶۳- مرضیه محمد زاده/ علی بن موسی (ع)، امام رضا، انتشارات دلبل ما/ چاپ دوم

۶۴- مستنبط/ سید احمد ( ترجمه کتاب القطره) / قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت/ ترجمه محمد ظریف/

انتشارات الماس/ چاپ اول مهر ۱۳۸۱

۶۵- معانی الاخبار/ شیخ صدوق/ تصحیح علی اکبر غفاری/ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم/ ۱۳۶۱ ش

۶۶- معجم مفردات الفاظ القرآن/ راغب اصفهانی/ تحقیق: ندیم مرعشلی/ دارالکتاب العربی/ بی‌چا/ بی‌تا

۶۷- مقام ولایت در شرح زیارت جامعه کبیره/ زمردیان/ احمد/ چاپ چهارم/ ۱۳۷۱ ش

۶۸- منتخب الاثر/ صافی گلپایگانی/ لطف الله/ چاپ دوم / انتشارات کتابخانه‌ایه الله صافی گلپایگانی/ ۱۵ شعبان

۱۴۲۸

۶۹- موعود نامه/ مجتبی سوله‌ای/ انتشارات مشهور/ ناشر میراث ماندگار/ نوبت چاپ سوم ۱۳۸۵

۷۰- النجم الثاقب یا مهدی موعود/ طبرسی نوری/ میرزا حسین/ انتشارات علمیه اسلامیة/ بی‌چا/ بی‌تا

۷۱- نقش امام معصوم، عادل ادیب، ترجمه مینا جیگاره، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷

۷۲- وسایل الشیعه/ حر عاملی/ محمد بن الحسن/ ج ۱/ تحقیق عبدالرحیم ربانی یرازی/ دارالاحیاء التراث العربی

بیروت/ چاپ پنجم/ ۱۴۳۰ ق

۷۳- ولاء و ولایتها/ مطهری/ مرتضی/ انتشارات صدرا/ چاپ دوازدهم/ مرداد ۱۳۷۷